



جناح جنگجوی امریکا دوباره حاکم میشود

صفحه ۸۱

قیمت ۹۰ ریال

شماره دوم - آبان ۱۳۵۹

زمینه ها، مسایل و پیامدهای جنگ

● عراق: مدعی "عدم تعهد" و "ژاندارم خلیج" ● ریشه های اختلاف عراق و ایران و نقش آن در جنگ کنونی ● نظریه تاریخ عراق ● قطع نفت ایران و عراق بیشتر به کشورهای فقیر صدمه میزند
در صفحات ۲۵، ۵۲، ۶۷، ۷۰

وسوسه فاشیسم

رژیم عراق را به

'صدام پرستی'

کشانده است

صفحه ۶۳

وابستگی، نتیجه دلخواه

امپریالیسم

از جنگ

صفحه ۷

بعث عراق

از شعار تا عمل

صفحه ۵۶

مواضع

گروههای سیاسی

درباره جنگ

صفحه ۳۴

صف...

گزارشی از مسائل مربوط

به تامین مایحتاج

عمومی - جدولی از

افزایش قیمت برخی از

ارزاق
صفحه ۲۸

روز به روز

چکیده‌ای از رویداد-

های هر روز مه‌ماه در

ایران و جهان

صفحه ۹۸



موضع فلسطین
و جنگ ایران و عراق

فلسطین چه کرده که مستوجب اینهمه حمله و دشمنی
بویژه از سوی لیبرالها شده است؟
صفحه ۴۰

جنگی که همه شؤن منطقه را

دگرگون می کند

صفحه ۱۶

در جواب خوانندگان

پس از انتشار نخستین شماره پیروزی ، خوانندگان

بسیاری با ما تماس گرفتند. که گروهی از آنان ما را

تشویق کرده ، گروهی دیگر انتقادهایی - اکثراً " سازنده " - از برخی مطالب نشریه داشتند. گروه سومی سوآلهایی را - درباره نشریه و تهیه کنندگان آن - مطرح کردند . گروه اول را با پاسپی گرم و این جمله ساده که " آنچه گردمایم وظیفه ما بوده " پاسخ می گوئیم . انتقادهای گروه دوم را ، تا حد امکان در این شماره نشریه بگاریسته ایم و در آینده نیز بگاری خواهیم بست . به سوآلهای گروه سوم نیز ، با توجه به وظیفه خود در قبال خوانندگان ، وبا پذیرش حقانیت همه آن سوآلهادر باره نشریه ای که تازه به میدان آمده ، تا حد امکان ، پاسخ میدهیم :

- چرا اسم نویسندگان مقالات نشریه را نمی نویسید ؟ - این نشریه حاصل کار جمعی گروه کوچکی از روزنامه نگاران با سابقه و برخی کم سابقه تر - اما همه حرفه ای - است . حتی در مطالی که تنها توسط یک همکار نوشته میشود ، مشورت با دیگران جای عمدهای دارد . از این رو درج نام نویسنده یا نویسندگان هر مقاله را بجا نمی دانیم .

- به چه گروه و یا جریان فکری وابستگی دارید ؟ - با آنکه ممکن است هر کدام از همکاران " پیروزی " جهان نگری و " آیدئولوژی " خاص خود را داشته باشد ، اساسی ترین اصل حاکم بر آن کار جمعی که حاصل آن نشریه ماست ، بیطرفی هر چه ممکن تر در برابر رویدادها و حفظ استقلال نسبت به گروهها و جریانهای سیاسی است .

- از افراد معروف (مطبوعاتی و ادبی) کسی با شما کار می کند ؟ - نه .

- چرا نشانی محل نشریه را ننوشتاید تا بتوان با شما از نزدیک همکاری کرد ؟ - بنا به دلایل بسیار پیشیا افتاده " مستقلاتی " هنوز موفق به یافتن محل مناسبی برای محل نشریه نشده ایم . وگرنه ، از همکاری خوانندگان خود ، در اولین فرصتی که بتوانیم ، مشتاقانه استقبال خواهیم کرد .

- خوانندگان ما همچنین سوآلات بسیاری درباره مشکلاتی چون تأخیر توزیع ، عدم توزیع نشریه در بعضی شهرستانها و مسائل از این قبیل را مطرح کرده اند ، مشکلاتی که مستقیماً از شرایط جنگی کنونی ناشی میشود و متأسفانه در برابر آنها کاری از دست ما ساخته نیست . با تشکر دوباره از همه و بامید آنکه در شرایط " عادی " و دلخواه همه ، کار کنیم .



ماهنامه سیاسی - اجتماعی

زیر نظر شورای نویسندگان

شماره دوم - آبان ۱۳۵۹

تلفن : ۸۳۸۸۶۳

شماره اول " پیروزی " را در تهران از کتابفروشیهای زیر تهیه کنید :

انتشارات باران : خیابان انقلاب ، خیابان فروردین .

انتشارات پیمان : خیابان انقلاب ، بازارچه کتاب .

انتشارات توس : خیابان انقلاب ، خیابان دانشگاه .

حرف اول

مهرماه سراسر جنگ بود. جنگی که بر همه شوئون ملت ما - و همچنین ملت عراق - اثر گذاشت و پیامدهای آن تا بدان حد عمیق است که بیجا نخواهد بود اگر آن را مبداء تازه‌ای برای تاریخ معاصر ایران و عراق - و شاید منطقه - بدانیم. از همین رو، ما تقریباً "همه صفحات این شماره" نشریه خود را به بررسی زوایای مختلف مسأله جنگ و پیامدهای آن اختصاص داده‌ایم، تا شاید به سهم خود، به شناخت مسأله‌ای این چنین مهم، کمک کرده باشیم.

برای نخستین بار در تاریخ معاصر، ایران جنگی واقعی را در مرزهای خود می‌بیند، اشغال و انهدام شهرهایی از خود را بدست نیروهای بیگانه تجربه می‌کند، زیربنای اقتصادی هنوز جان‌نقشده‌اش درگیر جنگی مخرب می‌شود و دولتمردان خود را محکمی سخت و ناآشنا می‌زند.

ملت عراق نیز برای نخستین بار در تاریخ کشور خود به جنگ مستقیمی در فراسوی مرزهایی کشیده می‌شود که به تعبیری مرکب آن هنوز بر روی نقشه خشک نشده است. در واقع رژیم بعث در زمانی پاراناز گلیم خودفراتر می‌نهد که شاید هنوز به تحقق تمامیت و وحدت کشور موفق نشده و هنوز به کمک ضربه‌های خشن بحران‌گردستان عراق را آرام نگاه می‌دارد.

خواننده در همین شماره خواهد دید که چگونه یک نظام سیاسی ارتجاعی که همه موجودیت خود را اکنون در تصویر دیگتاتوری تازه سر برآورده می‌بیند، ممکن است با اتکاب به ثروتی اندوخته از بازی حساس بند بازی میان دو وابستگی، به وسوسه ژاندارمی منطقه‌ای کشیده شود که پیش از این نیز ژاندارمهای ناگام دیده است. چگونه انحطاط مشترکی صدام حسین را دقیقاً "بدنبال همان رویاهایی می‌فرستد که محمد رضا پهلوی را وسوسه می‌کرد. جنگ کنونی بدون شک درس بزرگی به ملت عراق خواهد داد تا جاه‌طلبی‌ها و انگیزه‌های واقعی حاکمان خود را از ورای شعارها و نویدهای بظاهر انسانی و مترقی باز شناسد.

در این سو، این واقعیت که خاک ما مورد تجاوز قرار گرفته و در این مرحله، ایران درگیر جنگی برای پایان دادن به گشتار مردم بیگناه و بی‌دفاع و رها کردن بخش‌هایی از سرزمین خود است، نباید ما را از اندیشیدن به سهمی که ممکن است طرف دیگر جنگ در برافروختن آن داشته باشد، غافل‌کند. بسیاری از آنچه در ماه‌های اخیر در داخل و حتی خارج از کشور گذشته، و گدگاه اعتراف‌ها و انتقادهای شدید خود دولتمردان ایران را بدنبال آورده، نمی‌تواند در پدید آوردن این جنگ مخرب مؤثر نباشد. نظری به موضع‌گیری کشورهای مختلف جهان درباره جنگ و دو طرف درگیر در آن، در این رابطه بسیار پر مفهوم است.

دولتمردان ایرانی با کمال حیرت از بی‌تفاوتی تقریباً همه کشورهای جهان در برابر جنگ ایران و عراق سخن می‌گویند. بنی‌صدر آشکارا اذعان می‌کند که "برای نخستین بار در تاریخ کشوری مورد تجاوز قرار می‌گیرد و صدای هیچکس بلند نمی‌شود". بحث‌های مربوط به دلایل این انزوا، گماگان بد درگیریهایی لفظی و شعار پراکنی‌های میان دوجناح حکومت منتهی می‌شود که نه تنها مسأله را نمی‌شکافد و چاره‌ای برای

آن نمی یابد، بلکه آن را مخدوش و در نهایت پیچیده تر می کند. بی تفاوتی - یا باصطلاح "بیطرفی" - ابرقدرت ها و دیگر کشورهای بزرگ، که یادستی نهانی در جنگ هایی از این نوع دارند و یا منافع آشکار از آن می برند، مایه حیرت تقریباً "هیچکس نیست". بیطرفی کشورهای وابسته به این یا آن ابرقدرت نیز فهمیدنی است. اما بی تفاوتی بسیاری از کشورهایی که ما مدعی دوستی و برادری با آنها هستیم باید هشدار دهنده باشد. در مورد یکی دو کشوری نیز که در این میان طرف ایران را گرفته اند، در ضمن کمال قدرشناسی باید بصراحت گفت که آنچه موضع گیری آنها را مشخص می کند بیشتر نه همبستگی با این طرف جنگ، که مناقشه یا خصومت با طرف دیگر آن است. از این واقعیت، درس هایی بسیار پرارزش، دست کم برای آینده، می توان گرفت.

درباره این جنگ بسیار خواهند نوشت و ما نیز وظیفه ملی خود می دانیم که درباره آن، تا هر مقدار و تا هر زمان، هر چه را که هست بیابیم و به خواننده منتقل کنیم، حتی اگر به تکرار کشد و حتی اگر - برای بعضی کسان - ملال آور شود. این جنگ، حادثه های آنچنان مهم است که کشورهای درگیر در آن، با ماهیتی کاملاً "متفاوت سرازآن بیرون خواهند آورد. بنابراین، ما را نباید از نگرش و بازهم نگرش بر همه جنبه های آن، باکی باشد.

درباره پیامدهای جنگ نیز به همین گونه پافشاری خواهیم کرد. اکنون، تنها همین را بیگوئیم که در این مرحله از تحول رویدادها، این جنگ جز برای امپریالیسم و کشورهای بزرگی که همواره متاعی برای فروش به جنگجویان و جنگ زدگان آماده دارند، - و شاید در نهایت به همین هدف به افروختن جنگ ها کمک می کنند، فایده ای نخواهد داشت. جنگ ایران و عراق، یا هر تقصیری که شروع شده باشد و به هرگونه که خاتمه یابد، جز گشتار مردم بی دفاع، اضمحلال زیربنای اقتصادی کشورهای درگیر، شدید وابستگی ها و تحمیل هر نوع "راه حل" های متکی بر اثرات روانی جنگ، شمری بیار نخواهد آورد. بر همه نیروهای آگاه و ملت بیدار ماست که از هم اکنون خود را برای مقابله با هر نوع بهره جویی هایی که ممکن است چه، از داخل، و چه از خارج کشورمان از "ب گل آلود" ناشی از جنگ بشود، آماده کنند. شرایط جنگی، "پیامدهای جنگ" و تحولاتی دیگر از این نوع، که برای ملت ما مفاهیم دردناک گشتار و فقر و آوارگی و بیکاری را در بر دارد، نباید برای تحمیل شرایط تازه در جهت استثمار بیشتر و افزایش بار تازه ای بردوش توده های رنج دیده کشور مورد سوء استفاده قرار گیرد. همچنین، شرایط و پیامد های جنگ نباید به هیچ گروه یا "تهدا"ی این فرصت نابحق را بدهد که با استفاده از آنها، و احیاناً با تکیه به ادعاهای مربوط به جریان جنگ و یا پیامد آن، از موضع "سروارانه" و "آمرانه" و "ظلمتکار از توده ها"، خواست ها و هدفهای خویش را بر آنها تحمیل کنند. توده های ملت ما، که اثرات جنگ را با گوست و خون خود حس می کنند و ضربه جنگ تا مغز استخوان آنها اثر می گذارد، تنها مدعیان بحق همه آن چیزی هستند که به جنگ و پیامدهای آن مربوط میشود و در نتیجه، با هر فرد یا

گروهی که مدعی و نگارگردان "دستاورد" های جنگ و متولی آن باشد ، مقابله خواهند کرد . دولت مردان ایرانی نیز ، با تجربه بسیار روشنی که همه از تحولات همین یکسال ونیم آموخته ایم ، باید با هر نوع وسوسه استفاده از شیوه های "حکومت در شرایط جنگی" ، که نادیده گرفتن منافع مردم را "توجیه" کند ، مقابله کنند

با توجه به همه آنچه می‌شود ، این جنگ که جز برای دشمنان ملت ایران - همچنین ملت عراق و همه خلق های منطقه - فایده ای ندارد ، باید هر چه زودتر ، با احقاق حقوق پایمال شده مردم جنگ زده احترام کامل به تمامیت ارضی ایران ، تامین خسارت های جنگ و سرکوب جنگ افروزان و حامیان آنها پایان یابد . نیروهای متجاوز عراق باید به همت مردم دلاور ما از خاک میهن بیرون رانده شوند . تا هنگامی که کشور از نیروهای اشغالگر پاک نشده ، نیروهای مقاومت باید با شرکت همه قشرهای مردم و تسلیح وسیع همه آنان - بدون استثنا و تبعیض های انحصارگرایانه - تشکیل شود . برای سرکوب سودجویان و فرصت طلبان ضد مردمی ، و مقابله با هر نوع سوء استفاده از "شرایط جنگی" ، بسیج سیاسی مردم و تشکیل شوراهای محلی و منطقه ای لازم است . جیره بندی بعضی از فرآورده های ضروری توسط این شوراهای مردمی ، مانع از آن میشود که تبعیض و محرومیت ، بار تازه ای بردوش توده های جنگ زده ما بیفزاید . همچنین ، مردم باید در جریان همه مایل مربوط به جنگ قرار گیرند . تنها با شناساندن همه مسائل و تحولات مربوط به جنگ و با روشن کردن همه انگیزه ها و زمینه های آن است که می توان از مردم مقاومتی درخور نیروی عظیم آنان انتظار داشت و به همت آنان ، بر جنگ و عوارض آن فائق آمد . برای این مهم ، وسایل ارتباط جمعی باید بدور از هر نوع "جوسازی" و "شعار پراگنی" ، به وظیفه واقعی خود که آگاه کردن مردم از واقعیت رویدادهاست ، عمل کنند

از این جنگ ، همه با روحیه ای تازه سربری خواهیم آورد . از مصائب و مشکلات جنگ بسیار سخن گفتیم . اما برای ملتی که چون "ابراهیم" و "سیاوش" ، از همه آتش های زمانه سرفراز و آخته تر از پیش سربرون می آورد ، این جنگ نیز جز دیباچه ای بر فصل تازه ای از روئیدن و تناوری نیست . همین دوسه لحظه نامساعد گذرا نیز درس تازه ای برای ملت ماست . یک بار دیگر ، - مثل همیشه - آسیب را پس می زنیم ، دشمنان ما چه بزرگ و چه کوچک ، همه از مسیر تاریخ عقب رانده میشوند ، ماتیم که پیش می رویم . در برابر این آخرین نفس زدن های دشمن ، قهرمانان ما ایستیم تا مرگ او را تماشاگر باشیم . در این آتشی که فردا بر ما گلستان خواهد شد ، دشمن میسوزد و خاکستر میشود .

استقلال

این ز رهپوش ها ، این لشکریان را می شناسم
بر آبیایم رخنه کردند
شبانه بر خاک میهنم ، بر ساحلم ، سر بازاها فرود آوردند
تشنه خون من اند
چراغ روشن چشمانم را شکسته می خواهند .
... و ما ، با توان دستهایمان ،
همه را بدریا فرو میبریم

....

شهید میدان

شهیدی جان میدهد
نوجوانی نوزده ساله است این شهید
روزهایش در خورشید
شبانش زیر ستارگان
در میدان بیازیت استانبول

شهیدی جان میدهد
کتاب مدرسه در یک دست
و در دیگری ، رویایی شروع نشده ناتمام
در نسیان بکهارو نهصد و شصت
در میدان بیازیت استانبول

شهیدی جان میدهد
او را زدند .
بر پیشانیاش زخم سرب
چونان قرنفل سرخی می شکفت
در استانبول
در میدان بیازیت استانبول

شهیدی جان میدهد
بر خاک میدان ، خوشش چکه چکه آوا خواهد کرد
و ملت مسلح من

با سرود آزادی

خواهد آمد

تا میدان بزرگ را فتح کند .



گوشه‌ای از آبادان، پس‌از یک حمله نیروهای بعثی

پنجمی ۷

وابستگی، نتیجه دلخواه امپریالیسم از جنگ عراق و ایران است

- هدف اساسی امپریالیسم ایجاد زمینه گسترده‌ای برای رشد، تسریع و افزایش وابستگی است.
- خسارات جنگ اخیر بودجه عمرانی چند دوره دو کشور را می‌بلعد.
- هدف زمینه سازان جنگ ایران و عراق، فلج کردن جنبشهای رهاییبخش خاورمیانه است.

مردم ایران نیز بخوبی می‌دانند که راه حل مسایل آنان نه در یک جنگ خارجی بلکه در درون‌مرز-هایشان قرار دارد.

رژیم بعث عراق که از سالها قبل بر آن است که به قدرتی در منطقه تبدیل شود و در رأس ناسیونالیسم عرب قرارگیرد، با سرنگونی رژیم شاه در ایران و شدت گرفتن مشکلات و تضادهای درونی این کشور، احساس کرده که دست کم می‌تواند "انقلاب اسلامی ایران" را به درون مرزهای ایران محدود کند و به برخی از ادعاهای ارضی خود جامه عمل ببوشاند. بعلاوه تا حد امکان سعی کند نیرویی را در ایران تقویت کند که بهتر بتواند با آن کنار آید. عراق با حمایت از افرادی چون بختیار پالیزیان و اویسی در حقیقت نوع حکومت مورد نظر خود را بخوبی نشان داده است.

انتظار امپریالیسم

انتظار اساسی امپریالیسم بسرکردگی امریکا از این جنگ، ایجاد زمینه گسترده‌ای برای رشد و تسریع وابستگی است. طبیعی است که جنگی که شاهد آن هستیم تمام ذخایر و منابع و پیماندهای ملت‌های درگیر را بر باد می‌دهد. حل مسایل اساسی در زمینه آزادیهای سیاسی و حقوق اجتماعی، گرانی، بیکاری، کمبود مایحتاج عمومی و مسکن و مشکلات فرهنگی و مسایل مربوط به مدارس و دانشگاهها را دست کم برای

جنگ تحمیلی کنونی که با تجاوز هوایی عراق به چندین فرودگاه ایران اوج و شدت گرفت، بدون شک خسارات و زیانهای جانی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عظیمی برای زحمتکشان محروم دولت و نیز مردم خاورمیانه بوجود می‌آورد. نتیجه مورد نظر "زمینه سازان" این جنگ تشدید وابستگی است که خود به بهای فلج کردن انقلاب در ایران و منطقه و به انحراف کشاندن جنبشهای این ناحیه بسیار مهم از جهان و سرکوب محرومان بیاخته صورت می‌گیرد. طبیعی است که با توجه به چنین شرایطی، "صلح" و آرامش مورد نظر "طراحان زمینه‌ساز" این جنگ زمانی معنا دارد که با قطع جنگ نیروهای قوت گیرنده که منافع آنها را همچنان حفظ کنند از این نظر، صلح "تحمیلی" نیز خطری نهفته در دل این جنگ است که تنها با تسلیح جدی این ملتها به سلاح و بینش درست از عملکردهای امپریالیسم از شدت آن کاسته می‌شود و با مبارزه اساسی با این نظام جهانخوار نقش بر آب می‌گردد. از همان آغاز جنگ اخیر، تحمیلی بودن آن بر ملت‌های دو کشور، آشکار بود. عراق در شرایطی ایران را به جنگ افروزی متهم می‌کرد که نیروهای آن در خاک کشور ما قرار داشت. همچنین نشانه‌های نمرود و نارضایی در میان مردم و ارتش عراق که از طرف صدام حسین نیز به مواردی از آن اشاره شد، گویای تحمیلی بودن این جنگ بر مردم کشور عراق است.

کوتاه مدت به عقب می اندازد. و مهم تر از آن، نیاز به تاءمین تسلیحات، بازمانه‌هایی را تقویت می‌کند که نزدیکترین وابستگی را در گذشته با امپریالیسم داشته‌اند و بعلاوه خود می‌توانند در نهایت به‌امزاری برای دخالت آتی در صحنه سیاسی و حمایت از نیروهای مبدل شوند که راه را برای دور شدن هر چه بیشتر حکومت از مردم فراهم می‌سازند. در چنان شرایطی است که از استقلال اقتصادی در "حرف" نیز نمی‌توان یاد کرد.

همین منافع است که حکم می‌کند از مردمی شدن جنگ و مسلح شدن نیروهای انقلابی بشدت جلوگیری بعمل آید. وحشت و نگرانی امپریالیسم از خلقهای مسلح در تمام سخنان و موضع‌گیریهای رهبران کشورهای امپریالیستی نسبت به نیروهای درگیر در این جنگ منعکس می‌شود. برزیل‌سکی مشاور امنیتی کارتر نگرانی خود را از طولانی شدن جنگ بصورتی که مسلح شدن هر چه بیشتر مردم و مشارکت آنها را بدنبال داشته باشد بصورت نگرانی از سرایت جنگ به کشورهای دیگر این منطقه بیان می‌کند. وی در هفته دوم جنگ صریحا اعلام کرده که آمریکا آماده مداخله نظامی در خلیج فارس است و اضافه کرد اگر جریان حیاتی منبع انرژی اقتصاد اروپای غربی و خاور دور به مخاطره بیفتد و یا تحت اختیار یک نیروی دشمن قرار بگیرد آنوقت توازن قدرت جهانی بهم خورده است و دیگر هیچ راه نجاتی نخواهد بود و احتمال بازگشت به وضع سابق وجود نخواهد داشت.

برونو کرایسکی صدراعظم اتریش نیز خطر عمده جنگ ایران و عراق را گسترش آن در سرتاسر منطقه خلیج فارس می‌داند و مشخص می‌کند که اگر این گسترش رخ بدهد "تغت کشورهای صنعتی اروپایی به آتش کشیده می‌شود که منجر به یک بحران غیرقابل کنترل میگردد" همانگونه که پیداست این سخنگویان ذخایر ملت‌های خلیج فارس را صراحتا "تغت کشورهای اروپایی" می‌خوانند و آنها را جزئی از مایملک خویش بحساب می‌آورند.

همچنین ادویند ماسکی وزیر خارجه آمریکا نگرانی خود را در مورد گسترش جنگ بنحوی که برای غرب قابل کنترل نباشد در عبارت زیر خلاصه می‌کند. وی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که در حال حاضر نمی‌توان پایان "جنگ عراق علیه ایران" را بدقت پیش‌بینی کرد. ماسکی که با عبارت بالا بطور ضمنی به تجاوز "عراق علیه ایران" اشاره دارد در باره احتمال گسترش دامنه جنگ ایران و عراق می‌گوید: "اطمینان دارم که ملت‌های دیگر به این خطر آگاهی دارند و خیال نمی‌کنم این جنگ به نفع ملتی باشد." اما آشکار است که ماسکی زیاد هم در مورد سرنوشت جنگ و گسترش

احتمالی آن اطمینان ندارد. زیرا گسیل داشتن فوری نیروهای غرب به منطقه، که تهدیدی علنی علیه زندگی منافع و انقلاب مردم این مناطق است دلیل آشکار نادرستی این گفته وزیر امور خارجه آمریکا است.

روزنامه کیهان ۲۶ مهر از قول آسوشیند پرس از قاهره گزارش داد: "احمد براوی وزیر دفاع مصر اعلام کرد ۱۴۰۰ سرباز و یک اسکادران (۱۲ فروند) هواپیمای آمریکاروز پنجشنبه ۲۲ آبان ماه جاری برای انجام مانورهای مشترک نظامی با مصر وارد این کشور خواهند شد. این اولین گروه نیروهای زمینی آمریکا است که طی سالیهای اخیر به خاورمیانه اعزام شده و اهمیت آن از این جهت است که در صورت لزوم برای "حمایت از سرزمینهای نفت خیز" خاورمیانه واکنش سریع نشان خواهد داد. مدت اقامت این نیروها اعلام نشده است. همچنین روزنامه واشنگتن پست در یکی از شماره‌های اخیر خود نوشت آمریکا و متحدانش حدود ۶ کشتی نظامی را در نزدیکی تنگه هرمز مستقر کرده‌اند تا عبور و مرور از این آبراه با مشکلی مواجه نشود. انگلیس، فرانسه و استرالیا نیز اخیرا نیروهای جدیدی را برای حمایت از ناوگان آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس که حدود ۳۲ کشتی است، اعزام کرده‌اند.

با اعزام این همه نیرو از سوی کشورهای صنعتی غرب آیا می‌توان گفت که امپریالیسم از اوگیری مبارزات ملت‌های این منطقه هراسی ندارد؟ و هنوز اطمینان دارد که بسهولت می‌تواند منافع خود را در این نقطه بسیار مهم از جهان توسط دولت‌های وابسته تاءمین کند؟ طبیعی است که دولت‌های وابسته این منطقه نیز از گسترش این مبارزات در هراس‌اند. کمک عربستان و اردن به حفظ منافع امپریالیسم در این جنگ و ارسال میلیاردها دلار پول به غرب از سوی شیخ نشینها نشانه بارز این نگرانی است تا حداقل آسیب به "منافع غرب" وارد نشود.

تلفات و خسارات

با آن که قبیع ترین خسارت یک جنگ تلفات جانی و آسیب‌های انسانی است، اما رسانه‌های گروهی کم‌تر در این باره صحبت میکنند. ارقام تلفات مبهم است. این آمار در شرایطی که جنگ هنوز ادامه دارد، بویژه از طریق روزنامه‌ها و رسانه‌های داخلی و خارجی سرانجام جز حدس و گمان نیست. ارقام مربوط به تشییع جنازه‌ها نیز کم زبادی از جهت تعداد دقیق کشته‌شدگان نمی‌کند چرا که از سوی تنها بخش کوچکی از تلفات معمولاً فرصت تشییع را می‌یابند و از طرف دیگر بین تعداد تشییع‌شدگان و ارقامی که درباره آنها در رسانه‌ها منعکس می‌شود تفاوت‌هایی وجود دارد. بعلاوه در برخی موارد تعداد کشته‌ها با واژه مبهم "چند" تعیین شده است. باتوجه به این نکات میتوان یادآور شد که این تعداد که بیشتر مربوط به رزمندگان



بخشی از کارخانه ایران باسیومال (نهران) که بر اثر بمباران آسیب دید.

غیرنظامی، پاسداران و نظامیان است به "چندصد نفر" میرسد. این رقم گنگ بهیچ روی نشان دهنده تلفات نظامی و غیر نظامی بمبارانهای شهرهای نزدیک به جبهه مانند کرمانشاه، قصرشیرین، نفت شهر، سوسنگرد، مهران، ایلام، شوش، شوشتر، خرمشهر، آبادان، اهواز و حتی مناطقی همچون تبریز، ابهر و اصفهان و نقاط دیگر نیست. همینقدر می توان گفت که رادیو ایران در اخبار ساعت ۸ بامداد ۲۸ مهر تعداد "شهادت" را "زیاد" اعلام کرد.

در مورد تلفات عراقی اطلاعات نامشخص تری در دست است. جمع تلفات عراقی ها که از سوی مقامهای ایران اعلام شده به "هزاران" نفر می رسد. اسرای دو طرف نیز نامشخص است. رقم دقیق اسیران می توانست وسیله ای باشد تا تخمین دقیق تری در باره کشته ها ممکن شود.

خسارات اقتصادی و نظامی

بدنیال همین زمینه سازیها بود که در نخستین روزهای جنگ ارکانهای خبری و اطلاعاتی این قدرتها تلاش کردند به مخاطبان خود بقبولانند که مراکز خسارت دیده تنها با کمکهای غرب و کارشناسان آن می تواند بازسازی شود. تلاش این رسانه ها برای مهیا کردن افکار عمومی در دو سال گذشته ادامه داشته است.

برآورد خسارات اقتصادی و نظامی این جنگ از سوی منابع مختلف به اشکالی صورت گرفته است که بیشتر به یک حالت "مناقصه" و "قیمت پیشنهادی" شبیه است.

طبیعی است که این زمینه سازان بدون در نظر گرفتن منافع وسیع خویش و پذیرش شرایط مورد نظر آنان، حتی از طریق واسطه های گوناگون نیز به فروش وسایل و مهمات خود تن نمی دهند.

برخی از مراکز خیررسانی چنان عمل کرده اند که نقش تفرقه انداز و "خیرچینی" آنان برای حکومت

رادیو بی بی سی در نخستین روزهای جنگ شتابزده از توانائیها و مزایای کارشناسان انگلیسی در بازسازی پالایشگاهها سخن گفت. روبرت در خبری که ۱۰ مهر از لندن مخابره کرد ضمن بررسی خسارات از قول مقامات انگلیسی یادآوری کرد که شبکه خط لوله منطقه بایجی واقع در جنوب غربی حوزه نفتی کرکوک در شمال عراق نیز آسیب پذیر است. این

گونه "خبرچینی‌ها" و نشان دادن‌های نقاط ضعف حریف به دفعات از سوی رسانه‌های گروهی غرب بویژه رادیویی بی.بی.سی، در مورد نیروهای ایران نیز صورت گرفت. اما تعدادی از مراکز اقتصادی سیاسی نیز ترجیح دادند برآورد را بخاطر دقت آن به بعد از جنگ موکول کنند. با اینحال حتی این مراکز نیز حدود آسیبها را مشخص کردند. خبرگزاری فرانسه از بحرین گزارش داد که شرکت‌های ژاپنی و عربی منتظر پایان جنگ و برآورد خسارات و ترمیم آنها هستند. این خبرگزاری اضافه کرد که بیشتر لطمات به مراکز نفتی، هواپیماها، وسایل نظامی و در پایان به تاسیسات اقتصادی از قبیل کارخانه‌ها و کارگاهها وارد شده است.

رادیو مسکو گزارش داد که در ۸ روز اول جنگ ایران و عراق ۲۰ میلیارد دلار خسارت به دو کشور وارد شده است و ادامه جنگ روزانه ۲/۵ میلیارد دلار برای هر طرف هزینه برمی‌دارد که برابر است با هزینه احداث ۱۰ کارخانه ذوب‌آهنی چون اصفهان.

سهم عراق

اولین ارزشیابی از خسارات جنگ به نقل از روزنامه نواکو (پاریس) زبان عراق را بین ۱۰ تا ۱۶ میلیارد دلار برآورد کرده و یادآور شده است که بازسازی مناطق آسیب‌دیده دو سال وقت لازم دارد. خبرگزاری پارس به نقل از رادیو قاهره اعلام کرد عراق روزانه ۲۵ میلیون دلار بخاطر عدم صدور نفت متضرر می‌شود و تاکنون ۱۵ میلیارد دلار زبان نظامی دیده است که به این رقم خسارات وارده به تاسیسات اقتصادی و نفتی را نیز باید افزود. قبلاً وزیر دفاع ایران اعلام کرده بود که نیروی هوایی ایران تاسیسات نفتی عراق را از کار انداخته و صدور نفت این کشور قطع شده است.

مقامات ایران ۲۰ روز پس از اوج‌گیری جنگ اعلام کردند حدود یکصد منطقه شامل پایگاههای نظامی، تاسیسات صنعتی و حوزة های نفتی توسط ارتش ایران در نوار مرزی و در عمق عراق منهدم شده است. مهمترین مراکز منهدم شده در مناطق زاخو، اربیل، موصل، رواندوز، سلیمانیه، رانیه، کرکوک، تکریت، خانقین، بیعقوبیه، حیاتیه، بغداد، عماره، ناصریه، البکر، بصره، بصیریه، ام‌القصر و فاو قرار دارند. در برخی موارد نیز مشخصات بیشتری درباره محل و نوع و میزان خسارات منتشر شد و منابع مختلف خبری پاره‌ای از این زیانها را تایید کردند. بمباران تاسیسات نلمبه‌خانه و مولد تاسیسات نفتی "کمال غرب" و ۹ پالایشگاه عراق به تایید برخی منابع رسید و میزان تخریب تاسیسات نفتی عام‌الفیل، البکر، کرکوک و سلیمانیه از طرف

مقامات ایران تا ۸۵ درصد تخمین زده شد. همچنین مقامات مسئول در آنکارا تایید کردند که خط لوله کرکوک - یوموتالیک (ترکیه) در ۱۲ کیلومتری مرز ترکیه - عراق منفجر شد. این لوله سالی ۳۵ میلیون تن نفت خام را جابجا میکرد. محل مذکور در ۲۰۰ کیلومتری مرز ایران و در یک منطقه صعب‌العبور سال گذشته نیز منفجر شد، ارتش آزادبخش عراق با پخش اعلامیه‌ای مسئولیت این انفجار را برعهده گرفت.

این آسیبها باعث شده که صدور نفت عراق قطع شود. نشریه بررسی نفت خاورمیانه که در قبرس منتشر می‌شود در هفته اول اوج‌گیری جنگ نوشت عراق از ۴ مهرباه صادرات نفتی خود را قطع کرده است. مناطق نفتی عراق در البکر، خورال، امیه، بصره و فاو قرارداد و در شمال و اطراف کرکوک نفت عراق از طریق سه لوله به سه بندر سوریه، لبنان و ترکیه حمل می‌شود.

در این حال روزنامه النهار بیروت از قول روزنامه آساهی شیمون نوشت عراق از ژاپن تقاضای خرید نفت سفید و بنزین کرده است که ژاپنی‌ها از ترس برانگیخته شدن خصومت ایران به این تقاضا پاسخ نداده‌اند. خبرگزاریها همچنین اشاره کردند که در صورت انهدام پالایشگاه بصره، عراق مجبور است بنزین هواپیما را نیز از خارج وارد کند.

میزان خسارات وارده بین ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار و زمان لازم برای بازسازی این مراکز بین ۴ تا ۶ سال برآورد شد، در حالی که یکسال طول خواهد کشید تا عراق بتواند به صدور ۲ میلیون بشکه در روز دست یابد.

خسارات نظامی عراق از ۱۰ شه‌ریور تا پایان مهر از طرف روزنامه اطلاعات بشرحی جمع‌بندی شده که بصورت زیر نقل می‌شود.

"هواپیما ۱۶۲ فروند، هلیکوپتر ۴ فروند، تانک و نفربر زرهی ۱۱۶۱ دستگاه، توپ و خمپاره مسلسل ۱۵۸، ناوچه موشک‌انداز ۹ فروند، کشتی لایروبی ۲، کشتی تجارتنی ۱ فروند، پایگاههای نظامی و تاسیسات صنعتی و نفتی ۱۲۱ نقطه، همچنین دهها فروند میگ عراقی و نیز دهها منطقه نظامی، صنعتی و نفتی و تانکها و ادوات زرهی عراق در خاک آن کشور و نیز در ایران منهدم شده است که آمار دقیقی از آنها در دست نیست."

خسارات ایران

در پی انهدام چند لوله نفت در ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۳۱ شه‌ریور در منطقه بواره، پالایشگاه آبادان تعطیل شد.

معین‌فر وزیر سابق نفت به خبرنگار اطلاعات

بیمارستانهای مالمال از مصدومین نیز خودداری نکردند .

مهمترین مناطقی که مورد حمله و بمباران عراقی ها واقع شد در نتیجه زیان و خسارت دید ، خرمشهر ، آبادان ، دزفول ، اهواز ، شوش ، شوشتر ، سوسنگرد ، ایلام ، دهلران ، مهران ، قصرشیرین ، کرمانشاه ، سرپل دهب ، تهران ، اصفهان ، اورمیه بود .

میزان خسارتان و زمان لازم برای بازسازی نقاط آسیب دیده از سوی مقامهای ایران منحص نشده است . بعلاوه قسمتی از این نواحی در اشغال نیروهای عراق است . یک مقام عراقی در اواخر مهرماه ادعا کرده است که این مقدار حدود ۲۵ هزار کیلومتر مربع یا حدود دویز برابر خاک لبنان است . ادعایی که بعداً " توسط مقامات ایرانی تکذیب شد . برخی شهرها آسیب فراوان دیده اند که حتی تخمین میزات خسارت در آنها ، آنهم در شرایطی که هنوز صحنه درگیری هستند امری بسیار دشوار است . خرابی ها علاوه بر مراکز و تاسیسات عمومی و رفاهی ، خانه ها و مغازه های بسیاری را نیز شامل می شود . برآورد جنگ افزار های آسیب دیده و خسارات نظامی ، هواپیماها ، تانکها ، کشتی ها و ادوات سبکتر جنگی را در حال حاضر می توان تنها با

گفت : خسارات پالایشگاه بعداً " معلوم میشود . وی اضافه کرد پالایشگاه کرمانشاه بواسطه درگیری های مرزی پیش از جنگ تعطیل شد . بعداً " پالایشگاه آبادان که در نوع خود در جهان کم نظیر بود با حمله های نیروهای عراقی خسارات بسیار عظیم تری را متحمل شد .

نشانه های آسیبهای ناشی از بمبارانها در نخستین روزهای تشدید جنگ ایران و عراق بصورت جیره بندی مواد سوختی خود را نشان داد . سخنگوی وزارت نفت در پایان هفته اول اوج گیری جنگ اعلام کرد که جز آبادان و کرمانشاه پالایشگاه های تمام کشور با ظرفیت تمام کار می کنند . عراقی ها در هفته اول مهر سعی کردند با حمله به مراکز اقتصادی - نظامی گسترده در ایران و نقاط دورتر از مرز ، ضمن پراکنده کردن نیروهای ایرانی ، به این تاسیسات نیز خساراتی وارد کنند که حمله به تبریز ، تهران و کرمانشاه بویژه پالایشگاهها و مراکز اقتصادی این نواحی از آن جمله اند . از آن پس عراقی ها با وجود حمله هوایی به مناطقی در درون خاک ایران مثل ایهر (استان زنجان) و شاهین شهر (اصفهان) بیشتر یورشهای خود را متوجه نوار مرزی و بویژه استان خوزستان کردند و در بسیاری موارد از زیرپانهادن مقررات بین المللی از حمله حمله به



مقایسه با خساراتی که از این نظر به عراق رسیده تا حدودی تعیین کرد. با اینحال این تخمین نیز از دقت لازم برخوردار نخواهد بود و فقط به جرات می توان ادعا کرد که خسارات این جنگ بودجه عمرانی چند دوره این دوکشور را می بلعد.

بازسازی بردوش کیست؟

بطورکلی بمباران ناسیسات نفتی در واقع نابودی شریانهای اقتصادی ایران - عراق است. بدون نفت نه سوخت کافی برای نیروگاههای برق وجود خواهد داشت نه بنزین کافی برای برقراری ارتباط. در چنین شرایطی هر دو کشور نه تنها از منبع اصلی درآمد ارزی خویش محروم میشوند بلکه حتی شرایط لازم برای تولید و توزیع بصورت کنونی را نیز نخواهند داشت. در این حالت می توان چشم انداز فقر و تهیدستی محرومان زحمتکش را نزدیک تر دید. جنگ از سوی دیگر مسایل مربوط به سرمایه گذاریها و خطر تعطیل بسیاری از کارخانه ها و مراکز تولیدی و در نتیجه بیکاری را تشدید کرده است. از سوی دیگر قدرت خرید کارگران شاغل که هزینه زندگی بیکاران را تامین می کنند با احتکار ارزاق عمومی و گرانی شدید و بازار سیاه با وجود جیره بندی، کاهش می یابد و آخرین منابع تامین زندگی کارگران بیکار تمام می شود. این جریان در شرایطی قوت می گیرد که ممکن است با عنوان کردن شرایط جنگ زدگی، هرخواستی هر چند طبیعی اگر با برجسب هایی با مفهوم خیانت به مردم و میهن پاسخ داده نشود به آینده موکول شود.

بحران اقتصادی دو کشور بعد از جنگ تشدید خواهد شد. از هم اکنون دولت ایران بسیج اقتصادی را تدارک می بیند که مفهوم آن برای کارگران بازدهی بیشتر و تحمل شرایطی سخت تر است به این ترتیب همچنان این کارگران و زحمتکشان محرومند که بار طاقت فرسای بازسازی کشورهایشان را بردوش خواهند کشید. افزایش ساعات کار در برخی مراکز تولیدی بدون افزایش دستمزد می تواند نشانه های برسخت تر شدن شرایط باشد.

چه کسانی خوشحالند؟

در عوض این جنگ برای شرکتهای بزرگ نظامی، صنعتی، مصرفی، اعتباری، مالی و حتی غذایی جهان و نمایندگان و وابستگان مستقیم و غیرمستقیم آنها پرخیز و برکت بوده است. اسلحه سازیهای غرب دوباره آهنگ تولیدی شتابانی گرفته اند، سرمایه سالاران نظامی بیشتر از گذشته برای بهبود تولید خود کارشناسان را به گردهمایی فرا می خوانند چراکه بازار پر رونق و آزمایشگاه مساعد خاورمیانه

برای فروش و آزمایش اسلحه های مرگبار و ویرانگر آنان مهیاست. خبرگزاری فرانسه به نقل از روزنامه النهار از بیروت گزارش داد که جنگ ایران و عراق منافع بی شماری عاید کشورهای صنعتی خواهد کرد که دستکم ۶ میلیارد دلار برآورد اولیه است. رهبران کشورهای غرب بویژه امریکا از این جنگ بصورتی محدود و قابل مهار خوشحال و راضی بنظر می رسند. آنها فرصت پیدا کرده اند با شعارهای تازه ای مردم کشورهای خود را سرگرم کنند. رهبران غرب اکنون قاطع تر از گذشته ادعا می کنند که قادرند اشتغال کامل بوجود آورند و میلیونها نفر بیکار را که بطور متوسط ۶ درصد از نیروی انسانی قادر به فعالیت این کشورها هستند بکار بازگردانند.

این جنگ از سوی انحصار های نظامی با استقبال روبرو شد و بحض تشدید آن نمایندگان برجسته سیاسی اقتصادی سرمایه داری جهانی سفرهای مهمی را به مناطق حساس جهان شروع کردند که سفر رئیس جمهوری فرانسه به خاورمیانه و خاور دور از آنجمله است. عربستان با خرید ۱۲ میلیارد فرانک (۳ میلیارد دلار) اسلحه کلاسیک و کمک تکنیکی برای استفاده از این اسلحه ها بصورت یکی از بزرگترین خریداران لوازم نظامی فرانسه در خاورمیانه درآمد. فرانسه نیز با امضای قراردادهای تسلیحاتی با عربستان، قطر و عراق ۱۹۸۰ را سال سرمستی و "افق روشن" ناسید چراکه بندرت چنین معامله ای در تاریخ استعماری خویش انجام داده بود.

مقامات غربی همچنین تذکر دادند که ایران می تواند نیازهای خود را بنحوی از این کشورها تامین کند. جک کانن سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واشنگتن به خبرنگاران گفت بعضی از لوازم یدکی ساخت آمریکا ممکن است از کشورهای دیگری خریداری شود که تحریم اقتصادی را علیه ایران عملی نکرده اند. خبرگزاری پارس نیز به نقل از خبرگزاری فرانسه از پاریس گزارش داد که بنی صدر رئیس جمهوری در یک مصاحبه تلفنی با رادیوی اروپا اعلام کرد: "کشور موفق شده است قطعات یدکی برای ابزار جنگی نظامی خود را بحد کافی برای جنگیدن تا روزی که سرزمینهای ایران بطور کامل از یوغ غاصبین آزاد شوند، تامین کند."

خیروبرکت این جنگ صرفاً "نصیب انحصارات نظامی نمی شود، بلکه کارتلها و تراستهای مالی، صنعتی و مصرفی نیز امیدوارند که بعد از اشباع بازارهای جنگی از وسایل نابودکننده، دوره رونق دوباره آنان فرا خواهد رسید.

به این ترتیب جنگی که درنهایی ترین تحلیل، بعنوان یک بحران، نتیجه مناسبات سرمایه داری



اهوار - میدان شهدا . لحظاتی پس از یک حمله موشکی عراق :

انجام دهد. بعلاوه آمریکا سعی دارد از شرایط موجود امتیازی بیشتر از آزادی گروگانها یا پیروزی انتخاباتی دموکراتها بدست آورد. و هنگامی که روزه‌های امید را نبیند، تلاشهای جدی تری برای توقف جنگ بعمل خواهد آورد.

این جنگ عوارض دیگری نیز برای منطقه و جهان دارد که اساساً از وابستگی کشورهای خاورمیانه به نفت ناشی می‌شود. نفت برای اقتصاد کشورهای این منطقه مساله مرگ و زندگی است. همچنین حیات دنیای صنعتی غرب نیز به استخراج و ارسال نفت به این کشورها بستگی دارد. هرگونه وقفه‌ای در جریان نفت می‌تواند راه تنفس غرب را با مشکلی جدی روبرو کند. بهمین سبب است که در طول جنگ شاهد حساسیت فوق‌العاده شدید غرب نسبت به باز بودن تنگه هرمز بودیم. این آبراه باریک با ۳۵ کیلومتر عرض نبض جهان صنعتی را در دست دارد. بسا بسته شدن تنگه هرمز ۶۰ درصد نفت مورد نیاز اروپا، ۱۱ درصد نفت آمریکا و ۷۰ درصد نفت ژاپن قطع می‌شود که این خود انفجار عظیم تورم و رکود جهانی را بدنبال خواهد داشت. نباید تصور کرد که حال که تنگه هرمز باز است احتمال چنین خطری نیز وجود ندارد. این جنگ تمام بورسهای جهان را تحت تاثیر قرارداد و قیمت بسیاری کالاها را در جهان

جهانی و برای مقابله با روند مبارزات رهایی بخش ملت‌ها بوده است. در کوتاه مدت تسکین دهنده دردهای لاعلاج سرمایه‌داری جهانی می‌شود. اعلام شرایط جنگی در خلیج فارس باعث شده است که شرکت‌های بیمه قیمت‌های خود را تا چند برابر افزایش دهند و عوارض "عبور و مرور از کانال سوئز" ۲۵ درصد بالا برود، که حاصل آن از جیب ملت‌های محروم به گاوصندوق‌های انحصارات مالی و اعتباری سرازیر می‌شود.

عوارض جنگ بر منطقه

اما این جنگ تاکی ادامه دارد؟ منافع امپریالیسم بویژه در این منطقه آنقدر حیاتی است که "گذشت" از آنها بسادگی ممکن نیست. از این نظر جنگ زمانی پایان می‌گیرد که انحصارهای جهانی از تامین منافع خویش اطمینان حاصل کنند. در چنین شرایطی است که این نیروها از قطع جنگ سود می‌برند. با این همه، با توجه به واقعیت‌های جنگ کنونی می‌توان گفت که اگر امپریالیسم نقشی در این جنگ دارد بیشتر منفعلانه است تا فعالانه. شکست فاحش ویتنام کافی بود تا سرمایه‌های جهانی از درگیری مستقیم با ملت‌ها بپرهیزند. از آن پس امپریالیسم سعی کرده است از شرایط موجود بیشترین بهره‌برداری را بسود خویش

سرمایه‌داری اعم از کشورهای صنعتی غرب و کشورهای وابسته به آنها بالا برد.

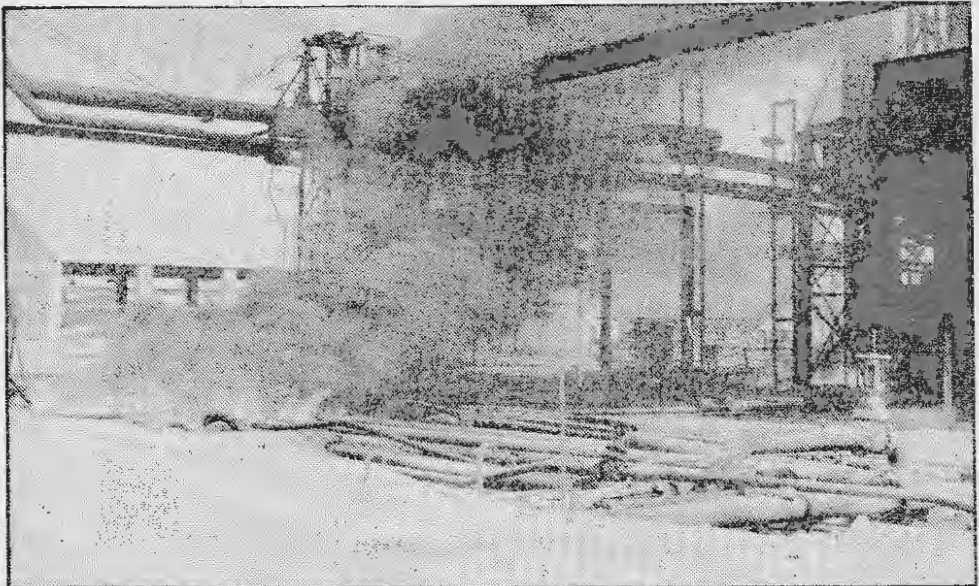
ضربه و فشار بر اوپک

اثر این جنگ بر روی سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) چشمگیر بود. این جنگ فعالیت اوپک را متوقف و عملاً آنرا به شیری بی‌پال و دم تبدیل کرد. بعد از برقراری صلح نیز دو تا سه سال طول می‌کشید تا این سازمان بتواند در باره افزایش قیمت نفت تصمیم بگیرد.

فروش نفت این سازمان فقط در سال ۷۹، ۲۲۰ میلیارد دلار بود که ۵۰ میلیارد دلار آن بصورت ذخیره ارزی وارد بانکهای امریکا شده است. جنگ ایران و عراق سرانجام بر وضعیت کشور صهیونیستی نیز بعنوان یکی از متحدان غرب در این منطقه و نیز برخوابتهای اساسی مردم فلسطین تاثیر می‌گذارد و آشفتنگی روابط میان اعراب را بیشتر می‌کند. جنگ ایران و عراق دست کم برای کوتاه مدت افکار عمومی جهان و ملت‌های خاورمیانه را از ساله

فلسطین و برخورد با صهیونیست‌ها بعنوان دشمن اعراب منصرف و بخود مشغول کرد. با شدت گرفتن این جنگ، رژیم صهیونیستی از جبهه شرقی‌اش - اردن، عراق و سوریه - احساس فراغت کرد و سه آرزوهای توسعه طلبانه خود جولان داد و در همین زمان بود که اعلام کرد تا بیش از یک دهه خیالش از این جبهه آسوده شده و یکی از نمایندگان طرح صمیمه کردن ارتفاعات جولان را به پارلمان داد.

بهمین نسبت طبیعی است که خلق فلسطین نباید از این جنگ راضی باشد. این احساس را در موضع بیطرفانه نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین به خوبی می‌توان مشاهده کرد. فلسطینی‌ها بخوبی می‌دانند که از دو کشور جنگ زده انتظار کمک چندانی برای رهایی سرزمین‌های اشغال شده خود نمی‌توان داشت. اعراب اگرچه از یکدستی و هماهنگی لازم در برابر رژیم صهیونیستی برخوردار نبوده‌اند اما این جنگ کشورهای عربی را در دو صف، رودر رو قرار داد و این مخاصمه فراعنت بیشتری در اختیار رژیم صهیونیستی قرار می‌دهد.





جنگی که همه شؤون منطقه را در گون می کند

- قرار گرفتن ارتش در مرکز معادلات سیاسی، یکی از مهمترین پیامدهای جنگ است
- جنگ ضرورت تسلیح و بسیج سیاسی توده ها را حتی برای مخالفان آن اثبات کرد
- در گرماگرم جنگ، دولت با تصویبنامه ای راه را برای هر نوع خرید اسلحه باز کرد

جنگ ایران و عراق که از مدتها پیش آغاز شده است و روز به روز صورت پیچیده تری به خود می‌گیرد، نه تنها ایران، بلکه منطقه را در آستانه حوادث بزرگی قرار داده است و آثار و عوارض آن می‌رود که تا نهایتیر خود را بر شوون اقتصادی - اجتماعی منطقه بگذارد. ادامه جنگ ابعاد تناقض و تضاد را در ایران، عراق و سراسر منطقه گسترش خواهد داد، همچنان که شرایط آتش‌بس و صلح نیز روابط درونی جناح‌های اصلی هیأت حاکمه را در ایران دگرگون خواهد کرد. از سوی دیگر همانگونه که غالب جنگها برای توده‌ها آگاهی بخش بوده‌اند، تجاوز عراق در کنار ضایعات جانی و مالی فراوانی که به وجود آورده، آگاهی‌دهنده است. هم‌اکنون در خلیج - فارس، دریای عمان، اقیانوس هند، عربستان، اردن، سوریه، شیخ‌نشینهای عربی، آمریکا، فرانسه، انگلستان، مصر، لیبی، الجزایر، شوری و پاره‌های دیگر از کشورها فعالیت‌های گسترده‌ای در رابطه با جنگ ایران و عراق صورت می‌گیرد و در جامعه خودمان ایران توده‌ها را به صورتی نسبی بسیج کرده است و مردم ما در برخورد با موانع، سختیها و مصائب ناشی از جنگ مانند هر ناملازمات دیگر روحیه مبارزه‌جویی پیدا می‌کند.

همزمان با تشدید جنگ ایران و عراق که برای مردم ایران و عراق فقر، خرابی، گرانی، بیکاری و مهتر از همه کشتار ببار می‌آورد - روزنامه کیهان به نقل از روزنامه "النهار" خسارات ۹ روز اول جنگ را ۶ میلیارد دلار اعلام کرده است -، آمریکا ضمن تنگ کردن محاصره نظامی با اعزام هواپیماهای آواکس به عربستان و بمب افکن‌های ب-۵۲ به پایگاههای دیده‌گوارسیا، بربره (سومالی) عمان و تقویت ناوگان دریایی خود، اعلام کرده آماده است به کشورهای حوزه خلیج فارس که امنیت آنها بر اثر جنگ ایران و عراق به مخاطره افتاده است، کمکهای نظامی بکند و حاضر است اطلاعات بدست آمده از طریق هواپیماهای ردیاب آواکس را که اخیراً "به عربستان سعودی فرستاده است، در اختیار آنها قرار دهد. از سوی دیگر وزارت خارجه آمریکا اعلام کرده است: "دولت آمریکا هرکاری لازم باشد برای بازنگهداشتن تنگه هرمز و ادامه رفت و آمد کشتی‌های در خلیج فارس انجام خواهد داد." و هارولد براون وزیر دفاع آمریکا نیز در تاپیید این سیاست گفته است: "در صورت لزوم آمریکا از نیروی دریایی قدرتمند خود استفاده خواهد کرد." به دنبال این تهدیدهاست که ژنرال جونز رئیس کمیته روسای ستادهای آمریکا از مصر، بحرین، عمان دیدن می‌کند و وزارت خارجه آمریکا اعلام می‌کند به سفرای خود در سلطان نشین عمان، کویت و امارات متحده عربی دستورات لازم در جهت کمک به این کشورها داده شده است. شکست یورش نظامی آمریکا به طیبس و

کودتای وابستگانش در ارتش، اینک شاهد آن هستیم که آمریکا، رژیم‌های دست‌نشانده خود اردن، عربستان سعودی و مصر را علیه ایران بسیج می‌کند و هزاران مزدور جنایتکار طرفدار رژیم سلطنت را در این کشورها و عراق آماده ساخته است که ضربات ضد مردمی خود را وارد سازد.

اگر سیاست‌های ایران و عراق را در جلوگیری از جنگ و اجتناب از درگیری با این وسعت و شدت اشتباه بدانیم و اذعان کنیم که جنگ ایران و عراق درست زمانی آغاز شده است که تضادهای درونی هیأت حاکمه ایران به مرحله حادی رسیده بود، و آغاز جنگ به طور موقت هم شده این تضادها را تحت الشعاع خود قرار داد و آتش‌بسی موقت بین جناح بنی‌صدر و سران حزب جمهوری اسلامی برقرار کرد ولی اشتباه بزرگی خواهد بود، اگر تحولات روابط ایران و عراق و به خشونت کشیدن آن و جنگ تمام‌عیار را در خارج از چارچوب سیاستهای امپریالیسم در منطقه خلیج فارس ارزیابی کنیم.

هموشدن عراق با اردن و عربستان سعودی که عوامل وابسته و شناخته شده امپریالیسم آمریکا هستند، نشان‌دهنده این حقیقت است که عراق قدم در راهی گذاشته است که به همگرایی روزافزون با امپریالیسم آمریکا منتهی می‌شود.

نقشه‌های آمریکا

امپریالیسم آمریکا خوشحال میشود که احساسات روبه افزایش ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی مردم ایران و خلق‌های عرب به ناسیونالیسم کور، به اختلافات شیعه و سنی و جنگ میان مردم زحمتکش ایران و زحمتکشان عرب بدل شود، و ایران و عراق جنگی تمام‌عیار را ادامه دهند که تنها ضایع امپریالیسم را تاپیید می‌کند. تاریخ امپریالیسم آمریکا ثابت می‌کند که این ابرقدرت نمی‌خواهد در جهان در حال توسعه نهادهای آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه برپا گردد و برای جلوگیری از ایجاد چنین نهادهایی از هیچ تزویر، توطئه و تجاوزی فروگذار نکرده است. چکاندرسن روزنامه‌نگار معروف آمریکایی در چهارم شهریور ماه فاش ساخت که آمریکا در تدارک فراهم کردن حمله جدید مسلحانه به ایران است. اندرسن مدعی شد که این حمله قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا انجام می‌شود. همزمان با افشاکری اندرسن، برژینسکی مشاور امنیت کارتر گفت: "قوسی از بحران در سواحل اقیانوس هند آغاز شده، بحرانی که ساخت اقتصادی و سیاسی منطقه حیاتی‌ما را تهدید می‌کند. این بحران در وسیعترین مقیاس خود تمام منطقه خاورمیانه، هندوچین و آفریقای جنوبی را فرا می‌گیرد. مرکز اصلی این بحران ایران است کثوری که

در دوده گذشته سنگر قدرت نظامی، اقتصادی آمریکا در خاورمیانه محسوب می شده است.

سرتیپ فلاحی جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران بعد از اینکه دولت بعث عراق به ۴ نفر از سرنشینان هواپیمای فرندشیب نیروی هوایی که به عراق رفته بود، پناهندگی سیاسی داد ضمن اشاره به درگیری های مرزی ایران و عراق در باره انتقال ۱۸۰۰ کماندوی آمریکایی که برای حفظ منافع آمریکا به خلیج فارس انتقال یافته اند گفت: "آنها فعلا در آبهای آزاد مستقرند و به آبهای ایران نیامده اند که مواجه با عکس العمل ما شوند. از سوی دیگر حملات اخیر عراق با نقل و انتقالات آمریکا از یک گانون هدایت می شود. تمام اقدامات محرکین برای محدود و محصور کردن انقلاب ما چه در زمینه های سیاسی، اقتصادی و نظامی همه با هم مربوط می شود."

جنگ ایران و عراق حداقل در کوتاه مدت با دامن زدن به بحران های سیاسی - اجتماعی و مهمتر از آن اقتصادی به نفع امپریالیسم است، زیرا از یک سو آمریکا از تقویت روابط عراق با اردن و عربستان و دیگر رژیمهای وابسته اش نفع می برد و مواضع خود را در کشورهای خلیج فارس تقویت می کند و از سوی دیگر با باز ماندن تنگه هرمز روزانه میلیونها بشکه نفت به سوی کشورهای امپریالیستی جریان می یابد.

ارتش و معادلات سیاسی

یکی از بی آمدهای مهم جنگ در ایران، مطرح شدن دوباره ارتش و فرار گرفتن آن در کانون معادلات و محاسبات سیاسی است. اهمیت بازیافته ارتش احتمالاً بعد تازه ای به اختلافات شناخته شده میان جناحهای حاکم در ایران داده است، که شاید با پایان جنگ گسترده تر شود. با توجه به این واقعیت است که یکی از دو جناح با توجه به وضعیت کنونی جنگ و موقعیت ارتش، لزوم تداوم جنگ - آنهم جنگ نامنظم و غیرکلاسیک - را مطرح می کنند، بعضی از نمایندگان این جناح می گویند: "محروم کردن مردم از شرکت در دفاع از دستاوردهای قیام بهمن ماه، خیانت به شمره خون شهیدان است. منافع امپریالیسم حکم می کند که جنگ در طرف ایران مردمی نشود، زیرا تحول جنگ از کلاسیک به مردمی سبب تقویت موقعیت انقلاب اسلامی و خط امام می شود". حجت الاسلام محمد منتظری پس از انتخاب به نمایندگی مجلس در شورای عالی دفاع در مصاحبه ای با روزنامه انقلاب اسلامی گفت: "اگر جنگ ادامه یابد در دراز مدت یک جنگ کلاسیک نخواهد بود، بلکه جنگ چریکی در همه ابعاد آن، امپریالیسم را از توان خواهد انداخت و خلیج فارس تبدیل به ویتنامی به مراتب عظیم تر خواهد شد". این جناح معتقد است جنگ مردمی و

بلند مدت، خاورمیانه و کانون منافع امپریالیسم آمریکا را از چنگ غرب بیرون خواهد برد و آمریکا، اروپا و ژاپن را دچار رکود اقتصادی و تورم فاحشی خواهد کرد. به اعتقاد اعضای این جناح همین مسأله است که آمریکا را واداشته تا کنفرانسی از دولت های فرانسه، آلمان، انگلیس، ژاپن و ایتالیا تدارک ببیند. این کنفرانس باید برای ایجاد نیروی دریایی در خلیج فارس جهت تضمین بازنگهداشتن تنگه هرمز دست بکار شود. همزمان با شدت گرفتن جنگ کارتر اعلام کرد: "هر کاری که برای بازنگهداشتن این تنگه لازم باشد، صورت خواهد گرفت". "حزب" اتحاد برای دموکراسی فرانسه نیز اعلام کرد: "کشورهای غربی در صورت بسته شدن تنگه هرمز باید در منطقه دخالت نظامی کنند". واقعیت این است که در کوتاه مدت، حتی اگر تنگه هرمز بسته شود، تنها امپریالیسم اروپایی و ژاپن هستند که زیان خواهند دید و منافع آنی آنها به خطر خواهد افتاد، زیرا امپریالیسم آمریکا بیشترین میزان نفت مصرفی خود را در کشور خود تولید می کند و از بستن تنگه کمتر زیان خواهد دید در مقابل، آمریکا که با فراهم آوردن امکانات نزدیکی عراق با اردن و عربستان و سایر کشورهای ارتجاعی منطقه، و اعلام بی طرفی و صلح طلبی مروارنه، در عمل به جنگ میان ایران و عراق دامن می زند، امیدوار است با این جنگ تحمیلی که منجر به ویرانی شهرها و منابع اقتصادی و به قتل رسیدن صدها نفر و مجروح شدن هزاران نفر شده است، مقاومت مردم ایران در مبارزه با امپریالیسم درهم بشکند.

احساسات ناسیونالیستی

اگر با خوش خیالی تصور کنیم که جنگ عراق علیه ایران تنها برسر اختلافات مرزی است به بیراهه رفته ایم و در نتیجه اگر در درگیری های ایران و عراق احساسات ناسیونالیستی را در دو طرف برانگیزیم ناخواسته در خدمت امپریالیسم آمریکا قرار گرفته ایم. گروهی از نمایندگان مجلس بحق بنزدیکی مردم ایران و عراق و مشترک بودن منافعشان تاءکید می کنند و عقیده دارند تجاوز عراق به ایران همسوی تجاوزات آمریکا به دست آوردهای انقلاب ایران است. محمدی نماینده گرگان در مجلس می گوید: "بعد از ویتنام بیش از هر چیزی انقلاب اسلامی ایران آمریکا را به هراس انداخته است". همزمان با این اظهار نظر روزنامه "الشعب" چاپ الجزایر معتقد است: "قدرتهایی وجود دارند که آرزومند ادامه جنگ میان ایران و عراق هستند و هدف از اینکار سقوط انقلاب ایران است."

امام خمینی در پیام اول مهرماه خود که به مناسبت آغاز سال تحصیلی فرستاد گفت: "در یک همچون وقتی که ایران در حال جنگ با آمریکا است، و



چندسنگر دریکی ازخیابانهای آبادان - هفته آخر مهرماه

این آلت دست آمریکا به ایران تجاوز کرده است، شما اگر چنانچه بر این باز شدن مدارس، اغتشاش بپا کنید، یا شایعه سازی کنید، معلوم می شود که شما عمال آمریکا و همدست صدام حسین خبیث هستید". امام خمینی نیز حساب ملت عراق را از رژیم بعثی و تجاوزکار عراق جدا می کند و می گوید: "اگر چنانچه عراق حق خودش را نداند و تجاوز را تکرار بکند و ما دستور بدهیم و ملت مابسیج بشوند و آنوقت برای ملت عراق معلوم بشود که ما با آنها هیچ کاری نداریم و به صدام حسین است که به واسطه تحریک آمریکا به ما تجاوز کرده است و ما اگر جوابی به او بدهیم مرکز به ملت عراق که برادر ما هستند مربوط نیست".

در همین روز بنی صدر رئیس جمهور در پیامی به مردم گفت: "تا این لحظه هیچگاه خواهان نبودیم که درگیری نظامی با دولت بعث عراق پیدا کنیم، با این تصور و باور که نیروهای مسلح عراق، نیروهایی هستند که باید دوش بدوش نیروهای ما روزی برای آزادی سرزمین های ما بجنگند. با این ملاحظه از برخوردهای نظامی احتراز می کردیم و نمی خواستیم که وضعی پیش آمد کند که درگیری در مرزهای ما به افزایش فشار اسرائیل بر مرزهای (سرزمین های اسلامی) بینجامد اما بر ما روشن بود که دولت بعث عراق در تابعیت کامل از بر قدرت آمریکا عمل می کند و هدفی جز این ندارد.

پاسخ قاطع امام خمینی به حبیب شطی دبیرکل کنفرانس کشورهای اسلامی در مقابل پیشنهاد آتش بس و اینکه "تا یک سرباز عراقی داخل خاک ایران است، جنگ ادامه خواهد یافت"، نشان دهنده این است که جنگ، به صورت یک جنگ فرسایشی ادامه می یابد. در اواخر مهرماه بنی صدر در خوزستان گفت: تا وقتی دشمن در این جبهه شکست نخورده از اینجا نخواهم رفت". از سوی دیگر امام خمینی در پیام عید قربان خود به ملت ایران هشدار داد که "خود را برای جهاد مقدس آماده سازند تا اگر محتاج به بسیج عمومی شد و امر به جهاد مقدس عمومی داده شد، فوراً به میدان رفته و از دین خدا و کشور اسلامی دفاع نمایند". امام در پیام خود می گوید: "اکنون شما ای ملت اسلامی ایران بر سر دوراهی می باشید راه سعادت و افتخار ابدی در سایه پرافتخار جهاد برای خدا و دفاع از کشور اسلام و راه ذلت و ننگ ابدی".

این دومین بار بود که حبیب شطی وزیر خارجه سابق تونس و دبیرکل کنونی کنفرانس کشورهای اسلامی به تهران می آمده تا تلاش خود را برای استقرار آتش بس از سر بگیرد. اینک حبیب شطی جای

ضیاء الحق را در میانجیگری بین عراق و ایران گرفته است. قبل از این ضیاء الحق و عرفات در ماهوریت خود موفقیتی بدست نیاوردند. در روز عید قربان حبیب شطی ضمن ملاقات با امام گفت: "بعد از جلسه وزرای خارجی کشورهای اسلامی به ایران آمده ام. جنگی که بین ایران و عراق درگیر است واقعا دردآور است، همه آرزو دارند که هرچه سریعتر پایان یابد". شطی سپس از امام اجازه خواست تا هیاتی از روسای کشورهای اسلامی تشکیل شود، ایران و طرف مقابل رای توافق دهند و مسئولیت پایان بخشیدن به جنگ را به عهده روسای کشورهای اسلامی بگذارند، تا جنگ پایان یابد و سپس مذاکرات طرفین آغاز شود.

امام در پاسخ گفت: "دولت ها اگر چنانچه می خواهند عملی بکنند و صلح و صفا باشد باید با آن کسی که مهاجم بوده است به یک مملکت اسلامی فرضا" اگر دولت عراق مسلم باشد باید با او قتال کند تا اینکه برگردد به امر خدا و برگشتن به امر خدا مجرد این نیست که از کشور ما بیرون برود یا خسارات ایران، خسارات مالی ایران را جبران کند. خسارات جانی که قابل جبران نیست و قوای خودش را بیرون بکشد و دستش را از مملکت عراق کوتاه کند و حکومت غاصب خودش را کنار بگذارد و ملت عراق را آزاد بگذارند که سرنوشت خودشان را بدست بگیرند".

خرید اسلحه

روشن است که ادامه جنگ بین ایران و عراق بصورت کلاسیک آن، همانگونه که اکنون جریان دارد، زمینه های وابستگی ایران و بویژه ارتش را به امپریالیسم تقویت می کند. چراکه بازسازی بخش های اقتصادی صدمه دیده از جنگ و بویژه لزوم بازسازی و تجدید تسلیحات ارتش که همه بشدت به آمریکا وابسته بوده، ممکن است مراجعه به آمریکا را از سوی مقامات مسئول توجیه کند. کما اینکه تصویب نامه مورخ ۵۹/۷/۱۴ هیات وزیران که بموجب گزارش روزنامه ها در تاریخ ۲۹ مهرماه باطلاع مجلس رسانده شد، در عمل می تواند راه را برای هر نوع تماس و خرید تجهیزات از هر کشوری باز بگذارد. در مقررات ضمیمه ای تصویب نامه آمده است که "کلیه قراردادهای منعقد از محل عملیات قبلی طبق مفاد قرارداد قابل پرداخت می باشد. در مورد خرید از منابع خارج از کشور، بتمحض اعلام نیازمندیها از سازمان های تدارک کننده، پس از تصویب فرماندهی لجستیکی یا مقامات همپراز با جلب نظر وزیر دفاع و تصویب نخست وزیر نسبت به خرید اقدام می نماید".

مهمتر این که در تبصره دیگر مقررات ضمیمه تصویب نامه، فرماندهی لجستیکی یا مقامات همپراز

می‌توانند "اختیارات خود را به شخص یا سازمان تابعه تفویض نمایند"

این تصویبنامه ، بموجب بند ۱۶ مقررات ضمیمه " از روز اول مهرماه ، یعنی تاریخ اعلام رسمی جنگ " (۲۹و) روز پیش از تسلیم به مجلس) تا پایان عملیات جنگی ، که "توسط ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تعیین خواهد شد" قابل اجراء است .

تاکنون دستکم همکاریهای فنی ایران با دولت یونان که عضو پیمان ناتو وهم پیمان امپریالیسم امریکاست رسماً فاش شده است . هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در یک مصاحبه در پاسخ به این سؤال که "از کدام کشور کمک برای خرید اسلحه می‌پذیرید و از کدام کشورها نخواهید پذیرفت" گفت : "اینها را ما اعلام نمی‌کنیم . از هر کشوری که مایل باشیم و آنها هم مایل باشند ما اسلحه می‌گیریم و تا بحال هم از بعضی جاها گرفته‌ایم "

قبل از این بنی‌صدر در روز سیام مردادماه در ستون "گزارش به مردم" روزنامه انقلاب اسلامی نوشته بود : "گفت و گو داشتیم با کسانی که قطعات یدکی می‌خواهند برای ما تهیه کنند که تا بحال هم توفیقی در این زمینه دست نداده و دنبال راه حل این مشکل بودیم ، حال به چه طریقی راه حل این مشکل پیدا شود ، مسأله‌ای است که امیدوارم درآینده بتوانیم آنرا حل کنیم "

می‌بینیم که کمتر از یک ماهه از آغاز اوجگیری جنگ ایران و عراق می‌گذرد ، ایران خود را در وضعی می‌بیند که به بازارهای جهانی وسایل یدکی و تجهیزات نظامی مراجعه کرده و کمبودهای نظامی خود را تامین کند .

بسیج و تسلیح مردم

درحالی‌که جنگ برخلاف پیش‌بینی بعضی از ناظران همچنان ادامه دارد و بنظر نمی‌رسد که در کوتاه مدت پایان یابد و مردم چندین شهر مرزی کشور عملاً با نیروهای مهاجم عراقی روبرو هستند مسأله تسلیح مردم که از نخستین روزهای قیام ۵۷ همواره مطرح و مورد جروبحث بود ، اکنون اهمیت و بعدی تازه می‌یابد .

با اینکه بعضی از مسئولان به ضرورت بسیج و تسلیح مردم تاکید دارند تاکنون این مهم بمعنی واقعی خود انجام نشده است و تنها گروههای کوچکی از مردم که بدقت انتخاب شده‌اند بسیج شده‌اند . هنوز نقش این گروهها در جبهه به وضوح مشخص نشده است .

امام خمینی در پیام عید قربان خود به قوای نظامی اخطار کرد : " با کمال جدیت و بدون قوت و وقت ساز و برگ جنگی را که بحمدالله بحد کافی

دراختیار دارید ، در اختیار رزمندگان چه قوای مسلح و چه جوانان فداکار گذاشته و کوچکترین مسامحه را جایز ندانید . "

موسی کلانتری وزیر راه بعد از بازدید از مناطق جنگی در مصاحبه با روزنامه انقلاب اسلامی گفت : "اگر ما بخواهیم موفق بشویم و درآینده نیز از این توطئه های امریکائی که مسلماً زیاد خواهد بود ، پیروز بیرون بیائیم باید تکیه اصلی مساروی توده های مردم مسلمان باشد ، زیرا قبول سلاحهایی که اینها به کار می‌برند سلاحهایی است که به کارگرفتن آنها کمتر وابستگی به خارج می‌آورد و در این صورت است که ما قطعاً قادر خواهیم بود آن شعار - ارتش دنیا نتواند که جوابم دهد - را عمل کنیم . درحالی‌که اگر غیر از این عمل کنیم و تمام اتکای ما روی ارتش منظم که بیشتر سلاحهایش از خارج تامین می‌شود ، باشد ممکن است اجباراً ما از شعار - نه شرقی نه غربی - خودمان منحرف بشویم و خدای نکرده نیاز به تامین این قبیل سلاحها ما را به سمت وابستگی به ابرقدرتها بکشاند . اگر بخواهیم مستقلاً به مبارزه خودمان ادامه دهیم ، باید اتکای ما روی مردم و سلاحهایی که خودمان می‌توانیم بسازیم باشد ، نه سلاحهای بسیار مدرن که وابستگی بهمراه دارد " . محمد منتظری نماینده مجلس در شورای عالی دفاع با وزیر کابینه رجایی و طرفداران تداوم جنگ همداستان است . او می‌گوید : " روش ما جنگ درازمدت است . بسیج کلیه نیروهای مردمی و تشکل آنان ، در اینصورت با کلیه توطئه های امریکا چه از ناحیه عراق و چه دیگر کشورها مینوانیم مقابله کنیم . مسلم است اگر ما جنگهای مردمی را توسعه بخشیم ، کل منافع غرب را در خلیج فارس و خاورمیانه به خطر خواهیم انداخت . "

تقص سازماندهی

دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه شماره ۱۷ خود که به مناسبت تجاوز رژیم عراق منتشر شده ، یادآوری کرده است :

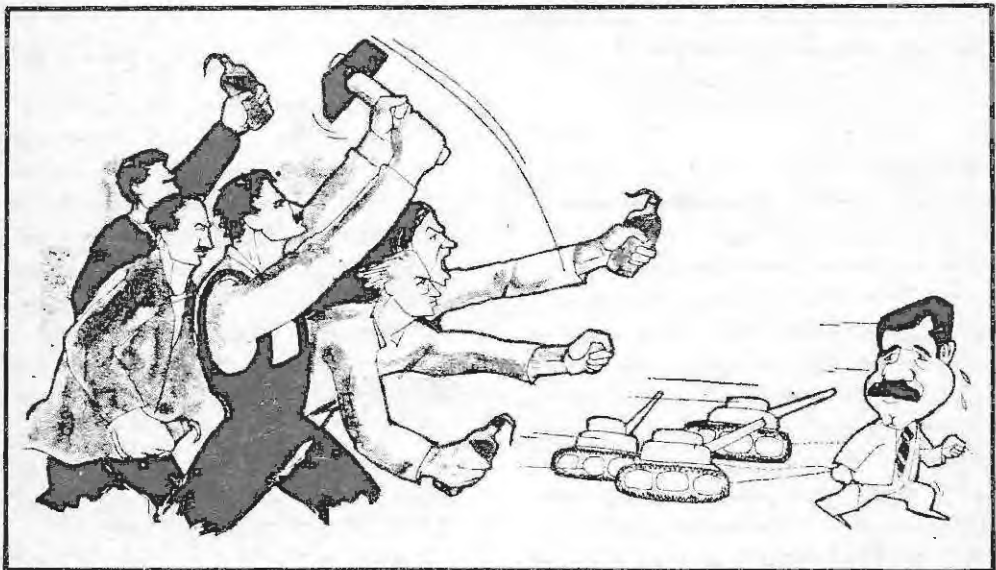
" از این پس هرچه بیشتر نیروهای رژیم بعثی در منطقه بمانند و خود را درگیر مردم قهرمان خوزستان و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی بنمایند ، در دریای خروشنده ایمان و مقاومت این دلیران بیشتر غرق خواهند شد . جز حماقت تصور دیگری برای صدام نباید داشت که بخواهد درگیر نیروهای زرمی خود را در یک سرزمین بیگانه درگیر نیروهای نظامی مومن ارتش و پاسداران و مردم طرفدار آنها بنماید " . دفتر سیاسی سپاه ضمن تاکید روی مردمی شدن جنگ ، نقاط ضعف جبهه را در عدم آمادگی کامل نیروهای نظامی ، عدم

برنامه ریزی دقیق و همه‌جانبه برای اداره ورهبری عملیات، کمبود وسایل جنگی در دست برادران رزمنده، نقص سازمان‌دهی وسیع نیروهای مسلح جهت شرکت در جنگهای انقلابی در درازمدت می‌داند.

نوسی کلانتری وزیر راه که خود در کابینه رجایی با سایر وزرا مسئولیت مشترک دارد از دولت درباره کوتاهی در بسیج مردم انتقاد کرد و گفت: "به نظر من تا به حال در دادن نقش به مردم از طرف دولت یک مقدار کوتاهی شده است، بطوری که بسیج مردم قبل از جنگ خوب انجام نشده و به مردم معتقد و مومن به انقلاب که شناخته شده هم هستند، به موقع اسلحه داده نشده است، و هنوز هم به اندازه کافی سعی نمی‌شود که مردم به حد مطلوب مسلح شوند، اما مردم فوق العاده عمل می‌کنند."

مردم مناطق جنگی و به ویژه زحمتکشان با دست خالی با مدرنترین ابزارهای جنگی روبرو هستند و سینه‌هایشان آماج گلوله‌های رژیم ضد خلقی عراق می‌شود، این مردم ضرورت تسلیح توده‌های میلیونی را با تمام وجود خود احساس می‌کنند. هر روز که از جنگ تحمیلی و کور می‌گذرد، مردم مناطق جنگی و سایر مناطق که عواقب جنگ با شدت و ضعف گریبان آنان را می‌فشارد، بیش از پیش به نقش و اهمیت شکل مسلح توده‌ها برای مقابله با متجاوزان پی می‌برند. طبیعی است که تسلیح نظامی توده‌ها به تنهایی کافی نیست، بلکه باید توده‌ها از لحاظ سیاسی نیز بسیج شوند. آنها باید بدانند چرا و علیه چه کسی و به خاطر چه نیت

و نتایج می‌جنگند و چگونه باید بجنگند؟ مردم به ویژه قشرهایی که مسلح می‌شوند باید هدفهای این جنگ را بدانند، ماهیت متجاوز و حامیانش را بشناسند. علیرغم تبلیغات مودیانه‌ای که هدف نهایی آن اغفال مردم است، باید به مردم آگاهی داد که این جنگ، جنگ "مردم عراق" یا "قوم عرب" علیه ایران نیست. جنگ "عرب" و "عجم" هم نیست. بلکه تجاوزی است که رژیم ضد مردمی بعث عراق با انگیزه‌های ارتجاعی که در نهایت تنها بسود امپریالیسم تمام میشود علیه مردم ایران و عراق آغاز کرده است. همزمان با تسلیح مردم، رسانه‌های گروهی به ویژه رادیو و تلویزیون می‌تواند نقش عمده‌ای در تفهیم و بسیج سیاسی مردم داشته باشد. همانگونه که تسلیح مردم از شعار به عمل نرسیده، رادیو و تلویزیون نیز نتوانسته است به وظایف خود عمل کند. عدم کارایی این رسانه‌ها که در زمان جنگ می‌تواند اهمیت حیاتی داشته باشد و انحصار طلبی و بی‌ضابطه‌گی حاکم بر آنها نه تنها مانع از آن می‌شود که مردم در جریان خبرها و گزارش‌های وقایع جنگ قرار گیرند بلکه تنها به مطرح کردن یک رشته شعارها و لفاظی‌های کلی بسنده کرده و حتی از تشریح ابتدائی‌ترین وجهه‌های جنگ قصور می‌کند. از این گذشته به گفته‌ی بعضی مسئولان از جمله بنی‌صدر برنامه‌های رادیو تلویزیون در زمان جنگ در بعضی مواقع اثری مخرب داشته تا جایی که رئیس جمهور دوسه‌بار علناً اعلام داشت که دشمن بسیاری از اطلاعات خود را از خلال برنامه‌های رادیو و تلویزیون دریافت می‌کند.



طرح از نشریه "بازوی انقلاب"

گفتیم که این بسیج مردم و تسلیح توده هاست که سرنوشته واقعی جنگ را تعیین می کند . با آگاهی یافتن توده ها می توانیم زودتر متجاوز را از خاک میهن عقب برانیم ، ولی کوتاه بینی ها و انحصارگریها حتی درحالی که کیلومترها از خاک کشور ما در دست منجاورین است ، همچنان برفضای سیاسی ایران سنگینی می کند . طوری وانمود می شود که در شرایط حاضر پخش هرگونه اعلامیه و نشریه و بحث حتی اگر علیه متجاوز و امپریالیسم باشد ، عملی ضدانقلابی است و حتی کسانی که در اجتماعات مردم به افشاکری امپریالیسم می پردازند به عنوان "شایعه سازی" نه تنها تخطئه بلکه دستگیر هم می شوند . این یکسو نگریها به پشت جبهه ختم نمی شود ، بلند - خطوط مقدم جبهه و در شهرهایی که دم گلوله های توپ و بمب های دشمن قراردادند ، در مقابل شرکت فعالانه گروهها و سازمانهای سیاسی محدودیت ها و موانع فراوانی ایجاد می شود .

ناگفته پیداست که آماده کردن یک ملت برای مقاومتی بلند مدت درجبهه جنگ نظامی - اقتصادی - سیاسی و روانی کار ساده ای نیست مخصوصاً اگر توجه کنیم ۴۰ ماه پرارزش را در این راه از دست داده ایم و در حال حاضر نیز جناحهای مختلف قدرت بر سر اینکه جنگ کلاسیک باشد یا توده ها با جنگ افزارهای ساده و چریکی محور جنگ باشند ، جنگ بلند مدت و یا کوتاه مدت باشد اختلاف دارند . درحالی که جنگ یک سلسله مسائل عمیق اقتصادی و اجتماعی را بر مردم ما و به ویژه زحمتکشان و تهیدستان تحمیل می کند ، از داخل نیز گروههای فرصت طلب و سودجو با استفاده از شرایط بحرانی و با احتکار و گرانفروشی مشکل دیگری را پیش پای مردم می گذارند . تا این زمان مطلقاً هیچگونه برنامه ای از طرف مسئولان برای مقابله با این سوء استفاده ها تدوین نشده و بنظر میرسد که هیچ نوع کنترلی بر عرضه کالاها و مایحتاج مردم اعمال نمی شود . درحالی که عده ای با اتهام شایعه سازی دستگیر و تحت تعقیب قرار می گیرند ، خبری از دستگیری محتکران و یا جلوگیری از اعمال آنها بگوش نرسیده است .

فشار اقتصادی

برای جبران سهل انگاریهای گذشته و جلوگیری از زیانها و آثار شوم جنگ و مقابله با شرایط بحرانی قبل از همه باید مانع از این بشویم که سودجویان از شرایط جنگ سوء استفاده کنند و با احتکار و بالا بردن قیمتها بیش از این بر مردم فشار آورند . شاید اکنون بهترین موقع برای به اجرا درآوردن قوانین

درست است که خلق عرب خوزستان با مقاومت قهرمانانه خود در برابر تجاوزات عراق ثابت کرد که اتهام هایی چون تجزیه طلبی اعراب خوزستان پوششی برای هدفهای سرکوبگران بود ، درست است که اکنون با مقاومت همه جانبه توده های مردم در خوزستان ، غالب نقشه های رژیم بعثی عراق که بر تصور واهی تجزیه خوزستان منگی بود نقش بر آب شده است ولی بسیج سیاسی آنها بحدی نبوده که فراتر از شعارها ، انگیزه ها و بی آمدهای جنگ را برای مردم روشن کند ، برعکس با سوء استفاده از احساسات مردم در شرایط جنگی ، مسایل انحرافی مطرح می شود تا آنجا که وزیر راه در مصاحبه خود از تبلیغات ویرانگری سخن می گوید که می خواهد جنگ تجاوزکارانه عراق علیه ایران را با معیار های ناسیونالیستی کور ارزیابی کند . موسی کلانتری از اوج این تبلیغات در ارتش ابراز نگرانی می کند : "تکنه ای که در سفر به مناطق جنگی با آن روبرو شدم و بسیار ناراحتم کرد ، تبلیغات ضد عربی است که در بعضی جاها و بخصوص در بین نیروهای ارتش انجام می گیرد و متأسفانه بعضی ها هم به این مساله دامن می زنند . ما دشمن ملت عراق و عرب نیستیم ، ما مخالف رژیم بعث عراق مزدور امریکایی هستیم ." وزیر راه اضافه می کند : " اگر این تبلیغات ادامه یابد و دشمن موفق شود ، این جنگ را بصورت جنگ میان دولت دربار آورد ، درست خلاف آنچه که ما می خواهیم ، انجام خواهد شد . در این صورت دولت برادر در مقابل یکدیگر قرار می گیرند که هر دو نفتشان را می فروشند و اسلحه می خرند و باهم مبارزه می کنند که این فقط سود امپریالیستها خواهد بود ."

روشن است که بسیج سیاسی مردم نه تنها این تبلیغات و کاستیها را از ذهن مردم دور خواهد کرد ، بلکه آنها را با منافع حیاتی شان آشنا خواهد ساخت . آموزش سیاسی مردم که جز با آزادی خبررسانی و نشر و انتقال آزاد اندیشه و برخورد عقاید امکان پذیر نیست ، زمینهای فراهم خواهد کرد تا مقاومت مردم چه در مقابله با نیروهای عراق و چه در پشت جبهه در کارخانه ها ، محله ها ، کوی و برزن و بازار و مدارس هر چه مستحکمتر بشود . بسیج سیاسی مردم این امکان را فراهم خواهد کرد که ترمیم خرابی ها با شناخت دقیق دشمن واقعی توأم باشد و در نتیجه آمادگی مردم همزمان با پایان جنگ با عراق خاتمه یابد ، بگونه ای که این جنگ با تمام مصائبی که بدنبال می آورد ، مردم ما را بیشتر آماده و بیدار سازد .

مربوط به تجارت خارجی باشد که از مدت‌ها پیش به تعویق افتاده است . اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد ملی کردن تجارت خارجی می‌تواند دست بخش خصوصی را از تجارت عمده کالاها یا فوریت قطع کند . همچنین باید کنترل تولید به دست شوراهای کارگری بیفتد و شوراهای محله‌ها به توزیع عادلانه مواد مصرفی بپردازند . با تکیه بر شوراهای کمیته‌های محلی دست سودجویان و محترکان از آذوقه و مواد مورد نیاز مردم قطع می‌شود .

علاوه بر تمام مسائلی که بر شمرده شد یکی دیگر از بی‌آمدهای جنگ که بردوش مردم سنگینی خواهد کرد ، افزایش قیمت کالاها و مایحتاج مردم و پائین آمدن ارزش پول خواهد بود که اثر آن به‌ویژه بر زندگی قشرهای کم‌درآمد محسوستر خواهد بود . از این گذشته مسایل مالی ناشی از جنگ به احتمال زیاد دولت را به اتخاذ تدبیرهای صرفه‌جویانه خواهد کشاند همانگونه که در عمل دیده شده بیشتر متوجه کارمندان کم‌درآمد و کارگران خواهد شد . در حالی که بر زندگی سرمایه‌داران و ثروتمندان تاثیر قابل توجهی نخواهد داشت . اینان با سرمایه‌های کلانی که در گذشته انباشته‌اند و اکنون با احتکار و بازار سیاه نیز سرمایه‌های خود را بسرعت افزایش می‌دهند قادرند هر کالایی را هر چقدر کمیاب و گران هم باشد با زدوبند و پول فراهم کنند . بدین ترتیب آنها همچنین با صف‌های طولانی تامین کالا و ارزاق عمومی هم کاری ندارند . نمونه بارز آن اتومبیل‌های آخرین سیستمی است که در تمام ساعات روز و شب در خیابانهای شهر دیده می‌شود ، بدون اینکه حتی در صف چندین کیلومتری جیره بنزین توقف کنند .

رضا صدر وزیر بازرگانی که مسئول اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد ملی کردن تجارت خارجی است ، عدم تخصص و تجربه کافی دولت و همچنین مقاومت بازرگانان سودجو را در رابطه با ملی کردن تجارت خارجی مطرح می‌کند . وزارت بازرگانی در این مدت که از تصویب قانون اساسی می‌گذرد ، تاکنون مراکز فلزات ، پارچه و کاغذ را از سری "مراکز تهیه و توزیع کالا" ایجاد کرده است و وعده داده که بزودی تعداد این مراکز به ۱۶ خواهد رسید .

رضا صدر در مصاحبه با روزنامه کیهان و در پاسخ این سؤال که آیا ایجاد مراکز تهیه و توزیع کالا راهگشای ملی شدن تجارت خارجی است ؟ می‌گوید : "اصل ۴۴ قانون اساسی دولت را ملزم و مکلف می‌سازد که بازرگانی خارجی را ملی کند و در اختیار بگیرد . اما به هنگام اجرای طرح ناگهان دو گروه در مقابل هم قرار گرفتند . گروههایی که اصرار داشتند بازرگانی

خارجی ما یکشنبه ملی شود ، در حالی که دولت و مسئولان ما آن تخصص و تجربه کافی را برای بدست آوردن و وارد کردن دهها هزار نوع کالای گوناگون مورد نیاز نداشتند . در نتیجه ملت ما با نوعی قحطی رویارویی پیدا می‌کرد . گروه دوم بازرگانان سودجوی داخلی بودند که با اصل ۴۴ قانون اساسی به ستیز برخاسته بودند و دائما تلاش می‌کردند تا بنوعی آن را مسخ کنند . وزارت بازرگانی یک راه حل بینابینی به شورای انقلاب داد و آن اینکه با تاسیس مراکز تهیه و توزیع کالا به مدت یکسال کلیه سفارشهای بازار به خارج و ترخیص‌گذاری آن را تحت کنترل گرفت ."

وزیر بازرگانی که از زمان به قدرت رسیدن دولت موقت تاکنون همچنان در این سمت باقیست و تاکنون اصل ملی کردن تجارت خارجی را بلا اجرا گذاشته است ، غافل از آنست که راه‌حلهای بینابینی چاره درد‌های جامعه ما نیست . او اکثریت مردم را که روز بروز زیر فشار اقتصادی ناشی از بیکاری ، گرانی ، تورم و کمبود کالاها له می‌شوند فراموش کرده است . وزیر بازرگانی نباید مقاومت‌های ضدانقلابی تجار ، محترکان و سرمایه‌داران سودجو را با مردم در میان بگذارد و از آنها یاری بخواهد . با بسیج مردم برای حفظ منافع مشترکشان می‌توان مقاومت تجار محترک را درهم کوبید . همانگونه که "مرکز تهیه و توزیع فلزات" با استفاده از بسیج مردم شش واسطه بزرگ آهن را سرچاپشان نشاند . این عده نخبی بازار را در دست داشتند و موجب گرانی و کمیابی آهن در بازار می‌شدند . مهندس عباس شاهی رئیس هیات مدیره و مدیرعامل مرکز تهیه و توزیع فلزات می‌گوید : "ما دست اینها را قطع کردیم و آنها متقابلا" کوشیدند هم خودشان مخالفت کنند و هم تجار را بشورانند ."

باید توجه کرد که تخصص دولتمردان در پیاده کردن اصل ۴۴ از راه آموختن نحوه عملکرد بازرگانان سودجوی به دست نمی‌آید ، اینها تنها درسودجویی غارت و احتکار تخصص دارند ، بلکه با بسیج مردم و مشارکت وسیع زحمتکشان می‌توان نه تنها به جنگ بازرگانان سودجو رفت ، بلکه با عوارض جنسی جنگ ، محاصره اقتصادی ، ویرانی کارخانه‌ها و دیگر مشکلات ناشی از جنگ مبارزه کرد . اگر غیر از این عمل کنیم بیکاری ، گرانی و کمیابی هرچه بیشتر بر بحران اقتصادی موجود دامن خواهد زد و مصائب جدیدی ببار خواهد آورد .



قطع نفت ایران و عراق بیشتر به کشورهای فقیر صدمه میزند

نتیجه کنفرانس شیخ نشین های خلیج فارس را وزیر
خزانه داری آمریکا یک روز پیش از تشکیل آن اعلام کرد!

سوم مهر آسوشیند پیرس خبر داد که لیبی از نهم مهر (اول اکتبر) ۱۰ درصد از تولید نفت خود را که ۱/۷۵ میلیون بشکه در روز است کاهش میدهد. مجموع صادرات نفت ایران و عراق قبل از جنگ روزانه متجاوز از سه میلیون بشکه بود. و تصمیم مشترک چند کشور برای کاهش تولید، جمعا " ۱/۵ میلیون بشکه از بازار جهانی نفت می گاست.

وزیر نفت ایران در یک مصاحبه مطبوعاتی در روز ۱۳ مهر اعلام کرد که صدور نفت ایران که قبل از جنگ روزی ۷۰۰ هزار بشکه بود هنوز ادامه دارد اما میزان آنرا کاهش نکرده. چند روز بعد خبرگزاری آسوشیند پیرس طی تفسیری اظهار نظر کرد که ایران روزانه ۲۰۰ هزار بشکه نفت از جزایر لاوان و سیری صادر میکند. اما در مورد عراق با اینکه صادرات این کشور از بندرهای جنوب قطع شد و لوله های انتقال نفت آن به بنادر طرابلس در لبنان، اسکندرون در ترکیه و یونان در سوریه با بمباران های متعدد ایران آسیب دیدند، سعدون حمادی وزیر خارجه این کشور در روز هشتم مهر اعلام کرد که عراق هنوز صادرات نفت دارد. در شرایط قبل از جنگ، عراق ۲/۴ میلیون از کل استخراج ۳/۲

درست در زمانیکه رسانه های گروهی غرب رضایت مندانه خبر عدم توافق بین کشورهای اوپک را در کنفرانس آخر شهریورماه وین میدادند معلوم شد که ۷ کشور اوپک یعنی لیبی، الجزایر، ایران، ونزوئلا، نیجریه، اندونزی و تا حدودی عراق تصمیم گرفته اند که ۱۰ درصد از استخراج نفت خام خود بکاهند. این تصمیم در واقع واکنشی بود در مقابل عربستان سعودی که با تولید ۹/۵ میلیون بشکه نفت در روز و فروش ارزان آن از بالا رفتن قیمت نفت جلوگیری میکرد. اما شعله ور شدن آتش جنگ بین ایران و عراق، یعنی دو عضو بانفوذ اوپک و توقف صادرات نفت این دو کشور، باعث شد که تصمیم چند کشور اوپک به مرحله اجرا در نیاید.

امارات متحد عربی درقبال کاهش تولید نفت موضع گیری مهمی اتخاذ کرد، کویت فرصت طلبانه اعلام داشت که در صورت عمل مشابه اعضای اوپک، کویت نیز چنین خواهد کرد. در این بین تنها لیبی و الجزایر بودند که روی تصمیم خود باقی ماندند. خبرگزاری بارس روز اول مهر اعلام کرد که الجزایر از نهم مهر روزانه صد هزار بشکه از تولید خود خواهد گاست. روز

میلیون بشکه در روز خود را صادر میکرد.

هم‌نشین‌دیندونیجه، تصمیم‌مشترک‌انها به افزایش یک میلیون بشکه نفت در روز شد. یک روز بعد از این کنفرانس وزیر نفت کویت که قبلاً "اعلام کرده بود استخراج نفت کویت افزایش نمی‌یابد، افزایش قیمت نفت را تقبیح کرد! و همان روز جلسه شورای وزیران کویت که پیرامون بازار نفت تشکیل شد در پایان کار خود رسماً "اعلام کرد که کویت بمنظور جریان صادرات قطع شده دو کشور در حال جنگ تولید نفت خود را افزایش خواهد داد، امارات متحد عربی و قطر نیز اعلام کردند تولید نفت خود را افزایش خواهند داد و با توجه به اینکه روزی ۱۶ مهر شیخ زکی یمانی صریحاً "گفته بود عربستان روزی یک میلیون بشکه نفت بیشتر تولید میکند، جای سؤال است که چگونه چهار کشور عربی جمع تولید اضافی روزانه شان فقط یک میلیون بشکه میشود؟ پاسخ این سؤال را که نتیجه واقعی کنفرانس طائف نیز میشود ویلیام میلر وزیر خزانه داری آمریکا، قبل از تشکیل کنفرانس اعلام کرد و گفت چند کشور عربی روزی ۳ میلیون بشکه تولید نفت خود را افزایش خواهند داد.

موضع سایر کشورهای اوپک نیز قابل بررسی است. الحاجی شاری رئیس جمهور نیجریه که روز ۱۳ مهر گفته بود نیجریه در صورت لزوم تولید نفت خود را افزایش خواهد داد، بعداً "تعبیر عقیده داد و ادامه داد ماسکی وزیر خارجه آمریکا از قول او گفت: "نتیجه تولید نفت خود را افزایش نخواهد داد، چون از نا-ثیر آن در قیمت‌ها نگران است." مذکور دهیم که نیمی از ۲/۲ میلیون بشکه نفت استخراجی نیجریه در روز، به آمریکا فروخته میشود. دولت مکزیک هم ضمن انتقاد از کاهش تولید نفت اعلام کرد علی‌رغم توانایی به ۱۰ درصد اضافه تولید، از این‌کار خوداری خواهد کرد اما ونزوئلا، کشور دیگر صادرکننده نفت اعلام کرد صادرات نفت خود را افزایش خواهد داد.

خریداران نفت ایران و عراق

در زمینه خرید نفت، صنایع عمده نفت ایران و عراق یعنی ایتالیا، ژاپن، اسپانیا، برزیل، هند و فرانسه علاوه چند کشور کوچک مثل نیپال و ترکیه دچار مضیقه شدند. نیپال که قرارداد خرید ۹۰۰ هزار تن نفت از عراق را داشت برای تأمین نفت خود قراردادی با شوروی برای خرید ۸۷۰ هزار تن نفت منعقد کرد و دولت ترکیه هم برای جبران کمبود نفت خود که به ۸۰۰ هزار تن یعنی یک سوم نیاز آن میرسد به لیبی و روسیه روی آورد. علاوه بر این دو کشور یکی دیگر از بازنده-های جنگ ایران و عراق، اسپانیا بود که ۲۲/۳۴ درصد نفت مورد نیاز خود یعنی روزی ۲۰ هزار بشکه نفت از ایران و ۳۵ هزار بشکه نفت از عراق خریداری میکرد که هر دو قطع شده است. بازنده بزرگ جنگ ایران و عراق، هند بود که دو سوم نیاز نفتی خود را از طریق

از سوی دیگر خیر جنگ، خود بخود باعث شد روند صادرات نفت از خلیج فارس دچار اختلال شود. طبق گزارش خبرگزاری رویترز روز سوم مهر، ۱۰ نفتکش بزرگ از ترس جنگ در آنسوی تنگه هرمز لنگر انداختند و در همین روز خبرگزاری فراتسه اعلام کرد صاحبان نفتکش‌ها در روتردام از فرستادن تانکر برای نفت خودداری میکنند. خیر توقف‌کنشی‌ها در روز سوم مهر باعث شد که در بازار روتردام قیمت نفت از هر تن ۲۸۱ دلار به ۳۰۰ دلار برسد. در بورس لندن بلافاصله بعد از جنگ ایران و عراق قیمت هر بشکه نفت چهار دلار بالا رفت. در همین ضمن بعضی از کشورهای مصرف-کننده نفت نیز از فرصت استفاده کرده قیمت‌ها را آوردند. های نفتی را در کشور خود افزایش دادند. روز ۲۵ مهر قیمت مواد نفتی در فرانسه ۶ صدم فرانک برای بنزین معمولی سوپر و گازوئیل و ۲/۵ صدم فرانک برای نفت کوره در هر لیتر زیاد شد. و قبل از فرانسه، روز ۱۲ مهر برزیل قیمت بنزین را ۱۸ درصد زیاد کرد و علاوه بر آن بمنظور جایگزینی الکل برای سوخت اتوموبیل، صدور الکل و شکر را (که برای تهیه الکل‌بکار میبرد) ممنوع کرد.

در بین کشورهای فروشنده نفت، نخستین کشوری که بعد از جنگ ایران و عراق قیمت نفت خود را افزایش داد سوریه بود که توانست نرخ فروش نفت خود را از ۲۹/۱۵ دلار به ۳۰/۶۷ دلار در هر بشکه رساند. روز ۲۶ مهر نیز امارات متحده عربی قیمت دو نوع نفت خود را ۲ دلار در بشکه افزایش داد و به ۳۰/۵۷ و ۳۱/۵۶ دلار رساند و این بدنبال افزایش قیمت نفت عربستان سعودی بود که در کنفرانس اوپک به سخنی قبول کرد قیمت نفت خود را از ۲۸ دلار به ۳۰ دلار در هر بشکه برساند.

کاهش نفت، مسأله‌ای که فوراً حل شد

روز ۱۲ مهر خبرگزاری فرانسه از قول یک مجله معتبر نفتی نوشت که عربستان سعودی روزی ۶۰۰ هزار بشکه تولید نفت خود را افزایش داده و به مرز تازه ۱۰/۴ میلیون بشکه در روز رسانده است. همزمان، مطبوعات از قول یک مقام عالی‌رتبه عربستان نوشتند که تصمیم به افزایش تولید نفت چند روز پیش اتخاذ شده است. همزمانی این تصمیم عربستان و تصمیم به کاهش ۱۰ درصد تولید نفت که توسط الجزایر و لیبی اجرا شد (نهم مهر) دو صف متقابل را در اوپک کاملاً مشخص میکند. عربستان روز ۲۰ مهر کنفرانسی با حضور سه کشور کویت، امارات متحده عربی و قطر در شهر طائف براه انداخت که مضمون آن بررسی عواقب جنگ ایران و عراق بود. این کشورها با تشکیل جلسه اوپک به همین منظور مخالفت کردند و ترجیح دادند دور از اغیار دور

ایران و عراق تاءمین میکرد. بعد از جنگ، هند یک هیأت دولتی را به شیخ نشین های خلیج فارس فرستاد تا نظر آنها را برای فروش نفت جلب کند و در حالیکه امارات متحد عربی اعلام کرد تقاضای هند را تحت بررسی قرار میدهد، دولت شوروی، روز ۱۲ مهر به هندوستان اعلام کرد در مقابل گندم و برنج حاضر است کمبود نفت هندوستان را تاءمین کند. چند روز بعد اعلام شد بلغارستان ۱۰۰ هزار تن نفت خام در اختیار هند خواهد گذاشت که البته در مقابل احتیاج نفتی هند میزان اندکی است. وضع برزیل نیز بهتر از هند نبود این کشور هم با شروع جنگ ایران و عراق بیش از نصف نفت مورد نیاز خود را از دست داد. برزیل روزانه ۸۵۰ هزار بشکه نفت وارد میکند که ۴۰۰ هزار بشکه آن را از عراق و ۶۰ هزار بشکه آن را از ایران می خرید. مقامات برزیلی مجبور شدند سه قرارداد نفتی با لیبی، شوروی و آنگولا برای خرید ۴۶ هزار بشکه نفت در روز منعقد کنند که نرخ فروش نفت شوروی ۳۴ دلار در هر بشکه بود.

اما اضافه تولید نفت امارات متحده عربی که بعد از افزایش اخیر - کمی بیش از ۳۰ دلار - نصیب فرانسه شد و اعلام شد که فرانسه روزانه ۵۰ هزار بشکه نفت بیشتر از امارات متحده خواهد خرید.

رویه مرفته می توان قضاوت کرد که قطع صادرات نفت ایران و عراق از رهگذر جنگ، بیشتر به زیان کشورهای فقیر، با عبارت دیگر کشورهای در حال رشد تمام شد، در حالیکه بنابر تحقیق یک پروفیسور دانشگاه استانفورد آمریکا که روز ۱۶ مهر توسط خبرگزاری یونایتد پرس منتشر شد: "اگر به مدت شش ماه روزانه ۶ میلیون بشکه نفت عراق، ایران و کویت قطع شود آمریکا ۲ درصد و اروپا و ژاپن ۳ درصد کمتر تولید ناخالص ملی خواهند داشت." با این وجود کشورهای پیشرفته صنعتی برای مقابله با همان تغییر جزئی، بزرگترین حربه ها را در اختیار دارند. در حالیکه دبیرکل سازمان بین المللی توسعه و همکاریهای اقتصادی در توکیو، ذخیره سازی نفت توسط غرب را

موفقیت آمیز می دانست، خبرگزاری فرانسه از قول مقامهای ژاپنی اعلام کرد که ده کشور بزرگ غیر کمونیستی برای اتخاذ استراتژی ویژه ای برای کاهش واردات نفت با توجه به جنگ ایران و عراق روزهای ۲۷ و ۲۸ مهر جلسه ای در پاریس خواهند داشت. استرالیا، هلند و دانمارک و هفت کشور عضو کنفرانس اقتصادی: آمریکا، آلمان غربی، انگلستان، فرانسه، کانادا، ایتالیا و ژاپن در این اجلاس شرکت میکنند. یک خبرگزاری آمریکائی اعلام کرد این ۱۰ کشور طی قطعنامه ای از سازمان بین المللی انرژی خواهند خواست تا قراردادهای خرید نفت خام را در سال آینده کاهش دهد.

از جمله آثار دیگری که جنگ ایران و عراق بر اوضاع نفت گذاشت، تعطیل و تعویق چند کنفرانس و اجلاس بود. کنفرانس وزرای اوپک در لندن لغو شد. اجلاس ۱۳ تا ۱۵ مهر اوپک که بمنظور بررسی کمک صندوق اوپک به کشورهای جهان سوم قرار بود در کوئیتو پایتخت اکوادور تشکیل شود، کنفرانس سران اوپک در بغداد به تعویق افتاد و اوپک مقام ونزوئلایی پیشنهاد کرد بجای بغداد، بمناسبت بیستمین سالگرد اوپک کنفرانس سران در کاراکاس ونزوئلا برگزار شود و این در حالی بود که یک مفسر مصری اظهار عقیده کرد که از اوپک چیزی بجای نمانده و اتحاد تولید کننده های نفت منحصر به چند شیخ نشین خلیج فارس شده است.



صف

کمر صف که از جلو یک لنگه در نماز کشیده شده، در خم کوچکه پیچ می خورد و دم آن تا مسافتی از کوچکه را طی میکند. صف سه ساکت است و نه پر همه: زمزمه مداوم. گاه اظهار عقیده ای آشکار یا فریادی ناگهانی که متخلفی را بر جا میخکوب میکند و به انتهای صف می راندش، رشته پایان ناپذیر زمزمه را پاره میکند و تک و توکی فریاد تحکم آمیز و متلک را بدنبال می آورد. صف، ترتیب نامنظمی دارد: دونفری، سه نفری، پس و پیش از طرفین. اما در عین حال صف، نظم مقدس خودش را دارد. دست درازی به حریم آن ممنوع است. تازه از راه رسیدگان باید در دم صف جا بگیرند.

تخم مرغ و... ساعت مشخصی ندارد. بسته به این است که "محموله" کی برسد و برای نمازدار چه ساعتی مناسب باشد: چون تا توزیع روغن و... تمام نشده، نمی تواند چیز دیگری بفروشد. نه خود فرصتش را دارد و نه منتظران صف چنین اجازهای را میدهند. مبادا که به بهانه مثلا "خرید آدامس، نباتی و خارج از نوبت ...

چراصف؟

صف، اما پدیده آشنای گذشته نزدیک تهران است از یکی دو سال پیش، اول صف نفت بود، دو سال پیش، آخرین روزهای "محمدنفتی" بعد صف سیگار بود، سپس بودر رختشویی، صف گوشت، صف روغن نباتی، صف تخم مرغ و... و گاه صف برنج، بانرخ دولتی کیلوئی ۷۰ ریال - برنج ایرانی در بازار آزاد کیلوئی ۱۸۰ تا ۲۲۰ ریال است.

صف گوشت، با افزایش نرخ آن از کیلوئی ۱۲۵ - ۱۵۰ ریال مخلوط تازه و بیخزده به ۲۵۰ ریال گوشت بیخزده ۴۰۰ ریال گوشت تازه

بزرگی پهن شده و با زندهای همسایه - موقتی - گپ می زند. تأیید میکند و رد میکند. جوانی به انتهای صف می رسد:

- این صف برای چیه آقا؟

- نمیدونم

کمی جلوتر صدائی می گوید:

- روغن میدن.

جوان، جلوتر میرود: ارزیابی

صف، سوت بلندی میکشد و دوان دوان خود را به ته صف می رساند و مستقر میشود.

توزیع روغن هنوز شروع نشده نمازدار ساعت ۳ را وعده داده است. البته توزیع روغن، سیگار، بودر رختشویی و ظرفشویی، صابون

صف، اکنون ناگزیر پذیرفته شده است، اما نه برای همیشه و نه از طرف همه. گفتگوی "اهل صف" - که بعد می آید - این را منکر است و "راه حل" ارائه میدهد. و مردمی که ساعتی از روزشان را در صف می گذرانند، خود را با آن تطبیق داده اند:

جوانکی صفحات اول رمانی - کتاب جیبی - را ورق می زند، پیرمردی روی صندلی ناشوفزی - پارچه اش مستقر شده و روزنامه می خواند. دختر بچه ای چشمهای خواب آلودش را به چادر مادر می مالد و مادر - جزئی از زمزمه مداوم همگانی - روی تکه مقوای

"خودبخود" منحل شد.

صف بدنبال کیمیایی و نایابی کالا‌های مصرفی مردم آمدوگرانی همراهمان:

کمبود کالا در مغازه‌ها، شایعه محدودیت ذخیره مملکتی، احتکار ارزاق در انبارهای مخفی و آشکار، تاجار و عمده فروشان بزرگ، کاهش تولید کارخانه‌های داخلی - یا حداقل شایعه آن - و محدودیت واردات - محاصره اقتصادی - ، عدم اعتماد به آینده - عدم عرضه کافی کالا به بازار مصرف - و بیبیش بینی گرانی بازمهم بیشتر قیمت کالا‌های مصرفی در آینده و در نتیجه حرص مصرف کنندگان به ذخیره سازی هرچه بیشتر آن .

پدیده صف، در عین حال که معلول واقعیت - در حال حاضر - نابسامان عرضه کالا به بازار مصرف است، تبلور عینی همه بیمها و نگرانیهای آینده مصرف کنندگان نیز هست. که این خود در نهایت شدت کیمیایی کالا و گرانی آنرا مضاعف میکند. گذشته از این، تجاوز نیروهای یعنی عراق به ایران و اثرات ناشی از آن نیز بر تعداد و طول صفها افزوده است.

"اهل صف" نیز همین را می‌گویند: خانم ناهید تقی زاده آموزگار معتقد است: "تا وقتی کمبود مایحتاج ضروری مصرفی رفع نشده مردم - خودم شخصا - مطمئن نشده‌اند که در آینده نزدیک این مایحتاج به حد کافی و قیمت عادلانه به بازار عرضه می‌شود، صف‌هم وجود خواهد داشت، و بهتر! چون عده‌ای پولدار تا کالائی به مغازه وارد میشود، بیشتر از احتیاج روزانه خود را می‌خرند و ذخیره میکنند. در نتیجه سر دیگران که درآمد متوسط و روزانه کمتری دارند، بی‌گلاهی می‌ماند. بنابراین این جور کالاها باید در صف عرضه شود تا حداقل به ظاهر مردم به چشم ببینند که کالا

بطور مساوی به همه فروخته میشود. " عادل امیریان که خود را پاسدار معرفی میکند در عین حال که اعتقاد دارد هرچه بر طول صفها افزوده میشود، ضد انقلاب را شادمان میکند، به ناگزیری صف در حال حاضر اذعان دارد: "همه‌آنهايي که در صف هستند، "ضدانقلاب" نیستند. بیشترشان "متضعف" هستند که قادر نیستند کالای مصرفی خود را با قیمت گران‌تر بوی در در بازار آزاد تهیه کنند. اما کسانی هم هستند که در هر صافی حضور دارند. اینها "حرفه‌ای" های صف هستند. از صف ارزانتر می‌خرند و در جای دیگر گرانتر می‌فروشند. مخصوصا "سیگار". به نظر من باید ترتیبی داد که در صف‌های هر منطقه، فقط اهالی آن منطقه را راه بدهند..."

حجت الاسلام مجد سرپرست سازمان بسیج مستضعفان در مورد صف می‌گوید: "... البته اگر بگوئیم همه آنها ضد انقلاب هستند درست نیست. بسیاری از مردم آگاهی لازم را ندارند. ولی اکثریت مردم اگر از گرسنگی هم بيمرند، حاضر نیستند عملی انجام دهند که مایه خوشحالی ضد انقلاب باشد... مردم ما میدانند که در جنگ نان و حلوا پخش نمی‌کنند - بلکه مشکلات و کمبود

و گرسنگی و محرومیت است... افرادی که صف‌های طولی را تشکیل می‌دهند، غالباً از آگاهی‌های لازم بی‌بهره هستند، و تحت تاثیر دشمن و شایعه پراکنی‌ها قرار می‌گیرند. در حالی که نه تنها کمبودی وجود ندارد، بلکه وسایل و امکانات بقدر کافی وجود دارد. ولی با این احتکار و ذخیره‌سازیها، کمبود مصنوعی بوجود می‌آید. این برنامه دقیقاً "بخشی از همان توطئه دشمن است. شایعه یکی از نقشه‌های دشمن است..."

اما مساله صف فقط همینها نیست که چنان راه حل و چنین پاسخی داشته باشد.

مهران معصومی کارمند می‌گوید: "خوبی خانواده‌های کم جمعیت و احياناً "پرجمعیتی هستند که دستشان به صف نمی‌رسد. زن و مرد خانواده سرکار هستند و بچه‌ها در مدرسه و در همان حال صف‌های طولی ته هر چیزی را بالا می‌آورد. یا مثلاً "صفر و غن" در اینجا است و همزمان کمی دورتر صف پودر رختشویی یا سیگار. که در اینصورت دست مصرف‌کننده فقط یکی از این دو را میگیرد."

یکی از شهرهای شمالی را مثال می‌آورد: "حدود دوماه پیش برای چند روزی گذرم به آستارا افتاد. در حالی که وضع مایحتاج ضروری در این شهر بهتر از تهران نبود، اما از صف خبری نبود. در این شهر از یکسال و خرده‌ای پیش کالاهائی را که در تهران در صف عرضه میکنند، شورای شهر، با شناسائی قبلی، در محله‌های مختلف، دم در منازل به خانواده‌ها عرضه می‌کند. توزیع کالا در هر محله زیر نظر فرد مورد اعتماد همان محله انجام میشود. نمونه موفق توزیع کالای ضروری - مصرفی در این شهر کوچک، میتواند در ابعاد بزرگتر در تهران بکار گرفته شود."

گویا چنین راه حلی برای توزیع مایحتاج ضروری مردم در تهران نیز در دست تهیه و اجرا است. در آخرین روزهای مهرماه و در رابطه با مسایل ناشی از جنگ، مسئله تشکیل شوراهای محلی در تهران بطور جدی عنوان شد. شهرداریهای نواحی مختلف تهران، اهالی محله‌های تهران - اهالی چند خیابان نزدیک به هم در ابعاد

تقریبی حداکثر ۵۰۰ متر در ۵۰۰ متر - را دعوت به تشکیل شورای ۹ نفری محله کردند . گویا یکی از وظایف عمده این شوراها ، شناسائی خانواده ها و تعدادشان و برآورد میزان مصرف آنها است . تا با صدور کارت-هائی ، کالاهای ضروری مصرفی کمیاب بطور عادلانه میان خانواده ها توزیع شود .

به اعتقاد اغلب کسانی که در انتخابات یکی از این شوراها شرکت داشتند - و خود غالباً گرفتار صف هستند- در شرایط فعلی این بهترین راه حل میتواند باشد .

طبق اطلاع دقیق برنج هم به اندازه کافی در انبارها موجود است . بطوریکه در سال گذشته میزان واردات برنج بسیار چشمگیر بوده و شرکتهای تعاونی و سازمان گسترش خدمات بازرگانی مقادیر زیادی برنج ذخیره دارند اما اکنون با گسترش جبهه جنگ به جنوب و بخصوص "خونین شهر" - بزرگترین بندر وارداتی کشور - و در نتیجه محدودیت تخلیه کالا از کشتیها و محدودیت و مشکلات کامیونها برای رسیدن به بندرها - گذشته از توانائی ظرفیت کامیون- های کشور - کمیابی و حتی نایابی برخی مایحتاج ضروری مردم درآینده نزدیک مضاعف خواهد شد .

در این میان از یک سو خرید و ذخیره سازی مایحتاج موجود در بازار عرضه توسط مصرفکننده مرفه به کمیابها دامن میزند ، و از سوی دیگر پیشبینی کمیابی مایحتاج و گرانی آنها در آینده توسط تجار و عمده فروشان بزرگ و در نتیجه احتکار این مایحتاج بوسیله آنها ، گرانی را بیش از پیش به مصرفکنندگان متوسط درآمد و کم درآمد تحمیل می کند .

از این روست که اتخاذ تصمیمات عملی در توزیع مایحتاج مردم بوسیله شوراهاى محلی و حتی جیره بندى این مایحتاج ضرورت مبرم می یابد .

* * *

"واقعیت این است که قیمت خیلی از کالاهائی که در داخل کشور تولید میشود ، از سوی کارخانه های تولیدکننده افزایش نیافته است اما . . ."

این را خواربارفروشی می گوید که نه حاضر به گفتن اسمش است و نه مایل به ذکر محل مفارزه اش . او اطلاعات خود را که ممکن است فقط در میان همکارانش آشکار

مثلت شوم!

انداز روشنی میداشت .

چه در شهریور ماه سال جاری دکتر مرتضی موحدی زاده رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت سهامی بازرگانی اعلام کرد : "مصرف ۶ ماه آینده گندم ، برنج ، روغن نباتی ، تخم مرغ و شکر کشور تامین شده است در حال حاضر تنها مشکل وزارت بازرگانی رساندن اینگونه ارزاق ازبنادر و گمرکات کشور به سایر نقاط مملکت است ، که با کمبود کامیون و نبودن آن روبرو هستیم همچنین تا پایان سال جاری ۱۸۰ هزارتن روغن نباتی وارد کشور خواهد شد و در حال حاضر موجودی روغن کشور برای ۴ ماه آینده کافی است . به همین نسبت نگرانی برای کمبود شکر موجود نیست و تا دو ماه اول سال آینده ، شکر مورد نیاز کشور تامین شده است در مورد گندم نیز خریدهای لازم انجام شده و جای هیچگونه نگرانی نیست .

کمبود ، گرانی ، صفهای طویل ، سه سد بزرگ برای رسیدن به ارزاق و مایحتاج ضروری کی شکسته خواهد شد ؟

این متداولترین و عریانترین سؤال همه مصرفکنندگان کشور است . اما پاسخهای مبهم ، گنگ ، متناقض و گاه دوپهلوی هیچ تناسبی با صراحت سؤال ندارد

احتکار مایحتاج ضروری توسط عمده فروشان و تجار بزرگ ، کاهش سطح تولیدات داخلی ، محدودیت واردات ، محاصره اقتصادی توسط امپریالیزم و . . . اکنون جنگ .

قیمتها آنچنان گران است و مصرفکننده آنچنان مستاصل و عاصی ، که هم اکنون در بسیاری از منازل هاجری بحث میان مصرفکننده و فروشنده برسر قیمت اجناس منظره نادری نیست .

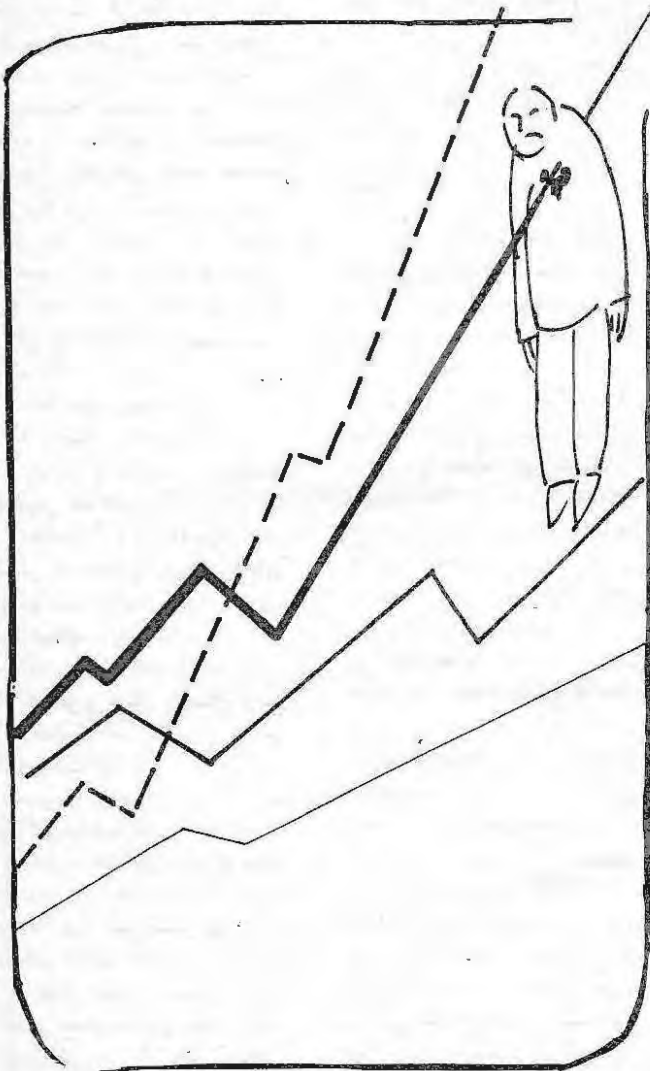
شاید اگر جنگ آغاز نمی شد ، عرضه مایحتاج ضروری مصرفی مردم و احیاناً "قیمتها چشم -

برزبان بیاید، در اختیار ما میگذارد: "... تقریباً" همه این کارخانه‌ها یا در دست دولت قرار گرفته و یا تحت اختیار بنیاد مستضعفین است. مثلاً "مایع ظرفشویی ریکا را کارخانه بمیزان نصف مقدار گذشته به ما میدهد، بدون افزایش قیمت. فروشنده باید آنرا دانه‌ای ۶۰ ریال بفروشد. اما عملاً" آنرا به مشتریان آشنا بین ۸۰ تا ۱۰۰ ریال می‌فروشند. شامپو کلا" کمیاب است. شامپو خمرمای را کارخانه بدون افزایش قیمت و با تقلیل سهمیه مغازه‌دار به یک چهارم گذشته در اختیار ما میگذارد. اما به علت کمیابی و دست بدست گشتن عملاً" با ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش قیمت بدست مصرف‌کننده می‌رسد.

کارخانه قو، ۲ تا ۳ ماه یکبار روغن به مغازه‌ها میدهد و چون کمیاب است باز با افزایش قیمت فروخته میشود. تخم مرغ کمیاب است. اگر برایمان بیآورند قیمت رسمی آن کیلوئی ۱۳۵ ریال است اما عملاً" ۱۵۰ تا ۱۶۰ ریال می‌فروشیم. نان سوخاری نیست بیسکویت کمیاب است. نماینده کارخانه به دلخواه خود جنس میدهد و اعتنائی به نیاز فروشنده - مغازه‌دار ندارد. از ۱۵ رقم بیسکویت فقط گاه دورقم آن را به ما میدهند. درمیان کالاهای داخلی فقط بیسکویت است که کارخانه با تغییر شکل دادن آن، قیمتش را در حدود ۱۰ درصد گرانتر کرده است. لبنیات - منهای شیرکه الان به حد کافی وجود دارد - بطور کلی کم است و کارخانه، سهمیه مغازه‌داران را تا حتی به یک ششم - بخصوص کره - کاهش داده است دفتر و کاغذ کمیاب و گران است. قیمتها حدوداً" تا دو برابر سال پیش افزایش یافته است.

با وجود این قیمت‌هایش کاملاً" مشخص و تثبیت شده است و فعلاً" دلخواهی است. با وجود این، تقریباً همه خواربارفروشان که با آنها گفتگو کردیم، باطمینان میگویند که درمیان کالاها و مایحتاجی که هم‌اکنون برای خریدشان صفهای طولیل وجود دارد، کمتر کالائی است که واقعا" کمیاب باشد. انبارهای عمده فروشان و تجار در تهران لبالب از این مایحتاج است. اما چشم‌انداز آینده

- کمبود وگرانی بازهم بیشتر مایحتاج عمومی - و امید فراوان به سودهای بیشتر و کلان موجب شده این تجار و عمده فروشان کالاهایشان را کمتر آفتابی میکنند آنها به فروشندگان خرده‌پا - مغازه‌داران - همه‌کالاهای را که می‌خواهند، به‌اندازه مورد نیازشان نمی‌دهند. از این گذشته این عمده فروشان که در گذشته کالای مورد نیاز مغازه‌داران را که به هر مقدار و حتی نسبه در اختیار آنها می‌گذاشتند، حالا فقط با پول نقد و به میل



خود معامله میکنند . مغازه دار هم اگر با انصاف باشد ۱۰ تا ۲۰ درصد روی آن میکشد و به مصرف کننده می فروشد ، و اگر بی انصاف باشد ، درآشفته بازار فعلی و با وجود مشتریان پولدار و حریص نرخ دلخواهی فروشنده حد و مرزی نمی شناسد .

خواربارفروشان ضمن تاکید بر فراوانی درانبار های عمده - فروشان ، گرانی قیمت عمده فروشی را مطرح میکنند . آنچنان که گاه برخی اجناس مورد نیاز خود را بعد از اطلاع از قیمت جدید عمده فروشی ، خط میزنند . خواربار فروشی تعریف میکرد : " در صورت جنسهای مورد نیاز مغازه ، مغزگردو را هم نوشته بودم " . اما وقتی قیمت عمده -

فروشی آن را کیلویی ۱۱۵۰ ریال - دانستم ، از خیرش گذشتم . آخر من با چه روئی و به چه قیمتی مغزگردوی ۷۰۰ ریالی را بفروشم و از مشتری شرم نکتم ؟ "

اما چگونه میشود دیوار های بلند احتکار را فرو ریخت ؟ مردم و مسئولان پاسخهای متفاوتی میدهند :

دادسرا و دادگاه ویژه امور صنفی در نخستین روزهای تجاوز ارتش بعث عراق به ایران ، طی اطلاعیه ای به گرانفروشان و محترکان انصاف حجت کرد که با گرانفروشی و احتکار مایحتاج مردم " به فعالیت ضد انقلاب در داخل کشور کمک نکنند " . در غیر اینصورت به عنوان ضد انقلاب محاکمه خواهند شد .

اما به نظر می رسد که در یکماه گذشته ، اطلاعیه دادسرا و دادگاه ویژه امور صنفی کمتر گوش شنوایی داشته است .

شاید گفته محمد صادق اسلامی مسئول اوراق سناد بسج اقتصادی به راه حل نهائی

فرو ریختن دیوار های بلند احتکار نزدیکتر باشد : " در هیچ جامعه ای سیستم پلیسی نتوانسته موفق شود ، بلکه کنترل مردم است که باعث ریشه کن شدن محترکان ضد انقلاب میشود " .

مصرف کنندگانی که طرف گفتگوی ما بودند پیشنهاد های عمقی تر دارند : " توزیع کلیه مایحتاج ضروری مردم ، بخصوص در شرایط جنگی فعلی ، باید کلا " در اختیار دولت و نهاد های مردمی باشد و شورا - های محلی ، این مایحتاج را بر اساس تعداد و میزان مصرف خانواده ها در اختیار آنها بگذارند " .

ذخیره سازی پولداران

خواربار فروشان - بخصوص خواربار فروشان شمال شهر - خرید و ذخیره سازی مشتریان پولدار را از عوامل کاهش مایحتاج عمومی در بازار و مغازه ها معرفی میکنند . مرتضی . ه . شاگرد یک خواربار فروشی در خیابان مبارزان با تجربه خود با کلمات ساده ، اخلاق و روانشناسی مصرفی خریداران پولدار را با این مفهوم شرح میدهد : " این مشتریان ، بخصوص در شمال شهر ، خصوصیات جالبی دارند . با اینکه تقریباً همه شان در پول خرج کردن نسبت به ۴۰۳ سال پیش ، دست و دلبازی کمتری دارند . در حال حاضر دست و دلبازی شان تابع شرایط کلی کشور است : اگر آرامش نسبی برقرار باشد و بازار عرضه کالای مصرفی مردم ، وضع عادی داشته باشد ، آنها با احتیاط و خست بیشتری پول خرج میکنند . ولی اگر وضع ناآرام باشد و احتمال کمبود و نایابی کالاها وجود داشته باشد به مغازه ها هجوم می آورند ،

و آنچه می توانند به هر قیمتی می خرند . مثلاً " بعد از حمله عراق به ایران ، در دوسه روز اول این حمله ، آنها برای خرید و ذخیره سازی کالاها هجوم آوردند . بطوری که در آن روزها ، میزان فروش مغازه ها تا ۳ برابر روزهای عادی بالا رفت ، و کالاهای مغازه ها کم شد . اما بتدریج تب ذخیره سازی فرو نشست . با وجود این همچنان به کندی ، اما بطور مداوم به ذخیره سازی ادامه میدهند هم او میگوید : چند روز

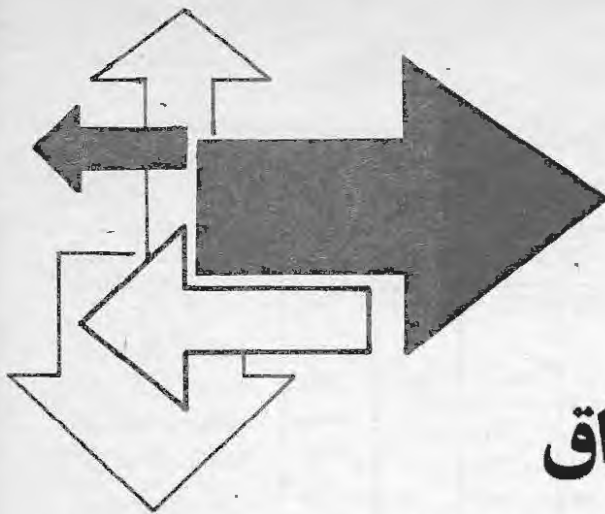
پیش حرفهای یکی از کارگران عضو شورای کارخانه پودر رختشویی دربارا از تلویزیون شنیدم که میگفت : " حداکثر ظرفیت تولید کارخانه در روز ۱۸۰ تا ۲۰۰ تن است . کارگران کارخانه چه در گذشته با سه شیفت کار روزانه وجه حالا - بعد از حمله عراق و ناگزیری خاموشی شبانه - در دوشیفت کار ، سطح تولید روزانه را همچنان در حد اکثر ظرفیت تولید کارخانه نگاه داشته اند . " می بینیم که سطح تولید برخی کارخانه ها کاهش نیافته است . در اینجاست که متوجه نقش تعیین کننده ذخیره سازی برخی مصرف کنندگان در بلعیده شدن این کالاها از بازار می شویم . رفتار مصرف کنندگان پولدار ، حداقل دونتیجه فوری زیانبار برای مصرف کنندگان کم درآمد تر دارد :

۱ - ذخیره سازیشان موجب کاهش و کمبود مایحتاج مردم میشود و در نتیجه قیمتتها را بالا می برد .

۲ - آنها حاضر به پرداخت هر قیمتی که فروشنده روی کالا می گذارد ، هستند . در نتیجه برخی فروشندگان کم انصاف نیز ترجیح میدهند کالای کمیابشان را در اختیار آنها بگذارند ...

جدول افزایش قیمت برخی از کالاها

وضعیت کلی جنس	وضعیت عرضه جنس به بازار و مصرف کننده	افزایش قیمت		نرخ روز	نرخ پیش از جنگ	نرخ سال پیش	نوع جنس
		نسبت به سال پیش	درصد				
کمیاب	کاهش سهمیه مغازه داران (درصد)	۲۸	درصد	۷۵-۹۰	۷۵	۶۸	روغن نباتی قو (قوطی یک کیلوئی)
کمیاب	کاهش سهمیه مغازه داران	۵۲	درصد	۲۹۵	۲۶۰	۱۹۰	روغن مایع
نایاب	سهمیه قطع شده	۴۳	درصد	۵۰	-	۳۵	نان سوخاری (مینو)
نایاب	سهمیه قطع شده	۵۰	درصد	۶۰	-	۴۰	نان سوخاری (وبتانا)
نایاب	سهمیه قطع شده	۳۳	درصد	۳۵	۲۶	۲۶	بیسکویت مادر (کوچک)
کمیاب	بندرت به مغازه ها داده می شود (درصد)	۳۹	درصد	۱۵۰ تا ۱۶۰	۱۳۵ تا ۱۵۰	۸۳ تا ۱۱۵	تخم مرغ
عادی	درمغازه ها عرضه میشود	۱۰	درصد	۱۰	۱۰	۹	شیر (شیشه ای)
عادی	درمغازه ها عرضه میشود	۱۰۰	درصد	۲۰	-	۱۰	ماست (شیشه ای)
کمیاب	عرضه درمغازه ها به آشنا	۵۵	درصد	۷	۵	۴/۵	کره (قالب ۲۵ گرمی)
کمیاب	عرضه درمغازه ها به آشنا	۴۷	درصد	۱۷۰	۱۲۵	۱۱۵	نسکافه (کوچک)
عادی	خرید در انحصار پولداران	۷۱	درصد	۱۲۰۰	۹۰۰	۷۰۰	مغزگردو درجه یک
کمیاب	عرضه در صرف	۳۰	درصد	۳۲/۵	۲۷/۵	۲۵	پودر لیاستوئی دریا (متوسط)
کمیاب	کاهش سهمیه مغازه ها به دوپنجم (درصد)	۵۰	درصد	۸۰-۹۰	-	۶۰	مایع ظرفشویی (ریکا)
کمیاب	عرضه درمغازه ها به آشنا	۴۰	درصد	۲۵	-	۱۷	صابون دستشوئی (تخل زیتون)
نایاب	-	۴۰	درصد	۳۵	-	۲۵	صابون لباسشوئی (بزرگ)
نایاب	-	۱۷	درصد	۲۰	-	۱۷	صابون لباسشوئی (کوچک)
کمیاب	عرضه درمغازه ها به آشنا	۴۵	درصد	۸۰	-	۵۵	شامپو (خمراه ای)
نایاب	-	۴۴۰	درصد	۸۵	-	۲۵	(ناست یک سوسمار)
نایاب	-	۱۲۰	درصد	۱۰۰	-	۴۵	(ناست دو سوسمار)
نایاب	-	-	-	-	-	۲۵	تیغ صورت تراشی (شیک)
عادی	-	۱۰۰	درصد	۱۰	۷/۵	۵-۶	خودکار بیک
کمیاب	-	۱۰۰	درصد	۲	-	۱	کاغذ ورقی
کمیاب	-	۶۶	درصد	۲۰	۱۸	۱۲	دفترچه ۴۰ برگی معمولی دفترچه ۱۰۰ برگی
-	-	۷۱	درصد	۶۰	-	۳۵	جلد نایلونی
عادی	-	۱۰۰	درصد	۱۰	۷/۵	۵	باتری قلمی
عادی	-	۳۹	درصد	۲۵	۲۰	۱۸	باتری بزرگ
عادی	-	۶۶	درصد	۲۰	۱۵	۱۲	نوار چسب نایلونی کوچک



گروه‌های سیاسی و جنگ ایران و عراق

تجاوز نظامی عراق به ایران جنگی با دامنه‌های وسیع میان دو کشور را بوجود آورد ، تمام مشکلات درونی هر دو کشور وحتى مسائل منطقه را تحت‌الشعاع قرارداد و سؤال‌های بیشماری را برای بسیاری به‌مراه آورد . از جمله اینکه چرا میان دو کشور همسایه جنگ بوجود آمد ؟ نقش آمریکا و کشورهای مرتجع منطقه در این جنگ تا چه حدودی است ؟ مقصر اصلی جنگ کیست ؟ عاقبت جنگ چه خواهد شد ؟ مردم چه باید بکنند ؟ عواقب و اثرات جنگ چه خواهد بود ؟ و . . .

ناگفته پیداست که وسایل ارتباط جمعی در هر دو کشور برای این سؤالها ، جوابهای متفاوتی را برای ذهن جوینده مردم ارائه خواهند داد ، اما برای آنکه یی به ماهیت واقعی جنگ میریم تا بتوانیم به سئوالات بیشتر مربوط به آن جواب دهیم لازم است که آن را از زوایای مختلف بررسی کنیم . از جمله بازنگری به مواضع گروه‌های سیاسی کشورمان ، می‌تواند ما را به شناخت بعضی از این زوایا کمک کند .

با شروع جنگ ، هریک از گروه‌های سیاسی از دیدگاه‌های مختلف تحلیل‌های متفاوتی را نسبت به آن ارائه داده براساس این تحلیل‌ها موضعگیری مشخصی کردند . طبعاً " بررسی جنگ بنا بر ماهیت پیچیده آن و خصوصاً " در رابطه با عواقبی که برای یک کشور دارد کار ساده‌ای نیست و هرگونه برخورد سطحی با آن میتواند بر عمق فجایع بعدی آن بیافزاید . اگر نخواهیم همچون آن جوانک آفرنگ برگشته عاقبت جو و دیگر همفکرانش که کودکانه و یا عوام‌فریبانه اعلام بیطرفی سازمان آزادیبخش فلسطین را نسبت به این جنگ ، ناشی از محافظه‌کاری و . . . آن سازمان دانستند ، مواضع گروه‌ها را به‌گونه سطحی بازنگریم ، باید در نظر داشته باشیم که تفاوت‌ها و حتی تضادهای موجود در این تحلیل‌ها عموماً " ناشی از پیچیدگی ماهیت واقعی جنگ است .

آنچه در این بررسی بیش از همه مورد توافق گروه‌هاست ، ماهیت ضد خلقی و استبدادی حکومت بعث عراق است ماهیتی که می‌تواند در نهایت ، به یکی از سئوالات مهم مربوط به جنگ ، یعنی انگیزه عراق در تجاوز به ایران ، جواب دهد . دیگر این که گروه‌های سیاسی - باستانی معدودی - همگی بر لزوم تسلیح و بسیج تمامی خلق بدور از اختلافها ، تنگ‌نظری و انحصارگری‌ها تاکید ورزیده و آنرا تنها راه دفاع از استقلال و تمامیت ارضی میهن و مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا دانسته‌اند .

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد اینکه با زهم باستانی یکی ، دو گروه ، بقیه گروه‌ها در اعلام موضع خود درباره جنگ به نسبت‌های گوناگون و از مواضع مختلف در تضاد با هیئت حاکم و یا جناح‌هایی از آن هستند که خود جای بحث بسیار دارد . بحثی که در این مقاله - که صرفاً " به ارائه نظرات گروه‌های مختلف نسبت به جنگ ایران و عراق اختصاص دارد - نمی‌گنجد .

بدیهی است که نقل نظرات این گروه‌ها ، بهیچ‌وجه به معنای تأیید یا رد این نظرات از طرف ما نیست ، بلکه همانگونه که قبلاً " گفته شد ، هدف ما کمک به شناسایی همه زوایای مسائل مربوط به جنگ است که بدون ارائه موضع‌گیریهای گروه‌های سیاسی - که عموماً " به تحلیل‌های عمیق‌تری می‌پردازند - ممکن نیست .

« ابلاغ » کانون ابلاغ اندیشه های شریعتی

کانون ابلاغ با انتشار اطلاعیهای در دهم مهرماه علت تجاوز عراق به ایران را، سرپوش گذاشتن بر تضادهای داخلی در عراق و سرکوب انقلاب و روحیه ضدامپریالیستی خلق ایران با فلج کردن قدرت اقتصادی کشور دانسته است.

این کانون معتقد است که میبایست با مشورت کامل نیروهای انقلابی در عراق و همچنین انقلاب فلسطین و شیعیان لبنان این جنگ بلافاصله به نبرد مستقیم علیه صهیونیسم و امپریالیسم و کشورهای مترجع عربی تبدیل گردد و به همه پیروان راه "شهید شریعتی" رهنمود می دهد که به همت و همکاری همه نیروهای انقلابی آمادگی خویش را برای هرگونه فداکاری در سنگرهای مهاجم بر امپریالیسم و دولتهای دست نشانده آن و بالاخص دولت مترجع عراق اعلام دارند.

کانون ابلاغ اندیشه های شریعتی می گوید ، همانگونه که امام علی در دوران سکوت ۲۵ ساله اش علیه رعم "خار در چشم" و "استخوان در گلو" باز به مشورت کامل ضدامپریالیستی با رژیم زمان خود می پرداخت ، تمامی امکانات خویش را جهت جهاد مشترک ضدامپریالیستی با تکیه بر وحدت ملی قرار داده و آمادگی کامل خویش را جهت مقابله با دشمن خارجی اعلام میداریم .

« سازمان اتحاد چپ »

اتحاد چپ بر اساس تحلیل خود ، جنگ میان عراق و ایران را نه ناشی از مداخله کشورهای بزرگ ، بلکه ناشی از مشکلات و مسائل درونی خود این دو کشور میدانند و خطاب به نیروهای چپ میگوید که : "این نیروها باید ماهیت این جنگ را برای توده ها روشن کنند".

این سازمان با یادآوری این نکته که نیروهای چپ فاقد پایگاه توده های هستند و در پراکندگی و تشتت به سر می برند ، وظیفه ای که برد مشخص اجتماعی داشته باشد برای چپ قائل نبوده و معتقد است که در شرایط کنونی چپ جز نقش مفسر قادر به ایفای نقش دیگری که در خدمت طبقه کارگر و زحمتکش جامعه باشد نیست و نیروهای چپ اصولی را به اتحاد عمل و سازماندهی مستقل توده ها فراخوانده است .

« اتحاد مبارزان کمونیست »

این گروه علت تهاجم رژیم بعث عراق به ایران را جلوگیری از بالاگرفتن شعله های انقلاب توده های در درون مرزهای عراق دانسته و معتقد است که دفاع رژیم جمهوری اسلامی نه دفاع از انقلاب کارگران و زحمتکشان

ایران ، بلکه صرفاً "دفاع از موجودیت خود است .

اتحاد مبارزان کمونیست به هواداران خود رهنمود میدهد که "کمونیستها میبایست در جهت ایجاد صف مستقل پرولتاریا و تشکیل جبهه انقلابی در مبارزه علیه این جنگ و اهداف آن عمل کنند".

« اتحادیه کمونیستهای ایران »

اتحادیه کمونیستهای ایران با اعلام شعار "آمریکا نقشه میکشد ، شوروی اسلحه میدهد ، عراق اجرا میکند ، چین تاءبید می کند" ، ضمن محکوم کردن رژیم بعث عراق ، آمادگی خود را برای شرکت در جنگ و دفاع از استقلال و انقلاب ایران در برابر تهاجمات رژیم عراق که آنرا منطبق با منافع امپریالیسم آمریکا و شوروی (که آنرا سوسیال امپریالیست میدانند) اعلام میکند .

گروه « الانبیاء »

گروه الانبیاء جنگ عراق با ایران را نه تنها به نفع توده های مردم نمیداند بلکه معتقد است که زیانهای این جنگ برای مردم در درازمدت نمود خواهد یافت و دلیل آنرا این میداند که در جریان جنگ نهادهای امپریالیستی بازسازی و دوباره سازی خواهند شد و ضمناً انواع و اقسام سلاحهایی که میتواند در جهت نابودی اسرائیل بکار رود از میان خواهند رفت .

گروه الانبیاء علت حمله نظامی عراق را چنین بیان می کند "امپریالیسم از توهمات ناشی از تفکرات دکماتیستی مجلس شورا به وحشت افتاده است و حملات خود را توسط عراق به داخل ایران انجام میدهد".

این گروه معتقد است که شعارهای ضدامپریالیستی مسئولین مملکتی در این رابطه صادقانه نیست ، چراکه با اعتقاد این گروه اگر مسئولین امر ضد امپریالیست بودند ، دست به سرکوب نیروهای انقلابی کشور نمی زدند . رهنمودی که این گروه میدهد اینست که باید درباره نهادهای امپریالیستی افشاگری نمود و گفت که تنها با مسلح شدن توده ها با انواع سلاح ها و آگاه شدن آنان است که میتوان در برابر امپریالیسم ایستاد .

« سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران »

(کومه له)

"سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان" جنگ ایران و عراق را در جهت منافع طبقات استثمارگر میدانند . این سازمان معتقد است "هر دو رژیم با مقاصد تجاوزکارانه در برابر یکدیگر قرار گرفته اند .

هر دو رژیم برای تخفیف بحران داخلی ، برای مهار کردن ناراضیاتی توده های مردم به سرکوب آنان ، برای تحکیم و گسترش منافع آزمندانه و ارتجاعی خود و طبقات استثمارگر به تحریکات مرزی و دخالت در امور داخلی یکدیگر پرداخته اند و جنگ کنونی ادامه این تحریکات برای رسیدن به مقاصد تجاوز - کارانه است .

رهنمود این سازمان ، تقویت صف مستقل و انقلابی و بسیج تمامی توده های ستمدیده برای مبارزه با هیئت حاکمه ضد خلقی ، فقر ، استثمار و جنگ افروزی و تجاوز مرزی و علیه هرستم دیگر است .

« سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر »

سازمان پیکار بر اساس اعلامیه مورخ دوم مهرماه خود معتقد است که " جنگ ایران و عراق ، جنگی است تجاوزکارانه ، ارتجاعی ، غیرعادلانه و ضد مردمی و این که کدامیک از این دو رژیم ، درگیری و جنگ فعلی را آغاز کرده است تغییر در ماهیت این جنگ نمی دهد . "

این سازمان به هواداران خود رهنمود میدهد تا ضمن کمکهای پزشکی به مردم که در اثر جنگ ارتجاعی صدماتی دیده اند جنگ میان عراق و ایران را به جنگ داخلی تبدیل نمایند .

« حزب توده ایران »

کمیته مرکزی حزب توده در اعلامیه دوازدهم مهر ، از همه مردم میخواهد که برای محور آثار تجاوز رژیم عراق بپاخیزند .

حزب توده بنا بر این اعتقاد که تجاوز عراق توطئه امریکاست می گوید همه مردم " باید بمقابله با ضد انقلاب و در رأس آن امپریالیسم امریکا ، که امروز بصورت تجاوز دار و دسته صدام حسین با ایران عمل می کند برخیزند " این حزب به همه ایرانیان و بویژه توده ایها ، رهنمود میدهد که به بسیج مستضعفین و صفوف ارتش بیست میلیونی پیوسته و در واحد های اعزامی نام نویسی کنند . در تولید هر چه بیشتر و بهتر کالاها ، در کارخانه ها ، کارگاهها ، مزارع و سایر واحد های تولیدی نهایت کوشش خود را بکار بندند و با همه توان تجاوز رژیم بعثی عراق را که در چارچوب توطئه براندازی امپریالیسم امریکا عمل کرده است درهم بشکنند .

« سازمان توفان »

توفان تهاجم عراق به ایران را سیاسی امپریالیستی و عراق را مجری این سیاست میداند که با اعتقاد این گروه " توسعه طلبانه ، تجاوزکارانه و بشدت ارتجاعی و همسو با منافع امپریالیسم

و مرتجعین منطقه است . "

توفان طرف دیگر این جنگ را خلق ایران میدانند که مصمم است تا از هرج و مرج خاکی این کشور با جنگ و ندادن حفاظت و حراست نماید و این مبارزه را نیز مبارزه های انقلابی و ضد امپریالیستی میداند . سیاست این سازمان " شرکت فعال و پرتحرک در این مبارزه و ایجاد همگونی و اتحاد عمل با تمام نیروهائی که نسبت به توفان سیاست خصمانه ای در پیش ندارند ، میباشد . "

« جبهه ملی »

جبهه ملی ایران ضمن محکوم کردن تجاوز حکومت دست نشانده عراق به ایران اعلام نموده که دوشادوش همه کسانی که برای دفاع از میهن به جنگ برخاسته اند در این جنگ شرکت خواهد نمود .

جبهه ملی از همه اعضا و هواداران خود خواسته است که با نادیده گرفتن تمامی اختلافات ، در هر کجا که هستند با تمام قدرت از میهن عزیز و جمهوری اسلامی دفاع کنند . در همین زمینه دکتر کریم سنجابی ، یکی از رهبران جبهه ملی ، برای تشویق عشایر جهت دفاع از میهن به کرمانشاه سفر کرد .

« حزب جمهوری اسلامی »

حزب جمهوری اسلامی در بیانیه اول مهرماه خود حمله عراق به ایران را یکی از ابعاد توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم بر علیه نظام جمهوری اسلامی دانسته و هدف از حمله نظامی به حریم ایران را مشغول کردن نیروهای نظامی ایران در مرزها میداند .

در این بیانیه گفته شده است که " مطابق اخبار واصله گروههای ضد انقلابی وابسته به آمریکا قصد دارند طی چند روز آینده اغتشاشاتی بوجود آورند که از جمله تعطیل مدارس به بهانه اعتراض به تجاوز امریکاست . "

این حزب علاوه بر اینکه نیروهای نظامی عراق را به عصیان علیه رژیم صدام حسین میخواند به مردم نیز رهنمود میدهد که تنها به سخنان امام توجه کرده و وحدت انقلابی خویش را تحکیم بخشیده و خود را همواره برای یک نبرد طولانی آماده نگه دارند .

« جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران » (جاما)

جاما با انتشار اطلاعیه ای ضمن محکوم کردن رژیم بعث عراق آمادگی اعضا وابسته و پیوسته و هواداران جاما را برای مقابله با دشمن و همکاری با تمام نهاد های انقلابی ، اعلام کرد .

جاما در اطلاعیه خود به هواداران جهت تشکیل شورای محلی برای نظارت در امر کنترل و توزیع

مواد مورد نیاز مردم رهنمود داده و معتقد است که باید اتحاد به معنای واقعی کلمه با کنار گذاشتن خود خواهیها، انحصار طلبی ها و دوگانگی ها انجام پذیرد .

« جنبش مسلمانان مبارز »

جنبش مسلمانان مبارز براساس تحلیلی که از جنگ عراق با ایران ارائه میدهد ، معتقد است که ایستادگی مجلس در برابر خط سازش و پیروی نیروهای خط امام و عقب زدن گرایشهای لیبرالی ، امریکا را مایوستر ساخت و لذا عراق را در گسترش جنگ تشویق نمود .

اعتقاد جنبش مسلمانان براین است که این جنگ از لحاظ نظامی ممکن است در کوتاه مدت به نفع دشمن باشد اما در بلند مدت پیروزی از آن ما است . این گروه ضمن گفتن این نکته که "آنکس که در مبارزه و مقاومت شرکت نمیکند قطعا به دشمن کمک میکند" ، رهنمود میدهد که باید دست سرمایه داران وابسته را از شریانهای اقتصادی کوتاه کرد ، برنامه سیخ و تسلیح مردم را گسترش داد ، صنایع ملی غیروابسته را تقویت و حمایت کرد و با کشورهای ضد امپریالیست چون لیبی و جنبش های آزادیبخش مانند جنبش آزادیبخش فلسطین همبستگی عمیق تری داشت .

« سازمان چریکهای فدائی خلق ایران »

(اقلیت)

این سازمان جنگ عراق با ایران را ، جنگ دولت های ایران و عراق دانسته و آن را جنگی مغایر منافع توده های زحمتکش و در خدمت منافع استثمارگران و عارتکرانه سرمایه داران وابسته و امپریالیسم جهانی می داند .

این سازمان معتقد است که تنها توده های مسلح و قبل از همه توده های زحمتکش کردند که قادرند در مقابل هر دولت تجاوزکاری بایستند .

« سازمان چریکهای فدائی خلق ایران »

(اکثریت)

این سازمان براساس اعلامیه دوم مه‌رمه خود ، جنگ میان عراق و ایران را جنگ نحمیلی و تجاوزگرانانه رژیم عراق علیه مردم ایران دانسته و آن را با توطئه های متوالی کودتا توسط عوامل امپریالیسم در ارتش ، تمرکز نیروهای امریکائی در خلیج فارس و همچنین کودتای ترکیه مرتبط می داند و معتقد است که " همه مرتجعین منطقه علیه انقلاب ما " سیخ شده اند . این سازمان از هواداران خود می خواهد که ضمن کمک به آسیب دیدگان جنگ و آگاه ساختن مردم از

علل و عواقب این جنگ در تقویت روحیه مردم بکوشند .

سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) در این اعلامیه همچنین به هواداران رهنمود میدهد که " همه هواداران سازمان باید با سپاه پاسداران و کمیته ها که نیروهای ضد امپریالیست هستند در مقابله با توطئه های امپریالیسم و در دفاع از میهن در برابر تجاوزات رژیم سرکوبگر عراق پیگیرانه همکاری کنند و هر نوع خیر یا اطلاعاتی که از فعالیت نیروهای ضد انقلاب بدست می آورند بدون درنگ به این مراکز برسانند .

« حزب دموکرات کردستان »

— متأسفانه علیرغم تمامی کوششهایمان ، دستیابی همه موضع حزب دموکرات کردستان در قبال جنگ عراق با ایران برابمان ممکن نشد . —

« حزب دموکرات کردستان »

(پیر و کنگره چهارم)

کمیته مرکزی حزب دموکرات ضمن محکوم کردن تجاوز مزدوران بعثی به خاک ایران از اعضای این حزب و هواداران آن و نیز خلق کرد و همه مردم خواسته است که به وظیفه وجدانی و تاریخی خود در دفاع از انقلاب ایران و رهبری قاطع آن امام خمینی عمل کرده و در خنثی ساختن توطئه های مشترک امپریالیسم امریکا و ارتجاع منطقه نظیر رژیم بعث عراق بکوشند .

کمیته مرکزی حزب معتقد است که باید " تفنگها را به سوی دشمن اصلی ، امپریالیسم و مزدوران و آیدای منطقه آن نشانه رویم " .

« راه کارگر »

راه کارگر ضمن یادآوری این مطلب که " جنگ تجاوزگرانانه عراق و امریکا با ایران در واقع جنگ با خلق ماست " ، اعلام میدارد که " در شرایط کنونی که میهن ما در معرض تجاوز عراق و امریکا قرار میگیرد ، دفاع از میهن و طیفه همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه و همه هموطنان ایرانی است . راه کارگر از هواداران می خواهد که در لحظات کنونی ، افشاگری علیه رژیم و ارتجاع داخلی را عمده نکنند " . این گروه تنها راه مقابله با تجاوز خارجی را در میدان دادن به ابتکار انقلابی توده ها دانسته و تسلیح توده های را بهترین پشتوانه برای دفاع از میهن میدانند . راه کارگر همچنین از هواداران می خواهد که در هر جگه هستند در کنار توده های زحمتکش میهن برای دفاع از کشور تلاش کنند و با تمام نیرو مردم را متشکل کرده و در بسیج توده های زحمتکش خلق بکوشند .

« سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر »

سازمان رزمندگان معتقد است که توده های مردم عراق و ایران در این جنگ نقشی نداشته اند اما بار خرابی ها و فشارهای ناشی از جنگ نیز بدوش آنها سنگینی می کند. بر اساس تحلیل این سازمان، "هیئت حاکمه ایران با پیش گرفتن سیاست های تنگ نظرانه در سطح جهانی و سرکوب نیروهای انقلابی که منجر به پیدایش ناراضیاتی میان مردم ایران شده است، زمینه را برای تجاوز حکومت های مرتجع منطقه و بویژه حکومت ضدانقلابی عراق آماده کرده است."

سازمان رزمندگان دفع این تجاوز را تنها با مسلح و متشکل شدن توده های مردم تحت رهبری نیروهای انقلابی امکان پذیر دانسته و با رهنمود به نیروهای انقلابی جهت خنثی نمودن هرگونه توطئه از سوی فرماندهان ارتش، آنها را به تشکیل صف مستقل مقاومت و مبارزه توده ها در مقابل تجاوز آشکار جبهه مشترک امپریالیسم - ضدانقلاب و حکومت ضدانقلابی عراق فرامی خواند.

« سازمان رزمندگان پیشگام مستضعفین ایران » (آرمان مستضعفین)

آرمان مستضعفین طی سلسله تحلیل هایی پیرامون تعرض نظامی عراق به خاک ایران، این جنگ را توطئه حساب شده ای از سوی امپریالیسم جهانخوار به سرکردگی امریکا میدانند و این سازمان جنبه های مثبت این جنگ را فراهم شدن زمینه ای جهت توده های شدن مبارزه و بسیج توده ها بر علیه رژیم عراق و امپریالیسم و وحدت درون خلقی و... دانسته و جنبه های منفی آن را محیوبیت توده ای پیدا کردن ارتش بی آنکه دریافت آن تغییری حاصل شود، تشدید بحرانهای اقتصادی و سوء استفاده از احساسات پاک مردم در بسیج آنها بر علیه نیروهای مترقی جهت تسویه حساب با آنها، برمی شمارد.

آرمان مستضعفین معتقد است که تنها راه برای ایران، بسیج توده های مردم در این جنگ است بگونه ای که جنگ علیه عراق به یک جنگ ضد امپریالیستی تبدیل شود و رهنمود می دهد که باید شعار ارتش بیست میلیونی که عملاً و عیناً وجود خارجی ندارد تحقق یابد و خلق رزمنده کرد پیشقراول مبارزات خلفهای ایران، شود.

« حزب رنجبران »

این حزب معتقد است که "یک کشور انقلابی و از بند رسته، همچون ایران یک کشور صلح دوست است"

و جنگ را ناشی از توطئه امریکا و شوروی دانسته و در این رابطه می گوید "به واشنگتن و مسکو و دیگر هیزم کشان جنگ تجاوزکارانه باید گفت توطئه شما برای ایجاد شرایطی که دستان آغشته بخونتان برای دخالت علنی بازگردد، درهم شکسته شده است". رهنمود "رنجبران" برای پیروزی، وحدت کلیه نیروهای مسلح، وحدت خلق و ارتش، وحدت فشرده فرماندهی سیاسی و نظامی کشور، و بالاخره اتحاد اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی است.

« مجاهدین انقلاب اسلامی »

مجاهدین انقلاب اسلامی ضمن محکوم کردن رژیم صدام حسین، جنگ ایران و عراق را جنگ میان اسلام و کفر، حق و باطل، تجاوز و مقاومت، وابستگی و استقلال و دیکتاتوری و آزادی دانسته و هر نوع میانجیگری و هیات حسن نیت را بشدت طرد و محکوم می کند.

این سازمان هر دولت و یا جناحی را که از رژیم "صدام" حمایت کند و یا در برابر این جنگ موضع بی طرف بگیرد، در برابر انقلاب ایران میدانند و معتقد است که هرگونه میانجیگری برای مذاکره با رژیم کنونی عراق برخلاف ارزشها و تعهدات اسلامی - انسانی است و جز منافع ابرقدرتها چیز دیگری را دنبال نمی کند.

« سازمان مجاهدین خلق ایران »

این سازمان در اعلامیه مورخ اول مهرماه خود برای دفاع از مبهن اعلام آمادگی کرد تا در صورتیکه مقامات کشور تجویزکنند جهت مقابله با متجاوزین به مرزها اعزام شوند. در این اعلامیه همچنین از اعضا و هواداران سازمان خواسته شده است تا در کنار مردم و نیروهای مردمی مسئولیت های انقلابی و مردمی خویش را برای جبران خسارات و صدمات ناشی از جنگ انجام دهند.

در پایان این اعلامیه همچنین از مقامات کشور خواسته شده است تا به تمام تفرقه ها و تضيیقات وارده بر نیروهای انقلابی پایان داده شود تا همه بتوانند در فضای آزاد و تفاهم آمیز از دست آوردهای انقلاب پاسداری کنند.

« نبرد » (گروه کمونیستی نبرد)

گروه کمونیستی نبرد در مورد تجاوز نظامی عراق به ایران معتقد است "اینکه کدامیک از دوررزم نبرد را آغاز کردند کمترین ارزش و جایگاهی در بررسی و تحلیل جنگ از لحاظ اتخاذ تاکتیک و سیاست در قبال آن نمیتواند داشته باشد" و جنگ را نیز

"مناقشات بین دو بورژوازی و دورژیم ضدخلقی" میداند .

با اعتقاد این گروه ، "مارکسیست - لنینیست ها باید توده ها را از شرکت در جنگ برحذر دارند و مبارزات توده ها را علیه ارتجاع حاکم دامن زنند" .

« نهضت آزادی ایران »

نهضت آزادی با صدور بیانیه‌ای در چهاردهم مهرماه ، ضمن فراخواندن مردم به همبستگی هرچه بیشتر ، نزدیک شدن مراحل پیروزی ایران در جنگ عراق با ایران را نوید داده و از ارتش ، ژاندارمری ، سپاه پاسداران و همه کسانی که به نحوی در این جنگ شرکت داشته‌اند تشکر کرده است .

نهضت آزادی همچنین در مورد تنگ‌نظری‌ها اینگونه هشدار داده است که " ... آنچه خطرناک و درخور نگرانی است آنکه دگرباره نکات ضعیفی چون غرور و برتری جوئی ها و خودمحوری‌ها و تنگ‌نظری و کونه‌بینی‌ها که در طول سال گذشته دردناکترین آفت انقلاب بوده‌اند دامنگیر شوند ، اختلافات و عصبیت های حزبی و گروهی تشدید یابد و محیط مناسب برای فعالیت عناصر ضدانقلابی و ماجراجویان فرصت طلب فراهم آید " .

« سازمان وحدت انقلابی برای آزادی طبقه

کارگری »

سازمان وحدت انقلابی در نشریه دوم مهرماه خود اعلام کرده " با وجود ارتجاعی دانستن هیات حاکمه های ایران و عراق بطور مستقل و همراه دیگر نیرو های انقلابی در جنگ شرکت می کند " .

بنابر اعتقاد این سازمان " هیات حاکمه هردو کشور سرکوبگران نیروهای انقلابی و نیز خلق کرد هستند و برای به انحراف کشاندن مبارزات توده های مردم در هردو کشور دست به این جنگ زده‌اند " .

سازمان وحدت انقلابی با وجود اینکه جنگ میان عراق و ایران را جنگی بر علیه زحمتکشان هردو کشور میداند ، اما به این دلیل که زحمتکشان هستند که در تیررس این جنگ قرار دارند معتقد است که باید نیروهای انقلابی به بسیج مستقل توده ها از هیات حاکمه ها بپردازند و از موضع توده ها در جنگ شرکت کنند . آنان تنها راه مقاومت در برابر هرگونه تجاوز را ایجاد شوراهای مسلح کارگران و زحمتکشان میدانند .

« سازمان وحدت کمونیستی »

سازمان وحدت کمونیستی بر ضرورت مبارزه و مقابله با تجاوز نظامی عراق و نیز "افشاگری همزمان رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق" تاکید می کند .

این سازمان معتقد است که مبارزات نیروهای چپ باید در صفوف مستقل چپ انجام گیرد و از کشیده شدن بدامان رژیم تحت عنوان "دفاع از وطن" اجتناب شود .

این سازمان مهمترین وظیفه نیروهای مترقی را در افشاگری و توضیح علل و انگیزه های جنگ برای مردم میداند و میگوید "وظیفه‌ی چپ" دنباله‌روی از ارتش و پاسدار و سقوط به حد آگاهی آنان بلکه افشاء طرفین خاصه است "

سازمان وحدت کمونیستی ، این جنگ را نه بخاطر منافع زحمتکشان بلکه برای ادامه‌ی استثمار و فریب آنان میداند .



جندتق از رهبران گروه‌های فلسطینی : نایف حواتمه - دبیرکل جبهه دموکراتیک خلق برای آزادی فلسطین ، یاسر عرفات ، ابو جهاد ، جورج حبش - دبیرکل جبهه خلق برای آزادی فلسطین

موضع فلسطین و جنگ ایران و عراق

بیشترین حمله به فلسطین از ناحیه لیبرالیسم انجام میگیرد.
در شرایط حاضر به فلسطین بیش از امپریالیسم و عراق می‌تازند.

در قضیه‌ی جنگ عراق با ایران، نهضت مقاومت فلسطین چه موضعی دارد؟ و سازمان آزادیبخش فلسطین، که تبلور این نهضت و نماینده ملت فلسطین است، در رابطه با جنگ چه می‌کند؟ آیا طرفدار عراق است یا هوادار ایران؟ و یا همانگونه که رهبر آن اعلام کرده، بیطرف است؟ آیا "سیاست‌بازی می‌کند یا صاف و صادق است"؟ ، "آیا به نعل و به میخ می‌زند یا صریح و قاطع است"؟ ، "آیا انقلابی عمل می‌کند یا به سیاست‌بازی می‌پردازد"؟ و ... چه بسیار سؤال‌ها از این دست که چه بر اثر توقعات ناشی از قیام ضد امپریالیستی و مردمی بهمن ۵۷ ایران و چه به دلایل عاطفی، از لحاظ ملت ایران و بیگمان ملت فلسطین نیز بسیار مهم می‌نمایند. اما پاسخ به آنها خواه به دلیل فقدان منابع و مدارک کافی و خواه به علت بی‌اطلاعی ما از آنچه در مغز گردانندگان نهضت مقاومت فلسطین می‌گذرد، دشوار است.

در عین حال، در این گزارش تحلیلی گوشش می‌شود تا با توجه به داده‌های موجود و واقعیت‌های عینی، برای - اگر نه همه، دستکم برخی از - این پرسش‌ها پاسخ مناسب یافت شود و "موضع" فلسطین آنچنانکه هست مورد بررسی قرار گیرد و روشن گردد.



پاریس روز ۲۳ مهر گزارش داد که رادیو قاهره از قول منابع آگاه و موثق بغداد "میزان خسارات عراق تا آن لحظه را ۱۵ میلیارد دلار (۱۵۰ میلیارد تومان) برآورد کرده است". رادیوکلن هم در همان احوال گفت که خسارات وارد بر عراق جبران ناپذیر است.

— جنگ ، استعماری است . زیرا عراق برای آغاز آن به بهانه ها و دستاویزهایی که از روزگار حکومت استعمار در منطقه به میراث مانده اند ، توسل جست . و این خصلت همه "حرامزاده های سیاسی" است . (۱)

— جنگ در نهایت به نفع امپریالیسم است . زیرا ضمن آن تاسیسات و تجهیزات و تسلیحات و مهمات و امکاناتی از میان می رود که همه ساخت امپریالیسم بوده و به کمک نهادهای امپریالیستی پدید آمده اند . بازسازی آنها و جانشین کردن آنها که مستلزم خرج دهها میلیارد دلار ثروت و سرمایه ، و نیز سالها وقت است ، جز به یاری و همدستی امپریالیسم در مفهوم کلی آن ممکن نخواهد بود . همچنین ضعف هر دو کشور درگیر بر اثر این صدمات ، از نظر سیاسی نیز باز به نفع امپریالیسم خواهد بود .

— جنگ ، همچنین کوره آزمایشی برای سلاح ها و تجهیزات جنگی امپریالیسم است . تجهیزاتی که طی سالها از کارخانه های تسلیحاتی شرق و غرب سر به درآورده و در انبارهای ایران و عراق " خاک می خوردند " بی آنکه در هیچ "میدان جنگ عمده" ای مورد استفاده و تجربه قرار گرفته باشند (اینهمه که آمریکا چهار فرزند رادار پرنده "اواکس" به حکام ریاض می دهد ، نه از راه دلسوزی ، که برای آزمایش آنها است) .

— جنگ ، به زیان دو کشور درگیر ، و به سود

نخستین بار از دیدگاه "کارشناسان" نظامی و اقتصادی، که در مقام ناظری دلسوخته اوصاف ، عوارض و اثرات جنگ را در نظر می آوریم :

— گمان می رود که همه در این نکته که این جنگ واقعا "تحمیلی" است ، اتفاق نظر داشته باشند . و این ، اتفاقا " یکی از موارد نادری است که مقامات ایران به درستی روی آن انگشت گذاشته و بارها و در هر فرصت آن را خاطر نشان و تاکید کرده اند .

— جنگ ، تجاوزکارانه است ، زیرا می بینیم که نیروهای رژیم بغداد در خطی به درازای ۴۰۰ کیلومتر (از شمال خسروی گرفته تا آبادان) به خاک ایران تجاوز کرده ، در برخی نقاط چندین کیلومتر در خاک ایران پیشروی کردند .

— جنگ ، ضد مردمی ، ضد خلقی و ضد توده های است ، زیرا به منافع توده های مردم صدمه شدید می زند و در آن انبوه مردم از میان می روند (در یک حمله هوایی نیروهای رژیم بغداد به یک دبستان در کرمانشاه بیش از ۱۳۰ کودک کشته شدند) مردم تهدیدست آواره می شوند و خانه های مسکونی زحمتکشان بیدفاع و بیگناه ویران می شود (در اسلام آباد غرب ، در ویرانی یک خانه ، ۷ تن از افراد خانواده کشته شدند) و مردم چه غیر نظامی و چه در لباس نظامی و پاسدار در صفوف اول جبهه کشته می شوند . اما هیترها (بقول محمد علی رجائی در شورای امنیت) در مقام امن خود درامانند ، و دست آخر ، در آستانه سقوط ، با هواپیماهای آماده به مقام های امن تر می گریزند .

— جنگ ، به زیان کشورهای کوچک از نوع کشور ما و عراق است . زیرا در آن بیشتر تاسیسات اقتصادی دو کشور از میان می رود . آمار دقیق خسارات ایران هنوز منتشر نشده اما در مورد عراق ، خبرگزاری

صهیونیسم است . زیرا دوکشور نسبتاً نیرومند مسلمان که بایستی امکانات و تجهیزات خود را در راه آزادی فلسطین و بیت المقدس به کار می بردند ، آنها را در جنگ با یکدیگر نابود می کنند (وشگفتی آور نیست که اسرائیل از همان آغاز جنگ با دشمن گردو می شکند ، وای بساکه دستی هم در پدید آمدن جنگ داشته بوده است) .

— جنگ ، برخی مشکلات داخلی و خارجی دوطرف را ظاهراً " و موقتاً " حل می کند اما مشکلات تازه و دیرپایی می آفریند که برخی از آنها حل ناپذیری خواهند بود ، و بهمین دلیل پیش بینی سقوط رژیم صدام حسین می شود .

— جنگ به روشن شدن موضع دوستان و دشمنان کمک می کند ، اما این روشن شدن اولاً " راه ها و شیوه های دیگری هم داشت و ثانیاً " آنقدر ارزش نداشت که بخاطر آن چنین بهای گزافی پرداخت شود .

— وبالاخره ، و مهمتر از همه ، اینکه جنگ ،

نفتی است . زیرا اولاً " از همان لحظات نخست بلندگوهای بیگانه به آن صریحاً " عنوان جنگ خلیج فارس را دادند (یعنی جنگ در بزرگترین و غنی ترین حوزه نفتی جهان) ، ثانیاً " بیشترین ضرر این جنگ به کشورهای تولید کننده (دست کم دوکشور تولید کننده عمده) و به کشورهای خرده پا و نسبتاً فقیر جهان (که باید به علت شرایط جنگی بهای بیشتری برای خرید های خود بپردازند) می رسد ، وثالثاً " بیشترین سود آن به جیب شرکت های نفتی — که طبعاً " همهمبرایالیستی اند — سرازیر می شود . در مورد این نکته این مثال را بیاوریم که " کشورهای صنعتی با پیش بینی هایی که کرده بودند مبادرت به ذخیره سازی نفت در کشورهای خود نموده بودند و طی مدت کوتاهی ذخایر اضافی نفت خود را به ۵ میلیارد بشکه رساندند و بنظر می رسد (که کمبود تولید) تا پایان سال جاری مسیحی موجب نگرانی شدید کشورهای صنعتی نشود " (۲)

این را هم بیفزائیم که وزیر خارجه انگلیس روز هجدهم مهر ، ضمن ارائه گزارشی در مورد عواقب جنگ عراق و ایران ، در مجلس کشور خود تصریح کرد که " از لحاظ نفت ، هیچ کمبودی کشورهای غربی را تهدید نمی کند زیرا این کشورها پیش از بروز بحران به اندازه کافی نفت ذخیره کرده اند " (۳) یعنی لابد میدانسته اند که جنگ می شود !

موقعیت کلی نهضت فلسطین

اکنون پیش از بررسی موضع نهضت فلسطین در قبال جنگ عراق و ایران ، لازم است موقعیت کلی آن را اجمالاً بررسی کنیم :

آشکارترین خصلت انقلاب فلسطین ، استعمار —

زندگی و آوارگی است . استعمار برای برپایی داشتن موجودیت صهیونیسم بعنوان عامل عمده خود در منطقه ، و فروخته نگاه داشتن دائمی آتش دشمنی و درگیری در این بخش از جهان ، ملت بی پناه و ستم کشیده فلسطین را بویژه در اواخر دهه ۱۳۲۵ خورشیدی از خاک خود بیرون راند ، و جوی پدید آورد که از آن پس همه جا از ملت فلسطین بعنوان " آوارگان فلسطین " نام برده می شد . حتی هنوز هم همه ملت فلسطین — با وجود دهها سال نبرد و علیرغم دهها قطعه نامه سازمان های جهانی — آواره است و بخش عمده آن (۴) ، حتی پس از گشتار های وسیع سپتامبر سیاه در اردن و تلزعت در لبنان و ... در " اردوگاه " ها زندگی می کنند و به دلیل اقتصاد وابسته و ناسالم کشورهای میزبان (بویژه اردن ، لبنان ، سوریه ، مصر ، کویت ...) از تامين زندگی خود ناتوانند . بار سنگین اداره این جمعیت انبوه با آنهمه شکم گرسنه و دهان باز ، برعهده سازمان آزادیبخش فلسطین است (رقم فلسطینی هایی که هنوز در اردوگاهها زندگی می کنند ، یک میلیون نفر برآورد می شود) .

سازمان آزادیبخش فلسطین ، که در ۱۹۶۷ ، پس از جنگ شش روزه اعراب با صهیونیسم اشغالگر ، پدید آمد ، نخستین سازمان فلسطینی است که قاطعانه و مسئولانه ، و برپایه برنامه های دقیق و حساب شده برای تحکیم موجودیت خود در جهت بازپس گرفتن سرزمین اشغال شده فلسطین ، و استقلال ملت فلسطین فعالیت می کند و عملاً در حکم دولت فلسطین است . این سازمان در عین حال دربرگیرنده دسته ها و گروههای سیاسی — نظامی متفاوتی است که خط مشی ها و مواضع سیاسی ، عقیدتی و نظامی گوناگون دارند .

از لحظه ای که قضیه ای بنام " مساله فلسطین " پدید آمد ، دولت های بزرگ استعمارگر جهان ، و نیز حکومت های منطقه برای بهره برداری از آن ، سعی برای جاد سلطه و دستیابی بر آن داشتند . حتی برخی از دولت های عرب گروهها و گروهک هایی از فلسطینی ها پدید آوردند و گاه غیر فلسطینی ها را هم در آنها جازدند تا از طریق آنها بر ملت فلسطین سلطه یابند و قضیه فلسطین را از آن خود کرده اختیار آن را در دست گیرند ، نیرنگی که هنوز ادامه دارد و بعضی از گروه های عضو سازمان آزادیبخش فلسطین به یک واحیاناً " چندکشور عرب بستگی دارند ، از آنها تغذیه می شوند و در مواردی نظرات آنها را اعمال می کنند . بگذریم از اینکه دولت های عضو " جامعه عرب " بر اساس قطعه نامه های مختلف این جامعه ، موظف به کمک به سازمان آزادیبخش

فلسطین و تامین هزینه های جاری آنند. ناگفته نماند که خود سازمان، در مجموع، از نظر مالی در وضع بسیار خوبی قرار دارد، و تعهد کشورهای عرب برای کمک به آن، به این معنا نیست که سازمان آزادیبخش فلسطین دست به سوی آنها دراز کرده باشد. آن کمکها که ظاهراً بار عاطفی دارند و نشانه علاقمندی و همبستگی اند، دارای باریاسی بوده و هدف آن کنار آمدن با نهضتی است که بالقوه برای همه آنها خطرناک است.

اما خود سازمان آزادیبخش فلسطین، و بطریق اولی نهضت مقاومت فلسطین، بدلیل شرایط موجود، در اثر رشد ذهنی و سیاسی ملت فلسطین و در نتیجه کاردانی و هویشیاری رهبران آن، یک سازمان کاملاً مستقل است که هیچ تعهد خاصی در برابر هیچ کشوری، بویژه کشورهای عرب، ندارد. این سازمان از لحاظ سیاسی و در رابطه با جهان عرب یک بیکره کامل محسوب می شود و عضو مستقل و کامل جامعه عرب و سازمان های وابسته به آن است که در آنها از حق رای عضو کامل برخوردار است. وطبعاً، مثل هر دولت دیگری، روابط خارجی خود را به مقتضای هدفها، نیازها و مقتضیات خود، منطقه و جهان تعیین می کند. چنانکه مثلاً از لحاظ سیاسی بیشتترین احترام را برای الجزایر و سوریه قائل است. از جهت مالی بیشتر به عربستان سعودی، کویت و لیبی توجه دارد. از نظر اتکاء معمولاً به لیبی روی می آورد، و ... در زمینه مبارزاتی دولت های ارتجاعی و فاشیست مثل مصر را می گوید ...

تبر د مرگ و زندگی

ملت فلسطین در تمام قرن کنونی در نبرد مرگ و زندگی درگیر بوده، هرگز طعم یک زندگی آرام و مرفه در "چار دیواری" میهن خود را نچشیده و همواره ناگزیر بوده برای بقا و ادامه حیات خود، با چنگ و دندان و بهروسیله، مبارزه کند. مبارزه ای که دست کم از سه جهت سودمند و مثبت بوده است: الف - ملت فلسطین بدلیل رویارویی با یک دشمن آشتی ناپذیر، بی ترحم و بی عاطفه، اجباراً "آشتی-ناپذیر شده و از افتادن به دام نقشه های توطئه آمیز تسلیم گرا درامان مانده است. ب - به همین دلیل و در عین حال بواسطه دست به گریبانی با توطئه ها، نقشه ها و سیاست بازی ها، قدرت انعطاف و در واقع قدرت مانور بسیار بدست آورده است. ج - و مهمتر از همه اینکه به علت محروم بودن از "آب و خاک مادری" ناچار شده به شیوه هایی دست یازد که تداوم زندگی را بهتر و بیشتر تامین می کرده اند. مثلاً به آموزش و پرورش روی آورده، دانش و فرهنگ خود را به بیشترین اندازه گسترش داده است.

به همین دلیل است که امروز شمار پزشکان و مهندسان و دانش آموختگان فلسطینی به نسبت از همه کشورهای عرب بیشتر است که غالب آنها در کشورهای مختلف آمریکا، اروپا، خاورمیانه و مخصوصاً خلیج فارس کار می کنند و پشتوانه انسانی، ذهنی و مالی عمده نهضت اند.

همین تلاش برای بقا، ملت فلسطین را به "سیاست" و سیاست پردازی کشانده و از نمایندگان آن آگاه ترین، دیپلمات ترین و وززیده ترین سیاست پردازان را پدید آورده است و نیز بهترین و بخته ترین معامله گران را (و نه دلالان، آنگونه که بداندیشان و دشمنان فلسطین می گویند). معامله گرانی که به دلیل درگیری در نبرد مرگ و زندگی و رویارویی با خطرناک ترین و محیل ترین دشمن در تاریخ بشریت، بیشتر از آنچه تصور می شود به راز و رمز معامله و زیربوم سیاست آشنا شده اند. خصلتی که در اعراب کمتر دیده می شود. و به همین جهت است که اعراب برای حل دشواری ها و اختلافات و منازعات خود معمولاً و غالباً دست به دامان فلسطینی ها می شوند. البته این منازعات و دشواری ها در مجموع مترادف تفرقه اعرابند و در نهایت به زبان فلسطین تمام می شوند. لذا بسیار اتفاق می افتد که وقتی مساله ای میان اعراب روی می دهد خود فلسطینی ها پیشقدم شده برای رفع و رجوع آن اقدام و تلاش می کنند و تقریباً همیشه هم موفق می شوند.

ممکن است گفته شود که این کدخداهنشی و ریش سفیدی می تواند برای آرمان فلسطین خطرناک باشد. زیرا بیم آن هست که سیاست پردازان و دست اندرکاران جهان عرب، که طوطیان دست آموز را می مانند، به اشاره اربابان خود، فلسطینی ها را سرگرم این مسائل کرده آنها را چنان غرق در سیاست و مسایل فرعی کنند که از هدف اصلی خود یعنی آزادی فلسطین غفلت کنند و راههای رسیدن به این هدف را، که مهم ترینشان مبارزه مسلحانه است، از یاد ببرند.

اما اقدام و مداخله فلسطینی ها در این مسائل همیشه آگاهانه و حساب شده انجام می گیرد. نهضت مقاومت فلسطین دوست و دشمن خود را خوب می شناسد. از ماهیت حکومت های عرب نیک آگاه است و مخصوصاً به این نکته واقف است که بزرگترین دشمنان فلسطین همانا رژیم های مرتجع و فاشیست عربند. زیرا، اجمالاً، این حکومت ها خوب می دانند که در صورت پیروزی آرمان فلسطین و تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی، فاتحه آنها خوانده است (۵).



فلسطین در کنار ایران

آنچه انقلاب فلسطین را بیدرنگ به سوی انقلاب ایران جلب کرد و رهبران فلسطین را در فردای قیام بهمن ماه ۵۷ آنچنان شتاب‌آلود و ذوق‌زده به ایران کشاند، همین خصلت، آگاهی و شعور بود. فلسطین، با توجه به تجربه‌های بی‌شمار و سرشار خود و بدلیل آگاهی عمیق و کاملی که به ماهیت حکومت‌های مرتجع و دست‌نشانده منطقه و سیاست‌ها و نیرنگ‌های آنها داشت، و نیز و مخصوصاً از آنجا که سقوط رژیم شاه‌کذابی را سقوط بزرگترین پشتیبان صهیونیسم در منطقه می‌دانست، طبعاً و بحق، شتاب‌زده خود را در کنار انقلاب ایران قرار داد تا هم پشتیبانی خود را از آن نشان دهد، هم احیاناً آن را از اشتباهات احتمالی در امان دارد، و مخصوصاً آن را از نیرنگ‌ها و خطرات درونی و بیرونی آگاه کند، و هم در نهایت، از پشتیبانی آن برخوردار شود.

نهضت فلسطین، تحقق انقلاب ایران را از همان آغاز بدرستی و به صراحت، یکی از بزرگترین پیروزی‌های خود شمرد و از آن پس بر این عقیده استوار بود و هنوز هم هست، چنانکه یاسر عرفات در دیداری که در اوایل مهرماه، در چارچوب یافتن راه‌حلی جهت پایان دادن به جنگ عراق با ایران، با رئیس‌جمهوری ایران داشت صریحاً تأیید کرد که: "انقلاب شما انقلاب ماست و شکست این انقلاب، قبل از همه ما را از پا درمی‌آورد" (۶) و چند روز پیش از آن، هانی‌الحسن، رایزن سیاسی رهبر فلسطین، در تهران گفته بود: "سازمان

آزادبخش فلسطین هر نقشی را که بتواند وحدت امکانات نبرد عربی و اسلامی علیه رژیم اشغالگر فلسطین و طرف‌های کمپ دیوید را تأمین کند، ایفا خواهد کرد... زیرا تکامل روابط ایران و اعراب جهشی استراتژیک برای مقابله با امپریالیسم آمریکا است" (۷) این نشان می‌دهد که نهضت فلسطین علیه رژیم غم‌خیز به دو سالی که از قیام بهمن ۵۷ گذشته، علیه رژیم چشم‌تنگی‌ها و بدخوبی‌های بعضی از میراث‌خوران انقلاب، علیه رژیم زخم‌زبان‌ها و بدزبانی‌های کوردلان‌های که گاه از ناسزا هم گذشته به‌دشنام می‌رسند، علیه رژیم رواج‌شایعه‌های دروغ توسط ارتجاع، علیه رژیم و ضدانقلاب، علیه رژیم توطئه‌ها و تحریک‌های آشکار و پنهان امپریالیسم، ارتجاع، لیبرالیسم و سرمایه‌داری وابسته... راه‌درستی را که از پیش برگزیده همچنان ادامه می‌دهد و هنوز به انقلاب ایران امیدوار است. نهضت فلسطین آنقدر فراموشکار نیست که آنچه را عراق با او کرده‌از یاد برده باشد (ماجرای فلسطینی‌خطاکار محکوم به اعدامی که تحت تعقیب سازمان آزادیبخش فلسطین بود و بغداد به او امان و پناه داد و از او همچون خاری در چشم نهضت فلسطین بهره‌برداری می‌کرد، کمترین نمونه است)، و آنقدر بجه‌خو و نازک نارنجی نیست که از چشم‌تنگی، کینه‌توزی، ناسزاگویی، تحریک و توطئه‌چینی برخی جناح‌های دست‌اندرکار یا منتظرالحکومه در ایران برنجد و کودکانه قهر کند و دامان انقلاب ایران را از دست بدهد. دستگاه حاکم ایران هم آنقدر بی‌تجربه و نالزوده و زود فریب نیست که خدمت‌هایی را که نهضت فلسطین، دست‌کم در طی همین مدت کوتاه دوساله، بویژه در زمینه مبادله اطلاعات به انقلاب ایران کرده است، فراموش کند.

درواقع، سرنوشت انقلاب‌های فلسطین و ایران، برخلاف نظر و میل ارتجاع و امپریالیسم، به هم‌کره خورده است و این چیزی است که میتوان از آن به "جبر تاریخی" تعبیر کرد. انقلاب‌های ایران و فلسطین، بدلائیل بسیار وجوه مشترک و خصلت‌های مشابه فراوان دارند. چه به واسطه‌دگرگونی‌هایی که پدید می‌آورند، چه به لحاظ اثراتی که دارند، چه به دلیل مخالفان و دشمنانی که با آن درگیرند و چه به علت آرمان و هدفی که برای خود تعیین کرده‌اند. اما آنچه بیشتر از هر چیز این دو جنبش را بهم شبیه و نزدیک و حتی هم‌سرنوشت می‌کند مواجهه دائمی آن‌ها با نیرنگ‌ها و توطئه‌های ارتجاع و لیبرالیسم در سطح داخلی و منطقه‌ای، و امپریالیسم در سطح جهانی است. بگذریم از اینکه این هر سه غالباً دست در دست هم عمل می‌کنند. این مواجهه دائمی با نیرنگ‌ها و توطئه‌ها، اتفاقاً، خصلت مشترک عمده و وجه مشترک اساسی انقلاب‌های فلسطین و ایران است.

جبهه ایران و فلسطین

بهمن دلیل است که از همان آغاز پیروزی قیام بهمن ۵۷ و تحکیم پیوند انقلاب ایران با انقلاب فلسطین، دست‌های نابکار به کار افتاد تا از نزدیک‌تر شدن این دو پیشگیری کرده، در روابط موجود دو طرف اخلال کند و توطئه‌های شوم ضد خلقی خود را در جهت تاهمین منافع امپریالیسم، تحقق بخشد.

هانی‌الحسن، عضو کمیته مرکزی "الفتح"، این نکته را چنین بیان می‌کند که باید وحدت امکانات عرب و اسلام علیه رژیم اشغالگر فلسطین و کارگردانان کمپ دیوید، تاهمین شود. زیرا ستیز میان اعراب مهم‌ترین برگ برنده صهیونیست‌هاست، چه "این ستیز مانع وحدت نیروهای رزمی عرب و مآلاً مانع ایجاد جبهه نظامی فعال علیه دشمن می‌شود و جبهه سیاسی برای مقابله با توطئه کمپ دیوید راضی می‌کند". هانی‌الحسن، که نخستین سفیر فلسطین در ایران انقلابی بوده، پس از این مقدمه چینی سرانجام گلب مطلب را بدست می‌دهد و می‌گوید: "سازمان آزادیبخش فلسطین برای مقابله با امپریالیسم آمریکا، در جهت ایجاد روابط تکاملی میان اعراب و ایران از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند. زیرا این تکامل، جهش استراتژیکی برای مقابله با امپریالیسم آمریکا - که از طریق شاه سابق و ارتش وی در منطقه یا اعراب مردم حضور داشت - به شمار می‌رود". بهمن جهت است که هانی‌الحسن در مقام نماینده نهضت مقاومت فلسطین از همه می‌خواهد "شکبایی کنند تا انقلاب ایران استقرار یابد و همه به اتفاق برای آزادی بیت‌المقدس اقدام کنیم". (۸)

انقلاب فلسطین درست همانند انقلاب ایران، یک دشمن اصلی و بزرگ دارد که همانا امپریالیسم جهانخوار آمریکاست که از طریق عوامل وابسته همچون ارتجاع و ضدانقلاب و لیبرالیسم، علیه هر دو انقلاب توطئه می‌کند و طبعاً از هر اقدامی که در جهت تحکیم این انقلاب‌ها و همبستگی آنها انجام گیرد، یعنی در واقع از هرکاری که نهایتاً به سود مردم بتمدیده و تحقیرشده منطقه باشد، نگران می‌شود و می‌کوشد تا آن را خنثی و یا از مسیر درست منحرف کند.

انقلاب فلسطین، ماهیتاً دشمن امپریالیسم، ارتجاع و لیبرالیسم است و خصلتاً "دربرابر حکومت‌های ارتجاعی و فاشیست قرار می‌گیرد و برای سرنگونی آنها می‌کوشد. اگر روزی انقلاب فلسطین به پیروزی برسد و از خود صاحب آب و خاکی بشود بدون شک به مرکز نیروهای مترقی و انقلابی منطقه و کانون شورش در کشورهای مترجع و فاشیست خواهد شد. همانگونه که



لیبی بزرگ‌ترین کمک را به شورشیان ایرلند شمالی یا مسلمانان مبارز فیلیپین می‌کند. و همانگونه که انقلاب ایران، پس از سقوط رژیم محمدرضاشاهی، به کینه‌آمال و کانون امیدهای همه جنبش‌های آزادیبخش جهان و همه ستم‌دیدگان تبدیل شده بود. گفتنی است که در تمام طول حکومت جابرا نه خانواده رضاخان پای هیچ جنبش آزادیبخش به کشور ما نرسیده و هیچ نهضت رهایی‌بخشی در کشور ما نمایندگی نداشت (مگر گروه‌های دست‌پخت امپریالیسم) و حال آنکه پس از قیام بهمن ۵۷ نخستین میهمانان انقلاب ایران نمایندگان جنبش‌های آزادیبخش جهان از "مورو" و "فطانی" گرفته تا فلسطین و پولیساریو بودند.

این خصلت از همان نخستین دم پیروزی مردم بر رژیم سلطنتی، ارتجاع و لیبرالیسم و، در رأس آنها، امپریالیسم را نگران کرده به تلاش برای قطع پیوند انقلاب ایران و نهضت‌های آزادیبخش جهان واداشت. تلاشی که علیرغم چند اقدام درخشان انقلابی، منجمله برگزاری کنفرانسی از سوی "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" با شرکت نمایندگان همه آن جنبش‌ها، در بسیاری زمینه‌ها و هدف خود رسیده است. حمله "ناگهانی، اما همه‌جانبه به یاسرعرفات (و در واقع به نهضت مقاومت فلسطین) به بهانه موضعی که در جنگ عراق و ایران گرفته بود و در اواخر مه‌ماه اوج گرفت، جرئی از همین برنامه تلاش امپریالیستی علیه انقلاب‌های ایران و فلسطین است.

حمله همه‌جانبه

تصادفی نبود که نخستین تیر از ترکش روزنامه

"میزان" پرتاب شد و این روزنامه در هشتم مهر، یکی از خبرهای تحلیل‌وار خبرگزاری انگلیسی "رویتر" را - با همه رطب و ویا بس‌هایش، هر چندکه صیغه‌هایی از واقعیت داشت - زیر تیتر "سازمان آزادیبخش فلسطین در تلاش برای صلح" در صفحه آخر خود چاپ کرد. و این، تفسیرگونه‌ای را به دنبال داشت که فردای همان روز و بر پایه همان خبر نوشته شده بود اما سه روز بعد زیر عنوان "یاسر عرفات در بن‌بست سیاسی" در صفحه ۲ چاپ شد. در این تفسیر، پس از استناد به سخنان حاج سید احمد خمینی خطاب به عرفات و تکیه بر اینکه خبرگزاری فرانسه "اعلام بیطرفی کامل فلسطین" در قضیه جنگ ایران و عراق را گزارش داده است، نوشته شده بود: "یاسر عرفات به اتکاء به ذخایر مالی این کشورها (سعودی و کویت) درصددکسب امتیازات سیاسی بین‌المللی می‌باشد و نمی‌تواند به آسانی آنها را از دست بدهد." و بعد هم توصیه اینکه عرفات باید "تغییر کلی در سیاست خارجی خود بدهد..." و "تا زمانی‌که این تغییر سیاست انجام نیافته، یاسر عرفات در اتخاذ یک موضع روشن در ارتباط به تجاوز عراق به ایران در یک بن‌بست سیاسی خواهد بود و سرانجام جنگ هر چه باشد، سازمان آزادیبخش فلسطین، بنابر اظهارات تحلیل‌گران سیاسی در بیروت، احتمالاً "وبا تأسف زیاد، یکی از بازندگان این جنگ خواهد بود." (۹)

و چه نکته‌ها که در این تشخیص و دستورالعمل‌ها نهفته است: اینکه ما نوچه‌های امسال برای پیران سیاست تعیین تکلیف می‌کنیم. و البته درست از همان نوع تکلیف‌هایی که تیمسار معظم ملی (!) احمد مدنی در دوران فرمانروایی دیکتاتور مآبانه و ستمگرانه خود در خوزستان برای اعراب و مخصوصاً "عراق تعیین می‌کرد (راستی چرا تا کنون کسی به فکر نیفتاده که عامل عمده افروخته شدن آتش اختلاف و منازعه ایران و عراق، یعنی تیمسار صاحبقران مدنی را به یاد بیاورد و معرفی کند؟! نکته دیگر اینکه، بگمان نویسنده، "میزان"، "عرفات چشم به بول سعودی و کویت دوخته است." که پاسخ این ادعا قبلاً داده شده است. دیگر اینکه سیاست‌کلی عرفات و فلسطین روشن است و بقول همان خبرگزاری "رویتر" که مورد استناد "میزان" قرار گرفته است: "در خاورمیانه اصل این است که رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین به حفظ مناسبات حسنه با کلیه کشورهایی که مخالف اسرائیل‌اند - بدون توجه به اختلافات محلی که آنها را از یکدیگر دور نگه میدارد - ادامه دهد." (۱۰)

در واقع این ما هستیم که تا این لحظه سیاست خارجی درستی نداشته‌ایم و اصلاً فاقد سیاست خارجی بمعنای واقعی کلمه بوده‌ایم. چنانکه بقول روزنامه

اطلاعات: "در تمام مدتی که" آن وزیر "در آن وزارتخانه بودند خط مشخصی که نمایانگر سیاست دولت جمهوری اسلامی در محدوده وزارتخانه مزبور باشد، کشیده نشد و اقدامی بنیادی صورت نگرفت" (۱۱). دردی که وسیعاً در مطبوعات و حتی مجلس انعکاس یافت و به سؤال گذاشته شد. دردی که حتی رئیس جمهوری را با آنهمه خویششن داری به فغان درآورد که: "... امروز گزارش‌هایی را خواندم. گزارشی درباره سیاست خارجی و وضع وزارت خارجه و اینکه عملاً تعطیل است. و چند گزارش محرمانه درباره سیاست خارجی ایران، سیاست خارجی دشمنان ما درباره ایران و باز این داستان‌ها که ما در سخت‌ترین موقع برای حساس‌ترین مقام هاکم مایه‌ترین و کم‌استعدادترین را کار داده‌ایم و اکنون باید نتایج آن را تحمل کنیم." (۱۲)

بله، سیاست فلسطین روشن است: ما باید سیاست خود را روشن کنیم! و اما دلسوزی برای آسیبی که از جنگ عراق و ایران به فلسطین می‌رسد، نوسداروی پس از مرگ سهراب است. نهضت فلسطین، همان لحظه که این جنگ در گرفت و حتی از آن لحظه که عوامل آتش‌افروز، در قدرت قرار گرفتند، از این جنگ آسیب دید، همانگونه که رهبران فلسطین ادعان کرده‌اند. و هر تلاشی هم که از آن پس توسط سازمان آزادیبخش انجام شد برای این بود که جلوی ضرر را از هر جا که باشد، بگیرد.

ضربه‌های پایانی

اما کار به اینجا ختم نمی‌شود. "میزان" در فردای آن روز (۷/۱۳) "نامه‌ای به برادر ابوعمار... چاپ می‌کند با این تائید که "شاید زبان حال بسیاری از ما (یعنی: خودشان) باشد... ولی می‌بیند که این کافی نیست. هدف هنوز زنده و سر حال است و حال آنکه ضربه‌ها برای اینکه کاری باشند باید بی‌درپی فرود آیند. لذا آنچنانکه تا امروز رسم بود، آقای مهندس مصطفی کتیرایی، وزیر پیشین مسکن هم "مفسر" از آب در می‌آید و در همان شماره "میزان" در نامه‌ای زیر عنوان "آقای یاسر عرفات شما چرا؟" پس از یادآوری خاطرات سوزناک یا با شکوه گذشته بلافاصله عرفات را متهم می‌کند که پس از قیام بهمن ۵۷ شما "... خارج از تمام ضوابط و رسوم بین‌المللی حتی بدون دعوت رسمی به کشور ما سفر کردید... و به این اکتفا نکرده به عرفات نسبت دروغ و نادرستی می‌دهد که: "از شما، شما که ناله‌هاست مدعی سردادن ندای حق طلبانه مردم ستمدیده فلسطین هستید، شما که حیثیت و شخصیت و منزلت حتماً اجتماعی و سیاسی خود را از این رهگذر (یعنی ادعای...) کسب کرده‌اید... انتظار نداشتیم... بگوئید: ما در این جنگ بی طرف هستیم." طبیعی است که پس از آن

اتهام و این کیفر خواست، نوبت استنطاق هم می‌رسد که... چگونه پس از این می‌توانید موضع خود را در جهان توجیه کنید؟" (۱۳)

حالا دیگر - والبته به نظر میزان - زمینه آماده شده است تا ضربه ماقبل نهایی وارد شود. بفاصله ۴ روز (۵۹/۷/۱۷ شماره ۲۶) نامه‌ای زیر عنوان درس "انقلابی بودن" را یاد گرفتیم! (با همان گیتومه و همین علامت تعجب) و صد البته در بالای ستون و طبق معمول با حروف سیاه، چاپ می‌شود که: "بالاخره کمک‌های مادی فراوان انقلاب اسلامی ایران به سازمان آزادیبخش فلسطین، نتیجه داد و در نبرد حق و باطل اینان اعلام بیطرفی کردند. آقایانی که خود را پیش‌تاز مبارزات جهانی می‌دانند... اینک انقلابی بودن را به ما می‌آموزند... و جناح طرفدار عراق سازمانشان بطور مداوم و گاه و بیگاه سفارت جمهوری اسلامی را در بیروت هدف گلوله‌ها و موشک‌های روسی شان قرار می‌دهند و تنها کسانی که از سفارت دفاع می‌کنند، رزمندگان "امل"... هستند که از طرف این آقایان گاه حتی متهم به آمریکایی بودن هم می‌شوند..."

در این نامه‌اول "انقلابی بودن" جنبش فلسطین که متفق‌القول همه است، مورد استهزاء و انکار قرار می‌گیرد. ثانیاً "حقایق، موزیانه و مغرضانه، وارونه جلوه داده می‌شود. ثالثاً از "کمک‌های مادی فراوان انقلاب اسلامی به سازمان آزادیبخش فلسطین" چنان اثباتاً صحبت می‌شود که گویی واقعا "کمکی هم شده است. غافل از اینکه این از همان شعارها و تحریکات ضدانقلاب و امپریالیسم است که عمداً "روی زبان مردم انداخته شده. توسط عوامل معلوم الحال بقا آنها دامن زده می‌شود. رابعاً نویسنده نامه سرانجام طاقت نیاورده، آنهمه پولهایی را که جمهوری اسلامی به سازمان "امل" داده و خانم فاطمه نواب صفوی چندی پیش در چندین شماره از روزنامه کیهان پرده از حیف و میل‌هایی که در آنها شده برداشته بود، ندیده گرفته "افسوس می‌خوردم که چرا مقداری از آن کمک‌های مالی فراوان که به طرفداران دیروز و بیطرفان و بی تفاوت‌های امروز داده شد، نصیب این بی‌پناهان نگردید؟" در واقع، نویسنده ناشیانه درگیری "امل" و فلسطین را به یک ساءله داخلی ایران تبدیل می‌کند و کینه‌ای را که بواسطه بستگی به "امل" از فلسطینی‌ها دارد، در اینجا خالی می‌کند. و "میزان" هم آگاهانه هیزم کش معرکه می‌شود.

اما "میزان" با آنکه در این میدان تقریباً یکم‌تاز است، تنها نمی‌ماند. روزنامه‌های دیگر هم، که گویی از سابقه عقب مانده‌اند، یکی پس از دیگری وارد میدان می‌شوند.

کیهان، در ۱۷ مهر، درستون "یادداشت سردبیر"

(ص اول) در سرمقاله‌ای زیر عنوان "دوستان واقعی کیستند؟" چنین می‌نویسد: "یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های جنگ‌تحمیلی اخیر (پس‌جنگ‌نعمت‌هایی هم دارد!)، شناختن دوست از دشمن و فرصت طلب از صادق است... در این شرایط است که آن افراد، گروه‌ها و سازمان‌های داخلی و خارجی و یا دول‌عالم که دم از حمایت انقلاب ایران... می‌زدند در برابر دوراهی حق و باطل فرار گرفته‌اند و مع‌الاسف بسیاری از آنان بخاطر وسوسه‌های جیره‌خواران استعمار در برابر قبله استعمار جهانی به‌سجدافتادند... و بعد این افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها را - که خود "دروغگویان مدعی" می‌نامد - بر می‌شمارد و حق همه را از حزب دموکرات کردستان، چریک‌های فدایی خلق، مجاهدین خلق... راکف دستشان می‌گذارد و سرانجام به فلسطین می‌رسد.

رسالت مطبوعاتی!

درواقع، این مقدمه جینی، و ردیف کردن به ناحق گروه‌های مختلف چیزی نیست جز رطب و یا بس‌کردنی بمنظور مقدمه جینی برای گنجانیدن این که: "از سوی دیگر، سازمان‌های انقلابی جهانی نیز از محک‌آزمایش تنگ‌مایه بیرون آمده‌اند و مثلاً "برادر یاسر عرفات پس از مدتی تصور، عاقبت در این جنگ‌تحمیلی بی‌طرفی اعلام کرد تا هم کمک‌های مالی کشورهای مرتجع حامی عراق را چون عربستان و کویت واردن تضمین کند و هم حمایت عظیمی را که ملت ایران از سازمان آزادیبخش فلسطین می‌کند از دست ندهد... و نتیجه، نگفته، پیدا است. باعتبار سرمقاله نویسنده: نهضت فلسطین دوست واقعی ما نیست، که دشمن است، فرصت طلب است، فقط دم از حمایت از انقلاب ایران می‌زند، فریب وسوسه‌های جیره‌خواران استعمار را خورده، در برابر استعمار جهانی به سجده افتاده و... آری "کیهان" یک چنین فلسطینی به ما می‌شناساند. راستی را که چه رسالتی!

حتی "انقلاب اسلامی" هم - با همه واقع‌نگری و درست‌اندیشی نسبی در این زمینه، و با وجود کوشش برای دستیابی به یک سیاست خارجی منطقی و سالم - سرانجام گرفتار وسوسه می‌شود و در دام می‌افتد. و ای بسا برای درامان ماندن از "اتهامات آنچنانی" تازه، با مقالده‌ای به میدان می‌آید که ضمن آن گفته می‌شود: "جای بسی تأسف است که بعضی از دول‌دوست هم، با وجود اینهمه دلایل روشن‌مینی بر تجاوز نظامی عراق و اینکه این رژیم عامل جدید امپریالیسم جهانی در منطقه است، خواستار آتش‌بس و میانجیگری شده‌اند بدون آنکه تجاوز آشکار رژیم بعث بغداد را محکوم کنند... انتظار بحقی که ملت و جمهوری اسلامی

ایران از دوستانی نظیر الجزایر، سوریه، لیبی، سازمان آزادیبخش فلسطین و جنبش غیرمتعهدها... دارد اینست که به مسوولیت تاریخی خویش وقوف کامل داشته باشند... (۱۴)

اطلاعات هم به فاصله ۴ روز (۱۵) به میدان آمد و ضربه تازه‌ای - هرچند نرم‌تر - وارد کرد، در واقع اطلاعات این انصاف را داشت که به یادبیاورد که روزگاری "فلسطین وطن دوم ایرانیان بود"، که اکنون "سخن از معامله، تلافی و بده‌بستان نیست"، که "بیطرفی، آنهم بیطرفی یک سازمان عربی در این شرایط در حقیقت بنفع ماست".

اطلاعات، آگاهانه، روی دیگر سکه را هم دیده بود. اینکه "بسیاری از عناصر فرصت طلب داخلی و غریزدگان و سازشکاران نیز دانسته و ندانسته بازادیوی صهیونیست‌ها هماواز شده و میدان یدست آورده‌اند تا علیه عزیزان فلسطینی و ابوعمار یک تازی‌کنند". اطلاعات در عین حال، در آخر باز همان سؤال‌ها و همان موعظه‌ها و همان نتیجه‌گیری‌ها را می‌کند.

و سرانجام بفاصله ۴ روز پس از ضربه اطلاعات، روزنامه "جمهوری اسلامی" که بر خلاف سنت خود تا آن زمان سکوت کرده بود، در پایان خبری از قول صلاح خلف (ابوایاد) توضیحی آورد. (۱۶) ابوایاد در مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی "الوطن" گفته بود: "جنبش مقاومت فلسطین سرگرم تهیه پیشنهادهایی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق است... جنبش مقاومت فلسطین در اختلاف بین ایران و عراق بیطرف نیست، زیرا با هر دو کشور روابط خوبی دارد..."

جمهوری اسلامی توضیح داد که "سازمان فتح و به

تبع آن صلاح خلف هنگامی می‌توانند طرحی برای خاتمه جنگ داشته باشند که در مقابل حق و باطل، طرف حق را بگیرند و خارج از هر گونه عافیت طلبی و سیاست بازی به تعهدات خود در قبال هزاران شهید بخون خفته فلسطین و میلیونها شهید راه آزادی و شرف در سراسر جهان عمل نمایند. انقلاب را مذاکره به ثمر نمی‌نشانند... و بنظر می‌رسد که با عدم موضعگیری قاطع در مورد این جنگ تحمیلی بر ایران، سازمان آزادیبخش فلسطین به موضعی فروتر از موضعگیری کشورهای مترقی عربی در غلطیده است و مسأله آخر آنکه در این میان لااقل سازمان آزادیبخش فلسطین نشان داده است که عربیت را بر حقانیت و اسلامیت رجحان می‌نهد. و این موضعگیری جز آنکه در جهان اسلام و جهان مستضعفین بدبینی گسترده‌ای به سازمان آزادیبخش و نه به ملت فلسطین بوجود آورد، نتیجه دیگری نخواهد داشت."

فلسطین چه کرده است؟

راستی فلسطین چه کرده که مستوجب این همه نامهربانی، حمله و دشمنی شده است؟ تقویم را ورق می‌زنیم:

روز ۲۵ شهریور ۵۹ یک هیات فلسطینی به عضویت سرتیپ سعید صایل و هانی‌الحسن، از اعضای کمیته مرکزی "الفتح" به تهران آمد. هانی‌الحسن همان روز اعلام کرد که سبیز در منطقه خاورمیانه مانع وحدت نیروهای رزمی عرب و المال مانع ایجاد جبهه نظامی فعال علیه صهیونیسم می‌شود و با توجه به اینکه تکامل روابط ایران و اعراب جهشی استراتژیکی برای مقابله با امپریالیسم آمریکا است، سازمان اوهرنقشی را که وحدت امکانات عرب و اسلام را نامین‌کند و سب پایان ستیرها بتود، ایفا خواهد کرد.

هانی‌الحسن همچنین گفت که سازمان آزادیبخش فلسطین "از کشمکش و جنگ مرزی جاری میان ایران و عراق منألم است و اعتقاد دارد که مصلحت مسأله قدس ایجاب می‌کند که جبهه ایران - عراق علیه دشمن صهیونیستی جبهه واحدی باشد" (خبرگزاری وفا). هیات فلسطینی پیش از آمدن به تهران به عراق رفته بود.

روز ۲۶ شهریور فرستادگان فلسطین با رئیس مجلس شورای اسلامی ایران دیداری کردند که دو ساعت طول کشید و ضمن آن اوضاع منطقه مورد بررسی قرار گرفت. رئیس مجلس در گفتگوی هفتگی خود با خبرنگاران (۳۱ شهریور) ضمن اشاره به این دیدار در پاسخ به این سؤال که "گفته می‌شود آقای پاسر عرفات فعالیت می‌کند که میان ایران و عراق میانجیگری



کند" ، گفت : " ایران در حایب اعلام مخالفت با این امر نکرده و هنوز تصمیمی گرفته نشده است . هانی الحسن روز جمعه (۲۸ شهریور) پیش از ترک تهران یک دیدار چند ساعته دیگری با رئیس مجلس داشت . او طی اقامت خود در تهران با خانواده رضایی ها دیدار کرده و ضمن تجلیل از " خانواده های که چهار شهید در مقابل با دیکتاتوری داده " ، بنام اتحادیه زنان فلسطین از خانواده رضایی ها دعوت کرد که از اردوگاههای فلسطین دیدن کنند .

روز ۳۰ شهریور ، به گزارش " وفا " ابویاد عضو کمیته مرکزی " الفتح " در دیدار با کادرهای سیاسی این سازمان در بیروت " تماس های دو فرستاده فلسطینی با مقامات عراقی و ایران را مثبت " توصیف کرد و گفت : " احتمالاً ابو عمار در کشمکش میان عراق و ایران میانجیگری خواهد کرد و احتمال دارد که طرف چند روز آینده به این کار اقدام کند . . . زیرا تا سربار خواهد بود اگر برخورد عراق و ایران بدتر شود " . ابو ایاد در همین مراسم در مورد روابط ایران و فلسطین " خواستار مشخص شدن مفهوم این روابط براین اساس که بتفع طرفین بوده و جنبه فرمایشی نداشته باشد " شد .

عصر روز سه‌شنبه یک مهر ، رئیس جمهوری در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی در مورد میانجیگری گفت : " از ناحیه فلسطین ابولید و سفیر اوتزد من آمدند . نامه ای هم از شورای فلسطین آورده بودند که می‌گفتند به دعوت صدام حسین به بغداد رفته‌اند . . . "

روز ۲ مهر " وفا " از بیروت گزارش داد که یاسر عرفات دیدار خود از بلغارستان را به علت گسترش دامنه جنگ میان عراق و ایران ، ناتمام گذاشته و به بیروت بازگشته تا به بغداد و تهران برود . اما بعلت خطرناک بودن پرواز موفق نشده و لذا با مقامات دو کشور در مورد " اوضاع خطرناک و اسفناک جاری " تماس تلفنی گرفته و از آنها خواسته است به جنگ پایان داده جلو خونریزی را بگیرند . عرفات در پایتخت بلغارستان ، در کنفرانس بین‌المللی صلح شرکت کرد و در نطق خود پس از اشاره به " شکست های تلخی که امپریالیسم در منطقه خاورمیانه خورده " روی پیروزی بزرگ انقلاب ایران در این زمینه تأکید کرده بود .

روز شنبه ۵ مهر ، رئیس جمهوری پس از دیدار با امام خمینی ، گفت : " چون رسای دول اسلامی برای مذاکره به ایران می‌آیند و ما گفته‌ایم که برای میانجیگری و آشتی آمادگی نداریم برای اینکه بین حق و باطل آشتی معنی ندارد و ما برحق هستیم . . . و اینکه رسای دول اسلامی شائق شده‌اند به کشور ما

بیایند در واقع از نظر من احترامی است به مقاومت ملت و نیروهای مسلح ما . "

سحرگاه همان روز عرفات به تهران آمد . او روز پیش از آن از راه باکو وارد آستارا شده ، پس از توقف کوتاهی در کیلان بسوی تهران راه افتاده بود . در همین توقف ، مهندس انصاری استاندار کیلان به او گفته بود " شما که به تهران می‌روید بدانید که مردم ایران اصلاً " حکم را شروع نکرده‌اند " و عرفات در پاسخ گفته بود " نوبتد برکی در کار هست و آمریکا فلان کار را خواهد کرد . . . "

در این سفر هانی الحسن ، مشاور سیاسی عرفات و ابو سیر ، مسئول روابط خارجی سازمان آزادیبخش فلسطین ، عرفات را همراهی میکردند . عرفات عصر

کوشش های عرفات

دوشنبه با هواپیما به رشت رفته از راه آستارا به باکو بازگشت و از آنجا رهسپار الجزایر شد . او ضمن اقامت خود در تهران با سفیران چند کشور منجمله سفیر الجزایر دیدار کرد و توسط او پیامی در رابطه با اوضاع جاری برای رئیس جمهوری آن کشور فرستاد . به گزارش " وفا " الجزایر و فلسطین " بمنظور هماهنگ کردن تلاشها در این مرحله خطرناک با هم در تماس دائمی هستند " .

عرفات طی اقامت خود در تهران چندبار با رئیس جمهوری و دیگر مقامات ایرانی دیدار کرد . در یکی از دیدارهایش با رئیس جمهوری ، حجت‌الاسلام اشراقی و احمد سلامتیان حضور داشتند به گزارش " وفا " در این دیدارها توافق شد که " تماسها و مشورتها ادامه یابد " یکی دیگر از دیدارها هم با حضور ژنرال ضیاء الحق ، رئیس جمهوری پاکستان و حبیب شطی ، دبیرکل کنفرانس اسلامی انجام پذیرفت و ضمن آن " مسایل و مشکلات مربوط به حملات دولت عراق به ایران مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت " . در پایان این دیدار ، رئیس جمهوری گفت : " مذاکرات خیلی مفید بوده و امیدوارم بیان ما هم روشن بوده باشد " .

روز ۷ مهر " رویتر " از بیروت گزارش داد که روزنامه " فلسطین النوره " ارگان سازمان آزادیبخش فلسطین ، نوشت که جنبش فلسطین از همه رهبران عرب خواسته تا از کوششهای یاسر عرفات برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق حمایت کرده فوراً " خواستار آتش بس بشوند . " فلسطین النوره " نوشته بود که " سران کشورهای عرب بجای اتخاذ مواضع مبهم نسبت به این درگیری باید فوراً " با یکدیگر ملاقات کرده ، موضع مللی عرب را مشخص کنند " .

" رویتر " در همین گزارش آورده بود که عرفات در

سفر خود به تهران سعی بر ملاقات با آیت‌الله خمینی داشته بوده است .

روز ۸ مهر ، ابویاد ، در مراسم پرده‌برداری از مجسمه جمال عبدالناصر در بیروت (بمناسبت دهمین سال درگذشت او) در مورد جنگ عراق و ایران و بی‌آمدهای آن برانقلاب فلسطین ، هشدار داد و گفت "در صورت ادامه جنگ ، انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان بصورت جزیره‌ای در محاصره دریاهای از آمریکایی‌ها درخواهد آمد . " او افزود که "ادامه جنگ به معنای ادامه نقشه آمریکا در منطقه خواهد بود و هرگز جایز نیست انقلابی که به جای پرچم رژیم اشغالگر فلسطین ، پرچم فلسطین را برافراشته و دولتی در عمق استراتژیکی ما به وجود آورده است ، منهدم شود . " (خبرگزاری وفا)

همان روز خبرگزاری فرانسه ، ضمن خبری از اردن ، گزارش داد که یاسر عرفات بیطرفی کامل سازمان خود را در ماجرای ایران و عراق اعلام کرد و از همه گروهها و سازمان های فلسطینی خواست که از هرگونه اظهار نظر در مورد درگیریهای دوطرف خودداری کرده ، در این زمینه بیطرفی کامل را مراعات کنند . اما نایف حواتمه ، رهبر "جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین" یک روز پیش از آن از موضع ایران ، علیه عراق ، پشتیبانی کرده بود . (البته عرفات در آن هنگام در الجزایر بسر می‌برد) .

روز ۹ مهر ، "یونایتدپرس" از بیروت گزارش داد که بدنیاال شکست میانجیگری عرفات میان ایران و عراق ، وی از سران کشورهای عرب خواسته است ، برای پایان دادن به جنگ این دو کشور یک کنفرانس اضطراری تشکیل بدهند . رادیوی صدای فلسطین تلگرامی را که عرفات در این زمینه برای سران عرب فرستاده بود ، پخش کرد . عرفات گفته بود " باید برای پایان دادن به جنگی که نشأ در خدمت امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم است ، اقدام فوری کرد . "

روز ۱۱ مهر ، عرفات نامه های ویژه‌ای برای ملک‌خالد ، امیرفهد ، شیخ‌زاید بن سلطان و شیخ جابر الاحمد الصباح فرستاده "نقش فلسطین برای توقف کشمکش میان ایران و عراق در جهت مصالح امت عرب و اسلام" را برای آنها تشریح کرد .

روز ۱۲ مهر ، خبرگزاری فرانسه از بیروت گزارش داد که "رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین تصمیم گرفته‌اند تلاش های خود را در جهت برقراری صلح و تفاهم میان ایران و عراق همچنان ادامه دهند . " این تصمیم دو شب پیش در جلسه‌ای با شرکت اعضای کمیته اجرایی سازمان ، گرفته شده بود .

روز ۱۳ مهر ، دکتر شوقی فوناکی ، رئیس پیروزی ۵۰

کنفرانس اسلامی ژاپن پیامی برای عرفات فرستاد که در آن از او خواسته شده بود : "تلاشهای پسندیده خود را برای پایان دادن به جنگ اسفناک ایران و عراق مبذول دارد . "

روز ۱۶ مهر ، سفیر یوگسلاوی در لبنان با عرفات دیدار کرده در باره "اوضاع جاری و بویژه جنگ روبه تصاعد در مرزهای عراق و ایران" با او گفتگو کرد .

روز ۲۰ مهر ، "وفا" گزارش داد که سازمان آزادیبخش فلسطین خواستار تشکیل جلسه دفتر هماهنگی جنبش غیرمتعهدها برای پایان دادن به جنگ عراق با ایران شده و فاروق قدومی ، رئیس بخش سیاسی سازمان ، این موضوع را در سازمان ملل متحد با کشورهای غیر متعهد در میان گذاشته است .

روز ۲۳ مهر ، کاردار سفارت شوروی در بیروت با یاسر عرفات و فاروق قدومی دیدار کرد و دو پیام از سوی رهبران شوروی به آنها تسلیم داشت "وفا" گزارش داد که این دو نامه به اوضاع سیاسی بین‌المللی و بویژه منطقه مربوط بوده است .

روز ۲۴ مهر ، خبرگزاری پارس از قول خبرگزاری یوگسلاوی (تان‌یوگ) گزارش داد که صلاح خلف ، مرد شماره دو "الفتح" در مصاحبه‌ای با یک روزنامه کویتی گفته‌است که جنبش مقاومت فلسطین سرگرم تهیه پیشنهادهایی برای پایان دادن به جنگ عراق و ایران است جنبش فلسطین در اختلاف دوطرف بیطرف نیست . زیرا با هر دو طرف رابطه دارد . ابویاد ، همچنین گفته بود که شوروی از سازمان او خواسته است "به‌کوشش های خود برای پایان دادن به جنگ میان عراق و ایران ادامه دهد . " به‌گزارش خبرگزاری‌ها فلسطین برای پایان دادن به جنگ یک طرح چهار ماده‌ای تهیه کرده بود .

« جوسازی » علیه فلسطین

راستی را سازمان آزادیبخش فلسطین چه کرده است ؟ جز تلاش بسیار برای پایان یافتن جنگ تجاوزکارانه‌ای که نه تنها هیچ نتیجه مثبتی نداشته بلکه همه از اعلی تا ادنی به زیان‌ها و آسیب‌های آن اعتراف کرده‌اند .

فلسطین با توجه به آنچه تا اینجا گفته شد ، با شناختی که از امپریالیسم دارد ، با آگاهی به نیرنگها و نوطه‌ها ، با در نظر داشتن فعالیت عوامل ارتجاع و ضد انقلاب در منطقه ، با دانستن اینکه دشمن جنایتکار خونخواری مثل رژیم اشغالگر فلسطین در کمین همه جنبش ها و انقلاب های منطقه (و حتی جهان) نشسته است ، با شعور به اینکه ناتوانی

ایران و عراق و هر کشور مسلمان دیگر فقط به سود صهیونیسم و امپریالیسم است، و بواسطه دلسوزی برای انقلابی که از هرسو در محاصره امپریالیسم و آماج تهاجم آن است، و نیز با توجه به تجربه‌های که از فعالیت‌های گذشته خود در زمینه حل اختلاف‌های جهان اسلام داشت... ب فکر افتاد که اگر ممکن باشد از گسترش دامنه جنگ، و از افزایش زبان‌ها و آمیخته‌ها جلوگیری کند.

رهبران فلسطین، همانگونه که خود اعلام کردند، و بدانسان که دولت ایران از آنان خواسته بود، نه برای میانجیگری که بر پایه "حسن نیت" و برای تبادل نظر و آگاهی و مشورت به تهران آمدند و نظراتی هم که همان زمان و پس از آن بیان کرده‌اند (همچون پیشنهاد چهار ماده‌ای "ابویاد") فقط جنبه پیشنهادی داشته است. همانگونه که هرکس و مقام دیگر می‌تواند درباره این قضیه نظر بدهد. نظر دادن با اعمال نظر تفاوت دارد.

و اما قضیه "بیطرفی" هنوز مبهم است. خبر "اعلام بیطرفی فلسطین" را خبرگزاری انگلیسی "رویتر" آن هم از اردن، و از قول یاسر عرفات مخابره کرد. و این درحالی بود که یاسر عرفات در الجزایر به سر می‌برد، و انگیزی مقامات فلسطینی پیش از آن اعلام کرده بودند که در این قضیه بیطرف نیستند. و نایف حواتمه، رهبر "جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین" صریحاً "به سود انقلاب ایران علیه رژیم عراق، موضع گرفته بود. موضوع "عدم بیطرفی" بعداً هم توسط برخی از رهبران فلسطین تأکید شد. گذشته از این‌ها، با توجه به تجربه‌های که فلسطین از عراق دارد، با توجه به گذشته روابط دوطرف، و با اهمیتی که انقلاب ایران برای انقلاب فلسطین دارد - و رهبران فلسطین بارها آن را خاطر نشان و تأکید کرده‌اند - نمی‌توان پذیرفت که در برابر زوی انقلاب فلسطین کفه عراق با کفه ایران همسنگ باشد. حال اگر دیپلماسی و یا ملاحظات پست برده ایجاد کنند که کسی سحنی "رسمی" و با خواتیند بگوید، حساب دیگری است.

انقلاب فلسطین هیچ چشم‌داشتی از انقلاب ایران ندارد. همان سرنگونی شاه، قطع پشتیبانی ایران از رژیم اشغالگر فلسطین، و بقول ابویاد، "برافراشته شدن پرچم فلسطین بجای پرچم صهیونیسم" (در تهران) بزرگترین هدیه و ثروتی است که از رهگذر انقلاب ایران نصیب انقلاب فلسطین شده است. بقیه دیگر همه حرف است. حرف‌های ناشی از تنگ نظری، کینه‌نویزی، عرض‌ورزی، و نیرکوتنه‌بینی و ناآگاهی از حقایق زندگی و واقعیت‌های شرایط موجود، نظیر آنچه در آغاز سخن بر شمرده شد.

لذا حمله به فلسطین و رهبران آن می‌تواند عملاً "جزئی از برنامه امپریالیسم و عوامل آن مبنی بر سرکوب انقلاب‌های مردمی باشد. و آنچه در این زمینه انجام گرفته دقیقاً همان چیزی است که در زبان امروز ما بدان "جوسازی" گفته می‌شود. یعنی شکل خاصی از توطئه‌های درازمدت امپریالیسم برای سرکوب انقلاب‌ها و جلوگیری از افشای حقایق. و گرنه چرا در میان این همه کشورها و سازمان‌های آزادی‌بخش که با ما در ارتباطند تنها باید به نهضت مقاومت فلسطین پرداخته شود؟ مگر جز اینست که این نهضت، دست‌کم در سراسر خاورمیانه و خاور نزدیک، جدی‌ترین و سخت‌کوش‌ترین دشمن امپریالیسم و بزرگ‌ترین مانع پیشروی آن به حساب می‌آید؟

۱ - خرامزاده سیاسی - اصطلاحی است که ما از ۱۳۴۶ (جنگ شش روزه اعراب با رژیم اشغالگر فلسطین) برای کشورهای دست پخت استعمار - البته هرگاه فرصت بوده و امکان داشته - بکار برده‌ایم و پاکستان، عراق، اردن، اسرائیل، آفریقای جنوبی، و... را از جمله آن‌ها می‌شناسیم. تفصیل این عنوان به مقاله دیگری می‌ماید.

۲ - میران - ۵۹/۷/۱۷ - ص ۵

۳ - میران - ۵۹/۷/۱۹

۴ - آخرین آمار نشان می‌دهد که مثلاً ۱/۴ میلیون نفر از جمعیت ۲/۲ میلیون نفری اردن، فلسطینی‌اند (انقلاب اسلامی - ۵۹/۷/۲۷ - ص ۴)

۵ - این نکته‌ای است که ما از سالها پیش دریافته و در فرصت‌های مناسب به آن اشاره کرده‌ایم. بحث مفصل آن به بعد می‌ماند.

۶ - انقلاب اسلامی - ۵۹/۷/۱۷ - ستون کارنامه رئیس جمهور - ص ۲

۷ - خبرگزاری وفا - ۵۹/۶/۲۵

۸ - همانجا.

۹ - میران - ۵۹/۷/۱۲ - ص ۲

۱۰ - میران - ۵۹/۷/۸ - ص آخر

۱۱ - اطلاعات - ۵۹/۷/۲۴ - ص آخر

۱۲ - انقلاب اسلامی - ۵۹/۷/۲۴ - کارنامه رئیس جمهور - ص ۱۱

۱۳ - میران - ۵۹/۷/۱۲ - ص ۹

۱۴ - انقلاب اسلامی - ۵۹/۷/۱۹ - ص ۵

۱۵ - اطلاعات - ۵۹/۷/۲۰ - ص اول - "سخن‌روز"

۱۶ - جمهوری اسلامی - ۵۹/۷/۲۴ - ص آخر

ریشه‌های اختلاف عراق و ایران

ایران و عراق اختلاف دارند؟ آری و نه. نه، زیرا که ایران و عراق در واقع یک سرزمین‌اند و یک کشور، یک ملتند با یک گیش و آیین، وجه بسیار پیوندهای تاریخی، قومی، سنتی، فرهنگی و نیز منطقه‌ای و ژئوپولیتیکی، این دورا بهم می‌پیوندند.

اما اختلاف دارند، زیرا در ظاهر مرزی میان دو کشور وجود دارد، زبان‌شان ظاهراً متفاوت است، خصوصیت‌های قومی متفاوت دارند، و نیز حکومت‌هایشان یکی نیست و آدم‌های متفاوتی با اخلاقیات، جهان‌نگری‌ها، جاه‌طلبی‌ها، وابستگی‌ها و سرشت‌های متفاوت بردو کشور فرمان می‌رانند.

و این نه همه است. که توطئه‌چینی‌ها و نقشه‌کشی‌های امپریالیسم جهانی برای سلطه‌یابی بر کشورهای کوچک و غارت ثروت‌های آنان را هم باید براین فهرست افزود. عامل چنان مهمی که حقا "بایستی در صدر فهرست قرار می‌گرفت."

- توطئه‌های امپریالیسم
- مسأله کردها
- ادعاهای ارضی

در تمام تاریخ معاصر، منجمله دو قرن اخیر و مخصوصاً سال‌های گذشته، قدرت‌های بزرگ جهان - روسیه تزاری و امپراتوری انگلیس تا جنگ جهانی اول، و انگلیس و روسیه شوروی، و سرانجام آمریکا - برای سلطه‌یابی بر منطقه و بهره برداری از سایل آن، تلاش کرده و می‌کنند.

ریشه واقعی

در حقیقت اختلاف عراق و ایران دقیقاً ریشه در همین انقلاب (ژوئیه ۱۹۵۸) دارد، زیرا موازنه‌ای را که تا آن هنگام وجود داشت به زیان غرب و استعمار و به سود شوروی و اعراب در هم ریخت. در واقع کمربند ایمنی و دفاعی‌یی که جان فاستر دالس، وزیر خارجه وقت آمریکا بصورت پیمان‌های ناتو (اروپای غربی و مدیترانه)، پیمان بغداد (خاور-میانه) و پیمان سیئو (جنوب شرقی آسیا)، در جنوب کشورهای "کمونیستی" جهان پدید آورده بود آنچنان سفت‌کشیده شد که از وسط بریده شد و استعمارگران را بر آن داشت تا آن را بصورت پیمان سنتو گره بزنند.

خروج عراق از پیمان بغداد، بزرگ‌ترین گناهی بود که این کشور، از چشم "جهان‌آزاد" دالسی یعنی امپریالیسم، مرتکب شد و لذا بایستی گوشمالی داده شود و کيفر ببیند. کيفری که به صورت تحریکات داخلی و خارجی آغاز شد، و ایران شاهی، در مقام نوکر حلقه بگوش استعمار، بیشترین و اصلی‌ترین نقش را در تدارک و اجرای آنها می‌داشت.

در آن روزها ساله کرد - که ایران در تمام تاریخ خود از حل آن شانه خالی کرده بود - همچون ساله داخلی عمده و اساسی عراق درآمد. کردها، بحق و آگاهانه، خواستار کسب حقوق اساسی خود بودند. اما حکومت عراق هم بدلیل ناآگاهی و هم بواسطه غرضمندی، از ارائه یک راه حل درست و منصفانه برای مسأله کرد سر باز می‌زد و دولت ایران هم آشکار و پنهان "هیزم‌بیار معرکه" و آتش افروز جنگ شده بود. راستش اینکه در طی بیست سال گذشته عراق و ایران آشکارا و غرضمندانانه کوشیدند تا از کردها همچون افزاری برای سلطه‌یابی خود و آزار طرف مقابل بهره برداری کنند. بگذریم از اینکه هر طرف آلت دست یک یا چند قدرت استعماری بوده است. (۳)

دلیل شرکت و نظارت انگلیس بر روابط عراق و ایران، همین بس که دولت انگلیس در اوایل حکومت امیر فیصل، یادداشتی رسمی برای دولت ایران فرستاده و گفته بود که اگر تهران دولت امیر فیصل را به رسمیت بشناسد، دولت انگلیس، او را و خواهد داشت تا به اختلافات مرزی خود با ایران پایان دهد. لذا دولت ایران، فریب خورده یا

بسیار کوشش شده که برای اختلاف ایران و عراق ریشه و مایه تاریخی جست‌وجو و کشف بشود. مثل اختلافات مرزی ایران و عثمانی، که در اواسط روزگار قاجاریه ظاهراً "سرانجام یافت (در شانزدهم جمادی الثانی ۱۲۶۳، پس از چهار سال مذاکره و کشمکش، به پادرمیانی و حضور مصلحتی نمایندگان سیاسی دو قدرت بزرگ استعماری آن زمان یعنی روسیه تزاری و انگلیس، عهدنامه‌ای معروف به "عهدنامه ارض روم" میان ایران و عثمانی امضا شد. این عهدنامه یک مقدمه و ۹ ماده داشت و بموجب آن ایران از دعاوی خود نسبت به سلیمانیه و قسمت غربی ولایات زهاب چشم می‌پوشید و در مقابل آن دولت عثمانی حق ایران را نسبت به بندر "محمره" (خرمشهر) و جزیره "خضر" (مینو) و ساحل چپ شط‌العرب و کشتیرانی ایران در آن رود را برسمیت شناخت.

این عهدنامه، البته، مورد تایید طرفین قرار نگرفت) خود این اختلاف، نتیجه درگیری‌ها و جنگ‌های دراز و کوتاه بی‌شمار دو طرف در طول قرن‌های پیش از آن بود. اما اگر در همان هم خوب دقیق شویم به آسانی رد پای استعمار غرب را در ایجاد اختلاف‌ها و دامنه یافتن آنها، بازمی‌یابیم. همانگونه که رد پای استعمار کلیسای قرون وسطی در تحریک مغولان به یورش به ایران خوارزمشاهی دیده می‌شود. (۱) اما اختلاف عراق و ایران از هر جا ناشی بشود، مسلم اینست که ریشه و مایه تاریخی ندارد. مگر نه اینست که عراق کشور نسبتاً جوانی است که پس از جنگ جهانی اول و در نتیجه تجزیه امپراتوری عثمانی، و صد البته، به تحریک و توطئه انگلیس بوجود آمده است؟ (۲) اتفاقاً امیر فیصل بن حسین، که در ۱۳۰۵ خورشیدی، نخستین شاه عراق معرفی شد، همزمان با نوکر دیگر انگلیس در منطقه یعنی رضاخان، به قدرت رسید. و از آن پس، خانواده فیصل در عراق و خانواده پهلوی در ایران، که هر دو سردریک آبخشور داشتند، علیرغم درگیریهای ظاهری و مصلحتی، همواره در نهایت دوستی و (یکرنگی) بسر می‌کردند و "هوای یکدیگر" را داشتند. چنانکه در ۹ ژانویه ۱۹۳۷ پیمان معروف "سعدآباد" را (با شرکت ترکیه و افغانستان) بستند. چیزی که بعدها مایه و ماده فساد پیمان بغداد و سرانجام پیمان "سنتو" شد. شاه‌کذایی هم در فرار

آگاهانه، به دستور ارباب گردن‌گذاشت ولی امیر فیصل برای حل مشکلات اقدامی نکرد (۴)

بدنبال درگیری های دولت عراق با کردها، وضع اختلافهای مرزی دو کشور وخیم تر شد و برخورد های شدیدی میان دو طرف روی داد، اما وقتی که مساله کردها نسبتاً حل شد، عراق از ایران به جامعه ملل شکایت برد وخواست که ایران پروتکل ۱۹۱۴ و صورت مجلس های ۱۹۱۴ مربوط به آن را - که آن هم به پادرمیانی دوا بر قدرت زمان تهیه شده بود- بپذیرد. اما عراق در ۱۹۳۷ (۱۳۱۶خ) شکایتی را که از ایران کرده بود، رسماً پس گرفت و در همان سال مذاکرات تازه ای - با حضور نماینده انگلیس - انجام شد و دو طرف، پروتکل و صورت مجلس - ها را با جزئی تغییراتی پذیرفته امضا کردند و حتی قرار گذاشتند که برای "بهبود وضع کشتی رانی و امور مربوط به شط و نیز اقداماتی برای جلوگیری از قاچاق" قراردادی ببندند. (۵) این قرارداد بر عهدنامه ارض روم و پروتکل ۱۹۱۴ استوار بود و مقرر می داشت که شط العرب به تساوی برای کشتی های بازرگانی همه کشورها باز باشد و همه عوارضی که گرفته می شود. عنوان حق الزحمه داشته توسط عراق گردآوری شده منحصرأ" صرف نگهداری و لارویی شط و بهبود راه آبی بشود.

البته حضور عراق در پیمان بغداد سبب می شد که از شدت اختلافات مرزی آن کشور با ایران کاسته شود. در اوایل، دولت انگلیس به دستاویز ترس از رخنه شوروی و در واقع بمنظور حفظ سلطه خود، در زمینه نزدیک کردن دو طرف نقش فعالی داشت. اما جدا شدن ناگهانی عراق از پیمان بغداد، جریان مذاکرات مرزی را متوقف کرد. عبدالکریم قاسم، رئیس تازه عراق، که برای از میان برداشتن نفوذ و سلطه آمریکا و انگلیس در عراق، روی کار آمده بود، طبعاً نمی توانست به مذاکراتی که با میانجیگری این دو قدرت استعماری آغاز شده بود، ادامه بدهد، ولذا اعلام کرد که قرارداد ۱۹۳۷ با فشار خارجی بر عراق تحمیل شده و دولت عراق آن را قبول ندارد.

وقتی فیصل مصطفی بارزانی، یار دیگر، از ۱۹۶۰ تبعید و پس از تشکیل حزب دموکرات کردستان (عراق) باد هندوستان کرد، عبدالکریم قاسم که تا آن هنگام روابط خوبی با ملا داشت او را متهم به دریافت کمک از ایران و ایران را متهم به تحریک کردهای عراق کرد. توطئه های درونی و بیگانه علیه انقلاب عراق سرانجام با کودتا و کشته شدن عبدالکریم قاسم به نتیجه رسید. و عبدالرحمان عارف - که پس از برادر خود - رئیس جمهوری شده بود بمنظور خفه کردن جنبش کرد، در اسفند ۱۳۴۴ به تهران آمده ضمن مذاکراتی با مقامات

ایران، محافظه کارانه قول داد که همه کوشش خود را برای حل اختلافات مرزی دو کشور بکار برد، قولی که زود فراموش شد و با تجدید جنگ کردها با دولت بغداد، یکی از یادها رفت.

تکفته نماند که ملا مصطفی بارزانی، پیش از آن در ۱۳۲۵ و پس از شکست حکومت آذربایجان و دولت دموکرات کردستان، ناگزیر به ترک ایران شد و به امید کسب استقلال سرزمین خود به عراق رفت. البته ارتش ایران او و شیخ احمد برادرش، و یارانشان را تا مرز عراق مشایعت کرده تحویل دولت بغداد داد. وقتی که ژنرال احمد حسن البکر، از قبیله - تکریت، در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ دولت عبدالرحمان عارف را ضمن یک کودتای آرام، سرنگون کرد، امید تازه ای به حل اختلافات مرزی دو کشور پیدا شد و دیری نیاید که هیأتی از عراق به ایران آمد و پس از اطمینان از "حسن نیت" تهران، قرار شد مذاکرات در بغداد دنبال شود. این هیأت، مدتها بعد، در اوایل ژانویه ۱۹۶۹ به بغداد رفت و در اولین جلسه مذاکرات اعلام داشت که این عراق نیست که در قرارداد ۱۹۳۷ مورد اجحاف قرار گرفته بلکه ایران است که قرارداد براو تحمیل شده و این کشور اجباراً به قرارداد گردن نهاده است. این ادعا، عراق را واداشت تا یک بار دیگر، همچون زمان عبدالکریم قاسم، قرارداد را تحمیلی و کائنالم یکن بشمارد. لذا هیأت ایرانی با دست خالی بازگشت.

فسخ قرارداد

کمی بعد، دولت عراق صریحاً اعلام کرد که شط العرب را جزئی از خاک خود می شمارد و کشتی های ایرانی که از آن می گذرند باید پرچم عراق را برافرازند کشتی های نیروی دریایی ایران هم حق رفت و آمد در شط العرب را ندارند. این وضع به درگیری نظامی دو طرف انجامید. دولت ایران هم عملاً شط العرب را دوبخش اعلام کرد. خط مرزی خود با عراق را "تالوک" (منصف المیاه) قرار داد و اعلام کرد که اجباری برای بکار بردن نام شط العرب ندارد و از آن پس نام "اروند رود" را بکار می برد.

اما ساخت و پاخت های آشکار و نهان دو "ابرقدرت"، بهبود نسبی روابط ایران و شوروی، و اینکه شوروی هم از طریق خرید گاز ایران و ساختن کارخانه ذوب آهن و فروش اسلحه به مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار در ۱۹۶۷ (۶) ... به امتیازاتی در ایران رسیده بود، و نیز در اثر تحولات سیاسی - نظامی منطقه ... ایران و عراق سرانجام در راه حل جدی و نهایی اختلافات خود کام نهادند؛ وزیران خارجه ایران و عراق در اواخر ۱۳۵۴ در ملاقاتی که در جریان

کنفرانس وزیران خارجه کشورهای اسلامی در استانبول داشتند موافقت کردند که به مذاکرات ادامه بدهند (۷) در اجرای این تصمیم آنها روز پنجشنبه ۱۶ ژانویه ۱۹۷۵ دوباره به استانبول رفتند و به ادامه مذاکرات پرداختند. در همان زمان دولت عراق در اطلاعیه‌ای که در بیروت انتشار داد از مطبوعات خواست تا از انتشار مطالب تحریک‌آمیز درباره این مذاکرات خودداری کنند تا دوطرف بتوانند در محیطی مناسب (!) گفتگوها را دنبال نمایند (۸) اما این گفتگوها به نتیجه نرسید زیرا هر طرف روی مواضع قبلی خود تاکید می‌کرد. حتی سفر وزیر خارجه عراق به تهران هم نتیجه‌ای نداد.

کمی بعد دولت ایران اعلام کرد که تظاهرات عظیمی در عراق علیه ایران انجام گرفته و کنفرانسی با شرکت "سازمان‌های کمونیستی و گروه‌های خرابکار منطقه" علیه ایران در بغداد تشکیل شده است. در قطعنامه این کنفرانس از نهضت‌های آزادی ملی ایران خواسته شده بود علیه حکومت فاشیست تهران با اعراب همبستگی کنند و جلو تجاوزهای ایران در منطقه، منجمله در ظفار، را بگیرند. گفتنی است که در طی سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۵ عراق از جنبش آزادیخواهی مردم ایران علیه رژیم حاکم تهران حمایت می‌کرد. همزمان با این اوضاع در نواحی مهران، در استان ایلام، برخوردهایی میان نیروهای نظامی ایران و عراق روی داد (۹) اما در همان احوال، در اسفند ۱۳۵۳، کنفرانسی به ابتکار الجزایر با شرکت سران کشورهای تولیدکننده نفت (اوپک) در الجزیره تشکیل شد و در حاشیه آن سران ایران و عراق، به پادرمیانی میزبان خود، هواری بومدین، دیدارهایی انجام دادند که اخبار مربوط به آنها با سروصدا و تبلیغات گسترده منتشر شد. و این درست در حالی بود که جنگ قوم‌کشی دولت جبار عراق علیه خلق کرد به اوج شدت خود رسیده بود تا آنجا که بیش از صد هزار کرد عراقی، بصورت آواره، وارد خاک ایران شده بودند.

مذاکرات الجزایر، بیدرتنگ در بغداد و تهران دنبال شد و سرانجام به سود دوطرف و به زبان خلق کرد عراق، پایان یافت. از آن پس دامنه دوستی دو طرف چندان گسترش یافت که مقامات ایرانی و حتی خود شاه کدایی به عراق سفر دوستانه کردند. این دوستی تا انقلاب ایران ادامه یافت. اما پس از پیروزی قیام بهمن ۱۳۵۷، دولت دست نشانده عراق، بسا سوءاستفاده از آشفتگی اوضاع ناشی از انقلاب، قرارداد خود را زیر پا گذاشته تجاوز به خاک ایران را آغاز کرد (۱۰) تجاوزی که تا این لحظه خسارات مالی تا این لحظه خسارات مالی و تلفات جانی سنگینی به دوطرف زده است (۱۱).

- ۱ - پیش از هرکس، شادروان جلال آل احمد، این امر را دریافته و در نوشته‌های خود به آن اشاره کرده است.
- ۲ - نگاه کنید به همین شماره - فصل تاریخ عراق.
- ۳ - ژرژ لنچافسکی - تاریخ خاورمیانه - ترجمه هادی جزایری - ص ۲۴۴
- ۴ - روابط خارجی عراق بعد از جنگ اول جهانی - جلیلی - ص ۳۳
- ۵ - این قرارداد جزئی از قرارداد سعدآباد بود.
- ۶ - منابع مختلف، منجمله میدل ایست جورنال بهار ۱۹۷۲، ص ۱۵۷
- ۷ - روزنامه کیهان - نگاهی به مسایل روز - ۲۶ دی ۱۳۵۳
- ۸ - روزنامه کیهان - مسایل سیاسی روز - ۱۳۵۳ دی ۲۸
- ۹ - روزنامه کیهان - شماره‌های ۲۳ و ۲۴ بهمن ۱۳۵۳
- ۱۰ - روزنامه کیهان در شماره اول مهر ۱۳۵۹ گزارش دقیق درگیریهایی دوساله اخیر را انتشار داده است.
- ۱۱ - منابع مربوط به روابط ایران و عراق بسیار کمند. مهم‌ترینشان که بنظر ما رسیده عبارتند از:
 - روابط خارجی عراق از جنگ جهانی اول - مهدی جلیلی - ۱۳۳۲
 - تاریخ روابط ایران و عراق - امیررجایی - ۱۳۳۸
 - تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی - محمود فرهاد معتمد - ۱۳۲۶
 - تاریخ روابط ایران و عراق - مرتضی مدرسی - ۱۳۵۱
 - تاریخ خاورمیانه - ژرژ لنچافسکی - هادی جزایری - انتشارات اقبال
 - تاریخ روابط خارجی ایران - عبدالرضا هوشنگ مهدی - ۱۳۴۹

بعث عراق از شعار تا عمل

- شعارهای حزب بعث عراق در آغاز چون
سرابی نظر توده‌های عرب را جلب کرد.

- حزب بعث در نخستین پلنوم خود اعلام
کرد که هدفش رستاخیز ملت عرب و اتحاد
اعراب و گسترش آزادی و ناسیونالیسم
عربی و بنای سوسیالیسم عربی است.

- قاسم نتوانست روشی را که در ابتدا
در پیش گرفته بود دنبال کند و در آخر
به محدود کردن آزادی‌های دمکراتیک و
سرکوب جنبش کردها پرداخت.

- دولت بعث بغداد صدها هزار کرد را از
خانه و سرزمین خود بیرون کرده به نقاط
دیگر کوچاند و سیاست «تعریب» کامل
شمال کشور را به اجرا درآورد.

- بموجب قوانین تازه هیچ کشاورز صاحب
ملکی حق فروش زمین خود و مهاجرت
بدون اجازه را ندارد.

- حکومت عراق، بهمدستی عربستان سعودی
و اردن برای ایجاد یک جبهه تازه در برابر
«جبهه پایداری» تلاش می‌کند.

رژیمی که امروز در بغداد حاکم است نماینده حزبی است که در شعار و حرف چنین وانمود کرده است که به دنبال خواستها و هدفهای ترقیخواهانه دمکراتیک و سوسیالیستی است. شعارهایی که مدت زمانی نه چندان کوتاه چون سرایی نظر توده های عرب را جلب کرد. این هدف ها آنچنان در لفاله ها و بزرگ های شعار و تبلیغات پیچیده شده بود که در نتیجه آنها زمانی طولانی بغداد به صورت یک رژیم مترقی که داعیه حمایت از دولتهای غیرمتعهد مترقی و جنبش های آزادیبخش جهان را دارد معرفی می شد. دیری نپائید که تکرار بعضی کارها در بغداد ماهیت این رژیم را بر توده های مردم عراق و خلقهای جهان آشکار کرد.

تاریخ ده ساله اخیر عراق نشان می دهد که چگونه دولت عراقی که در واقع مجری سیاست حزب حاکم بعث است از آغاز برای فریب افکار عمومی دست به تاکتیکی زد، که نه دولت عراق بآن ها عمل کرد و نه حزب بعث به آن ها اعتقاد داشت.

"حزب بعث سوسیالیستی عراق"، که ۱۳ روز بعد از کودتای ۱۸ ژوئیه ۱۹۶۸ قدرت را در عراق قبضه کرد با شعار قدیمی حزب بعث: وحدت - حریت و اشتراکیه وارد میدان شد ولی به جای پرداختن به "وحدت امت عربی واحد که رسالت جاویدانی دارد" تفرقه در صفوف خلقهای عرب به ویژه در مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و صهیونیسم را که اینک ۳۱ سال است بخشی از سرزمین عرب را اشغال کرده است، وجهه همت قرار داد. حزب بعث در طول حکومت خود در عراق به جای آزادی و دمکراسی که آن را در حین شعار خود مطرح کرده است دیکتاتوری و خفقان و سرکوب تمام آزادیهای دمکراتیک را هدف خود ساخت. چرخش کامل عراق به سوی امپریالیسم و قبضه قدرت وسیله بورژوازی بوروکرات عراق نیز دستاورد حزب بعث سوسیالیستی برای مردم عراق بود. اگر بخواهیم عملکرد این حزب را در تاریخ دهساله عراق بدانیم باید گذشته حزب بعث را به طور خلاصه مرور کنیم:

این حزب دو سال پس از پایان جنگ جهانی دوم و یکسال پیش از تشکیل دولت دست نشانده امپریالیسم در سرزمین فلسطین، یعنی در هفتم آوریل ۱۹۴۷ وسیله چند تن از روشنفکران و نظامیان عرب به نامهای میشل علق، اکرم حورانی، صلاح الدین بیطار، شلی العیسی و منیف الرزاد، در سوریه تاسیس شد.

دنباله رو فاشیسم آلمان

حزب جدیدالتاسیس بعث دنبال گروههای ناسیونالیستی افراطی بود که از دهسال پیش از آن در

سرزمین های عرب عراق و سوریه زیر نام حزب بعث به وجود آمده بود. آن گروهها اگر چه در ظاهر خود را ملی ومدافع آزادی خلق های عرب از یوغ استعمار انگلیس و فرانسه می دانستند در واقع سیاست فاشیستی امپریالیسم آلمان زیر نام ناسیونال سوسیالیسم را دنبال می کردند که پس از جنگ جهانی اول وتقسیم بازارهای جهانی بین کشورهای امپریالیستی در سرزمین های عرب منزوی شده ومنافع خود را در این منطقه از دست داده بود. گرچه بنیانگذاران این حزب هیچ یک پایگاه طبقاتی بورژوازی نداشتند و غالباً روشنفکران برخاسته از میان خرده بورژوازی سوریه و عراق بودند ولی عملکردهای بعدی این حزب به ویژه در عراق نشان داد که آنان در سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی و اعمال خفقان و ترور همان راهی را دنبال می کنند که فاشیسم در ایتالیا و آلمان پی گیری کرد.

حزب بعث در نخستین پلنوم خود (ژوئیه ۱۹۴۷) اعلام کرد که هدف حزب "رستاخیز" ملت عرب وتحقق اتحاد اعراب و گسترش آزادی و ناسیونالیسم عربی و بنای سوسیالیسم عربی است. که ملت عرب را در چهارچوب "ارض القومی" و در اقطار مختلف آن (هر کشور عربی را یک قطر ارض عربی میدانند) متحد نموده واستعمار جهانی را ریشه کن نماید. ولی این حزب نتوانست جز در سوریه و عراق پایگاهی برای خود ایجاد کند. حزب بعث در نخستین کنگره خود میشل علق را به عنوان دبیرکل حزب انتخاب کرد و دیگر همداستان او هریک یکی از ارگانهای حزبی را قبضه کردند.

اما طولی نکشید که به دنبال اشغال اراضی فلسطین وسیله رژیم صهیونیستی اسرائیل و خیانتها وضعفهای دولتهای عربی، در "حزب بعث سوسیالیستی عربی" شکاف افتاد و یک جناح آن که خود را روشنفکران ترقیخواه ومدافع پیگیری سوسیالیسم و وحدت اعراب می دانستند، میشل علق و شلی العیسی را متهم به خیانت به حزب بعث و "امت عربی واحد" کردند. این دونفر همراه با عده زیادی از اعضای حزب بعث قطر عراق ده سال بعد در ۱۹۵۸ در کنگره ششم از حزب بعث عربی اشتراکی اخراج شدند.

بلافاصله به دنبال تصفیه دامنه دار حزب بعث در ۱۹۵۸ بود که میشل علق حزب بعث اشتراکی عربی قطر عراق را بنیان گذاشت و آن را وارث آرمان حزب بعث اعلام کرد. او حزب خود را تنها نماینده ومدافع ملل عرب معرفی کرد و حزب بعث قبلی را "مشبوه و مؤامر؛ خائن وتوطئه گر" علیه امت عربی متحد که دارای رسالت جاویدانی اتحاد و سوسیالیسم است، خواند.

کودتای قاسم

همزمان با انشعاب در درون حزب بعث عراق بود که حکومت دست نشانده ملک فیصل ونوری سعید، در یک کودتایه رهبری عبدالکریم قاسم سرنگون شد. کودتای عبدالکریم قاسم که "جبهه وطنی عراق" مرکب از حزب کمونیست عراق، حزب کامل جادرجی، حزب استقلال محمد مالک و قطر عراق حزب بعث دمکراتیک ملی را در پشت سر خود داشت.

پس از گرایش به سمت کشورهای سوسیالیستی و گسترش آزادی‌های دمکراتیک، بعثیها را که در داخل با کشمکش وسیعی روبه رو بودند و در دولت قاسم سهم کمی داشتند و اداره عقب‌نشینی کرد. عمق درگیریهای داخلی بعث چنان بوده که آنان نمی‌توانستند منسجم و متحد، با رژیم عبدالکریم قاسم به ستیز جدی و مستقیم برخیزند. با این حال موضع‌گیری‌های مترقیانه عبدالکریم قاسم در آغاز حکومت و حمایت بیدریغ حزب کمونیست عراق از او، چنان نبوده که حزب بعث میشل علقق ویا شبه ناریهای عراق بتوانند در برابر آن سکوت کنند. آنان که در قدرت حاکم ترکشور کمترین سهم در میان جبهه وطنی عراق را برد می‌بودند بلافاصله پس از کودتا بنای مخالفت با قاسم را گذاشتند. از سوی دیگر قاسم که به عنوان یک افسر وطنپرست در میان نظامیان عراق شهره بود نمی‌خواست زیر شعار پان عربیسم که در آن زمان نموده‌های آن در "افطار عربی" در غلبان بود و حزب بعث آن را دنبال می‌کرد، قرار گیرد و منافع ملی عراق را فدای شعارهای شوونیستی بعثیها و ناسیونالیستها کند. شاید به همین دلیل بوده که قاسم در پنج سال دوره حکومت خود نتوانست با جمال عبدالناصر رهبر قیام ۱۹۵۲ افسران ملی مصر، که به دنبال ملی‌کردن کانال سوئز به عنوان رهبر منحصر به فرد عرب معرفی شده بود، روابط حسنه‌ای داشته باشد.

رژیم عبدالکریم قاسم به علت خصلت‌های ترقیخواهانه و ضد امپریالیستی و ترویج روحیه ملی، و دمکراتیک در مردم عراق و خارج شدن از پیمان بغداد از همان آغاز نتوانست از توطئه بعثیهای عراق را که اکنون مدعی بودند "قطر عراق" را از سر افراد "مشیوه" و مؤامره پاک کرده است، در امان بماند. یکسال پس از کودتا و مدتی بعد از انشعاب حزب بعث گروهی از ناسیونالیستهای دو آنته عرب و پیروان خط "ناصریسم" با پشتیبانی و همراهی بعثی‌ها و از آن میان صدام حسین دست به توطئه‌ای برای سرنگونی رژیم قاسم زدند.

گرچه گفته شد که ناسیونالیستهای طرفدار جمال عبدالناصر توطئه را سازمان داده‌اند ولی رهبری توطئه را فواد رکابی دبیرکل وقت حزب بعث به دست داشت.

آنها قاسم را که بخوبی از حمایت کمونیستها برخوردار بود در زمینه اصلاحات ارضی و افزایش سهم عراق در شرکت نفت انگلیس و عراق دست به اقداماتی زده بود، مانع گسترش نفوذ خود می‌دانستند و اقدام به توطئه برای سرنگونی وی کردند.

دومین توطئه را عبدالوهاب شواف، از کادرهای برجسته حزب بعث و فرمانده لشکر موصل در سال ۱۹۶۰ علیه قاسم سازمان داد که فرمانده لشکر ۲ کرکوک به نام "ناظم طلیح چلی" از او حمایت کرد. ارتشاز موصل و کرکوک عازم بغداد شد. ولی با افشای این توطئه کمونیستهای عراق در شهرها علیه کودتاچیان مقاومت کردند و نیروهای حزب دمکرات عراق با وجودی که روابط رهبری آن (بارزانی) با قاسم به سردی گزائیده بود از عبدالکریم قاسم پشتیبانی کردند و شهر کرکوک را مسلحانه به محاصره درآوردند. این توطئه که خبر پیروزی آن از رادیو موصل پخش شده بود خنثی شد و به دنبال آن قاسم دست به تصفیه وسیعی در ارتش زد و تعداد زیادی از افسران ناسیونالیست و ناصریست‌ها و بعثی‌ها را از ارتش اخراج، اعدام و بازنشسته کرد. تصفیه دامنه‌دار ارتش عراق و مبارزه با گرایش‌های ناسیونالیستی افراطی که بورژوازی مدافع آن بود، سهم‌کردن کردها و کمونیست‌ها در حکومت، اصلاحات ارضی ناقص و متحصر کردن میزان مالکیت زمینها به ۲ هزار دونم (یکهزار دونم آبی و یکهزار دونم دیم) جناح بعث عراق و میشل علقق را که وابستگی او به امپریالیسم امریکا، انگلیس و خیانتکاری آن دیگر آشکار شده بود، واداشت که توطئه سرنگونی قاسم را وسیعاً و عملاً به اجرا درآورد. این بار در توطئه سرنگونی قاسم از گروههای ملی شریک در حکومت عراق نیز نام برده میشود.

قاسم که در دو سال آخر حکومتش با جنبش کردهای عراق روبه رو شده بود حمایت نظامی آنان را که بار اول کاری افتاد، از دست داد و خود تنها در میدان ماند. البته شکست قاسم و پیروزی توطئه عوامل دیگری هم داشت که سبب شدند قاسم نتواند علیه کودتاگران پشتیبانی مردم را جلب کند. محدود کردن آزادیهای دمکراتیک، سرکوب جنبش‌کردهای عراق، عدم قاطعیت قاسم در ملی‌کردن کامل شرکت نفت عراق - انگلیس، رشد بیگاری و تورم حاصل از کودتای ۱۹۵۸ و نیز تحریکات فتودالها و روسای قبائل که حکومت قاسم را مابین با خواستها و موجودیت خود میدانستند، موجب سرنگونی قاسم شد. بعث عراق کم‌کم و آهسته آهسته قدرت را به دست گرفت. کودتای عبدالسلام عارف (فوریه ۱۹۶۳) علیه قاسم دست‌بعثی‌های عراق را در فیض کردن کامل قدرت بازگذاشت و آنان بدریغ برنامه ارگانهای قدرت سیطره پیدا کردند، ولی اختلاف میان عبدالسلام عارف که خود را بیرو خط ناصر

میدانست واز بورژوازی عراق دفاع می‌کرد ، با بعثیه‌ها که مدعی رهبری امت عربی بودند همچنان ادامه یافت . برنامه وحدت خلقهای عرب که هم از طرف عبدالسلام عارف وهم از طرف بعثیهها اعلام می‌شد ، باهم اختلاف داشت . از سوی دیگر هر یک مدافع جریان‌ی بودند که می‌خواست رهبری جهان عرب را در دست گیرد .

مدتی از کودتای عبدالسلام عارف نگذشته بود که او دست به بازداشت‌هایی در حزب بعث عراق زد و تعدادی از مسئولان بعثی را دستگیر و اعدام کرد . وی همکاران خود ، احمد حسن البکر و صدام حسین تکریتی را که در سرنگونی حکومت ملی قاسم او را همراهی کرده بودند برکنار کرد و آنان را تحت نظر قرارداد . اما دولت عبدالسلام عارف نه توانایی کامل در سرنگونی بعثیهها را داشت و نه آنقدر دوام یافت که بتواند به تسلط آنان در ارگانهای اجرایی و دولتی پایان دهد . بعد از کشته شدن عبدالسلام عارف ، برادر او عبدالرحمن به جایش نشست . عبدالرحمن عارف که به ترسوئی ، محافظه‌کاری و طرفدار خط انگلیس در عراق معروف بود تنها یکسال و چندماه بعد از ریاست جمهوری وسیله گروهی از بعثیهها که وی به مقامات حساس گمارده بود ، سرنگون شد و به انگلیس پناه برد .

بعثی‌ها در صحنه

کودتا را عبدالرزاق نایف معاون مدیر مخابرات ارتش عراق و ابراهیم عبدالرحمان داوود ، فرمانده گارد ریاست جمهوری رهبری کردند و تیپ ده زرهی عراق در صحنه ، که فرماندهی آن با حماد شهاب تکریتی ، از نزدیکان صدام و البکر بود ، و نیز سعدون غیدان فرمانده گردان زرهی کاخ ریاست جمهوری ، بلافاصله از کودتاچیان حمایت کردند و بعثیهها در ۱۸ ژوئیه ۱۹۶۸ یعنی ده سال پس از کودتای قاسم قدرت را به دست گرفتند .

اما حزب بعث عراق هنوز تمام موانع را از سر راه خود برنداشته بود و میدانست که دولت عبدالرزاق نایف که به ریاست وزرا برگزیده شده است نمی‌تواند تمام دستورات رهبری حزب بعث را پیاده کند . به همین جهت با کودتا در کودتای ۳۱ ژوئیه که رهبری آن را اینبار صدام حسین و احمد حسن البکر رئیس جمهور ، برعهده داشتند قدرت را قبضه کردند .

دولت جدید بعثی علت اقدام خود را در نخستین اعلامیه شب ۳۱ ژوئیه مثل همیشه وابسته بودن اعضای دولت قبلی به امپریالیسم دانست و آنان را خائن به "امت عربی" نامید . کودتاچیان بعثت که همگی تکریتی بودند و به نوعی با همدیگر روابط فامیلی و قبیله‌ای داشتند از همان آغاز بنای تصفیه تمامی ارگانهای دولتی ، به ویژه وسایل ارتباط جمعی ، ارتش و آموزش و پرورش را گذاشتند و افراد بعثی

را صرفنظر از تجربیات و گذشته آنها بر تمام نهادهای اجتماعی مسلط کردند . بعثیهها کسانی را به قدرت رساندند که تنها معروفیت آنها در شارلاتانیسم و تشکیل باند های سیاه بود و این از همان آغاز بر مردم عراق آشکار شد .

حزب بعث در نخستین اعلامیه خود و برای جلب توجه افکار عمومی به ویژه در جهان عرب تمام خطاهای گذشته خود را در دولت‌های قبلی عراق پذیرفت و اعلام داشت به مردم عراق قول میدهد که این اشتباهات دیگر تکرار نشوند . حزب یکبار دیگر شعار وحدت ، "حریت" و "اشتراکیه" بعث را تکرار کرد و برای قریب افکار عمومی و تخفیف اختلافات دولت مرکزی - یا کردهای عراق به رهبری بارزانی و ایجاد روابط حسنه‌ای با حزب کمونیست عراق که در زمان عبدالسلام عارف به شدت سرکوب شده بود ، اعلام آمادگی کرد که حاضر است در جبهه وطنی عراق شرکت کند و به همه نهضت های آزادیبخش جهان و به ویژه نهضت فلسطین و ظفار یاری دهد . در نخستین اعلامیه خود اعلام کردند که رژیم جدید عراق مدافع خلق فلسطین است و مسئله فلسطین مقدمترین و اساسی ترین مسئله دولت "انقلابی" خواهد بود . در این اعلامیه آمده بود که : دولت عراق حاضر نیست از مسئله فلسطین بگذرد حتی اگر کشور عراق را هم در راه آزادی فلسطین فدا کنند . اقدام دیگر دولت بعثی برای قریب افکار عمومی جهان برقراری ارتباط سیاسی با آلمان شرقی و گسترش روابط با دیگر کشورهای سوسیالیستی بود که منجر به امضای پیمان دوستی ۱۵ ساله عراق و شوروی در سال ۱۹۷۸ شد . برقراری این ارتباط موجب گسترش روابط تجاری عراق با کشورهای اروپای شرقی و تأمین سلاحهای عراق وسیله شوروی شد .

کودتاچیان بعثی که هنوز به تنهایی نمی‌توانستند اداره کشور را به عهده بگیرند شعار احیای جبهه وطنی عراق را مطرح کردند که از طرف حزب کمونیست عراق مورد استقبال قرار گرفت و جبهه وطنی با شرکت حزب بعث و حزب کمونیست و چند گروه کوچک دیگر تشکیل شد . اما شعار تشکیل "جبهه وطنی ترقیخواه عراق" نتوانست حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری بارزانی را به خود جلب کند و این در شرایطی بود که جنگ ۹ ساله دولت مرکزی عراق با نهضت خودمختاری طلب کردهای عراق ارتش و حکومت مرکزی را بشدت تضعیف کرده بود . کودتاچیان بعثی کوشش کردند برای متوقف کردن جنگ داخلی ، با کردها وارد مذاکره شوند . در سال ۱۹۶۹ صدام حسین شخصاً با بارزانی ملاقات کرد و اعلام داشت حاضر است تمام خواستههای کردهای عراق را بپذیرد . ادامه گفتگوهای او و کردها منجر به پذیرش قرارداد "۱۱ مارس ۱۹۷۰" شد . با اعلام این قرارداد که ضمن آن قرار شد بعد از یک دوره آزمایشی چهارساله ، قانون خودمختاری

کردستان عراق به طور رسمی اعلام شود ، اختلافات داخلی فروکش کرد و دولت بعثی تدریجا خود را آماده می کرد تا در جهت مخالف تمام آنچه ماشینهای تبلیقاتی عراق ادعا می کردند ، قدم بردارد . بعد از امضای قرارداد "حکم ذاتی" خودمختاری کردستان عراق ، دولت مرکزی درمواد اعلام شده تغییراتی داد . از سوی دیگر عراق با اعلام وجود مشکلات داخلی ، نیروهای خود را از سوریه واردن فراخواند و درواقع خیال اسرائیل را ازجبهه شرقی آسوده کرده ، جنگ داخلی را مجددا آغاز کرد ، که یکسال به طول انجامید و با قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ پایان یافت .

درطول سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۴ عراق همواره چنین وانمود می کرد که این کشور با صهیونیسم و امپریالیسم در حال مبارزه است . هدف این بود که تسلط حزب فاشیستی بعث را بر سراسر کشور مستقر کند . برای سرپوش گذاشتن بر توطئه هایی که بعد از سال ۱۹۷۵ مرتکب شد مدتی به گروههای فلسطینی اجازه داد که دفاتر خود را درعراق افتتاح کنند و به الفتح ، بزرگترین سازمان جنبش آزادیبخش فلسطین امکان داد که در عراق اردوگاههایی برای آموزش فدائیان به وجود آورد . اما همزمان با اوج جنبش کردهای عراق به رهبری بارزانی که منجر به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر شد ، حزب بعث که با کمونیستهای عراق و بعضی از احزاب "بعث ساخته" کرد ، نظیر حزب دموکرات و حزب انقلابی کردستان در "جبهه وطنی" گرد آمده بود نیرنگ خود را آشکار کرد و دست به عملیاتی زد که ماهیت آن را کاملا برای توده های مردم عراق آشکار کردند .

بلافاصله بعد از قرارداد الجزایر دولت فاشیستی عراق که اکنون دیگر فقط ابزار اجرای خواستهای حزب بعث بود ، در کردستان عراق دست به کشتار وسیعی زد . ابتدا تمام مناطق کردنشین عراق را از مرز ترکیه و سوریه تا انتهای مرزهای ایران به عمق ۳۰ - ۴۵ کیلومتر و به طول نزدیک به ۱۲۰۰ کیلومتر از کردها تخلیه کرد و آنان را به جنوب عراق که عرب نشین است ، انتقال داد . سیاست "تهجیر" اجباری رژیم بعث عراق نیم میلیون تا ۷۰۰ هزار نفر کرد را آواره کرد . دهها نفر از کردهای عراق که درطول جنگهای داخلی غیابا" محکوم به اعدام شده اما براساس قرارداد ۱۱ مارس مورد عفو قرار گرفته بودند ، به جویبه های دار تسلیم شدند . کردهایی که در جریان یکسال آخر جنگ داخلی آواره شده و به ایران آمده بودند ، در بازگشت به عراق با به جنوب این کشور و با به اردوگاههای اجباری که با سیم خاردار محاصره شده بودند ، منتقل شدند . بسیاری از امنیاراتی که کردها در قرارداد ۱۱ مارس به دست آورده بودند از آنان گرفته شد . مجمع علمی کرد محل شد و خواندن به زبان کردی که از

زمان نوری سعید در مدارس ابتدائی تدریس می شد ، ممنوع شد . خواندن تاریخ و ادبیات کردی روز به روز محدودتر شد . مناطق خودمختار هیچگونه قدرت اجرایی نداشتند و اختناق و ترور و خفقان نه تنها کردستان عراق بلکه سراسر کشور را دربر گرفت . مناطق مهاجرت اجباری با خاک یکسان شد و تمام آثار عمران و آبادی از بین رفت . عمردبایه یکی از مسئولان کمیته مرکزی اتحادیه میهنی در گفتگویی با یک خبرنگار ایرانی که خود از این مناطق دیدن کرده است گفت ؛ خانه های روستایی ویران شده و چشمه ها را منفجر کرده و با یا سیمان روی آنها را پوشانده اند . کندوها و باغات این منطقه که به منطقه "اراضی محروقه" معرفی شده اند به طور کامل آتش زده شده است . مردم ۱۲۳۷ دهکده کردستان عراق مجبور به مهاجرت شده اند . دولت عراق بارهنمود بعثیها قوانینی گذراند که بموجب آن ها هرکس در منطقه "اراضی محروقه" دیده شود اگر باسواد باشد محکوم به اعدام و اگر بیسواد باشد محکوم به حبس ابد می شود . قانون سلب مالکیت زمین کشاورزی در روستاهای کردستان از تصویب به اصطلاح "مجلس قیاده الثورة" گذرانده شد درحالیکه نظام فتوای همان در مناطق عرب نشین پابرجاست . این قانون که در تابستان ۱۹۷۵ از مجلس "قیاده الثورة" گذشته بود ، به دولت بعثی این امکان را داد که همان سیاستی را که رژیم صهیونیستی اسرائیل در غرب رود اردن و فلسطین به کار گرفته است در این منطقه به کار گیرد . براساس این قانون دولت عراق می تواند هرکس را از منطقه اخراج کند و به جای او کسان دیگر را به منطقه کردنشین منتقل کند . سیاست بعث عراق همواره براین بوده است که نواحی نفت خیز کردستان عراق را تبدیل به منطقه عرب نشین کند برای این کار ابتدا با یک سرشماری قلابی اکثر ساکنان منطقه کرکوک و سنجار را عرب اعلام کرد و به دنبال آن قوانین جدیدی گذراند که "تعریب" کامل این مناطق را تسریع کند چند فرمانداری استان کرکوک که اکثریت قاطع ساکنان آن ها کرد بودند از این استان منزع و به استان سلیمانیه افزوده شدند .

یکی دیگر از قوانین جدید بعث عراق قانونی است که در سال ۱۹۸۰ از تصویب گذشت که براساس آن هر عربی که بخواهد به کرکوک منتقل شود و محل تولد و صدور شناسنامه خود را به کرکوک منتقل کند به وی ده هزار دینار نقد و یک قطعه زمین هم ، برای خانه سازی داده میشود . علاوه براین دوهزار دینار نیز برای خانه سازی پرداخت خواهد شد . صاحب ملک حق ندارد تا ۲۰ سال آن را به احدی منتقل کند . در برابر این قانون تصره های گذرانده شده است که به موجب آن هرکدی که بخواهد از کرکوک به منطقه کردنشین دیگر منتقل شود و یا به مناطق عرب نشین جنوب برود و محل تولد و صدور شناسنامه خود را به مناطق جدید منتقل کند

یک قطعه زمین به وی داده می‌شود و ۱۵۰۰ دینار برای ساختمان به او داده خواهد شد. اما حق ندارد تا ده سال این خانه را اجاره دهد و یا بفروشد. علاوه بر این محل صدور تولدگروه زیادی از کردهایی که در مناطق نفت‌خیز متولد شده‌اند بدون اطلاع آنان به نقاط دیگر انتقال یافته است.

در زمینه حمایت از جنبش آزادیبخش فلسطین که بعث عراق داعیه آن را دارد، بعث عراق ماهیت خود را نشان داده و نه تنها در این زمینه کمکی نکرده بلکه با حمایت از یک‌گروه منشعب "الفتح" به رهبری ابوصال با سازمان آزادیبخش فلسطین به مخالفت برخاست. بعث عراق تاکنون برخلاف تمام کشورهای عربی و حتی مرجع‌ترین آن‌ها از پذیرش سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده خلق فلسطین سرباز زده است. حرب بعث تاکنون با توطئه و تحریک واطلال، جنبش فلسطین را تضعیف کرده و چند تن از رهبران فلسطین درکویت، لندن و پاریس را به شهادت رسانده است. بعث عراق تاکنون چندبار اسلحه و مهماتی را که از کشورهای سوسیالیستی برای سازمان آزادیبخش فلسطین فرستاده شده ضبط کرده است و سال گذشته سازمان آزادیبخش فلسطین این موضوع را در اعلامیه‌ای افشاکرد. دفاتر سازمانهای مترقی فلسطینی که از انقلاب ایران حمایت کرده‌اند در بغداد بسته شده و عراق با نزدیکی به اردن و عربستان سعودی خود را از شرکت در "جبهه امتناع" که در برابر خیانت‌های سادات تشکیل شد، کنار کشید. کوششهای رئیس

جمهور فقید الجزایر و معمر قذافی در سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ برای شرکت دادن عراق در این جبهه به جایی نرسید. نمایندگان دولت بعثی عراق با رهنمودهای خائنه علق و دارودست‌های از نخستین اجتماع کنگره خلق عرب در لیبی خارج شدند و در مقابل پیمان خائنه کمب دیوید، صدام حسین و ملک‌خالد پادشاه عربستان سعودی به فکر تشکیل یک جبهه جدید هوادار طرح اروپایی حل مسأله فلسطین افتادند که اکنون با پیوس ملک‌حسین به آنها راهی را دنبال می‌کنند که سرار قاهره و واشنگتن در خواهد آورد.

خیانت‌های عراق به جنبش آزادیبخش فلسطین تنها منحصر به این چند مورد نیست و روزنامه "الحریت" چاپ بیروت، اخیراً گزارشی در مورد خیانت‌های عراق به خلق فلسطین انتشار داده که در آن علل بسته شدن دفاتر جبهه خلق و جبهه دمکراتیک خلق برای آزادی فلسطین روشن شده است. روزنامه "طریق الشعب" ارگان رهبری مرکزی جبهه دمکراتیک اردن در شماره ۳۹ خود می‌نویسد: رژیم اردن با کوشش و ولع فراوان راه را هموار کرده است که با محور بغداد - ریاض - عمان بر سر مسئله فلسطین به توافق برسند تا طرح اروپایی امپریالیسم را در مورد خود سختاری فلسطین به اجرا در آورند.



این روزنامه می نویسد :

ساده ترین دلیل این روابط گرم آمد و رفت متوالی ملک حسین به بغداد و ریاض و خوشحالی کامل ملک حسین از نظر صدام حسین است که به طور کامل با نظرات قبول شده در کنفرانس عالی سران کشورهای عربی در بغداد و تونس منافات دارد و با "جبهه الصمودو التصدی" (جبهه امتناع) نیز مخالفت و تضاد کامل دارد. در مورد خیانت دولت بعث عراق به خلق فلسطین و نیروهای ترقیخواه لبنان تنها اشاره به این گفته بشیر جمایل رهبر نظامی فالانترهای لبنان کافی است که می گوید اگر همه کشورهای عربی سیاست عراق را در جنوب لبنان به کار می گرفتند سود بسیار زیادی برای ما در بر می داشت. (المنهار ۲۲/۵/۱۹۷۹) او اضافه می کند که اکنون عراق فهمیده است که چه راهی برود تا به خودش ضرر نرساند!

سیاست توطئه و خیانت

عراق همواره سیاست توطئه و خیانت به رژیمهای مترقی را ادامه داده و به رژیمهای ارتجاعی منطقه نزدیک شده است. چنانکه علاوه بر کشتن سه تن از رهبران فلسطین در سال ۱۹۷۹، استاد توفیق رندی یکی از استادان دانشگاه عدن را به قتل رساند. وقتی دولت یمن جنوبی در این مورد تحقیقات خود را آغاز کرد معلوم شد که سفارت عراق در یمن جنوبی این توطئه را عملی کرده است. به دنبال این تحقیقات دولت یمن جنوبی خواست مسؤولان سفارت عراق را محاکمه کند. دولت عراق تحریکات علیه سفارت یمن جنوبی در بغداد را آغاز کرد و سپس با حمله به این سفارتخانه آن را اشغال کرد. توطئه های عراق در کشورهای خارج تنها به این چند مورد منحصر نیست. تنها سه ماه پیش بوده که کارمندان سفارت عراق در برلین غربی و وین می خواستند مرکز دانشجویان کرد عراقی را در برلین و سفارت ایران در وین را منفجر کنند و بدنبال اینها هر دو کشور آلمان غربی و اتریش ۴ تن از کارمندان سفارت عراق را اخراج کردند.

در زمینه روابط تجاری و صنعتی عراق با کشورهای دیگر باید ادعا کنیم که بعد از قرارداد الجزایر بین شاه معدوم و صدام، رژیم عراق در این مورد نیز ماهیت خود را آشکار کرد: رژیم بعث عراق که قبل از آن در جلسات اوپک خود را حامد دار حط لبینی و الجزایر اعلام می کرد از سیاست های سعودی و امارات منحنه عرب پیروی کرد و بر استخراج و تولید نفت عراق، برای پائین نگهداشتن قیمتها افزود. توسعه روابط بحاری عراق با کشورهای غربی و دور شدن از کشورهای سوسیالیستی سیاستی بود که بعث میشل عقلی با آنها در انتظار آن نشسته و آرزوی آن را در سرپروراند.

بود.

مبارزه با کشورهای سوسیالیستی و در خدمت امپریالیسم قرار گرفتن از دیگر برنامه های حزب بعث عراق بود که با آن خود را به امپریالیسم نزدیک کرده و کشورهای سوسیالیستی و ترقیخواه فاصله گرفت. اقتصاد عراق و تجارت و صنعت آن کاملاً "به بازار سرمایه داری جهانی بسته شده است در سال ۱۹۷۹ نزدیک به ۸۴/۲ درصد تجارت عراق با کشورهای سرمایه داری جهانی بود که ۷۴ درصد آن تنها با کشورهای ژاپن، آلمان غربی، فرانسه و انگلیس و شرکتهای آمریکایی انجام گرفت. ۹۰ درصد پروژه ها و برنامه های صنعتی عراق بر اساس برنامه ۴ ساله ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ به شرکتهای چند ملیتی امپریالیستی داده شد و این نسبت در دو سال اخیر رشد فزاینده ای داشته است. " رژیم عراق که یک رژیم سرمایه داری دولتی است در زمینه های صنعت و تجارت و کشاورزی روز به روز به سرمایه داری جهانی وابسته می شود و هیأت حاکم در این کشور بورژوازی بوروکرات، طفیلی می باشد که جز بر بازار جهانی سرمایه داری لقمه چربی نخواهد داشت. و این وضعیت رژیم را بیش از پیش به امپریالیسم وابسته می کند و استقلال سیاسی را از بین می برد. سرمایه داری دولتی عراق زائده استعمار نوست و با صدها طناب به امپریالیسم جهانی وابسته شده است. اما همزمان با وابستگی روز افزون رژیم به امپریالیسم جهانی اختلافات درون حزب بعث روز به روز اوج می گیرد. در واقع هرگز بعث عراق یکسال بدون توطئه و تصفیه داخلی به سر نبرده است.

اکنون اختلافات داخلی به مرحله انفجار رسیده و مقابله جناحهای درون حزب بعث که سال گذشته با بر کناری حسن البکر، " پدر - فرمانده " صدام حسین به اوج رسید هنوز پایان نیافته است. سال گذشته دهها نفر از فرماندهان، و کادرهای سیاسی بعث و مسؤولان دیگر دستگیر و اعدام شدند. امروز صدام حسین و برادرش، برزان بکریتی، با عدنان تلافاحی به صورت سه پایه دیکتاتوری حاکم در بغداد درآمده اند و چون پایه های رژیمشان به لرزه افتاده است تنها راه نجات خود را نوسل به رژیم های ارتجاعی منطقه چون سعودی واردن و نیز امپریالیسم آمریکا می داند و بدون شک همان سروستی را خواهد داشت که دوسان صدام تاکنون داشته اند.

دو مقاله‌ای که در زیر می‌آید از روزنامه "لوموند" بتاريخ روزی است که در فردای آن، با تهاجم هوایی عراق به چند فرودگاه ایران، آتش جنگی کامل بین دو کشور افروخته شد. از این رو، این دو مقاله برای نشان دادن شرایط داخلی عراق و زمینه کلی سیاست خارجی آن در ساعاتی که خود را برای جنگی گسترده با ایران آماده کرده مفید است، هرچند که بعضی از مطالب این مقالات (بمانند ارقام نفتی یا مسایل داخلی عراق) اکنون پس از جنگ بکلی تغییر یافته است. با این مقالات می‌توان بوضوح دید که چگونه شرایط داخلی انفجار آمیز عراق، دیکتاتوری اساساً "مذکی بر کیش شخصیت صدام حسین، حاشیه‌های منطقه‌ای و "جهان سومی" رهبران حزب بعث که درآمدهای کلان نفتی به آن دامن می‌زدند (شرایطی که از بسیاری جهات، بد نحو غربی با ایران آریامبری شباهت دارند) همه و همه می‌توانند یک رژیم استبدادی را وادارند که برای حل مسایل داخلی و برآوردن هدف‌های منطقه‌ای خود به جنگی غیرعادلانه، متوسل شود.

این مقالات همچنین تا به تازگی بر ماهیت پیچیده وابستگی اقتصاد عراق است که علیرغم شعارهای دستگاه حکومتی، و ادعای پیروی کامل از اصول "عدم تعهد"، روزبروز مشخص‌تر می‌شود. تا جائیکه رژیم بعث، در عین حال که وابستگی خود با شوروی را علیرغم تشبیب و فزایندهای روابط خود با مسکو حفظ می‌کند، بنا به خصلت وابستگی‌پذیری خود، به لفظی هرچند کند، ولی اجتناب‌ناپذیر بسوی وابستگی اقتصادی به غرب، و بویژه آمریکا نیز دچار می‌آید.

با همه فوایدی که از نقل این دو مقاله برشمردیم، نمی‌توانیم این را ناگفته گذاریم که اصولاً "از توسل به منابع غربی برای شناخت کشوری در همسایگی خود، متأسفیم.

با تاکید بر این واقعیت که در استفاده از منابع غربی، نسبت به گرایش‌ها یا موضع‌گیری‌های این منابع شناخت کامل داریم، استفاده از آنها را تنها بعنوان یکی از روایت‌های واقعیت می‌پذیریم. با امید روزی که از این "وابستگی" (!) رها و بی‌نیاز شویم ...

وسوسه «فاشیسم»، رژیم عراق را به «صدام پرستی» کشانده است

کشتار گروه عدنان حسین هنرنوع
وسوسه نزدیکی عراق به سوریه را برای
همیشه از بین برد.

در زمینه سیاست داخلی عراق، آنچه بیش از هر چیز توجه یک ناظر خارجی را جلب می‌کند، کیش شخصیت صدام حسین است که چه توسط دستگاه‌های حکومتی، و چه توسط جاه‌طلبی‌های شخصی او، پرورانده می‌شود. نشانه‌های بیشماری حکایت از آن می‌کنند که دستگاه‌ها، رژیم عراق، که اکثر آنها رسماً زیر نظر مستقیم صدام حسین قرار دارند، به‌وسیله‌های می‌کوشند تا از او یک "رهبر بزرگ و محبوب" بسازند. در جریان جشن‌های سالگرد "انقلاب" عراق، که بمدت یک هفته در تیر ماه گذشته برپا شد، آنچه بیش از همه تجلیل می‌شد نه این انقلاب و دستاوردهای آن، بلکه شخص صدام حسین بود که عکس‌های بسیار بزرگی از او عملاً همه دیوارهای بغداد و اکثر شهرهای کشور را پوشانده بود. روزنامه نیمه رسمی "الجمهوریه" یک شماره مخصوص صدوشانزده صفح‌های رابه شرح زندگی صدام، "رئیس‌مبارز" اختصاص داد. سه تا از بزرگترین سینماهای بغداد فیلمی را به نمایش گذاشتند که از کتاب پرفروش "روزهای طولانی" در باره روزگار جوانی صدام حسین، اقتباس شده است.

یک سال گذشته در عراق صورت گرفته، نشان می‌دهد. گفته می‌شود که حسن البکر، که در بیانیه استعفاي خود "بر لزوم ادامه روند وحدت عراق و سوریه" اشاره کرده بود، خواهان آن بود که پیش از کناره‌گیری از زندگی سیاسی، آشتی دو کشور را تحقق یافته ببیند. حال آنکه چند روز پس از استعفاي بکر، به بهانه کشف توطئه گروه "طرفدار سوریه" ی عدنان حسین، مذاکرات میان دو کشور قطع شد. عدنان حسین، اقتصاددان معروفی که دوست شخصی صدام حسین و وزیر سابق برنامه ریزی عراق بود، چند روز بعد همراه با حدود ۲۰ نفر دیگر از مقامات بلند پایه حزب بعث، بدنبال یک محاکمه مخفی اعدام شد. چهار نفر از اینان از اعضای "شورای فرماندهی انقلاب"، بالاترین مرجع رژیم، بودند.

مقامات عراقی مدعی‌اند که محاکمه "توطئه‌گران طرفدار سوریه" عادلانه بوده و بیش از ۶ روز طول کشیده است. اما تاکنون هیچ مدرکی برای اثبات رابطه آنان با سوریه منتشر نشده است. هرچه هست، غیر از

حزب بعث از زمانی که بقدرت رسید تا کنون با تصفیه‌های خونین همه کسانی را که باخط حزب مخالف بوده‌اند، از بین برده است.

طرفداران پروپاقرص حزب بعث، هیچکس دیگری ادعاهای رژیم در باره "توطئه" را باور نمی‌کنند. واقمیت این است که عدنان حسین و یاران او نماینده یک جناح میانه رو در بطن حزب بعث بودند که با قدرت شخصی صدام حسین و روش‌های خشن او مخالفت می‌کرد. از این گذشته، عدنان حسین و طرفداران او بی‌آنکه "عمال سوریه" باشند بمانند حسن البکر معتقد بودند که مناقشه عراق با سوریه ضربه بسیار مهمی به آرمان عرب می‌زند. آنان از سالها پیش تمارش‌هایی محرمانه با رهبران سوریه برقرار کرده بودند تا روابط دو کشور را مادی کنند. همین امر مورد استفاده مقامات تندرو عراق قرار گرفت که با یک تیر دو نشان بزنند: از یک طرف برای همیشه هر نوع وسوسه نزدیکی با دمشق را از میان بردارند و از طرف دیگر جناح بیانه‌رو حزب بعث را نابود کنند. در همین رابطه، دستگیری و اعدام عبدالخالق سامری، یکی از "رهبران تاریخی" بعث، همراه با گروه عدنان حسین مفهومی مهم دارد. سامری که به ناحق به شرکت در توطئه کودتای ژوئن

برائرتکرار مداوم رادیو-تلویزیون عراق، اکنون عنوان "الرئیس القائد" (رئیس - فرمانده) عنوان رسمی صدام حسین شده است.

مقامات عراقی هر نوع کوشش دستگاه‌های حکومت برای اشاعه "صدام‌پرستی" را انکار می‌کنند و می‌گویند که "قابلیت‌های انکارناپذیر" خود صدام است که "بطور کامل طبیعی" هم‌راه ستایش و امی دارد. بعضی دیگر در مقابل می‌گویند که "این موج ستایش" علیرغم توصیه‌های خود صدام، سازمان یافته است! هرچه باشد، عراقی‌ها اکنون یک "رهبر" بیشتر ندارند. حسن البکر، رئیس‌جمهور پیشین، که هنوز گه‌گاه تصویرش در کنار تصویر صدام حسین و میشل عفلق - بنیانگذار حزب بعث - در ادارات دولتی دیده می‌شود، بکلی از صحنه سیاسی ناپدید شده است. دلیل رسمی که برای گوشه نشینی حسن البکر عنوان می‌شود، بیماری اوست. اما مخالفان دولت عراق می‌گویند که "بازنشستگی" حسن البکر یک مفهوم سیاسی دارد، اینکه او، بدینوسیله مخالفت ضمنی خود را با هر آنچه در

۱۹۷۳ متهم شده و تنها با پادرمیانی میشل علق از اعدام نجات یافته بود، از آن زمان بشدت تحت نظر بود و عملاً نمی توانست در "توطئه طرفدار سوریه" شرکت داشته باشد.

واقعیت این است که عبدالخالق سامری از معدود کسانی تلقی میشد که توانایی آن را داشت که فرمولی را برای جایگزین رژیم صدام حسین ارائه کند و در نتیجه صدام حسین از فرصت استفاده کرده و او را به عنوان یک رقیب بالقوه خود سر به نیست کرده است.

اکنون دیگر بنظر میرسد که هیچ مخالفتی با قدرت صدام حسین وجود ندارد و او رهبر بلامنازع اکثر ارگانهای دولت و حزب است که پس از اعدام گروه عدنان حسین بشدت تصفیه شده است. انکای صدام حسین بویژه بر گروهی از مقامات وفاداری است که اکثر آنان چون خود او، از دهکده تکریت برخاسته اند.

با این پشتگرمی، صدام حسین از زمان رسیدن به قدرت به هرکوششی دست زده تا از خود تصویر یک "رهبر واقف بر نیازهای مردم" را ارائه دهد. بمثابة

مواظب است که این شعار از محدوده‌های که توسط ایدئولوژی بعثی تعیین شده، فراتر نرود. انتخابات مجلس ملی عراق که در تیرماه گذشته برگزار شد، تحت نظارت شدید حزب بعث بود و تنها کسانی حق شرکت در آن را داشتند که به "اصول انقلاب ناسیونالیستی و سوسیالیستی ژوئیه ۱۹۶۸"، یعنی برنامه حزب بعث معتقد باشند. در این انتخابات دو بیست و پنجاه نفر که صلاحیت آنان توسط کمیته‌ای زیر نظر "شورای فرماندهی انقلاب" تایید شده بود، انتخاب شدند. این کمیته از نمایندگان وزارتخانه‌های دادگستری و امور ایالتی، حزب بعث و جبهه ملی مترقی (که پس از زیرزمینی شدن کمیونست‌ها فقط حزب بعث و دو سازمان کرد را که نمایندگی کردها را ندارند در برمی‌گیرد) تشکیل شده بود. در جواب روزنامه‌نگاران، که تعداد نمایندگان بعثی را در پارلمان پرسیده بودند، صدام حسین این جواب مبهم را داد که: "همه‌شان بعثی هستند، چون به اعتقاد ما، همه عراقی‌هایی که به انقلاب و اصول آن معتقدند، بعثی

رژیم عراق، پس از سرکوب مداوم
مخالفتان، اکنون به قلع و قمع شیعیان
پرداخته و سرکوب آنها شدیدتر از سرکوب
کمیونست‌ها بوده است.

هستند". در واقع، بنا به آمار موثق، ۶۰ درصد نمایندگان از حزب بعث و بقیه نیز وابسته به سازمانهای سیاسی و سندیکایی هستند که بشدت زیر نفوذ حزب است.

در این شرایط احتمال بسیار کمی وجود دارد که مجلس عراق پارا از محدوده‌های که برایش در نظر گرفته شده فراتر گذارد و چیزی بیشتر از یک "مجلس مشاوره" شود. در واقع این مجلس، در جریان نشست‌های خود که فقط سالی چهار ماه است، فقط نظر خود را در باره لوایحی ابراز خواهد کرد که "شورای فرماندهی انقلاب" بعنوان عالی‌ترین مرجع اجرائی کشور، به آن ارائه خواهد کرد. در تئوری مجلس می‌تواند اعضای دولت را استیضاح کند، برکناری آنان را بخواهد و در باره مسائل مهم داخلی و خارجی بحث کند. اما با توجه به وابستگی حزبی نمایندگان، مشکل می‌توان تصور کرد که به مخالفت با سیاست "شورای فرماندهی انقلاب" برخیزد. شورایی که در ضمن این اختیار را دارد که هر وقت بخواهد مجلس را منحل کند.

یک "هارون الرشید" معاصر، که گاه سرزده به خانه مردم میرود و با آنان صحبت می‌کند، البته در این دیدارهای "سرزده" همیشه گروهی از فیلمبرداران تلویزیون و روزنامه‌نگاران نیز همراه هستند! بدینگونه، بینندگان تلویزیون "رئیس مبارز" را می‌بینند که لباس ساده‌ای به تن دارد، با دهقانان غذا می‌خورد و از مشکلات آنان می‌پرسد و قول می‌دهد که هرچه زودتر خواسته‌های آنان را برآورد. بنظر میرسد که این روش بسیار مؤثر بوده و به ادعای مقامات عراقی "بر محبوبیت او در میان مردم فقیر افزوده است".

بعضی‌ها می‌گویند که سرنوشت محمد رضا پهلوی که بویژه در مرحله نهایی سلطنت خود مورد تفرش شدید مردم بود و گوشه گرفته بود، صدام حسین را واداشته که با این اصرار خود را همنشین مردم نشان دهد، از ترس اینکه سباده داستان ایران در عراق نیز تکرار شود. به همین دلیل، همو که طرفداران شورایی شدن رهبری حزب بعث را اعدام کرده، شعار "دموکراتیک کردن" قدرت را نیز از آن خود می‌داند. هرچند که

در این زمینه، اظهارات یک سخنگوی حزب پرمفهوم است. او می‌گوید: "باید دانست که ما خواهان یک دموکراسی لیبرال سبک غربی نیستیم. بلکه هدف، دموکراسی منطبق با خط انقلاب خودمان است. در عراق یک اپوزیسیون پارلمانی وجود ندارد و نخواهد داشت. کسانی که با سیاست بعث مخالفت کنند بی‌رحمانه سرکوب میشوند".

حزب بعث از زمان رسیدن به قدرت در ۱۲ سال پیش، از طریق تصفیه‌های خونین همه کسانی را که با خط آن مخالف بوده و یا در فکر تقسیم قدرت با آن بوده‌اند، از بین برده است جنبش خودمختاری کردستان عراق هنوز شکست سال ۱۹۷۵ خود را فراموش نکرده و آرامش کنونی این منطقه تنها با اشغال آن توسط ارتش سنگین اسلحه عراق ممکن است. کمونیست‌ها که متحدان اصلی بعث در بطن جبهه ملی ترقیخواه بودند در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ بشدت سرکوب و مجبور به اختفا شدند، زیرا با اصول جهت گیریهای رژیم مخالف بودند.

در همین اواخر، موج سرکوب متوجه اعضای "اپوزیسیون" شیعه عراق شد که در آغاز سال ۱۹۸۰، با یک سلسله عملیات بمب گذاری منظم توسط "دعوة الاسلامی"، که یک گروه مذهبی پیرو امام خمینی است، خودنمایاند. پس از سوء قصد نافرجام به جان طارق عزیز در ماه آوریل گذشته، همه کسانی که گمان می‌رفت گرایشی به "دعوة الاسلامی" داشته باشند بشدت توسط سازمان امنیت و نیروهای شبه نظامی عراق که برای همین منظور بسیج شده بودند، سرکوب شدند. بنظر میرسد که سرکوب این گروه، شدیدتر از سرکوب کمونیست‌ها بوده که یک سال پیشتر از این صورت گرفت. حتی قانونی وضع شد که مجازات مرگ را برای افراد آن گروه تعیین می‌کند. مقامات عراقی اکنون بطور خصوصی تایید می‌کنند که آیت الله محمد باقر صدر، که علاقه‌اش به امام خمینی شناخته شده است، در ماه آوریل گذشته ربوده و سپس بدار آویخته شد. اخراج چندین هزار نفر از شیعیان عراق در همان زمان تا اندازه‌ای به فرونشاندن گرایش‌های "طرفدار خمینی" در میان بعضی قشرهای مردم جنوب عراق کمک کرد اما در عوض به تشنج روابط میان بغداد و تهران را دامن زد و برخوردهای مرزی میان دو کشور را افزایش داد.

اکنون بنظر میرسد که کربلا و نجف، مهم‌ترین مراکز شیعه جنوب عراق که قبلا به ناآرامی معروف بود، آرام شده‌اند. یکی از دلایل این امر این است که روش‌های "تروریستی" حزب "دعوة" چندان مورد موافقت شیعیان جنوب نبوده است. (۱) از سوی دیگر،

بنظر میرسد که مقامات بعثی به قدرت خود در مهار کردن ناآرامی‌های جنوب اطمینان دارند و اکنون ترسی از آن ندارد که با احساسات مذهبی شیعیان جنوب مقابله کنند تا آنجا که حتی پوسترها و نوشته‌هایی در ستایش از حزب بعث و علیه امام خمینی را در نزدیکی مرقد امام حسین در کربلا نیز نصب می‌کنند. رژه باشکوه نظامی که هر سال بمناسبت سالگرد انقلاب برپا می‌شود، امسال ظاهرا به بهانه "ماه رمضان و گرمای استثنایی امسال" لغو شد. اما واقعیت این است که مقامات عراقی همچنان او سوء قصد و بمب گذاری می‌ترسند. تدبیرهای امنیتی کاملا نهانی ولی کارآمد سازمان امنیت عراق تنها زمانی به چشم می‌خورد که کسی بخواهد به محوطه مجلس ملی عراق، که دفتر رئیس‌جمهور نیز در آنجاست، نزدیک شود. اگر دستگیری‌های خودسرانه، ناپدیدشدن‌های اسرارآمیز افراد و اعدام‌های هرگز اعلام نشده نبود، شاید بغداد یکی از آرام‌ترین پایتخت‌های عرب جلوه می‌کرد.

۱- فراموش نشود که این مقاله در اواخر شهریور ماه نوشته شده است.

عراق: مدعی «عدم تعهد» و «ژاندارم خلیج»!

برژینسکی: هیچ تضادی میان بغداد و واشنگتن وجود ندارد

دست ساختمان است. برای جلوگیری از هرنوع تاخیر در برگزاری کنفرانس، کارگران در سه شیفت شبانه روزی برای احداث این هتلها کار می کنند.

درآمد های نفتی عراق امسال به رقم بیسابقه ۲۲۵ میلیارد تومان میرسد. و این درآمد کلان به رژیم اجازه میدهد که نه فقط به بهبود شرایط زندگی مردم بپردازد (حقوق نیم میلیون کارمندان دولت اخیراً ۳۰ درصد افزایش یافت) بلکه همچنین نقش سیاسی تازه ای را در جهان عرب و جهان سوم ایفا کند. با اینکه آمار رسمی از کمک های مالی عراق به خارج وجود ندارد، به گفته منابع موثق میزان این کمکهای عراق در سال ۱۹۷۹ به بیش از سه میلیارد تومان رسید. از جمله گیرندگان این کمک ها، می توان کشورهایی با رژیم های کاملاً متفاوت چون ویت نام، یمن شمالی، پاکستان، اردن، گینه و کوبا را نام برد و به ندرت دیده میشود که سران کشورهای غیرمتعهده که از بغداد دیدن می کنند دست خالی برگردند.

عراق همچنین بموجب قطعنامه های کنفرانس ۱۹۷۴، سران عرب در بغداد کمک قابل ملاحظه ای به کشورهای جبهه (جنگ با اسرائیل) می کند. در ضمن از همین تاریخ به بعد بود که عراق تغییر عمیقی را در سیاست خود درخاورمیانه اعمال کرد و به تدریج نقطه نظرهای افراطی خود درباره مسأله فلسطین را کنار گذاشته به نقطه نظر کشورهای میانه رو یا ارتجاعی خلیج فارس که عربستان سعودی در رأس آنها قرار دارد، نزدیک شد. این چرخش دیپلماتی عراق اخیراً مشخصتر شد تا جایی که اکنون غالباً از "محور تازه بغداد - ریاض" ویا حتی مثلث "عراق - عربستان و اردن" صحبت میشود.

رژیم بعثی عراق در حالیکه در داخل کشور سرسخت و آشتی ناپذیر است می کوشد که در جهان خارج چهره ای نرم و ملایم از خود نشان دهد. رهبران عراقی از چند سال پیش توانسته اند بجای تصویر "عراق انقلابی" در خارج، تصویر اطمینان بخش تر "یک کشور ضد امپریالیستی" را جایگزین کنند، کشوری که به اصطلاح خودشان "بشدت به عدم تعهد پایبند و به همین مقدار با دو ایر قدرت مخالف است".

این چرخش کند و ملایم، با بروی کار آمدن صدام حسین تشدید شد. چه او، برخلاف سلف خود حسن البکر، هرگز این جاه طلبی را پنهان نکرده که به فراتر از منطقه و به نقشی در سطح جهان سوم نظر دارد. بغداد که تا همین چند سال پیش، ظاهر گهنگه و رنگ و رو رفته یک مرکز کوچک ولایتی را داشت اکنون محل گردهم آیی روز افزون سران کشورهای کوچک غیرمتعهد و سران جنبش های آزادی بخش آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین است، که یکی پس از دیگری به ملاقات صدام حسین میروند که ارگانهای دولتی هر چه بیشتر می کوشند از او تصویر "قهرمان سیاست عدم تعهد" را ارائه دهند.

بغداد از هم اکنون خود را برای برگزاری کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در سال ۱۹۸۲ آماده می کند و صدام حسین بیصبرانه منتظر است تا بعنوان رئیس کشورهای غیر متعهد، بجای فیدل کاسترو بنشیند. بغداد که تا همین اواخر یکی فاقد امکانات پذیرایی در سطح بین المللی بود، بشدت و به هر قیمت می کوشد این کمبود را رفع کند.

یک مجتمع بزرگ و بسیار مدرن برای گردهم آیی های رسمی و یک دوجین هتل هم اکنون در کناره دجله در

صدام حسین برای اینکه بتواند این تغییرجهت خود بطرف سلاطین ارتجاعی عرب را راحت‌تر به آراء عمومی عراق بقبولاند در ۲۶ تیرماه گذشته بشدت به آن دسته از رهبران عرب که بقول خودش "بجای پرداختن به امور مردم و کشور، بیشتر وقت خود را صرف جمع‌آوری ثروت های شخصی وهوسرانی می‌کنند" حمله کرد. بعضی ناظران این حمله را نشانه بازگشت به دوره‌ای دانستند که در آن بغداد به قدرتمندان خلیج فارس که "بردوش و کرده مردم خود نشسته و ثروت اندوزی می‌کنند" حمله می‌کرد. اما واقعیت این نبود، یا دست‌کم مخاطب این حمله شدید عربستان سعودی نبود. گمان اینکه چند روز بعد صدام حسین سفری رسمی به عربستان کرد و بدینگونه به گذورتنی بیست ودوساله که از زمان سقوط رژیم سلطنتی هاشمی در عراق، بین دوکشور به وجود داشت، خاتمه داد.

محور بغداد - ریاض بریک وحدت تاکتیکی منکی است که از نگرانی های مشترک دوکشور در سطح

اما روابط بین مسکو وبغداد بسیار پیچیده است و تحولی متناوب را دنبال می‌کند. با توجه به تعداد قابل ملاحظه نمایندگان کشورهای بلوک سوسیالیست در جشن سالگرد انقلاب ۱۷ ژوئیه عراق، روابط بین دوکشور در حال حاضر "عادی" بنظر میرسد. دوکشور متقابلا توافق کرده‌اند که فعلا اختلافات خود را در زمینه مسائل مربوط به افغانستان، یمن جنوبی، سوریه، ایران وهمچنین در مورد مفهوم عدم تعهد که مسکو وبغداد دوبرداشت متفاوت از آن دارند بکنار نهند.

این را نیز باید گفت که گرایش رژیم بغداد بسوی غرب، به این دلیل که رهبران عراق مایلند خود را نمونه عدم تعهد معرفی‌کنند، محدود است. برخلاف سادات که ناگهان وبطور کامل روابط خود را با شوروی قطع کرد، صدام حسین هرگز نخواسته "برگ شوروی" را که به او اجازه میدهد در بازی حساس توازن میان شرق وغرب میدان مانور بیشتری داشته باشد، از دست بدهد. بهمین دلیل است که

علیرغم شعار های حکومت عراق، این کشور درعین وابستگی به شوروی، بسوی وابستگی به غرب - وبویژه امریکا - کشیده میشود.

ارتش ۲۵ هزار نفری عراق، علیرغم تشیب وفراز - های روابط عراق وشوروی بشدت به تجهیزات روسی منکی است که بخش اصلی اسلحه سنگین آن را شامل میشود. دولت بغداد تنها برای خرید تسلیحات پیچیده‌ای که شورویها به دلایل مختلف به عراق نمی‌فروشند به کشورهای غربی - بویژه فرانسه و ایتالیا - مراجعه می‌کند.

مسکو به نوبه خود از این واقعیت راضی است که عراقی ها تا امروز تسلیم دلبری های امریکاکه میخواهد روابط قطع شده با عراق در فردای جنگ شش روزه ۱۹۶۷ را دوباره از سرگیرد، نشده‌اند. در فروردین ماه گذشته، اظهارات برژینسکی مبنی براینکه "امریکا هیچ تضاد اصولی بین منافع واشنگتن وبغداد نمی‌بیند" تا اندازه‌ای موجب حیرت محافل سیاسی شد. دولت گارتن تاکنون چند تماس مستقیم یا غیر مستقیم با مقامات عراقی برقرار کرده تا آنان را مجاب‌کند که عادی شدن روابطشان با امریکا بمنفع عراق است. وزارت خارجه امریکا در ماه ژوئیه گذشته مخالفت های گروهی از سناتورهای دموکرات

منطقه ناشی می‌شود. گرمی روابط عراق وعربستان به آغاز سال ۱۹۷۹ مربوط میشود که با بقدرت رسیدن امام خمینی در تهران همزمان بوده است.

"موج انقلابی" ایران هم رهبران بعضی عراق و هم امیران وهابی عربستان را نگران می‌کند. عراقی‌ها از پیامدهای این موج درکشور خود، که بیش از نیمی از مردم آن شیعه‌اند می‌ترسند و سعودی ها می‌ترسند که "انقلاب دائمی وهرج وهرج حاکم درتهران" به کشورآنان نیز سرایت کند.

هدف محور "بغداد - ریاض" تنها این نیست که خلیج فارس را از "فعالیت های خرابکارانه" علمای تهران مصون نگهدارد، بلکه همچنین این است که "خطر شوروی" را که پس از ورود نیروهای شوروی به کابل برمنطقه سنگینی می‌کند، دور کند.

عجیب اینکه عراق - به استثنای یمن جنوبی مارکسیست - تنها کشور خاورمیانه است که توسط یک پیمان دوستی وهمسکاری به شوروی وابسته است. ودرعین حال در دوسال گذشته بیش از هررژیم عرب دیگری با نفوذ شوروی در منطقه مقابله کرده است.

راکه می‌گفتند عراق هنوز جزو لیست رسمی کشورهای است که از "تروریسم بین‌المللی" دفاع می‌کند ، نشنیده‌گرفت و اجازه فروش ۸ توربین را به عراق صادر کرد . فروش این توربین ها ، که برای تجهیز چهار ناوچه است که هم‌اکنون در ایتالیا ساخته میشوند ، از طرف وزارت خارجه آمریکا بدینگونه توجیه شد که "درجهت منافع سیاست خارجی ایالات متحده است ."

همه ناظران دربغداد ، این جمله کوچک را اشاره‌ای روشن به لزوم تقویت ناوگان جنگی عراق دانستند . چراکه این ناوگان از نظر کمی و کیفی در سطحی پایین‌تر از ناوگان جنگی ایران که تحولات سیاسی ایران اثر چندانی بر آن نگذاشته است ، قرار دارد .

از این‌گذشته ، امریکائی ها که رسماً مخالف اشاعه تسلیحات هسته‌ای هستند هیچگونه انتقادی از تصمیم فرانسه به فروش اورانیوم غنی شده برای رآکتور تجربی عراق نکردند . درمقابل ، "گروه

تحصیل می‌کنند) بویژه دفتر بازرگانی این "سفارتخانه" بسیار فعال است (مبادلات بازرگانی میان دوکشور در سال ۱۹۷۹ به بیش از یک میلیارد دلار رسید) . تنها بخش سیاسی دفتر نمایندگی آمریکا تقریباً (ظاهراً) فعالیتی انجام نمیدهد ، چرا که عراقی ها پافشاری می‌کنند که تا زمانی که آمریکا در سیاست حمایت خود از رژیم صهیونیستی تغییری نداده ، روابط خود را با آن عادی نکند .

تا آنجا که به مساله فلسطین مربوط میشود ، عراقی ها موضع قبلی خود را نرم‌تر و راه میانه‌ای را انتخاب کرده‌اند که بین "راه حل‌های تسلیم طلبانه تعیین شده درکمی دیوید" و روش های کشورهای "جبهه" پایداری (که به اعتقاد عراق "ماجرای چوپانه و بیجانگانه" است) قرار دارد .

یکی دیگر از موارد اختلاف بغداد و واشنگتن به دفاع از خلیج فارس در برابر نفوذ شوروی مربوط میشود . صدام حسین معتقد است که عراق کاملاً توانایی دارد که این کار را با تکیه بر درآمد های نفتی

عراق برای ایجاد محور «بغداد-ریاض»
یا مثلث «عراق ، عربستان سعودی و اردن»
تلاش میکند .

فشار" ضد عراقی کنگره آمریکا ، که توسط سناتور ریچارد استون ، یکی از طرفداران بیروپاقرص اسرائیل رهبری می‌شود ، توانست بعنوان تلافی از طرح فروش پنج هواپیمای بوئینگ به عراق جلوگیری کند .

این کشاکش ممکن است بر سیاست وزارت خارجه آمریکا اثر گذارد .

وزارت خارجه آمریکا تاکنون معتقد بوده که تزلزل روابط بغداد و مسکو ، گرایش اقتصادی عراق بسوی غرب و "سیاست منطقی" عراق در مورد قیمت نفت عراق را یک مخاطب با ارزش برای آمریکا می‌کند . در عمل می‌توان گفت که روابط دو جانبه آمریکا و عراق هم‌اکنون نیز عادی است . دفتر نمایندگی آمریکا در بغداد ، که اسماً "وظایر" تنها برای حفظ منافع بازرگانی آمریکا در عراق فعالیت می‌کند ، از ۱۴ دیپلمات تحت ریاست یکی از دیپلماتهای معروف امریکائی تشکیل شده ، تقریباً همه مشخصات یک سفارتخانه را دارد : بخش کنسولی ، اداره فرهنگی و غیره (۲۵۰۰) دانشجوی عراقی در آمریکا

روزافزون وارثش مدرن خود و با کمک دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس ، انجام دهد . خلاصه اینکه عراق خواهان آن است آمریکا نقش "ژاندارم خلیج فارس" را که قبلاً از آن ایران (پهلوی) بود ، برای عراق به رسمیت بشناسد .

اختلافات عراق و آمریکا با آنکه اساسی بنظر میرسد ، تا این زمان مانع از آن نشده که این دو کشور در زمینه مخالفت با رژیم امام خمینی به یک اتحاد عملی دست یابند . تصمیم صدام حسین به لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر یک اعلان جنگ واقعی علیه رژیم تهران است .

مقامات عراقی تا همین اواخر درباره روابط خود با مخالفان دولت ایران تقریباً "سکوت میکردند" . صدام حسین اخیراً "این سکوت را شکست و اعلام کرد که نباید انتظار داشت که او " به مخالفان دولت ایران که از عراق کمک می‌خواهند جواب رد دهد " .

اکنون باید دید که عراق چگونه می‌تواند در این شرایط هم خواهان آن باشد که بصورت ژاندارم خلیج فارس درآمد وهم نقش "نمونه یک کشور غیر متعهد" را ایفا کند ؟



نظری اجمالی به تاریخ عراق

تاریخ عراق از چند بخش تشکیل می‌شود :

۱ - کهن‌ترین تمدن‌های مشرق‌زمین در دشت بین‌النهرین پدید آمده‌اند . تاریخ کلدانی‌ها ، آشوری‌ها و بابلی‌ها معروف‌تر از آنست که نیاز به بازگویی داشته باشد . گسترش فعالیت مردم کهن این سرزمین و دست‌اندازی - هایشان به سرزمین‌های دیگر بازناب‌های دور و ژرف در همه جهان داشته است . این سرزمین ، از دیگر سو ، همواره هدف ملت‌ها و تمدن‌های دیگر بوده است : هیت‌ها ، هخامنشیان ، یهودیان ، اعراب جاهلیت ، یونانیان سلوکی ، اشکانیان ، رومیان و ساسانیان مرتباً " با نجا تاخته‌اند .

۲ - دستیابی عرب برای سرزمین و استقرار اسلام در آن ، که حالا دیگر عراق نام گرفته بود ، سرچشمه و زمینه تجدید حیات تازه آنجا شد . خلفای غاصب و ستمکار عباسی تمدن دامن گستر نازهای در بغداد بنیاد گذاشتند و بغداد را به پایتخت رسمی اسلام تبدیل کردند . پس از یورش مغولان و دستیابی هلاکوخان بر بغداد و نمدمالی المستعصم بالله و از هم پاشیده شدن دستگاه خلافت ، عراق با وخیم‌ترین بحران تاریخ خود دست به گریبان شد . زندگی ، اجتماع و اقتصاد کشور - مثل همه سرزمین‌هایی که پای مغولان به آن‌ها رسیده بود - بکلی از هم یاسید و این سرزمین دیگر قد راست نکرد ، بویژه که دبری نیابید که تیمور لنگ از راه رسید و آنچه را که از آسیب مغولان در امان مانده یا دوباره ساخته شده بود ، بار دیگر ویران شد . از آن پس خانواده‌های کوچک و بزرگی بر عراق فرمان راندند

بی آنکه هیچکدام بتوانند عظمت و مرکزیت عباسی را به آن بازگردانند. حتی سلطه کامبیش طولانی صفویه بر عراق هم، کاری از پیش نبرد.

۳ - ترکها و ترکمن‌ها از همان اوایل خلافت عباسی در عراق و مخصوصاً بغداد، نخست بصورت غلامان درباری، و سپس همچون امرا و مقامات، حضور یافته، هرچند نه پیوسته، کم‌کم صاحب حق آب و ملک شدند. از اواخر قرن هشتم هجری و در نتیجه حمله‌های مغولان و مخصوصاً تیمور لنگ، ترک‌ها دیگر کاملاً در عراق مستقر شدند و هنگامی که حکومت عثمانی را در آسیای صغیر تشکیل دادند عراق را عملاً در قلمرو خود درآوردند و بر سر آن بارها و نزدیک به یک قرن و نیم با ایران جنگیدند: ترک‌های عثمانی نخستین بار، بغداد را در ۱۵۳۴ میلادی (۹۱۳ خ) تصرف کردند. اما شاه عباس در ۱۶۲۳ آنجا را پس گرفت و تا ۱۶۵۸ در تصرف داشت. پس از آن عراق باردیگر به تصرف عثمانی درآمد و تا ۱۹۱۸ در قلمرو امپراتوری "باب عالی" ماند که از طریق "ملوک" های بومی یا پاناهای اعزامی آنجا را اداره می‌کرد. البته در تمام این مدت اعراب بدوی حسا و نجد و کردهای شمال و نیز کهنکاه ایرانیان (نادرشاه) به قلمرو معالیک یورش برده حکومت بغداد را در فشار می‌گذاشتند. از ۱۷۹۰ بعد هم چندبار "وهابی" ها به عراق حمله برده نجف و بصره را غارت کرده و به آتش کشیدند.

ورود استعمار

۴ - اروپائیان از اواخر قرن هجدهم میلادی کم‌کم در عراق پیدا شدند. ناپلئون در اجرای طرح خود برای حمله به هند، خواب‌های دور و درازی برای سراسر منطقه و منجمله عراق دیده بود و حتی با پاشای بغداد سازش‌هایی کرده بود. مریمان فرانسوی در ۱۸۰۲ نیروی نظامی منظمی به شیوه اروپائیان برای حافظ علی پاشا تدارک دیدند. اما پس از انصراف ناپلئون از حمله به هند در نتیجه وقایع اسپانیا، انگلیسی‌ها در ۱۸۰۹ هیأت فرانسوی را از عراق بیرون کردند (۱). داود پاشا، که ۱۴ سال مستبدانه بر عراق حکومت کرد، به انگلیسی‌ها هم رحم نکرد و منجمله کامپنولاسیون کبانی هند شرقی را لغو کرد و این کمیانی در ۱۸۲۱ از امتیازهای خود محروم شد. داود پاشا بعدها با برداشتن علم استقلال، با دربار عثمانی هم بهم زد اما با وجود برخورداری از یک ارتش منظم بشیوه اروپایی، بواسطه جاری شدن سیل و شیوع طاعون، شکست خورد و در ۱۸۳۱ معزول شده به استانبول فرستاده شد و از آن پس عراق در دست زیر سلطه دربار عثمانی قرار گرفت (۲).

در این احوال چند نمایندگی بازرگانی انگلیسی و فرانسوی در بصره و بغداد ایجاد شده بود. نخستین کنتی‌های بخار، به شانه حضور مستقر و جاافتاده اروپائیان، در ۱۸۳۶ به حرکت درآمدند. نخستین خط تلگرافی در ۱۸۶۱ کشیده شد. مدحت پاشا، حکمران اعزامی استانبول از ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۲ دست به اصلاحاتی زد که از اروپا و اروپائیان الهام گرفته بود: یک روزنامه بنیاد گذاشت، یک بیمارستان ساخت، چند مدرسه برپا کرد، امنیت جاده‌ها را تأمین کرد و یک شبکه پست پدید آورد. کمرک‌های داخلی در ۱۸۶۱ برچیده شد و این امر به رشد تجارت کمک کرد. در ۱۸۶۹ کنتی‌رانی منظمی توسط دولت عثمانی میان بغداد و بصره ایجاد شد. در ۱۹۰۳ یک گروه مختلف آلمانی - فرانسوی کار ساختمان راه آهن بغداد را آغاز کرد. . . . با وجود این، عراق در آستانه جنگ جهانی اول، در مقایسه با هنگامی که در چهار قرن پیش زیر سلطه عثمانی درآمد، چندان تفاوتی نکرده بود.

۵ - جنگ جهانی اول دگرگونی عمده‌ای در تاریخ سرزمین عراق بهمراه داشت که زمینه‌های آن از پیش فراهم شده بود.

پس از آنکه ترک‌های عثمانی در کنار آلمان وارد جنگ شدند نیروهای انگلیسی و هندی در نوامبر ۱۹۱۴ در بصره، که بندر مدنی شده بود، پیاده شدند. اما نیروهای ترک در سال بعد حلو این تهاجم را گرفتند و حتی بخشی از نیروهای مهاجم انگلیسی در آوریل ۱۹۱۶ در کوک العناره تسلیم شد. حمله دوم نیروهای انگلیسی با موفقیت بیشتری همراه بود: ارتش انگلیسی از دره‌های دجله و فرات بالا رفته بغداد را در ۱۱ مارس ۱۹۱۷ و کرکوک را در ۱۹۱۸ تصرف کرد و نشان داد که آنچه قبلاً در مورد آزاد کردن اعراب از زیر یوغ ترک‌ها می‌گفته تبلیغات محض بوده و قصدی جز تحکیم سلطه خود نداشته است. انگلیسی‌ها برای حفظ قلمرو استعماری تازه خود چاره‌ای جز توسل

به زور ونیرنگ نداشت ، به مامورین خود قدرت مطلق داد و کم کم همه نشانه های حکومت ترکان را محو کرد . طبعاً فتودال ها و بورژوازی کمپرادور عراق بیدرنگ سلطه انگلیس را پذیرفته همکاری با قدرت استعمارگر را آغاز کردند . در پایان جنگ ، بموجب قرارداد ترک مخاصمه ای که در اکتبر ۱۹۱۸ بسته شد ، مسئولیت اداره امور عراق ، که حالا دیگر از امپراتوری عثمانی جدا شده بود ، به انگلیس واگذاشته شد . کنفرانس "سن-رمو" در آوریل ۱۹۲۰ عراق را رسماً زیر قیمومت انگلیس قرار داد (۳) . اما این تصمیم ناخشنودی و شورش اعراب بدوی جنوب را به دنبال داشت : در واقع در همان هنگام که انقلاب "ترکان جوان" در ترکیه عثمانی تحقق می یافت ، یک جنبش ملی هم در عراق پدید آمده بود که سازمان سری افسران "العهد" و مخصوصاً "مردم ایالت بصره از آن پشتیبانی می کردند و همین جنبش بود که علیه سلطه انگلیس قیام کرد . اما نیروهای نظامی انگلیس این جنبش را به سرعت سرکوب کرده ، برای لوٹ کردن قضیه یک "شورای عربی کشور" درست کردند که زیر نظر انگلیس کار می کرد . اما کمی بعد ، برای تثبیت سلطه خود بر آن شدند که یک حکومت سلطنتی موروثی در این سرزمین پدید آورند و در اجرای این سیاست در ۲۳ اوت ۱۹۲۱ (اول شهریور ۱۳۰۰) امیر فیصل بن حسین الهاشمی را به سلطنت برداشتند .

امیر فیصل ، از فرزندان حسین الهاشمی ، شریف حجاز ، در بهار ۱۹۱۵ به دمشق رفت و با جمال پاشا ، نماینده دربار عثمانی دیدار کرد . اما پنهانی با ملیون سوریه هم تماس هایی گرفت و با نمایندگان عرب های جوان و انجمن سری افسران "العهد" آشنا شد . در عین حال همین "ناسیونالیست شریف" کمی بعد در مراسم اعدام گروهی از رهبران ملی سوریه توسط استعمارگران فرانسوی شرکت کرد .

فیصل در این سفر به دلالتی میان ملیون سوریه و انگلیس پرداخت و سبب امضای مقاله نامه معروف دمشق در ۱۹۱۵ شده در آن انگلیس استقلال دولت عرب را در چارچوب مرزهای طبیعی به رسمیت می شناخت و این مرزهای طبیعی سراسر سوریه ، فلسطین ، عراق و شبه جزیره عربستان را دربر می گرفت . اما این مقاله نامه تنها به سود انگلیس و خانواده هاشمی تمام شد که میراث خواران جنگ شدند .

در اوایل ۱۹۲۰ ، امیر فیصل که در طی جنگ جهانی در کنار سربازان انگلیسی علیه نیروهای عثمانی جنگیده و دمشق را به تصرف نیروهای انگلیسی در آورده بود ، به پاس خدمات خود به پادشاهی سوریه رسید ، ولی دولت فرانسه که حکم قیمومت سوریه را از جامعه ملل گرفته و عملاً "قیم و همکاره سوریه بود ، امیر فیصل را بیرون کرد و سراسر سوریه را به تصرف نیروهای خود در آورد .

وقتی که پای امیر فیصل از سوریه برید ، انگلیسی ها او را به عراق بردند و بر پایه کنفرانسی که در اوایل ۱۹۲۱ در قاهره برای خاورمیانه تشکیل داده بودند ، او را شاه عراق کردند . بعد یک همه پرسی آنجنانی ترتیب دادند که در آن ۹۶ درصد مردم با اقدام انگلیس و سلطنت امیر فیصل رای موافق دادند (۴) . امیر فیصل عموی پدر شاه کنونی اردن بود .

با انتصاب امیر فیصل به سلطنت ، فصل تازه ای در تاریخ عراق باز شد ، حکومت تازه از لحاظ داخلی بایستی دسته ها و عناصر مختلف کشور را به ملت واحد یا متحدی تبدیل و زمینه را برای رسیدن به استقلال آماده می کرد . اما در زمینه سیاست خارجی ، روابط عراق در رابطه با سیاست کلی انگلیس تعیین می شد . اداره امور کشور پیش از آن با کلنل "ویلسون" انگلیسی بود ، ولی بخشی بی اهمیت از آن به مردم واگذار شده بود . پس از نصب فیصل (که همزمان با بقدرت رسیدن رضاحان در ایران انجام گرفت) اداره امور ظاهراً "به هیات وزیران واگذار شد اما انگلیس در هر وزارتخانه مستشارانی داشت که قدرت مافوق دولت داشتند . وانگهی مقام های همده همچون بازرسی کل ، پلیس ، مدیریت کل بهداشت ، گمرک ، کشاورزی ، فواید عامه ، آبیاری و تلگراف با خود انگلیسی ها بود . اداره امور ولایات و بیوزنه امور ایلات هم با آنها بود . به همین دلیل هنگامی که دولت مرکزی خواست سروسامانی به امور ایلات بدهد و سلطه خود بر آنها را تحکیم بخشد با مخالفت و مقاومت ایلات روبرو شد . مقاومتی که تا ۱۹۵۰ ادامه داشت و گاه مسلحانه می شد . چنانکه ایلات فرات میانه در ۱۹۳۵ که عراق دیگر ظاهراً "استقلال کامل خود را بدست آورده بود ، شورش کرده به جنگ با دولت پرداختند .

استقلال فرمایشی

در دهم اکتبر ۱۹۲۲ قراردادی میان قیم و زیر قیمومت بسته شد که ناظر بر روابط دوطرف بود و بموجب آن انگلیس در قبال جلب اتحاد عراق متعهد می شد شرایط رسیدن عراق به استقلال را فراهم کند . علت عمده عقد این قرارداد و چیزی که انگلیس را ناگزیر به تحمیل آن کرد گسترش موج آزادیخواهی و میهن پرستی در میان مردم بود و انگلیس با تحمیل این قرارداد بر دولت بغداد ، علاوه بر جلوگیری از گسترش دامنه آزادیخواهی امتیازهای رسمی زیر را بدست آورد :

- ۱- حق تعیین مستشاران دولت عراق .
- ۲- حق کمک و همکاری با ارتش عراق .
- ۳- حق حمایت از بیگانگان (که بعدها در قضیه یهودیان و کوچ آنها مفهوم خاصی پیدا کرد) .
- ۴- نظارت بر امور مالی عراق .
- ۵- نظارت بر روابط خارجی عراق .

در مقابل ، انگلیس این تعهد ظاهر فریب را می پذیرفت که تسهیلاتی برای بازگانی و صادرات عراق فراهم آورد ، به این کشور کمک مالی کند و چیزی از خاک این کشور را به دیگران ندهد . مدت این قرارداد که در آغاز ۲۰ سال تعیین شده بود در سال بعد به چهار سال کاهش یافت (۵) .

در دهم ژوئیه ۱۹۲۴ یک مجلس موسسان فرمایشی قانون اساسی کشور را تنظیم و تصویب کرد . این قانون ، با وجود مخالفت شدید مردم هم شکل سلطنتی حکومت و هم قرارداد ۱۹۲۲ را تثبیت کرد و کشور رسماً دارای رژیم مشروطه سلطنتی شد بی آنکه در روال کلی سیاست کشور اثری بگذارد . بویژه که امیر فیصل بیدرتنگ راه دیکتاتوری در پیش گرفت و به اجرای مقاصد خود سرگرم شد . وضعی که به ناخشنودی مردم و مبارزه میهن پرستان دامن می زد . در ۱۹۲۵ جامعه ملل وضع سیاسی عراق را تثبیت شده تشخیص داد و به پادشاه ، اداره امور موصل را که مورد ادعای ترکیه و مورد علاقه انگلیس بود ، به بغداد ، یعنی عملاً "به لندن ، وا گذاشت .

دولت زیر سلطه عراق ، زیر فشار میهن پرستان و برای حفظ ظاهر از ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۰ بارها برای محدود کردن امتیازهایی که انگلیس داشت ، و برای کسب آزادی عمل بیشتر تلاش کرد . تلاش هایی که به عقد قرارداد های ۱۳ ژوئیه ۱۹۲۶ و ۱۴ دسامبر ۱۹۲۷ انجامید و آزادی بیشتری در امور نظامی و اقتصادی برای عراق به ارمان آورد . در این قرارداد ها عراق از انگلیس وعده گرفت که این کشور در ۱۹۳۲ نسبت به عضویت عراق در جامعه ملل اقدام کند .

اما این قرارداد ها میهن پرستان و مبارزان عراق را راضی نمی کرد و لذا کشمکش و مذاکره ادامه یافت تا در ۳۰ ژوئن قرارداد دیگری بوسیله "نوری السعید پاشا" ، وزیر خارجه عراق با کمیسر عالی انگلیس امضا شد که بموجب آن دو دولت برای مدت ۲۵ سال متحد شدند و انگلیس با دیگر تعهد کرد که وسایل پذیرفته شدن عراق در جامعه ملل در ۱۹۳۲ را فراهم کند تا عراق دارای استقلال کامل شود و قیمومت انگلیس خاتمه یابد . جامعه ملل سرانجام در سوم اکتبر ۱۹۳۲ پایان دوره قیمومت انگلیس را اعلام کرده با پذیرفتن عراق ، استقلال آن را به رسمیت شناخت . مشروط بر اینکه عراق حمایت اقلیت ها منجمه کرده ، حفظ حقوق خارجیان ، احترام به حقوق بشر و قبول رسمی بدهی ها و قراردادهای سیاسی را که با دولت قیم داشت ، تضمین و تامین کند . دولت عراق در ۳۰ مه ۱۹۳۳ با صدور اطلاعیهای اجرای این تضمین ها را به گردن گرفت .

در عین حال نفوذ و سلطه انگلیس بقوت خود باقی بود و قرارداد ۱۹۳۰ که اتحاد نظامی ۲۵ ساله دو کشور را پیش بینی میکرد ، بر این سلطه می افزود . انگلیس در آن هنگام چند پایگاه هوایی در شعیبه و حیانیه داشت و می توانست آزادانه به نقل و انتقال نیروهای خود در هر نقطه کشور بپردازد . اما سیاستی که انگلیس در فلسطین در پیش گرفت و نیز جریان سل صهیونیست ها بسوی آن سرزمین ، اثراتی در روابط دو کشور گذاشت . دستیابی عراق به آزادی های نسبی و مرگ ناگهانی امیر فیصل بر تیرگی روابط افزود و از نفوذ انگلیس به سود آلمان کاسته شد . بویژه که امیرغازی ، جانشین امیر فیصل ، جوان ۲۱ ساله بی تجربه و هوسرانی بود که به هوسهای خود بیشتر می پرداخت تا به امر

دولت. در روزگار او حقوق اقلیت‌ها پایمال شد و عراق در مجموع وضع اسفناکی پیدا کرد.

امیرغازی در ۴ آوریل ۱۹۲۹ در یک حادثه کشته شد. می‌گویند نوری سعید، که مدت ۳۷ سال، در مقام مهم‌ترین عامل و مهره سیاست انگلیس در منطقه، بر عراق فرمان رانده بود او را که دارای افکار ناسیونالیستی و ضدانگلیسی بود به "طریق مقتضی سر به نیست کرد". امیرغازی در ۱۹۱۲ در مکه متولد شده و در ۱۹۲۴ به عراق رفته و از ۱۹۲۷ تا ۱۹۲۹ در انگلیس تحصیل کرده بود. می‌گویند او امکانات فراوانی برای مجاهدین فلسطینی فراهم می‌آورده و از انقلاب ۱۹۳۶ فلسطین بدون قید و شرط پشتیبانی کرده بود (۶).

پیش از آن حزب "الاهالی" که نخستین حزب سیاسی عراق به‌شمار می‌رود (۷) تشکیل شده و در اجرای مرامنامه ناسیونالیستی خود به امیران ارتش کمک کرده بود تا در ۲۹ اکتبر ۱۹۳۶ کودتا کرده، اداره کشور را در دست بگیرند. ژنرال بکرصدقی، رهبر کودتا بزودی ماهیت خود را نشان داده به یک دیکتاتور نظامی تبدیل شد که برای حفظ حکومت خود و سلطه ارباب خود در پیمان کذابی ضد مردمی "سعدآباد" شرکت کرد. اما خود او دوامی نیاورده در ۱۱ اوت ۱۹۳۷ در یک تصادف کشته شد.

دوره جنبش‌ها

نوری سعید، که حالا دیگر نخست‌وزیر شده و انگشش در این گونه "تصادف"‌ها در کار بود، در سپتامبر ۱۹۳۹ قراردادی با انگلیس بست که بموجب آن با آلمان - که نفوذ فراوان در عراق یافته بود - قطع رابطه کرد. این همان تاریخی است که انگلیسی‌ها، نوکر دیگر خود رضاخان را از ایران "دک" کردند.

حالا دیگر جنگ جهانی دوم در گرفته بود. کودک سه ساله‌ای بنام ملک فیصل دوم - پسر امیرغازی - اسما شاه عراق بود، اما همه کارها در دست نوری سعید، نخست‌وزیر و امیر عبدالاله، دایه فیصل، در مقام نایب‌السلطنه، متمرکز شده بود. رقابت کشورهای درگیر در جنگ، هر روز دامنه و اوج تازه‌ای می‌گرفت و آلمان بار دیگر نفوذ از دست رفته را باز می‌یافت. میهن پرستان عموماً مخالف انگلیس و هواخواه آلمان بودند. لذا جنبشی که رشیدعالی گیلانی، در سوم آوریل ۱۹۴۱ علیه سلطه انگلیس آغاز کرد، زود گسترش یافت. اما بهمان سرعت هم (پس از ۵۸ روز) زیر ضربه‌های نیروهای هوایی، زمینی و دریایی انگلیس سرکوب و نابود شد.

برای این جنبش که از آن بعنوان "انقلاب ۱۹۴۱ عراق" نام برده می‌شود انگیزه‌های گوناگون ذکر می‌شود: شیوه‌های ضد مردمی سیاست استعماری انگلیس، نارضایتی مردم از فرمانروایی خانواده هاشمی، خودکامی نوری سعید، حمایت انگلیس از یهودیان در فلسطین و از کشتار فلسطینی‌ها بدست آنها... در این شرایط در میان کتورهای بزرگ تنها آلمان با اعراب ظاهراً همدردی نشان می‌داد و از آرمان‌های آنها پشتیبانی می‌کرد. و همین سیاست رشیدعالی گیلانی را بسوی آلمان می‌کشاند. رشیدعالی گیلانی که در ۱۹۴۰ نخست‌وزیر شده بود، در راه محدود کردن نفوذ استعماری انگلیس گام برمی‌داشت و حتی در ۳۱ ژانویه ۱۹۴۱ در برابر فشار متفقین ایستادگی کرد و برخلاف پیمان ۱۹۳۰ عراق و انگلیس حاضر نشد روابط سیاسی عراق با ایتالیا را قطع کند. اما ناچار به استعفا شد. او چند ماه بعد در سوم آوریل به کمک امیران ارتش کودتا کرد. امیر عبدالاله، نایب‌السلطنه که قبلاً از خیر کودتا آگاه شده بود، صبح کودتا با لباس زنانه به سفارت آمریکا پناه برد و به شکل تنگ‌آوری از بغداد گریخت. پارلمان عراق ۸ روز بعد او را از نیابت سلطنت برکنار کرد.

رشیدعالی گیلانی، که از خطر نیرنگ انگلیسی‌ها آگاه و بیمناک بود، در آغاز کوشید از درگیری با آنها اجتناب کند. لذا اعلام کرد که همه تعهدات بین‌المللی کشور را محترم می‌شمارد. ولی انگلیس اعلام کرد که کارهای رشیدعالی چیزی جز نابود کردن قانون اساسی نیست. مذاکرات و قول‌های بعدی رشیدعالی هم نتیجه‌ای نداد و انگلیسی‌ها که کمر به نابودی او بسته بودند برای از میان برداشتنش دست بکار شدند. در ۱۳ آوریل یک گردان نظامی که از هندوستان حرکت کرده بود، وارد پایگاه هوایی انگلیس در شعبیه شد. بعد یک لشکر کامل با کشتی به سوی بصره به حرکت درآمد. سپس رزمناوهای انگلیسی به آب‌های عراق نزدیک شدند. و رشیدعالی که تاب پایداری در خود نمی‌دید، تسلیم شده اصل پیاده شدن نیروهای انگلیسی را - بمنظور عبور از خاک عراق - پذیرفت، به این شرط که



این نیروها فقط چندروز در خاک عراق سمانند و تا این نیروها بیرون نرفته‌اند نیروی دیگری وارد عراق نشود و مهم‌تر اینکه شماره نیروهای انگلیسی مقیم عراق از ۸۰۰۰ نفری که در آن هنگام در عراق مستقر بودند، بیشتر نشود. اما انگلیسی‌ها هر لحظه انعطاف‌ناپذیرتر می‌شدند و نشان می‌دادند که جز با نابودی رشیدعالی اقطاع نخواهند شد. لذا از روز دوم مه جنگ واقعی میان دوطرف آغاز شد و ارتش عراق در برابر حمله‌های بی‌امان و برق‌آسای انگلیس پایداری کرد. در نتیجه نیروی هوایی انگلیس هم به میدان آمد و مواضع عراق را بمباران کرد و برای زهرچشم گرفتن از مردم حتی از بمباران مساجد هم نگذشت. در این احوال لژیون عرب نمای انگلیسی‌الاصل امیرعبدالله هم از مغرب عراق وارد نبرد علیه رشیدعالی شد و جنگ شدت و کثرتش بیشتر می‌یافت تا سرانجام رشیدعالی در ۳۰ مه ۱۹۴۱ سقوط کرده به ایران گریخت و از اینجا به آلمان رفت و پس از پایان جنگ در لباس کارگری به لبنان بازگشت و از آنجا پای پیاده به عربستان رفته به دربار ریاض پناه برد (۸).

پس از شکست رشیدعالی، عراق بار دیگر زیر سلطه انگلیس درآمد و سرانجام در ۱۹۴۳ در کنار متفقین علیه گروه محور، وارد جنگ شد. با این وصف، و با وجود فعالیت سیاستمداران انگلیسی‌مآب کارکنهای مثل نوری‌سعید، افزایش رخنه صهیونیست‌ها به فلسطین و بدرفتاری انگلیسی‌ها بر عدم محبوبیت انگلیس در میان مردم می‌افزود. در این هنگام یک سیاستمدار شیعه بنام صالح‌جبر (۱۹۵۴ - ۱۸۹۶) نخست‌وزیر بود که به مخالفت جدی با نوری‌سعید اشتها داشت و طبعاً این سیاست انگلیس را هم نمی‌پسندید. لذا خواستار تجدید نظر در قرارداد ۱۹۳۰ عراق و انگلیس شد و پس از یک رشته مذاکرات در ژانویه ۱۹۴۸ در یورت‌سموت قرارداد تازه‌ای با انگلیس بست که بموجب آن امتیازهایی برای عراق بدست آورد. اما این امتیازها نتوانست مردم را که خواستار فسخ قراردادها بودند، خشنود کند. مردم در اعتراض به این قرارداد به خیابان‌ها ریختند و آشوب عظیمی بعباد را فرا گرفت که در اثر آن دولت صالح جبر سقوط کرد و خود او به لندن گریخت.

بنگ و شرمی که در نتیجه عدم شرکت عراق در جنگ اول اعراب و اسرائیل، در مردم پدید آمده بود، از هم پاشیدگی اتحادسرا‌ن عرب و مهم‌تر از همه فقر و بینوایی مردم، تنش ژرف پایداری در عراق پدید آورده بود که هر روز آشکارتر می‌شد و در طی آشوب‌های نوامبر ۱۹۵۲ بغداد به اوج رسید و سبب برقراری حکومت نظامی و تعقیب و آزار جدی و پیگیر کمونیست‌ها شد.

انگیزه عمده این حوادث را انقلاب ژوئیه ۱۹۵۲ مصر دانسته‌اند. در واقع در ماه اکتبر، سه‌ماه پس از انقلاب مصر، چهار حزب سیاسی عراق از دولت خواستند که قانون انتخابات پارلمان را اصلاح کرده شیوه انتخابات غیر مستقیم را براندازد و شیوه انتخابات مستقیم را به کار گیرد. این احزاب همچنین خواستار لغو پیمان مشترک عراق و

انگلیس، ردپیمان دفاعی دوکشور و ملی شدن صنعت نفت شدند. اما مصطفی‌العمری، نخست‌وزیر، حاضر به قبول هیچ یک از این خواسته‌ها نشد و در نتیجه اوضاع متشنج شد تا در ۲۲ نوامبر به اوج رسید. در این روز بیش از ۲۰ هزار نفر، که بیشتر دانشجو و مسلح بودند، به تظاهرات خیابانی پرداختند و به نابودکردن اموال آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها دست زدند. از قیام ۱۹۴۸ مردم علیه قرارداد پورت‌سموت تا آن هنگام، چنان تظاهراتی در بغداد برپا شده بود. شامگاه روز بعد، نخست‌وزیر استعفاي خود را به نایب‌السلطنه داد و این شخص، ژنرال نورالدین محمود راما، مور تشکیل دولت کرد، که در واقع یک دولت نظامی بود و حکومت نظامی برقرار کرد. با استقرار حکومت نظامی همه احزاب منحل شدند، نیروهای پلیس و ارتش در خیابانها جای گرفتند و به تعقیب تظاهرکنندگان پرداختند، رهبران سیاسی به زندان افتادند و دادگاه‌های نظامی آغاز به کار کردند. . . . حوادث نوامبر ۱۹۵۲ اثرات خود را بعدها ظاهر ساخت. دولت که از پذیرفتن خواسته‌های سیاسی مردم سرباز می‌زد، برای آرام نگاهداشتن آنها ناگزیر از انجام یک رشته اصلاحات اقتصادی شد. اقدام برای توسعه اقتصادی کشور از راه ایجاد "شورای عمران ملی"، ورود گروه‌های مهندسان و کارشناسان مصری، انگلیسی و آمریکایی برای پیاده کردن طرح‌های عمرانی، قرارداد فوریه ۱۹۵۲ که به موجب آن نیمی از درآمد صادرات نفت به دولت بغداد می‌رسید، و طرح ایجاد هلال احمر (مرکب از عراق، سوریه، لبنان، اردن و فلسطین عرب) که نوری سعید پیشنهاد کرده بود، از جمله این اقدامات آرامش بخش بود. اما اثر همه آنها موقتی بود و "پیمان بغداد" که در ۱۹۵۵ بسته شد و نیز "فدراسیون عرب" که در واقع فدراسیون خانوادگی عراق و اردن بود و در فوریه ۱۹۵۸ اعلام شد، واکنش‌های تند و توفنده داخل و خارج، مخصوصا جامعه عرب و مصر را بدنبال داشت و زمینه را برای یک دگرگونی عمده آماده می‌ساخت.

انقلاب و دیکتاتوری

۶ - انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸ نقطه اوج همین دگرگونی است. در ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ گروهی از نظامیان بغداد به سرپرستی سرهنگ عبدالکریم قاسم و سرهنگ عبدالسلام عارف، پس از یک شورش خونین و کشتار شاه نوجوان و نایب‌السلطنه، او، قدرت را در دست گرفتند و یک کمیته نظامی به فرماندهی قاسم تشکیل داده حکومت جمهوری اعلام کردند.

مورخان و سیاست‌پردازان سال ۱۹۵۸ را "یکی از سال‌های درخشان تاریخ مبارزات ضدامپریالیستی مردم جهان" دانستند (۹) در این سال ملت‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین سرگرم نبردهایی بودند که کمابیش در آنها به پیروزی‌هایی رسیدند: اندونزی، غنا، قبرس، لبنان، اردن، سوریه، عراق و مهم‌تر از همه الجزایر صحنه مبارزات سیاسی و حتی مسلحانه بودند. و طبعاً قدرت‌های بزرگ استعماری سخت سرگرم نقشه‌کشی و توطئه‌چینی بودند که پیمان بغداد از آن جمله بود. اردن که جرات نکرده بود مستقیماً به پیمان بغداد بپیوندد، از طریق فدراسیون اردن عراق، غیرمستقیم در اجرای این توطئه‌ها شرکت داشت (۱۴ فوریه ۱۹۵۸) و این امر سبب ناخشنودی ملیون اردن می‌شد. چنانکه در ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۸ اقدامی برای دگرگون کردن اوضاع انجام گرفت، و ارتش عراق، که با ارتش اردن متحد شده و نام "ارتش عربی" گرفته بود برای حفظ رژیم اردن گسیل شد. فرمانده این ستون اعزامی، سرهنگ عبدالکریم قاسم بود که برای موفقیت هرچه بیشتر در مأموریت خود، بیشترین مقدار اسلحه و سازوبرگ جنگی را از ارتش جمع کرده بود. اما در سحرگاه ۱۴ ژوئیه به جای کمک به خانواده هاشمی اردن، ریشه‌آن را از عراق کندو ملک‌حسین، شاه اردن که سخت در خطر افتاده بود برای حفظ خود دست پیمان انگلیس و آمریکا شد. دیری نپایید که چتربازان انگلیسی و تفنگداران آمریکایی در عمان و بیروت پیاده شدند. کمیل شعون، رئیس جمهور وقت لبنان در همان روز انقلاب عراق به آیزنهاور نوشته بود که اگر به استقلال و تمامیت لبنان علاقه دارد بیدرنگ نیرو بفرستد. اما رژیم تازه عراق از آنچه اعضای جامعه عرب تصور می‌کردند و چشم داشتند، بسی متفاوت بود: قاسم پشتیبانی کمونیست‌ها را پذیرفت، حزب کمونیست آزاد شد در حالی که احزاب طرفدار ناصر ممنوع شدند. در اوت همان سال، یعنی یک ماه بعد از انقلاب، عراق از فدراسیون عرب بیرون رفت و چند ماه بعد (مارس ۱۹۵۹) پیمان بغداد را ترک کرد. از حوزه پولی استرلینگ خارج شد اما در عوض با شوری قرارداد اقتصادی بست. گزایشی که

ناخشنودی نظامیان طرفدار غرب را برمی‌انگیخت و آنان راواداشت تا چند بار طرح کودتا بریزند. در این ضمن حزب کمونیست از فرصت استفاده کرد به سازماندهی و یارگیری و گسترش پرداخت و تا آنجا که قاسم دچار ترس شد و همزمان با برخی دیگر از اعضای کمیته حاکم، فعالیت‌های چپ افراطی را زیان‌آور و افراطی دانسته، اقدام به محدود کردن کمونیست‌ها کرد و از شماره نمایندگان آنها در دولت کاست.

قاسم، که کوس برابری و رقابت با ناصر را می‌زد، کشور را چه در میان اعراب و چه در جهان بیرون به انزوا کشاند ولی برای رفاه مردم و پیشرفت عمرانی کشور اقداماتی کرد که اثرات آنها بعداً آشکار شد.

رفتار فردگرایانه و روش غرورآمیز قاسم همه دوستان خارجی عراق را از او دور کرد و همه یاران داخلی را از گرداگردش پراکنده ساخت. یارانی که دور از چشم او گردهم می‌آمدند و برای سرنگون کردن او نقشه می‌کشیدند، تا در فوریه ۱۹۶۲، عبدالسلام عارف در محل رادیو - تلویزیون بغداد عبدالکریم قاسم را تیرباران کرده، در رأس یک کودتای نظامی زمام امور کشور را در دست گرفت. کودتای عبدالسلام عارف یک کودتای ضد کمونیستی، طرفدار غرب و در عین حال هوادار وحدت عرب بود.

عبدالسلام عارف در فوریه ۱۹۶۳ رئیس‌جمهوری شد، اما کمی بعد در یک سانحه هوایی کشته شد و برادرش عبدالرحمن عارف جای او را گرفت. او هم در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۷ در نتیجه یک کودتای آرام سرنگون شد. این کودتا را گروهی از نظامیان عراقی از عشیره "تکریت" شمال بغداد، به رهبری ژنرال احمد حسن البکر و بنام حزب بعث انجام دادند و دوره نازمانی از فشار، اختناق، کشتار مخالفان و نیرنگ در تاریخ عراق آغاز شد که بررسی آن موضوع فصل دیگری است..

۱ - تاریخ عرب در قرون جدید - و. لونگی - ترجمه: پرویز مانی - ۱۳۴۹ - تهران - ص ۴ - ۶۲

۲ - همانجا - ص ۴ - ۷۳

۳ - روابط خارجی انگلیس و عراق - تهران - ۱۳۰۲ - ص ۲۳ و ۲۵.

۴ - تاریخ خاور میانه - ژرژ لسنچافسکی - ترجمه: هادی حرایی - انتشارات اقبال - ص ۲۴۱.

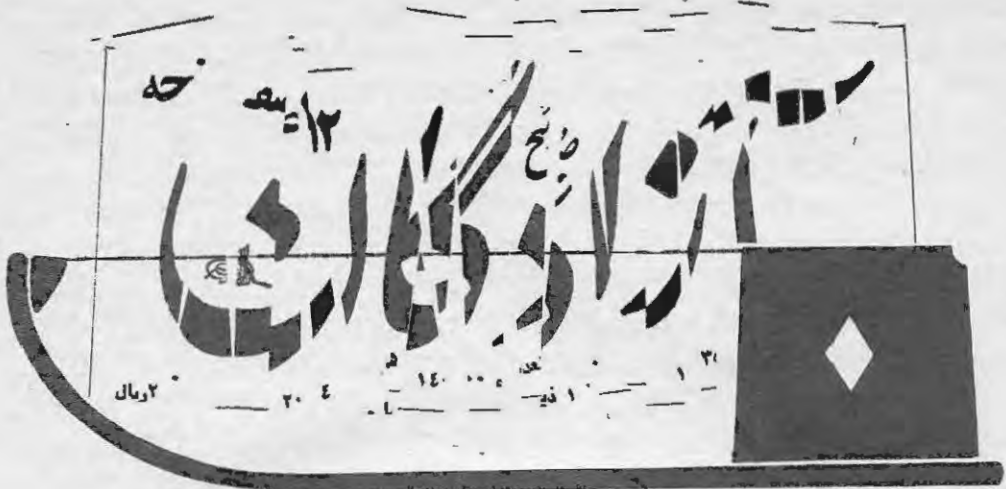
۵ - همانجا - ص ۲۴۸.

۶ - در خاورمیانه چه گذشت - ناصرالدین نتاشینی - ترجمه: م. حسین روحانی - ۱۳۵۱ - دفتر دوم - ص ۲۶۶ و ۲۸۸.

۷ - نگاه کند به همین شماره - فصل احزاب و سازمان‌های سیاسی عراق.

۸ - در خاورمیانه چه گذشت - ... - ص ۱۹۸ تا ۲۰۴ (خلاصه).

۹ - همانجا - ص ۲۳۸.



حلاجی

از این پس در هر شماره یکی از روزنامه ها یا نشریات کشور را ، به شوخی حلاجی می‌کنیم و نگاهی "قضولانه" بر آنها ، و بویژه بر لابلای سطرهای آنها می‌اندازیم که معمولاً "واغلب بدلیل اشتباهات ناخواسته ، حاوی نکته هایی طنزآمیز است . برای آنکه جای هیچگونه سوء تعبیری نباشد ، به ترتیب الفبا و از روزنامه (صبح) آزادگان شروع می‌کنیم"

● بحران بیکاری مساله است که امریکای امروز با آن روبروست و میزان رشد بیکاری هم اکنون رقم ۷ درصد می‌باشد که اگر خانواده های آنان را محسوب داریم از مرز ۴۰ میلیون نیز بالغ می‌گردد .
ص ۷ شنبه ۵ مهر

● رخنه مجاهدین خلق در سازمان سیا !!
ص ۵ یکشنبه ۶ مهر

● اعلان جنگ یا پیشنهاد صلح از اختیارات رهبری است و پایان این جنگ بدون عقد یک قرارداد روشن شدن حدود همدیگر پایان واقعی نیست و این با مجلس است .

ص ۲ سه شنبه ۸ مهر
- بخصوص اگر قرارداد مربوطه به روشنی جمله بالا باشد که دیگر مساله ای نمی‌ماند .

● در مبارزه با غرب تجاوزگر ، همه راهها به غرب ایران ختم میشود
ص ۱۱ سه شنبه ۸ مهر

● به امید روزی که هابریانی یک "میگ" سربگون کند !

ص ۱۱ چهارشنبه ۲ مهر
- نکند می‌خواهد بگوید "به امید روزی که رژیم بعثی عراق ۳۶ میلیون میگ داشته باشد" !؟

● " . . . در سال ۱۳۵۳ بعثت فعالیت های سیاسی مذهبی یک سال را در زندان رژیم گذشته سپری کرد و پس از چند ماه شکنجه از شرکت ملی نفت ایران اخراج شد"

ارتیوگرافی وزیر جدید نفت " ص ۳ - پنجشنبه ۳ مهر
- پس شرکت نفت هم یکی از شکنجه گاهای رژیم منقر بوده !

● هدف از انقلاب فرهنگی استوار کردن حاکمیت الله و ولایت حق بجای نفس عماره است .
- حتماً " منظر نویسنده نفس اماره بوده است !
ص ۲ شنبه ۵ مهر

● رشد تکنیکی دوساله ایران پس از انقلاب، در مقایسه با تکنیک حتی کشورهایی که درنمایشگاه (بین المللی تهران) شرکت نکردند، پیشرفت عظیمی را گویاست.

ص ۱۰۵ سه شنبه ۸ مهر
- صد البته، همانطور که ندیده هم معلوم است

● در صورت اعزام آموزگاران به جبهه جنگ، آموزش و پرورش هیچ کمبودی ندارد.

ص ۴ چهارشنبه ۹ مهر
- واقعا هم همه کمبود آموزش و پرورش ناشی از وجود این آموزگاران است. اشاءاله با اعزام آنها مجببه دیگر مشکلی نمی ماند و همه خلاص میشوند!

● یاس عرفات ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه با هواپیما وارد رشت شد و با اتوبسیل از طریق آسنارا اعزام اتحاد جماهیر شوروی شد

صفحه اول پنجشنبه ۱۰ مهر
● یاس عرفات دیشب وارد الجزیره شد

صفحه دوم همان روز
- بنامم به این سرعت تازه این عرفات بوده که می گویند "میانه رو" است. اگر مثلا ژرژ حبش یا

● اینهم یک تکه بدون شرح، که از صفحه فرهنگ وایدئولوژی سه شنبه ۸ مهر عینا "کلیشه میشود":

آیا میدانید که:

را بادستش جمع نمود یعنی زم (کف) کرد.

آیا می دانید که:

صدام می گوید: کبوتر آشناترین حیوان به آب است یعنی بهتر از هر حیوان می تواند وجود آب را در بیابان تشخیص دهد و بعد از کبوتر، آهو است.

آیا می دانید که:

صدام می گوید: حجر الاسود صفتیست حجر الاسعد بوده و این سنگها هنگام آوردن به زمین سپید و درخشان بوده است اما بواسطه پلیدی های بشر و دستهای سیاهی که به آن رسیده سیاه گشته و به حجر الاسود معروف شده است.

آیا می دانید که:

صدام می گوید: حضرت امیر می فرمایند: مومن زرتنگ است و تیزهوش است و قیرک (زیرکی به معنای تجاوز و خودکامی نیست) و المؤمن کیس فطن حذر.

صدام می گوید: از این ببعد ما با اسرائیل جنگ نمی کنیم بلکه تمامی نیروهایمان را در مقابل نیروهای اسلامی پیکار می بومیم.

آیا می دانید که:

صدام می گوید: چرا به کسی که عرب زبان است می گویند عرب؟

چون الاعراب یعنی الاظهار و عرب کسی است که مخارج حروف را بدرستی اظهار می کند بنابراین کسی که زبان عربی را بلد باشد کسی است که تمامی مخارج حروف را از خرچش ادامی کند.

آیا می دانید که:

صدام می گوید: می دانید چرا به چاه زمره می گویند زمره؟

الزمر «یعنی الجواهر المکف» وقتیکه حضرت اسماعیل پایش را بر زمین حجاز کوفت و چشمه از آن بیابان خشک بیرون جهید، هاجر آبها

— تحویل این اجساد شاید جزئی از قرارداد مبادلات پایاپای میان دو دولت برادر مصر و عراق است که اخیراً "بامضای طرفین رسید .

● صهیونیست می خواهد تمام اموال مردم را برابرد و اینست که سرمایه داری را ایجاد می کند و با می خواهد کسی چیزی نداشته باشد و این است که کارل مارکس را خلق می کند !

ص ۱۱ پنجشنبه ۲۴ مهر
— بالاخره فهمیدیم این "صهیونیست" دنبال چه می گردد . اگر می خواهد مردم را سرکشی کند ، چرا کارل مارکس را خلق می کند که می خواهد کسی چیزی نداشته باشد . اگر کارل مارکس را خلق کرده که می خواهد کسی چیزی نداشته باشد ، چطور می تواند اموال مردم را سرکشی کند .

● سیاست خارجی ایالات متحده در بسیاری از بخش های جهان امپریالیستی است .

ص ۵ شنبه ۲۶ مهر
— و طبعاً ، بدلیل تضادهای موجود در بطن جامعه سرمایه داری ، در بقیه بخش های جهان صد امپریالیستی است !

... و بالاخره ، برای اینکه کار حلاجی را درست و حسابی تمام کرده باشیم که جایی برای گله نماند ؛ (کلیشه بدون شرح - صفحه ۳ آزادگان چهارشنبه ۲ مهر)

عراق تقاضای پایان جنگ داد

خبرگزاری فرانسه - دولت عراق سه شرط برای پایان دادن به جنگ اعلام کرد:

۱- احترام به حق حاکمیت عراق از سوی ایران

۲- احترام به حق عراق در مورد شط العرب

۳- بازپس دادن جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک به عراق

● دادسرای انقلاب اسلامی ساری طی اطلاعیه ای به کلیه ساواکی های ساکن این شهرستان ابلاغ کرده اول وقت اداری روز شنبه ۵۹/۷/۱۹ خود را به دادسرای انقلاب اسلامی ساری معرفی نمایند .

ص ۷ پنجشنبه ۱۷ مهر
— هرنوع تاخیر موجب کسر حقوق و حریمه نقدی خواهد بود .

● خبرگزاری پارس به نقل از رویتر ازم - حدود ۹ میلیون نفر ایتالیایی در اعتراض علیه اقدام شرکت اتومبیل سازی فیات مبنی بر طرح اخراج کارگران وترس ناشی از این کار دیروز دست به یک اعتصاب چهار ساعته زدند .

صفحه ۲ یکشنبه ۲۰ مهر
● میلان - اسوشیتد پرس - ... فعالیت های صنعتی و بازرگانی در سراسر ایتالیا بمدت ۴ ساعت متوقف شد . هیجده میلیون کارگر ایتالیایی با شرکت در این اعتصاب پشتیبانی خود را از همقطارانی که از کارخانه فیات اخراج شده اند اعلام کردند .
صفحه ۳ همان روز

● یک خلخال داوطلب نامین عمل جبهه جنگ شد .
ص ۱۱ یکشنبه ۲۰ مهر
— الهی شکر ... جبهه فقط عمل را کم داشت که آنهم نامین شد .

● باینوسیله تغییر نشانی شرکت "منوفکچرز - هانور تراست کمپانی" به خیابان قائم مقام فراهانی کوی سام شماره ۱۷ طبقه چهارم اطاق شماره ۵ جهت اطلاع عمومی آگهی می گردد .

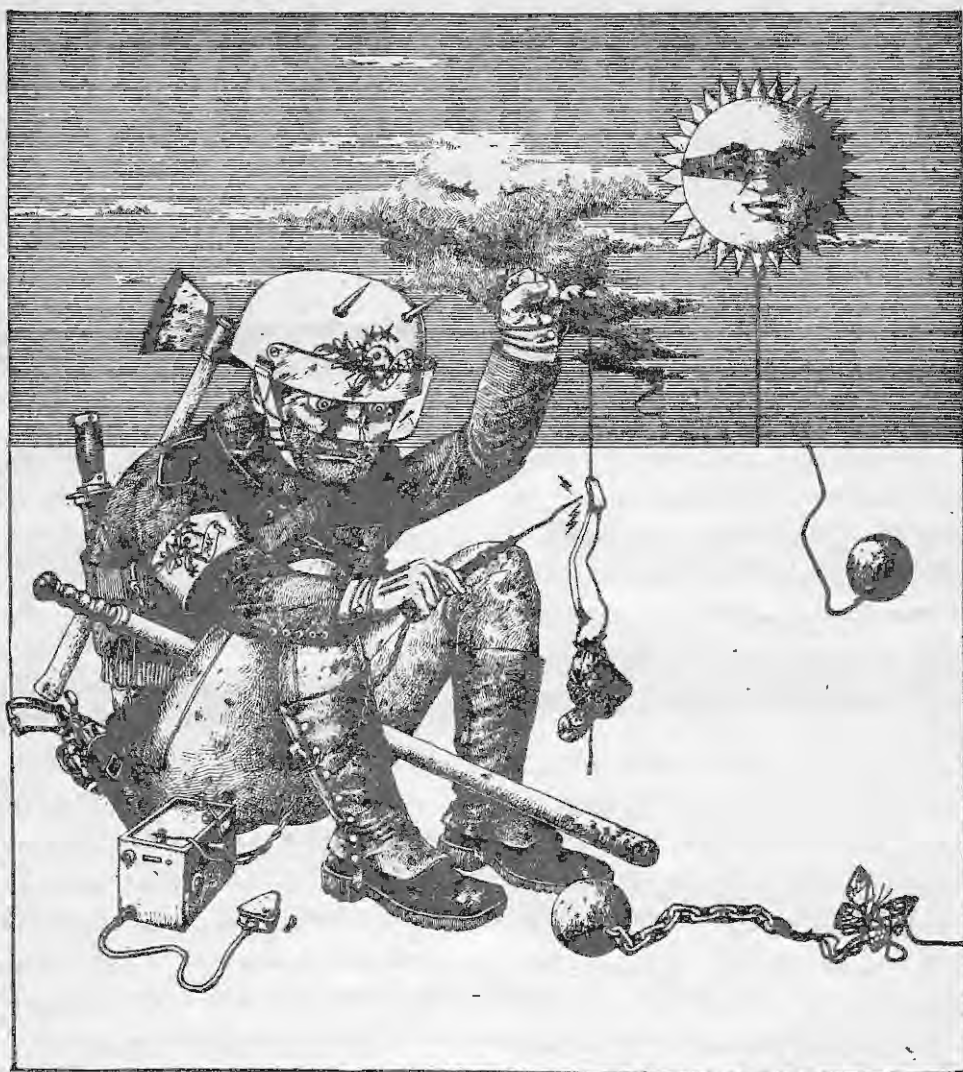
از یک آگهی ثبت تغییر نشانی - ۲۰ دوشنبه ۲۱ مهر - این که فقط یک اطاق لارم دارد که اسمش را جاده دهد . عبارت دیگر : نام ندارد اشکه - اسم درختو می شکه

● یک جنگجوی لره که با سلاح دوربین و فانوسقه چرمی حامل فشنگ خود ، برای پیوستن به جبهه های جنگ آماده شده است .

شرح عکس - ص ۱۱ دوشنبه ۲۱ مهر
— فقط معلوم نیست که این فشنگ ها مال دوربین است یا مال فانوسقه

● مجلس ختم مردم مسلمان الجزایر در تهران .
ص ۴ سه شنبه ۲۲ مهر

● عراق ۳۰۰ جسد به مصر تحویل داد .
ص ۲ چهارشنبه ۲۳ مهر



برای حل بحران ذاتی سرمایه‌داری

جناح جنگجوی امریکا دوباره حاکم میشود

از: نهی تادرس، تحلیل‌گر فلسطینی

ملت آمریکا کم کم از «عقدۀ ویتنام» خلاصی یافته و آماده پذیرش

راه حل های نظامی برای حفظ سلطۀ امریکاست .

سیاست باصطلاح «حقوق بشر» کار تر اکنون کاملاً بایگانی شده است .

مقدمه

دخالت های نظامی گسترده در مناطق مجاور به ویژه امریکای لاتین است . در این مرحله "اصل مونرو" که توسط پرزیدنت مونرو در سال ۱۸۲۳ اعلام شد بار دیگر در دستور کار هیأت حاکمه امریکا قرار گرفت . این اصل در ابتدا به عنوان تلاش امریکا برای جلوگیری از دخالت های اروپا در امور امریکای لاتین توجیه می شد . دو رئیس جمهور امریکایی ، یعنی ثئودور روزولت (۱۹۰۴ - ۱۹۰۸) و وودرو ویلسون (۱۹۱۲ - ۱۹۲۲) این اصل را به اجرا گذاشتند . در سال ۱۹۰۴ امریکا سرزمین گواتمالا را به تصرف خود درآورد . سپس شرکت امریکایی "نورثرن ریلوی" (راه آهن شمالی) در سال ۱۹۰۵ راه آهن کوستاریکا را قبضه کرد . در سال ۱۹۰۵ راه آهن کوستاریکا را قبضه کرد . از سال ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۹ امریکا ، کوبا را اشغال نظامی کرد . "لیبروت" کارمند وقت وزارت خارجه امریکا در توجیه این دخالت نظامی گفت که "سرمایه گذارهای امریکا در این کشورها به خطر افتاده بود" . "ودرو ویلسون" دخالت های نظامی در امریکای لاتین را تکمیل کرد و کشورهای مکزیک ، نیکاراگوئه ، دومینیک ، هائیتی ، کوبا ، کوستاریکا ، هندوراس ، گواتمالا و پاناما جلوانگاه سربازان امریکایی شد . ویلسون و بعضی دیگر از سران امپریالیستی استفاده از شیوه نظامی را با ادعای "تسریع در حرکت گردونه تمدن غربی" توجیه می کردند .

ب - مرحله دوم که از اوایل دهه بیست تا آغاز جنگ جهانی دوم ادامه داشت . بعضی تاریخ - نویسان این مرحله را "عصر جدید" معرفی میکنند . امریکا در این مرحله از طریق کمک های اقتصادی و مناسبات تجاری ، شبکه عظیمی از روابط اقتصادی را با

منطق استفاده و نیروی نظامی ، یا باصطلاح "سیاست چماق کلفت" ، و منطق به کار بردن قدرت اقتصادی یا "دیپلماسی دلار" همواره از عوامل اساسی شکل - دهنده سیاست خارجی امپریالیسم امریکا بوده است . در این زمینه امریکا مراحل متنوب را پشت سر گذاشته که گاه در خارج از مرزهای خود از استفاده وسیع از نیروهای نظامی خودداری کرده و تنها به فعالیتهای اقتصادی روی آورده و زمانی دیگر علاوه بر "دیپلماسی دلار" بر اقدامات نظامی نیز تاکید داشته است . تاریخ ۳۰۰ ساله امریکا از آغاز بیانگر دخالت - های پیگیری آن در امور دیگران بوده است ، گمانگه این تاریخ ، با تهاجم سفیدپوستان به سرخپوستان بومی سرزمین "امریکا" و غصب این سرزمین آغاز شد . این دخالت ها شیوه های گوناگونی داشته (نظامی ، پنهانی ، تبلیغی ، اقتصادی و ...) که بطور کلی تاکنون چهار مرحله مشخص را پشت سر گذاشته است . تفاوت اساسی میان این مراحل ، تنها در این است که در هر کدام از آنها برای رسیدن به هدف های ثابت توسعه طلبانه امپریالیسم امریکا شیوه های متفاوت با دیگری به کار رفته است . و یا در بعضی موارد از چند شیوه در آن واحد استفاده شده است ، مثلاً "هیأت حاکم امریکا در بعضی مراحل به شیوه توسعه طلبی اقتصادی بسنده کرده ، حال آن که در مراحل دیگر برای تحمیل سلطه خود و حفظ آن ، هر دو شیوه نظامی و اقتصادی را مورد استفاده قرار داده است .

مراحلی که سیاست خارجی امریکا در قرن بیستم پشت سر گذاشته به شرح زیر است :

الف - مرحله اول که از اوایل قرن بیستم تا پایان جنگ جهانی اول ادامه داشته و ویژگی آن

نیروهای اروپایی پی‌ریزی کرد. رشد و رونق آمریکا در این مرحله بر عوامل اقتصادی بویژه شکوفایی بخش بانکی متکی بود.

سرمایه‌گذاری‌های خارجی آمریکا از ۲۴۸۱ میلیون دلار در سال ۱۹۱۴ به ۹۰۹۰ میلیون دلار در سال ۱۹۲۴ افزایش یافت و در سالهای بین ۱۹۱۴ و ۱۹۲۰ به علت وقوع جنگ جهانی اول صادرات آمریکا سه‌برابر شد و دقیقاً "از ۲۳۲۹ میلیون دلار به ۸۰۸۰ میلیون دلار جهش کرد."

اما این نظام اقتصادی در پی بحران حاکم بر اقتصاد سرمایه‌داری وقت، در سال ۱۹۲۹ رو به سقوط گذاشت. این بحران اقتصادی در سال ۱۹۳۲ کاملاً "برملا شد، بگونه‌ای که ارزش اوراق بهادار مالی به میزان ۸۳ درصد و تولیدات به نسبت ۴۰ درصد و دستمزدها یا میانگین ۴۰ درصد و سود سهام به میزان ۵۷ درصد کاهش یافت و تعداد بیکاران آمریکا به

۱۳ میلیون نفر رسید.

در پی تدبیرهایی که از سوی فرانکلین روزولت اعلام شد، در سال ۱۹۳۲ اقتصاد آمریکا رونقی نسبی یافت. اعمال نظارت فدرال بر بانکها، لغو امکان تبدیل پول کاغذی به طلا یا نقره، هدایت کمکها به بخش کشاورزی، توسعه برنامه‌های بزرگ در مشاغل عمومی از جمله اقداماتی بود که در این راه بعمل آمد و در نتیجه آن تعداد بیکاران از ۱۳ میلیون نفر به ۹ میلیون نفر کاهش یافت. ولی زمانی که جنگ جهانی دوم در اروپا آغاز شد، آمریکا هنوز از بحران اقتصادی خود رهایی نیافته بود و در سال ۱۹۴۰ هنوز ۱۵ درصد کل کارگران آن بیکار بودند. تجارت خارجی نیز که قبلاً "رویه کاهش نهاده بود، به‌گندی رونق می‌یافت تا این که در سال ۱۹۳۹ به سطح سال ۱۹۳۰ یعنی سال آغاز بحران اقتصادی در ایالات رسید.

نعمت جنگ!

تدابیر عصر جدید، ایالات متحده را از شرکت در جنگ جهانی دوم بی‌نیاز نکرد. بسیاری نشانه‌ها حاکی است که تنها با همین جنگ بود که آمریکا توانست بحران اقتصادی جامعه خود را حل کند. ورود ایالات متحده به جنگ جهانی دوم اقتصاد این کشور را به حداکثر شکوفایی رساند. چه پنج سال جنگ در اروپا و آسیا ترمیخش‌تر از تدبیرهای اقتصادی و مالی سیاست "عهد جدید" در هشت سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۹ بود. در واقع، بعد از ورود آمریکا به جنگ، صادرات این کشور به سه برابر و واردات آن به میزان ۵۰ درصد افزایش یافت. در همین مرحله کنگره آمریکا قانون "اعاره و اجاره" را که در مارس ۱۹۴۱ به اجرا گذاشته شد، تصویب کرد. به موجب این قانون ارسال تجهیزات نظامی برای هم‌پیمانان آمریکا به ارزش ۷۵۰ میلیون دلار مورد تأیید کنگره قرار گرفت و بدین گونه صنایع نظامی جهش تازمای یافت.

چ— مرحله سوم که با جنگ جهانی دوم آغاز شد و با جنگ ویتنام پایان یافت. در این مرحله واکنش سیاستمداران آمریکا در مخالفت با شیوه‌های "عصر جدید" افزایش یافت. آنها تصویب کردند که بهترین شیوه ایجاد نظام جهانی جدید در بعد از جنگ جهانی دوم، ادغام نیروی برتر نظامی و امکانات عظیم اقتصادی امریکاست تا ایالات متحده بتواند با قدرت شوری مقابله کند.

در آن زمان "هاری ترومن" تعهدات نظامی (اصل ترومن) و تعهدات اقتصادی (طرح مارشال) را دو روی یک سکه دانست.

این مرحله شاهد رشد و شکوفایی اقتصادی گسترده‌ای بویژه در بخش سرمایه‌گذاری‌های اساساً متمرکز در رشته بانکی و شرکت‌های چند ملیتی بود. ولی صرفنظر از لزوم برقراری تعادل میان قدرت نظامی و اقتصادی از لحاظ نظریک، واقعیت این است که جنبه نظامی بر خط‌مشی سیاسی آمریکا چیره گشت. دخالت‌های نظامی آمریکا و تهدیدهای مکرر آن به استفاده از نیروی نظامی در این مرحله شاهد این مدعاست. (هر ۱۸ ماه یک دخالت نظامی در جهان سوم و ۲۱۵ مورد تهدید به استفاده از نیروی نظامی).

این مرحله مشابه مرحله نخست است که شاهد گسترش دخالت ایالات متحده در امریکای لاتین بود،

اما تفاوت آن با مرحله اول در این است که آمریکا در اینجا از قدرت نظامی در سطح جهان استفاده کرده است. هیأت حاکم آمریکا این دخالت‌های گسترده را به نام "رنالیسم" (واقع گرایی) به معنای استفاده محدود از نیروی نظامی و به نام برتری "اخلاق غربی" توجیه کرد. بیشتر این دخالت‌های نظامی بعنوان "دخالت‌های تدافعی برای مقابله با خطر کمونیسم" تلقی می‌شد. این دخالت "رنالیستی" علاوه بر دخالت‌های مستقیم نظامی، شامل دخالت‌های پنهانی در امور کشورهای جهان سوم از طریق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) نیز بود، که از شخصی ترین موارد آن ایران و گواتمالا را می‌توان نام برد.

سرن سیاسی آن مرحله به توانائی خود در کنترل قدرت نظامی ایمان داشتند ولی دخالت‌های نظامی آمریکا بویژه در ویتنام ثابت کرد که قدرت نظامی منطق خاص خود را دارد. یک کارمند وزارت دفاع در پاسخ‌ها سوآلی مربوط به امکان محدود کردن دخالت آمریکا در ویتنام، منطق خاص قدرت نظامی را این گونه تبیین کرد: "نشستن در بشکای و لغزیدن محدود روی آبشار نیاگارا غیر ممکن است".

این مرحله که در خلال آن فعالیت نظامی آمریکا تشدید یافت و در اوایل پیشرفت و شکوفائی اقتصادی به ارمغان آورد، با پایان جنگ ویتنام و شکست آمریکا در این جنگ - اوایل دهه هفتاد - پایان یافت.

در مرحله چهارم که با شکست آمریکا در جنگ ویتنام آغاز شد و شاهد شروع بحران حاد اقتصادی بود. در این مرحله امپریالیسم آمریکا از به کار بردن نیروی نظامی خودداری کرده که در حال حاضر، بویژه بعد از پیروزی انقلاب ایران، شاهد آن هستیم. . . از این پس می‌گوئیم عوامل شکل دهنده این مرحله و سپس عواملی را که منجر به پایان یافتن آن می‌شود بررسی کنیم:

۱- از شکست در ویتنام تا انقلاب ایران

از هنگام شکست در جنگ ویتنام، آمریکا به قول تحلیل گران سیاسی دچار "عقده ویتنام" شد. این عقده عمدتاً بمعنی بروز موانعی در برابر قدرت درگیری آمریکا در جنگ‌های برون مرزی، و اساساً ناشی از عدم آمادگی ملت آمریکا برای موافقت با جنگیدن یا دخالت‌های نظامی در جهان سوم به شیوه جنگ ویتنام است. این عقده که به نظر هیأت حاکم آمریکا یکی از موانع اساسی در برابر سلطه ایالات متحده بر جهان است، در زمینه روانی با مخالفت و وحشت ملت آمریکا از دخالت‌های نظامی متجلی شده و در زمینه سیاسی و نظامی و قانونگذاری نیز بصورت اقدامات زیرخ نموده است:

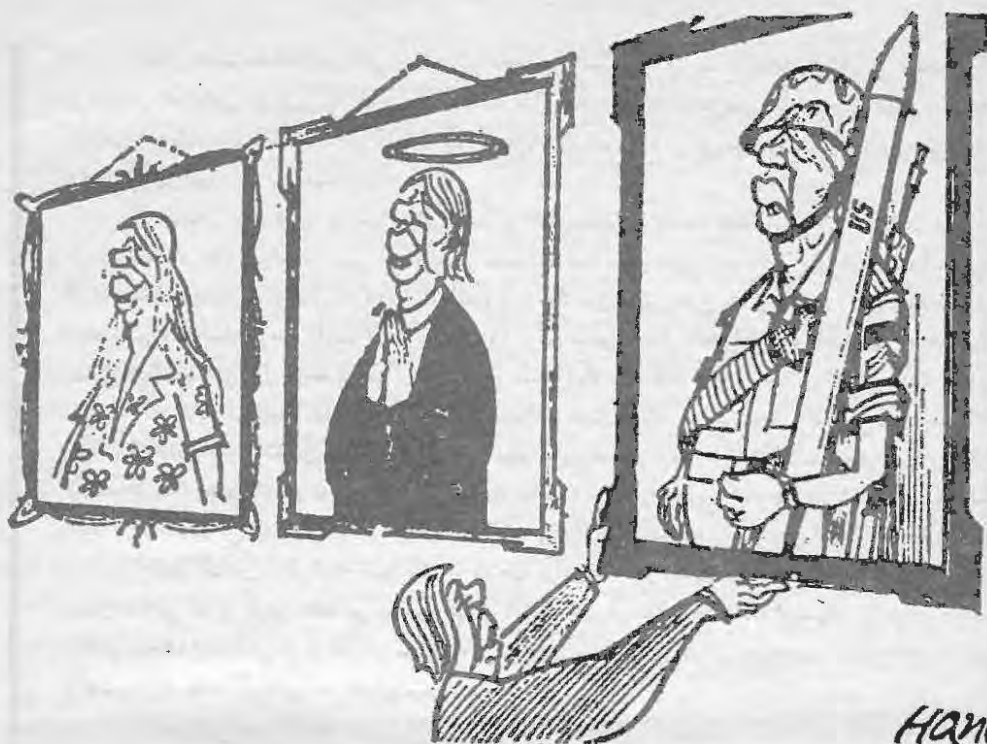
الف - تصویب قانون "اختیارات جنگی" که مانع از آن میشود که رئیس جمهوری بدون مشورت با پارلمان، تصمیم به جنگ بگیرد.

ب - قانون "هیوز راین" که محرمانه بودن عملیات سیا و دیگر دستگاه‌های اطلاعاتی را محدود می‌کند.

ج - لغو نظام وظیفه اجباری و ایجاد ارتشی فقط از داوطلبان.

د - پیاده کردن "اصل نیکسون" به این معنا که امپریالیسم آمریکا برای حفظ منافع خود، از لحاظ نظامی و امنیتی باید به نیروهای محلی هم‌پیمان متکی شود. ایران عصر محمد رضا پهلوی تجلی عملی فعال بودن این دکترین بشمار می‌رود.

این گونه اقدامات بر ماشین جنگی آمریکا و سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) که اصطلاحاً "ترکیب نظامی - صنعتی" خوانده می‌شود، تاثر خاصی داشت. چه نیروی نظامی آمریکا را تا حدوده ۶ درصد حجم سابق خود یعنی از سهونیم میلیون عنصر در سال ۱۹۶۸ به حدود ۲ میلیون عنصر در سال ۱۹۷۹ کاهش داد. در همین فاصله بودجه نظامی نیز به میزان یک سوم با توجه به تورم مالی کم شد. در نتیجه حجم قراردادهای امضاء شده میان وزارت دفاع و کارخانه‌های اسلحه سازی کاهش یافت. همچنین فعالیت سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) تحت نظارت چند کمیسیون ویژه مجلس سنا و کنگره قرار گرفت و بالمآل عملیات برون مرزی آن بسا



Hamed

قید و بندهایی مواجه شد.

در این مرحله نیکسون، فورد و کارتر به ترتیب ریاست جمهوری آمریکا را بهمه داشته و بعضی مورخان آن را به مرحله "عصر جدید" که آمریکا در خلال آن از به کاربردن قوه قهریه خودداری می کرد و کشور شاهد اهمیت یافتن بخش بانکی و سرمایه های چند ملیتی بود، تشبیه می کنند.

ویژگی دیگر این مرحله تلاش پیگیر آمریکا برای از میان برداشتن تشنج ناشی از دو تحول متضاد است: اعتراض شدید به دخالت نظامی به عنوان یک شیوه فعال و ناتوانی آمریکا در پایان دادن به بحران اقتصادی.

بعضیها ریشه بحران اقتصادی امپریالیسم آمریکا را در تداخل دو مشکل عمده می دانند که اقتصاد آمریکا با آن مواجه است:

الف - تورم که از سال ۱۹۷۰ از کنترل هر گونه تدبیرهای ترمیمی اقتصادی و دولتی خارج شده است. ب - رکود اقتصادی که بیکاری فزاینده ای را سبب می شود. در حال حاضر میانگین بیکاری به مرز بی سابقه ای - به استثنای مرحله رکود عظیم در سال ۱۹۳۰ - رسیده است. تداخل این دو مشکل، اصطلاح اقتصادی تازه ای مشتق از دو اصطلاح قبلی به نام "رکود تورمی" را پدید آورده است.

علاوه بر این مشکل بنیادی که امپریالیسم آمریکا و تئورسین های اقتصادی آن، از یافتن راه چاره ای برای آن عاجزند. کارفرمایان و صاحبان شرکتهای بزرگ با مشکل دیگری روبرو هستند. یعنی میانگین سود آنها از نیمه دهه شصت تا اوایل دهه هفتاد رو به کاهش گذاشته است. بحران اقتصادی که در میانگین پایین سودها و بیکاری فزاینده و تورم متجلی است، بر اوضاع اجتماعی اثر گذاشته و مشکلات دیگری پدید آورده است. "پل سوئی" که از برجسته ترین اقتصاد دانان آمریکاست، میان بحران اقتصادی جاری و بحران دهد سی مقایسه کرده و بحران فعلی سرمایه داری را ادامه بحران دهه سی آنها در بعضی جنبه هایش، دانسته است، زیرا عناصر تازه ای بویژه پدیده "رکود تورمی" به آن افزوده شده است.

بحران دهه هفتاد خطرناکتر از بحران دهه سی است زیرا از یک نابسامانی ناگهانی اقتصادی که پی آمدهای اجتماعی سریع و زودگذری داشته باشد ناشی نشده، بلکه نتیجه پیشرفت گند ولی عمیق و گسترده بحرانی اقتصادی است که اساسا از عملکرد خود سرمایه‌داری امریکا ناشی می‌شود. رقابت بازرگانی میان امریکا و اروپا و ژاپن نیز مزید بر علت است.

از جمله برجسته‌ترین کوششها برای غلبه بر این بحران و اعاده سلطه اقتصادی امریکا بر جهان و سرانجام چیره شدن بر تشنج ناشی از دو تحول متضاد که قبلا به آن اشاره شد، یکی "پروژه‌های اقتصادی ویژه کمیته سه‌جانبه است که در سال ۱۹۷۳ توسط راکفلر و به کمک برژینسکی مطرح شد، و دیگری "طرح دهه هشتاد" ویژه "شورای روابط خارجی" است که در سال ۱۹۷۴ از آن سخن به میان آمد. اما خود "شورای روابط خارجی" بعد از جنگ جهانی اول توسط گروهی از کارفرمایان متنفذ ایالات متحده ایجاد شد. این شورا از جنگ جهانی دوم به این طرف در زمینه سیاست خارجی امریکا بویژه از طریق پروژه "بررسی جنگ و صلح" نقش مهمی ایفا کرده است. این پروژه که در خلال جنگ جهانی دوم ارائه شد، بر لزوم شرکت ایالات متحده در آن تاکید داشت تا بعدا نظام نازهای تدوین شود. این پروژه توانست امریکا را بصورت نخستین قدرت جهانی که سلطه خود را بر بخشهایی از جهان اعمال می‌کند، در آورد و عملا چیزی به نام "امپراتوری امریکا" را شکل دهد. "اصل نیکسون" در آغاز تنها یکی از تلاشها برای غلبه بر تضادی بود که سیاست امریکا از آن رنج می‌برد، اصلی که از طریق تکیه بر سیاست فروش اسلحه، آموزش نظامی، کمک به ارتشهای رژیمهای هوادار ایالات متحده اعمال می‌شد، و همزمان نیز گامهایی به سوی سیاست تنش زدائی و برقراری روابط عادی با چین و کوشش برای حفظ "آرامش" در جهان برمی‌داشت.

دولت کارتر نیز به رغم تضاد آشکار میان سیاست باصطلاح "حقوق بشر" که مدعی اصل طرد رژیمهای دیکتاتوری است، و "اصل نیکسون" که بر تقویت این رژیمهای دیکتاتوری و سرکوبگر متکی است، به پیروی از همان شیوه‌ها ادامه داد. سیاست دولت کارتر با انتقادهائی روبرو شد زیرا "تضادهائی ایجاد می‌کرد و سپس به‌برخورد با آنها کشانده می‌شد و سرانجام قربانی همان تضادها می‌شد". برجسته‌ترین نمونه این نوع تضاد آفرینی‌ها به دست گرفتن پرچم "حقوق بشر" آنهم در شرایطی بود که منافع امریکا معامله و کنار آمدن با رژیمهای سرکوبگر را ایجاب می‌کرد. کارتر برای تثبیت قدرت برخی رژیمها، مثل رژیم سوموزا در نیکاراگوئه، رژیم محمدرضاپهلوی در ایران و رژیم موبوتو در زئیر، که "حقوق بشر" را بشدت پایمال می‌کردند در چند مورد به آنها کمک کرد و در بسیاری موارد اعطای این کمکها از طریق صندوق بین‌المللی پول انجام گرفت.

انقلاب ایران ضربهای قاطع بر تئوریهایی ایالات متحده وارد آورد، "اصل نیکسون" را مورد تردید قرار داد و شکست دیپلماتی مرحله بعد از جنگ ویتنام را به اثبات رساند. عکس‌العمل مذبذبانه کارتر در مقابل رویدادهای ایران نه "ترقیخواهان" جامعه امریکا را راضی کرد و نه محافظه کاران را و کارتر قربانی تضاد موجود میان سیاست "عدم مداخله" و این خواست امریکا که قدرت - اقتصادی و نظامی - مسلط بر جهان باقی بماند، شد.

وقتی این تضاد به اوج رسید دو راه حل احتمالی متصور بود: تجدید نظر در هدفهای امریکا (به معنای کاهش قدرت امریکا و پیروی از سیاستی انزواطلبانه) و یا تجدید نظر در شیوه‌ها (به معنای بازگشت به مرحله آمادگی کامل برای دخالت نظامی) در مناطقی که "منافع" امریکا مورد تهدید قرار می‌گیرد، که در این صورت مرحله خودداری از توسل به قوه قهریه یا به قول مورخان مرحله جدید "عصر جدید" پایان یافته تلقی می‌شود.

این محال بود که هیأت حاکم امریکا در اندیشه حل این تضاد از طریق تجدید نظر در هدفهای توسعه طلبانه و پیروی از سیاست انزوا گرایانه برآید، زیرا اقتصاد امریکامتکی بر غارت ثروتهای موجود در جهان سوم است. از این رو در صدد یافتن راه حلی از طریق تجدید نظر در شیوه‌ها برآمد.

دلایلی چند ثابت می‌کند که هیأت حاکم امریکا - بویژه در این اواخر - در جهت برداشتن موانع از

فراروی دخالت نظامی خود در جهان سوم و رهایی نهایی از "عقده ویتنام" تلاش کرده است، زیرا کوشش واشنگتن برای حل تضادهای خود از طریق پروژه‌های اقتصادی با شکست مواجه شد.

در عملیات تسهیل دخالت نظامی آمریکا در خارج و رفع موانع موجود بر سرراه آن، خود کارتر نیز نقش ظاهری "پرچمدار حقوق بشر" را کنار گذاشت و نقش واقعی "ژاندارم" یا "ناظر بر امنیت ژئوپلیتیک" را در پیش گرفت.

با این تغییر شخصیت کارتر، می‌توان پیش بینی کرد که اتفاق آره تازه‌ای در درون هیئت حاکم آمریکا در باره لزوم عرض‌اندام ایالات متحده در جهان پدید آمده و توانسته است خود را، به قول وسایل ارتباط جمعی آمریکا، بر افکار عمومی یا مزاج ملی تحلیل کند... افکار عمومی ای که اکنون سرسختی بیشتری در به کار بردن قوه قهریه برای حل بحران گروگانها در ایران و مقابله با قدرت نظامی شوروی نشان می‌دهد.

تفسیر این تحول بدون بررسی گفت و شنودی که از هنگام شکست ویتنام، میان گرایشهای گوناگون درون هیئت حاکم در تلاش برای یافتن بهترین راه حل برای اثبات "قدرت" آمریکا وجود داشته، امری بس دشوار است.

اکنون باید دید چه اختلافاتی میان دو گرایش اساسی حاکم بر سیاست آمریکا وجود داشته و هیئت حاکم آمریکا برای حل عقده ویتنام چه کوششهایی بعمل آورده است: از پروژه‌های اقتصادی و نامزدی کارتر برای ریاست جمهوری گرفته تا نادیده گرفتن بیشتر وعده‌های انتخاباتی وی (کاهش بودجه دفاعی و کاهش حجم فروش اسلحه و...) و اقدامات اعلام شده در نطق او در برابر کنگره راجع به "اوضاع فدرال" که بعضی‌ها آن را "اصل کارتر" معرفی می‌کنند.

۲- دو گرایش در سیاست آمریکا

همان‌طور که تاریخ آمریکا شاهد تشدید اقدامات نظامی در بعضی مراحل و تشدید "دیپلماسی دلار" در مراحل دیگر بوده، بحث و کشمکش میان گرایش طرفدار منطق استفاده از قوه قهریه و گرایش طرفدار منطق دیپلماسی دلار نیز در طول این مراحل در درون هیئت حاکم و خارج از آن ادامه داشته است. تحلیل‌گران گرایشی را که به عمل نظامی اولویت می‌دهد، "گرایش نظامی" و آن دیگری را که برای بخش اقتصادی اولویت قایل است، "گرایش تجاری" می‌نامند.

گرایشی که بر لزوم استفاده از قوه قهریه باضافه قدرت اقتصادی تاکید می‌ورزد، در نهادهای نظامی و شرکتهای اسلحه‌سازی (ترکیب نظامی - صنعتی) تمرکز یافته که در فعال نگاهداشتن ماشین جنگی آمریکا منافع آشکاری به دست می‌آورند. اما گرایشی که می‌کوشد سلطه آمریکا بر جهان را بدون به کار بردن قوه قهریه - اگر بتواند - اعمال کند، در شرکتهای چندملیتی و بخش بانکها و آنچه سرمایه مالی خوانده میشود، جبهه گرفته است. هدف "گرایش تجاری" بلعیدن مناطق مختلف جهان از طریق ایفای نقشی مبادلاتی به منظور گسترش روابط خود با جهان سوم است بدون اینکه توجهی به اختلافات ایدئولوژیک با برخی کشورها نشان دهد.

اما گرایش نظامی، روی گسترش خشونت در جهان تاکید می‌ورزد و از ایالات متحده می‌خواهد با به کار بردن نیروی نظامی، کشورهای جهان سوم را از ایجاد اختلال در موازنه در قوای اقتصادی جهان باز دارد. با اینوصف هر دو گرایش آنچنان منافع مشترک و درهم پیچیده‌ای با هم دارند که در برخی مراحل تاریخی تشخیص و تفکیک آن دو دشوار است. در بیشتر مراحل هر دو گرایش مکمل یکدیگر می‌شوند و هرزستی خود را حفظ می‌کنند... و دشوار است منافع آنها به حدی از تضاد برسد که مجاز همزستی را بآنها ندهد. مرحله خودداری از به کار بردن قوه قهریه ناشی از شکست در ویتنام، می‌توانست مرحله خوبی برای توسعه پروژه‌های تجاری باشد زیرا این گرایش فرصت می‌یافت بحران اقتصادی آمریکا را از طریق



پروژه‌های اقتصادی خود حل کند... این امر عملاً در اوایل و نیمه اول دهه هفتاد متعهد بود. اما شایسته‌ای که گرایش نظامی از هنگام پایان جنگ ویتنام حاضر به قبول شکست نبوده و از تلاش‌های خود برای رساندن ماشین جنگی به حداکثر کارایی خودداری نکرده و انقلاب ایران و قدرت نظامی فراینده شوروی را توجیهی برای شتاب در اجرای طرح‌های نظامی خود می‌داند.

کنتمش دو گرایش یادشده درباره بهترین شیوه حل تضادی که امریکا از هنگام شکست در ویتنام از آن رنج می‌برد، مدت یافته است. این جر و بحث‌های حاد معمولاً بدون اطلاع افکار عمومی امریکا، در جلساتی خاص شرکت‌های بزرگ امریکایی که می‌کوشند در جهت منافع خود روی تصمیمات سیاسی اثر بگذارند، صورت می‌گیرند. این گروه‌ها طبعاً نمی‌خواهند حقیقت منطق حاکم بر این جلسات را که سرانجام روی‌هیأت حاکم اثر می‌گذارند، با افکار عمومی در میان بگذارند.

مثلاً آسان نیست یک کمیته فرعی کنکره امریکا اعلام کند که دخالت در آنکولا به نفع امریکا است، حال آنکه می‌دانیم این دخالت نیات شرکت "گلف اویل" را که در ایالت کالیفرنیا چند کارخانه دارد، تأمین خواهد کرد. ولی ظاهراً تشدید اختلاف میان دو گرایش موجود در هیأت حاکم در اوایل سال ۱۹۷۹ بویژه بعد از پیروزی انقلاب ایران، مجله "بیزنس ویک" را که منعکس‌کننده نظرات کارفرمایان امریکایی است واداشت در شماره ویژه مارس ۱۹۷۹ خود پیرامون "سقوط قدرت امریکا" پرده‌آز و بحث‌های این محافل بردارد. نویسندگان این مجله خواستار فعال ساختن مجدد قدرت نظامی امریکا و به کار بردن آن برای دفاع از منافع "حیاتی" بویژه در منطقه خلیج فارس شدند.

برجسته‌ترین اختلاف میان این دو گرایش در مورد "خطر شوروی" است، بویژه که اطلاعات جمع‌آوری شده درباره قدرت نظامی شوروی تفسیرهای متعددی می‌تواند داشته باشد. اختلاف بر سر ارزیابی طبیعت، حجم و هدف این قدرت بصورت پوششی برای اختلاف عمیق‌تری درباره طبیعت سیاست توسعه‌طلبانه‌ای مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد که هرکدام از دو گرایش می‌کوشند آن را پیاده کنند.

هر دو گرایش متفقند که شوروی دست به قمار تهدید منافع حساس امریکا مثل نفت، نخواهد زد. ولی گرایش نظامی بر این اعتقاد است که صرف حضور نیروهای شوروی در بعضی مناطق، کشورهای جهان سوم را تشویق به سرخشی بیشتر در برابر غروب می‌کند. بحث این دو بر سر قرارداد "سالت"، به کنتمش علنی درباره برخی مسایل مثل حجم سلاح‌های هر کشور و امکان نظارت بر قدرت آن محدود می‌شد ولی در واقع اختلاف بنیادی آنها درباره "بهترین شیوه" ادامه سلطه امریکا بر جهان غرب بود.

هر دو گرایش، تئوریسین‌ها و مکاتب فکری خاص خود را دارند. در این زمینه می‌توان از مکتب "جورج لیسکا" در روابط بین‌المللی نام برد که بعضی‌ها آن را مکتب "استراتژی بزرگ برای تجدید حیات امپراتوری" معرفی کرده‌اند. هدف این استراتژی برقراری سلطه نظامی امریکا است. حال آنکه بعضی تئوریسین‌های امپریالیستی از قبیل "جورج بال" را می‌توان نمایندگان مکتب مؤمن به دیپلماسی دلار دانست. برخی این مکتب را "قیومت بین‌المللی" و برخی دیگر مکتب "لیبرالیسم بین‌المللی" یا "ما فوق ناسیونالیسم" می‌خوانند زیرا از دید ناسیونالیستی فراتر رفته و جهان را در حال حرکت به سوی همکاری بررگر می‌داند و روابط میان جهان سوم و جهان صنعتی را محور اساسی برای کار تلقی می‌کند. برژینسکی و راکفلر مبلغ این مکتب‌اند و همین دو بودند که در سال ۱۹۷۳ کمیته‌ساحنه را بوجود آوردند. این گرایش، دیپلماسی کی‌سینجر را که در تلاش برای برقراری سیاست تنش‌زدایی با شوروی و چین، روابط با جهان سوم و هم - پیمانان سنتی را نادیده گرفت، مورد انتقاد قرار داده است.

در درون شورای روابط خارجی که مهم‌ترین نهاد شرکت‌کننده در تدوین سیاست خارجی امریکا به‌شمار می‌رود، میان مکتب "لیبرالیسم بین‌المللی" و مکتب "رتالیسم" که کی‌سینجر عضو آن است و به جهان از زاویه موازنه قوای حاکم نگاه می‌کند و مؤمن به استفاده از قوه قهریه امریکا است، کنتمش‌های حادی رخ داد. برژینسکی معتقد بود که این مکتب رتالیستی، توان مقابله با جهانی‌نا این حد متغیر را ندارد. سرانجام در

نیمه دهه هفتاد ، دیدگاههای "لیبرالیسم بین‌المللی" یا "ما فوق‌ناسیونالیسم" بر ماحصل بحثهای شورای روابط خارجی غلبه کرد .

کشمکی میان دوکرایش نظامی و تجاری درباره یافتن راه حلی برای مسأله فلسطین در چارچوب یافتن بهترین شیوه حفظ منافع آمریکا در منطقه ، نیز مشهود است . پژوهش‌نامه مؤسسه مطالعات بروکینگز و مقاله‌های جورج بال^۱ تلاشهایی از سوی "گرایش تجاری" برای یافتن راه حلی برای مسأله فلسطین به شمار می‌رود . . . هر دو کرایش - به انگیزه‌های متفاوت - از دیپلماسی واقع‌گرایانه کی‌سینجر در خاورمیانه انتقاد کردند ، به این دلیل ویژه که فاقد استراتژی روشن بوده و بر تاکتیک دیپلماتیک که برژینسکی آن را "پهلوان بازی" می‌خواند ، انکای شدیدی داشته است .

دو گروه همچنین درباره مسأله استفاده از نیروی نظامی برای تسلط بر منابع نفت خلیج فارس با هم اختلاف نظر پیدا کردند .

نکته جالب اینکه عناصری که در مرحله تاریخی معینی بیان‌کننده نظرات "گرایش تجاری" هستند ، هرگاه شیوه‌های اقتصادی آنان را به هدفشان نرساند ، یعنی در زمانی که متقاعد می‌شوند شیوه جنگ نتهتیا منافعتان را تهدید نمی‌کند که مانند اوضاع بعد از جنگ جهانی دوم تثبیت بیشتر منافعتان را به ارمغان می‌آورد ، به سهولت منطق نظامی را می‌پذیرند .

ولی پیدایش چنین حالتی در صف گروه مقابل دشوار است . زیرا عناصر وابسته به وزارت دفاع و شرکت‌های اسلحه‌سازی پیوسته درصدد یافتن توجیبهی برای بقا و شکوفایی نهادهای خود بوده و کمتر میتوانند سوجیبهی بهتر از "وقوع جنگها" ارائه دهند .

تحلیل‌گران در ارزیابی‌های خود در مورد اهمیت تاءثیر انقلاب ایران و "بحران" افغانستان بر سیاست خارجی آمریکا باهم اختلاف نظر دارند . برخی منتقدند این دو رویداد تنها علت تغییر ناگهانی سیاست آمریکا در حال حاضر است و این همان چیزی است که هیئت حاکم آمریکا تلویحا "آن را مطرح می‌کند ، ولی واقعیت این است که گروه‌های هوادار شیوه‌جنگ از بحران گروگان‌های آمریکا در ایران و سپس بحران افغانستان بهره‌برداری کرده‌اند تا آخرین حمله خود را به "عقدہ" ویتنام" انجام دهند و برای هیئت حاکم فعلی لزوم عرض‌اندام آمریکا و آمادگی برای دخالت نظامی ، بویژه بخاطر نزدیک بودن این دو منطقه - ایران و افغانستان - به پایگاه نفتی حیاتی برای جامعه غربی یعنی خلیج فارس ، تاکید کند . . . منطقه‌ای که از سال ۱۹۷۴ (دوران ریاست جمهوری فورد) نامزد دخالت‌های نظامی آمریکا بوده و در حال حاضر به پایگاهی برای آزمایش علمی جدی بودن کوشش ایالات متحده برای رهایی از عقدہ ویتنام تبدیل شده است . در حالی که می‌توان انقلاب ایران را حدفاصل میان مرحله "خودداری" از دخالت و مرحله آمادگی جدی برای دخالت دانست . در زیر کلیه عواملی را برمی‌شمیریم که در طول مرحله "خودداری" از دخالت ، نقش مهمی در رسیدن به اجماع تازمای در درون هیئت حاکم برای بازگشت به منطق استفاده از قوه قهریه ، ایفا کردند .

۳- تلاش برای سلطه مجدد اقتصادی آمریکا بر جهان

همانگونه که پیشتر گفتیم امپریالیسم آمریکا از هنگام شکست در ویتنام از تضادی آشکار میان ناتوانی در دخالت نظامی و عدم امکان جلوگیری از سقوط اقتصادی خود در رنج بوده که راه حل آن فقط در دو مورد خلاصه میشود : بازگشت به شیوه دخالت نظامی و سلطه‌گری نظامی و یا تلاش برای حل مشکلات اقتصادی و تجدید سلطه اقتصادی خود بر جهان .

گروه نماینده منافع نهاد نظامی منطقی ساده‌لوحانه مبنی بر حل تضاد از طریق فعال ساختن مجدد ماشین جنگی ارائه می‌دهد ، حال آنکه گروه‌های نماینده سرمایه چند ملیتی و سرمایه مالی (گرایش تجاری) منطق پیچیده‌تری دارند . عملکرد آنها در تلاش‌های متعدد برای یافتن شیوه‌های جدید به منظور تقویت

اقتصاد آمریکا و نیز بیان این استنتاج مشهود است که: "قدرت اقتصادی بیشتر از قدرت نظامی، ابزاری عملی برای راه یافتن به بازارها و حفظ امکان دائمی رسیدن به مواد اولیه است".

الف - شکوفایی گرایش تجاری: طرفداران این گرایش که شرکتهای چندملیتی و سرمایه مالی (بخش بانکی) هستند، کار تئوریک خود را در چارچوب مؤسسه بروکینگز و شورای روابط خارجی متمرکز کرده‌اند. آنان فعالیت اقتصادی را در بازارهای جهانی و فعالیت سیاسی را در داخل کاخ سفید ادامه می‌دهند و تا پیش از زمامداری نیکسون موفقیت‌هایی نیز به دست آوردند و در سالهای بین ۱۹۴۲ تا ۱۹۶۷ چندین لایحه در مورد تجارت و عوارض گمرکی به تصویب رساندند که به موجب آنها عوارض گمرکی واردات به آمریکا از ۵۹ درصد در سال ۱۹۳۲ به ۹/۹ درصد در سال ۱۹۷۰ کاهش یافت. همچنین حجم سرمایه‌گذاریهای مستقیم آمریکا در اروپای غربی از ۱/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۵۰ به ۱۶/۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۶۶ و ۳۰/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۲ افزایش یافت. حجم سرمایه‌گذاریهای درازمدت آمریکا در همین فاصله زمان از ۱/۳ میلیارد به ۴/۵ میلیارد و سپس ۵/۹ میلیارد دلار رسید. حجم سرمایه‌گذاریهای کوتاهمدت آمریکا از ۰/۴ میلیارد به ۲/۶ میلیارد و ۵/۳ میلیارد دلار ترقی کرد. اهمیت بانکهای آمریکایی هم از طریق بین‌المللی کردن سرمایه در سطحی وسیع، روبه فزونی گذاشت و تعداد بانکهای آمریکایی که در سراسر جهان شعبه دارند از ۸ بانک در سال ۱۹۶۰ به ۱۲۹ بانک در سال ۱۹۷۴ رسید و شعبه‌های خارجی این بانکها در همین فاصله زمانی از ۱۳۱ شعبه به ۷۳۷ شعبه رسید و موجودی آنها از ۳/۵ میلیارد به ۱۵۵ میلیارد افزایش یافت.

در نیمه اول دهه شصت روشن شد که بخشهای مهم اقتصاد آمریکا و اروپای غربی و ژاپن هرچه بیشتر درهم آمیختنند و رویای امپریالیستی ایجاد فاصله "جامعه بین‌المللی" خلاصه شده در مجموعه‌ای از مؤسسات و بانکها به حقیقت پیوسته است. به تعبیر راکفلر: "زمان برجیدن حصار پیرامون شرکتهای چندملیتی فرارسیده تا این شرکتهای بتوانند به کار بی‌پایان خود که توسعه اقتصاد جهانی است، ادامه دهند". جورج بال یکی از تئوریسین‌های این سیاست در سال ۱۹۶۷ خطاب به کمیته انگلیسی اتاق بازرگانی بین‌المللی گفت: "در این ۲۰ سال بعد از جنگ جهانی دوم عملاً می‌بینیم که مرزهای سیاسی کشورهای ناسیونالیستی تنگ و محدود بوده و نمیتوان چارچوب مشخصی برای فعالیت‌های مربوط به کار و تجارت تعیین کرد". اما در اواخر دهه شصت با توسعه اقتصاد اروپا و آلمان و افزایش قدرتین ژاپن و مارک آلمان، ارزش دلار روبه کاهش گذاشت و نتوانست به عنوان وسیله‌ای برای مبادلات بین‌المللی به جای طلا، موقعیت خود را حفظ کند. حمایت اقتصادی متکی بر اقتصاد اروپا ضرورت خود را از دست داد و سرمایه‌داران در این مرحله در مورد لزوم اصلاح نظام اقتصادی جهان به توافق رسیدند و بدین گونه در اوایل دهه هفتاد محافل مذکور بحثهایی جدی را برای یافتن شیوه‌های تازه مقابله با سقوط قدرت اقتصادی آمریکا آغاز کردند.

ب - صدمه‌های نیکسون: ریچارد نیکسون در سال ۱۹۷۱ تدبیرهایی اتخاذ کرد که به تعبیر مخالفانش به "صدمه‌های نیکسون" از زمینه اقتصادی منتهی شد. نیکسون بقصد کاهش ارزش دلار در مقابل ارزهای دیگر و افزایش حجم صادرات آمریکا دستور داد تبدیل دلار به طلا یا ذخایر دیگر متوقف شود. این اقدام تجاوز به قراردادهای صندوق بین‌المللی پول تلقی شد. وی به واردات آمریکا نیز به میزان ۱۰ درصد مالیات بست که تجاوز به قراردادهای عمومی تجارت و عوارض گمرکی محسوب می‌شود. نیکسون در ضمن از ژاپن و هنگ‌کنگ خواست میزان پارچه صادراتی خود به آمریکا را کاهش دهند. در بهار ۱۹۷۲ با موافقت این دو کشور با درخواست نیکسون و نیز کاهش محدودیت‌های گمرکی بر کالاهای آمریکا، این سیاست به نوعی موفقیت آمیز جلوه کرد. این اقدامات منافع شرکتهای چندملیتی و نمایندگان باصلاح سرمایه بین‌المللی را که بزرگترین کارفرمایان ایالات متحده و جهان غرب‌اند و دیوبند راکفلر از مهمترین عناصر آنها به شمار می‌رود، در معرض تهدید قرار داد. نمایندگان این گرایش چندملیتی در حکومت نیکسون، در پی تصمیمات وی از مقام‌های خود کناره‌گیری کردند. از جمله: فیلیپ تریسایز معاون وزیر خارجه در امور اقتصادی که

در برخی مراحل منافع این گروهها با منافع شرکتهای چندملیتی تضاد پیدا می‌کند ولی در مراحل دیگر میان آنها تکامل و هماهنگی پدید می‌آید و در هر دو مورد، این تضاد و ائتلاف روی سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده اثر می‌گذارد.

به دشواری می‌توان مرز مشخصی برای هریک از این صنایع تعیین کرد. مثلاً "دلایلی هست که نشان می‌دهد شرکتهایی که فعالیت خود را روی بازارهای داخلی متمرکز کرده و خواهان حمایت گمرکی برای تولیدات خود هستند، مثل صنایع فولاد، شروع به معامله هرچه بیشتر با بازارهای بین‌المللی نیز کرده‌اند.

ج - پیدایش کمیته سه جانبه - به منظور ایجاد چارچوبی برای فعالیت گروههای سرمایه چند ملیتی، راکفلر در سال ۱۹۷۳ با کمک برژیتسکی "کمیته سه جانبه" را بنیان گذاشت که هدف آن یافتن شیوه‌های جدید برای حفظ منافع سرمایه داری بین‌المللی و توسعه آن بود. برای سازماندهی این کمیته برژیتسکی حدود ۲۰۰ تن از برجسته ترین کارفرمایان و بانکداران بین‌المللی را انتخاب کرد و بدین گونه مراکز زیر به این کمیته راه یافتند: بزرگترین بانکهای بین‌المللی: جی‌سی مانهاتن - لیمن بروس - بانک آمریکا - پاریس هلند بانک - فدراسیون بانکهای آلمان - بانک توکیو - لویذراف لندن و بانکهای دیگر... و نیز شرکتهایی از قبیل: کوکاکولا - بندیکس - بان آمریکا - آی بی ام - فیات - رویال داچ شل - میتسوبی شی - یونیلور - سونی - تویوتا - موبیل - اکسون و سن گوین... و چند روزنامه و مجله: تایم - لس آنجلس تایمز - اکونومیست - لاستامپا - دی‌زایت - ژاین تایمز - فارین پالیسی - واشنگتن پست... و چند مؤسسه دیگر: بروکینگز - مؤسسه ایتالیایی برای امور بین‌المللی - بانک توسعه آسیا - راندکورپوریشن - بانک بین‌المللی - صندوق بین‌المللی پول - مؤسسه همکاری اقتصادی و توسعه - مؤسسه "جات"... و چند سندیکای کارگری: بزرگترین سندیکای کارگری آمریکا به نام

آلمان...

کمیته اجرایی سرمایه‌داری

بعضی تحلیل گران این کمیته سه جانبه را به نام "کمیته اجرائی" سرمایه‌داری بین‌المللی معرفی کرده معتقدند که ایدئولوژی آن را می‌توان بیانگر دید جهان شمول شرکت‌های چند ملیتی دانست که می‌کوشد "سیاست‌های اقلیمی را وادار به خدمت به هدفهای اقتصادی غیر اقلیمی" کند.

یکی از اولویت‌های کمیته سه جانبه در زمینه اقتصادی، حمایت از سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی بود، یعنی یافتن اوضاع مناسب برای ادامه کار در خارج. از خطراتی که این هدف را تهدید می‌کرد، تلاشهای احتمالی کشورهای در حال رشد "میزبان" این سرمایه‌گذارها در جهت ملی کردن منافع بیگانگان بود. برای مقابله با این خطر، کمیته سه جانبه پیشنهاد کرد "قوانین بین‌المللی تازه‌ای برای پایان دادن به تلاشهای دولتهای محلی برای قبضه کردن" سهم نامتناسبی "از سود سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی به نفع کشورهای خود" وضع شود. از دیگر هدفهای این کمیته در زمینه تجارت "کاهش و لغو تدریجی عوارض گمرکی کالاهای صنعتی" است.

از دیگر اولویت‌های اساسی کمیته، اصلاح نظام پولی جهانی است. توجه به این امر در نیمه سال ۱۹۷۳ در محافل سرمایه‌داری بین‌المللی به اوج خود رسید و سرانجام اقداماتی در این زمینه از جمله لغو میانجیگری نقدی طلا در صندوق بین‌المللی پول اتخاذ شد.

کمیته سه جانبه همچنین برای درک "اغتشاش" های فزاینده در جهان سوم تلاشهای ویژه‌ای بعمل آورد و بعلاوه ناآرامیهای حاکم در این مناطق، کمیته لزوم "جذب و کنترل" کشورهای در حال رشد را در چارچوب نظام سرمایه‌داری بین‌المللی مطرح کرد. در این زمینه اقدامات مختلفی صورت گرفت. از جمله به کشورهای در حال رشد نقش سمبولیک بزرگتری در سازمانهای بین‌المللی مثل صندوق بین‌المللی پول داده شد و این تلاشی برای پیوند دادن اقتصاد جهان سوم به سرمایه‌داری غربی بود.

دو مثال مهم را در مورد این خط‌مشی کمیته سه جانبه می‌توان مطرح کرد: یکی سیاست افریقایی درهای باز کارتر و دیگری حجم عظیم دیون کشورهای فقیر در مرحله اخیر. این دو عامل کشورهای فقیر را وامی‌دارد که فقط در محدوده تحمیلی کشورهای سرمایه‌داری حرکت کنند.

مهمترین پروژه‌های که کمیته سه‌جانبه به اجرا گذاشت، ابتکار مشترک آن با "سازمان اوپک" از طریق پروژه "پنجره سوم" بود. براساس این طرح "اوپک" مبالغ هنگفتی در اختیار کشورهای فقیر جهان سوم گذاشت تا این کشورها بتوانند از شرکتهای بزرگ سرمایه‌داری و از طریق بانک جهانی و کمکهای کشورهای سرمایه‌داری غربی، کالاهای مصرفی خریداری کنند.

علت ارائه این طرح از سوی کمیته سه‌جانبه این بود که تراکم دلارهای نفتی در کشورهای اوپک برای کمیته ایجاد اشکال میکرد و بنابراین لازم بود راهحالی برای به کار افتادن این دلارها در طرحهایی که سرانجام به مواسات سرمایه‌داری بین‌المللی سرازیر شود، پیدا شود. در منطق کمیته سه‌جانبه بهتر است موجودیهای اضافی کشورهای اوپک که صرف خرید کالاهای کشورهای صنعتی نمی‌شود، در اختیار کشورهای فقیر گذاشته شود تا اینها در این راه از آن استفاده کنند. موفقیت این طرح تاثر نیروهای کمیته سه‌جانبه در سیاست اقتصادی بین‌المللی را بوضوح نشان می‌دهد. این طرح برای نخستین بار در اوایل سال ۱۹۷۴ بعد از بی‌آمدهای ناشی از "بحران انرژی" عنوان شد و سپس در اواخر همین سال با بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در میان گذاشته شد و بانک جهانی در ژوئیه ۱۹۷۵ با آن موافقت کرد و فعالیت آن بطور جزئی از همان تاریخ آغاز شد.

در زمینه انرژی، کمیته سه‌جانبه از کشورهای صنعتی خواست که انگای خود را بر نفت اوپک کاهش دهند. این خواست اساس برنامه انرژی کارتر بود که بعدها با شکست مواجه شد.

توجه کمیته سه‌جانبه به جهان سوم ناشی از نیاز به مواد اولیه این کشورهاست. یکی از رهبران این کمیته می‌گوید: "همه شرکتهای بزرگ آمریکائی موظف به سرمایه‌گذاری خارجی و توجه به بازارهای برون مرزی هستند. موازنه پرداختهای آمریکا متکی بر درآمد این شرکتهاست. و ملت آمریکا منتظر آزادی مصرف کالاهای خارجی است. و صنایع ما نیاز به انرژی و مواد اولیه برون مرزی دارد. و انتظار می‌رود که ارزش و وزن نسبی این مواد در اقتصاد آمریکا افزایش یابد... و کل دینامیسم فعالیت‌های تجاری به سوی درگیر شدن بیشتر و نه کمتر در فضاهای بین‌المللی، در حرکت است."

این وضع به نظر کمیته سه‌جانبه توان عظیمی به کشورهای جهان سوم می‌دهد و برژنیسکی این توان را به "قدرت منفی" تعبیر کرده و منظورش این است که امکان دارد این کشورها با همکاری بد منظور حفظ "آرامش" بین‌المللی مخالفت کنند.

این وحشت از "قدرت منفی" جهان سوم کمیته سه‌جانبه را واداشت روی اصل "تکامل" تاکید کند و منطق خود را بر این اساس بگذارد که: در کشورهای در حال رشد به کمک و تکنولوژی و دانش تکنیکی و بازارهای جهان سه‌جانبه (اروپای غربی - آمریکا و ژاپن) نیاز دارند... و جهان سه‌جانبه محتاج هر چه بیشتر کشورهای در حال رشد برای منابع اولیه و بازاری برای صادرات خود... و "شرکای" سازنده در ایجاد نظام جدید جهانی است."

کمیته سه‌جانبه برای بیان اصل تکامل اصطلاح‌های گوناگونی به کار می‌برد، از جمله: "قرارداد اجتماعی" و "مامله نظام جهانی" و "سوءولیت‌های مشترک" و "هماهنگی جدید"...

در آخرین تحلیل می‌توان هدف کمیته سه‌جانبه را حفظ نظام اقتصادی جهان سرمایه‌داری دانست. نظامی که کشورهای صنعتی بر آن مسلط باشند و ایالات متحده بر این کشورها مسلط باشد... و حداکثر چیزی که کشورهای در حال رشد می‌توانند انتظار داشته باشند، دریافت کالاهای کشورهای پیشرفته است که گرایش به مصرف در این کشورها را دامن می‌زند... و نیز دریافت برخی انواع تکنولوژی کهنه شده که در بسیاری موارد به پروژه‌های نافرجام و بی‌فایده می‌انجامد.

د - پروژه دهه هشتاد - روزنامه‌ها و مجله‌ها اطلاعات مختصری را در باره کمیته سه‌جانبه گزارش کردند ولی به پروژه دیگری که بنام "پروژه دهه هشتاد" که توسط شورای روابط خارجی تهیه شده با هدفهای کمیته سه‌جانبه مطابقت دارد، اشاره نکردند. شورای روابط خارجی در گزارش سالانه خود برای سال ۱۹۷۴ این پروژه را "مهمترین عملیات شورا به دلیل گستردگی و پیچیدگی‌اش که تمامی فعالیتهای دیگر شورا وابسته به آن خواهد بود"، توصیف کرد. شورای روابط خارجی به دلیل شمول دیدگاهش نسبت به نظام بین‌المللی، با دیگر گروههایی که در تدوین سیاست خارجی امریکا ایفای نقش می‌کنند، تفاوت داشته و نظرات این شورا از شبکه‌های پیچیده روابط عمومی به تصمیم گیرندگان القا می‌شود. و فعالیتهای آن بنا به شیوه خاصی که دارد، در مطبوعات منعکس نمی‌شود. اشاره‌های نادری که در باره فعالیت‌های این شورا در وسایل جمعی می‌شود، نفی اهمیت آن نیست، چه در سال ۱۹۷۱ فاش شد که رهبری شورای روابط خارجی "شکل دهنده سیاست خارجی امریکا" است. . . همچنین در سال ۱۹۷۵ اعلام شد که اعضای این شورا از متفقدترین عناصر در دولت و محافل مطبوعاتی و بازرگانی هستند.

سرمایه‌داری در جستجوی نظامی تازه

هدف اساسی "پروژه دهه هشتاد" ایجاد نظام جدید بین‌المللی به جای سیستم موجود است. زیرا نظام سرمایه‌داری که تحت رهبری امریکا بود، به عقیده شورای روابط خارجی، از اواخر دهه شصت بعلت رقابت در داخل جهان سرمایه‌داری صنعتی و جنگ ویتنام و فقر و انقلابهای جهان سوم و تورم مالی و پیروزی کارتل‌های نفت و دگرگونی در موازنه قدرت جهانی رویه قهقرا نهاد.

"بابلس مانتینگ" رئیس وقت شورای روابط خارجی گفته است: شورا از جنگ جهانی دوم به این سو، نظام بین‌المللی را بصورت "مطالعه جنگ و صلح" ارزیابی همه‌جانبه نکرده است و تغییرات پدید آمده در جهان بررسی تازه‌ای را ایجاب می‌کند تا مثل روزهای بعد از جنگ دوم هماهنگی جهان از نو برقرار شود بویژه که نظام سرمایه‌داری در دهه هفتاد با بحران اقتصادی مشابه بحران دهه چهل روبروست.

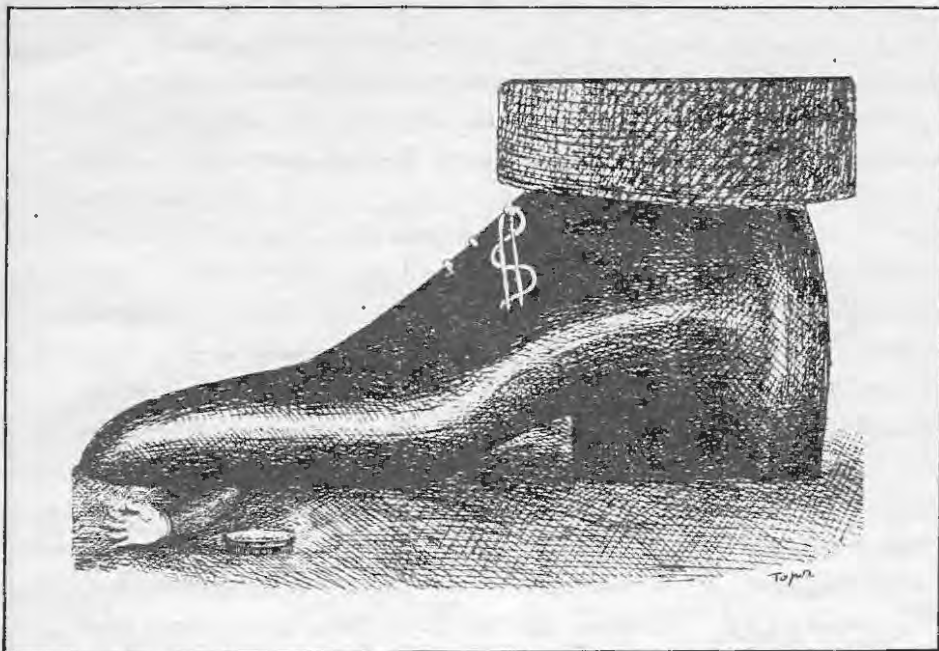
هدف دیگر "پروژه دهه هشتاد" اقدام به "تلاش سازمان یافته برای ایجاد تحول در خطوط کلی دگرگونی نظام بین‌المللی در دهه آینده" است و در این راه در سه مرحله زیر باید کوشش شود:

۱- بررسی همه‌جانبه نظام بین‌المللی و سپس طرح این سوال که امریکا در ده سال دیگر کجا می‌خواهد باشد؟
 ۲- بررسی موانع موجود بر سر راه رسیدن به شرایط مطلوب و تشخیص فاصله میان آنچه می‌توان به آن رسید و شرایط مطلوب. ۳- فعال و مدرنیزه کردن استراتژی تحقق هدف‌های شورا و رسیدن به اجماع جهانی در باره این هدفها.

دشوار می‌توان وسعت مطامع پروژه دهه هشتاد را - حتی - تصور کرد زیرا این پروژه چنانکه در گزارش توصیف شده، "ناگزیر است استراتژیهای متعددی برای تغییر رفتار تمامی بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی" طرح کند: افراد - دولتها - دستگاههای درون هیأت‌های حاکم - نخبگان سیاسی - شرکتهای صنعتی - گروههای فشار - سازمانهای توده‌ای - جمعیت‌ها - مؤسسات در سطوح ناسیونالیستی و مافسوق ناسیونالیستی.

برای رسیدن به هدفهای این پروژه، شورای روابط خارجی چند کمیته کار متشکل از کمیته دائمی، کمیته هماهنگی، دوازده گروه کار و چند مشاور محلی و خارجی، کارشناس و گروههای کوچک فعال بطور فصلی تشکیل داد.

مرکز ثقل قدرت واقعی پروژه دهه هشتاد، کمیته هماهنگی است که ۱۴ نفر در آن عضویت دارند و از شخصیتهایی با گرایشهای گوناگون بویژه از محافل دانشگاهی (دانشگاههای هاروارد و پرینستون و کلمبیا) و کارفرمایان و دولت‌مردان تشکیل شده که اغلب از اندیشمندان سیاسی یا از سیاست‌پیشگان - کارمندان



وزارتخانه‌های خارجه و دفاع - و دست درکاران مجله فارین پالیسی هستند. ریاست پروژه دهه هشتاد را استاد "ریچارد اولمن" استاد دانشگاه پرینستون بعهده دارد.

گروههای کار زیر نظر کمیته هماهنگی به مسائل مهمی، از قبیل روابط شمال و جنوب، نظام اقتصادی جهان، مشکل امکان اصلاح مؤسسهها در سطح جهان، قراردادهای اقتصادی و نقش شرکتهای چند ملیتی رسیدگی می‌کنند... سه گروه نیز در زمینههای امنیت، برخورد مسلحانه، تروریسم بین‌المللی و تخریب فعالیت دارند... و دو گروه به مسائل "حقوق بشر" می‌پردازند. پروژه دهه هشتاد، فعالیت خود را روی بررسی "هویت دسته‌جمعی و وابستگیهای گرایشها و نیروها در جهان سوم" متمرکز کرده است.

روابط پیچیده‌ای نیز میان پروژه دهه هشتاد و کمیته سه‌جانبه وجود دارد. چه دوتن از کارکنان کمیته هماهنگی پروژه دهه هشتاد، در کمیته سه‌جانبه حضور دارند که یکی از آنها استاد "ساموئل هانتینگتون" یکی از مؤلفان گزارش کمیته سه‌جانبه به نام "بحران دموکراسی" است که در سال ۱۹۷۵ منتشر شد.

دیدگاه پروژه دهه هشتاد نسبت به امنیت بین‌المللی منطبق با دیدگاه شورای روابط خارجی است. در این زمینه هر دو متفقند که ایالات متحده باید وضع نظامی مسلطی همراه با تقویت روابط با جهان سه‌جانبه داشته‌باشد، به این معنا که هم‌پیمانی‌های اساسی آمریکا با اروپای غربی و ژاپن ادامه‌یابد. ولی این وضع نیاز به هماهنگی میان قدرت نظامی برتر و "انضباط ذاتی" دارد و برای تأمین انضباط ذاتی باید هر پنج کانون قدرت جهان (آمریکا - شوروی - چین - اروپای غربی - ژاپن) را متقاعد کرد که بعضی مناطق جهان باید خارج از چارچوب رقابت میان ابرقدرتها باشد. مناطق انضباط ذاتی عبارتند از: آمریکای لاتین، آفریقای سیاه و آسیای جنوب شرقی.

این وضع مستلزم امضای قراردادی میان ابرقدرتهای برخوردار از نکات "مثبت" در زمینه سیاسی و اقتصادی است تا بتوانند از توسعه "جنگهای محدود" جلوگیری کرده و به جای مناطق نفوذ ویژه بعضی قدرتها، روابط اقتصادی چند جانبه‌ای را تشویق کنند.

مجموع کلام این که شورای روابط خارجی معتقد به تنش زدائی در زمینه امنیت است، مشروط بر این که

کشورهائی مثل شوروی و چین از کمک به جنبشهای آزادیبخش خودداری کنند .

ه - نامزدی کارتر برای ریاست جمهوری و رهائی از عقده ویتنام در زمینه روانی یکی از جنبه‌های اساسی عقده ویتنام جنبه روانی یعنی عدم موافقت ملت امریکا با شرکت در جنگهایی به سبک جنگ ویتنام است . "نوام جومسکی" یکی از معروفترین روشنفکران دست چپی امریکا اشاره کرده است که روشنفکران امریکایی تلاشهای متعددی کرده‌اند تا به قصد کاهش "درسهای جنگ" و رهائی از عقده ویتنام تاریخ را دوباره بنویسند .

وی مخالفان امریکائی جنگ ویتنام را در سه‌گروه معرفی میکند : ۱ - مخالفان "ایدئولوژیک" که تجاوز را اقدامی غیراخلاقی - حتی از سوی امریکا - می‌دانند . ۲ - مخالفان "اخلاقی" که ترور و کشتار را نکوهش و از جنگ ویتنام انتقاد می‌کنند زیرا بطور خلاصه جنگ خونینی است . ۳ - مخالفانی که معتقدند ایالات متحده در جنگ پرهزینه‌ای درگیر شده و لذا به دلیل "غیرمفید" بودن باید آن را پایان داد . . . این گروه از مخالفان اساسی جنگ ویتنام بودند . . . البته میان کمبوتراها و بازهای افکار عمومی امریکا این توافق ضمنی وجود داشت که ایالات متحده حق دارد هر زمان که بخواهد نیرو و خشونت به کار گیرد زیرا تنها کشور جهان است که بر اساس ارزشهای "اخلاقی" عمل می‌کند !

جومسکی تحلیل می‌کند که رهائی از عقده ویتنام حالت اسطوره و فاجعه به خود گرفت ، چه وسایل ارتباط جمعی امریکا دشمن را نه تنها "شور" معرفی کردند بلکه کوشیدند اطمینان از دست رفته به رسالت امریکا و صفای اخلاقی آن را تجدید کنند . نمایشنامه در دوپرده اجرا شد : در پرده اول شر بصورت انسان درآمد و سپس طرد شد . جومسکی در اینجا به مبارزه بی‌رحمانه وسایل ارتباط جمعی امریکا با نیکسون و متهم کردن وی که رفتاری غیرعادی داشته ، اشاره می‌کند . در اینجا یادآور می‌شویم که حمله به نیکسون بخاطر بیماران کامبوج نبود بلکه محرمانه بودن این بیماران انگیزه این حملات بوده است .

اما پرده دوم نمایشنامه حالت "رهائی" به خود گرفت و طی آن رسالت ! تازه‌ای به نام "حقوق بشر" کشف شد . نامزدی کارتر بخش اساسی پرده دوم این نمایشنامه بود . پیروزی وی در انتخابات ناشی از انتخاب سیاسی نوعاً متفاوت با رقیب جمهوریخواه وی نبود ، بلکه این پیروزی از عوامل روانی نشأت می‌گرفت . چراکه اطمینان به نفس امریکائیه بعد از جنگ ویتنام از میان رفته بود و رسوائی و اترگیت نیز شیوع رسوه خواری و جاسوسی و سرقت در محافل سطح بالای هیات حاکمه را برملا ساخته بود سرانجام نامزدی کارتر و پیروزی وی در انتخابات اوج تلاش برای طرد شیطان شکست (ویتنام و اترگیت) را به نمایش گذاشت .

کارتر از شکست ویتنام و رسوائی و اترگیت در طول نبرد انتخاباتی‌اش در سال ۱۹۷۶ بهره برد و آنها را توجیهی برای لزوم انتخاب خود قلمداد کرد و در میارزات انتخاباتی جماعت "این جنوبی پاک نهاد که از رفتار هیاتهای حاکمه به دور بوده" مرتب به مفرز رای دهندگان کوبیده می‌شد ، اودریک برنامه تلویزیونی خطاب به ملت امریکا گفت : آیا باز هم دولتی سری خواهیم داشت که حاضر نخواهد شد در اتخاذ تصمیمات اساسی ملت را شرکت دهد ؟ در این سالهای اخیر بخاطر بی‌آمدهای جنگ ویتنام و کامبوج و شیلی و پاکستان و انگولا و نیز بخاطر رسوائیهای و اترگیت و سازمان اطلاعات مرکزی - سیا - زخمی شده ایم . ملت احساس می‌کند چیز گرانیهای را از دست داده است . "

کارتر در برنامه های دیگری به "بوروکراسی واشنگتن" و "ستم مالیاتی" و "ماجرای جوتیهای ماوراء بحار" حمله کرد و توانست در اذهان ملت امریکا که هنوز از اثرات جنگ ویتنام و اترگیت رنج میبرد ، اسطوره تازه‌ای ایجاد کند . . . او در دومین برنامه تلویزیونی خود برای اعاده اعتماد به نفس به ملت امریکا گفت : " صرفنظر از ویتنام و کامبوج و سازمان اطلاعات مرکزی ، نظام سیاسی ما همچنان بهترین نظام جهان است . "

پیروزی جیمی کارتر در انتخابات ، محافل سرمایه‌داری چند ملیتی - کمیته سه جانبه - را که کارتر

در واقع نامزد خودشان بود ، متعجب نکرد . اینان حتی پیشاپیش به شکست حزب جمهوریخواه اطمینان داشتند و کوشیدند بیداری "جنوب جدید" را (کارتر از ایالت جورجیا در جنوب است) به افکار عمومی القا کنند آنها کارتر را به عنوان شخصی که می‌تواند دموکراتها را متحد کند و آنان را از گرایش به راست "جورج والاس" و گرایش به چپ "مک‌گاورن" نجات دهد ، معرفی کردند .

کمیته سه جانبه در تلاش برای توصیف کارتر بعنوان رئیس جمهور ایده‌آل ، مجله تایم و سردبیر آن را که وابسته به کمیته بود ، مامور کرد تا نقش اساسی در معرفی تدریجی کارتر را بعهدہ بگیرد و تصویر او را از "غریبه دوست داشتنی" به "برنده" انتخابات ریاست جمهوری تبدیل کند به نحوی که با اسطوره "موفقیت" فرد عادی در ایالات متحده انطباق داشته باشد . پیتریورن یکی از دستیاران کارتر در مبارزات انتخاباتی گفته است : "دیویدراکفلر و برژینسکی (بنیانگذاران کمیته سه جانبه) توافق کردند که کارتر سیاستمدار ایده‌آلی است که می‌توان در انتخابات ریاست جمهوری روی او شرط بندی کرد . . . چه کارتر ازیدو تاسیس کمیته در سال ۱۹۷۳ به ریاست برژینسکی مشاور فعلی کارتر در امور امنیت ملی ، در آن عضویت داشته است . . . و نماینده جنوب هم می‌تواند باشد زیرا فرماندار ایالت جنوبی جورجیا نیز بوده است ."

با توجه به تعداد کسانی که عضو کمیته سه جانبه بوده و مقامی در حکومت کارتر بعد از پیروزی اش احراز کردند ، بی تردید می‌توان گفت گروه کار کارتر برای پیشبرد منافع کمیته سه جانبه و گرایش "تجاری" هیات حاکمه واشنگتن را تشکیل دادند نامهای برجسته در حکومت کارتر که اصولا وابسته به کمیته سه جانبه هستند ، عبارتند از : خود کارتر ، معاونش والتر ماندل ، برژینسکی مشاور در امور امنیت ملی ، هارولد براون وزیر دفاع ، سایروسونس وزیر خارجه - که کناره گیری کرد - ، مایکل بلومنتال وزیر دارائی ، اندرویانگ نماینده سابق امریکا در سازمان ملل متحد ، ساول لینوفیتس مسئول فعلی مذاکرات خودمختاری میان مصر و صهیونیستها (و امریکا) ، وارن کریستوفر معاون وزیر خارجه ، پل وارنک رئیس سابق دفتر محدودیت سلاحهای اتمی و خلغ سلاح که قرار بود رهبری مذاکرات (سالت - ۲) را بعهدہ بگیرد .

دیگر اعضای کمیته سه جانبه پستهای مهمی در وزارتخانه های خارجه ، دفاع و دارائی بعهدہ دارند . یک قاضی فدرال ، چند مستشار در شورای امنیت سازمان ملل متحد ، سه سفیر (ژاپن و ایتالیا و یکی سیار) نیز عضو این کمیته هستند .

در شماره آینده : مشخصات جناح « نظامی »

سرماهداری امریکا ، و راه حل هایی که

برای حفظ سلطه امریکا پیشنهاد میکند .



روز به روز

— دولت مراکش ناآید کرد که در نبرد سخت چریکهای پولیساریو با نیروهای مراکشی در ۷۵ کیلومتری داخل این کشور، ۲۰ سرباز مراکشی کشته و ۳۰ نفر ناپدید شده‌اند. (کیهان)

چهارشنبه دوم مهر ماه

— بنی صدر: در صورت حمایت کشورهای دیگر از عراق، ایران تنگه هرمز را به روی کشتی‌های جهان می‌بندد. (مطبوعات)

— ۴۵ میگ عراق در خاک ایران سرنگون شد.

— ۲۳ تانک و زرهپوش عراقی بنصرف ایران در آمد. تیمسار فلاحی گفت: " بطور وسیع در زمین، هوا و دریا درگیر هستیم". (کیهان)

— بر اثر حمله نیروهای عراق، بیش از یکصد تن از مردم خرمشهر به شهادت رسیدند. (انقلاب اسلامی)

— امام خمینی، در پیامی در رابطه با وضع جنگی کشور، به همه " اشخاص و مقامات غیر مسئول فرمان داد که از دخالت در امر فرماندهی خودداری کنند". امام همچنین گفت که " فرمانده کل قوا به نمایندگی اینجانب و شورای فرماندهی مسؤول امور جنگی هستند". (مطبوعات)

— ۱۴۰ جنگنده ایران مراکز استراتژیک عراق را در هم کوبیدند. (جمهوری اسلامی)

— در جریان ملاقات رئیس جمهوری و نخست وزیر با سفیران کشورهای اسلامی در ایران، بنی صدر گفت: تجاوز عراق توطئه گسترده‌ای برای از بین بردن جمهوری اسلامی ایران است. (جمهوری اسلامی)

سه‌شنبه اول مهر ماه ۵۹

— در پاسخ تجاوز هوایی دبیروز، جنگنده‌های ایران پایگاههای عراق را در هم کوبیدند. ۱۶ میگ و ۲ هلیکوپتر عراقی در ایلام، بوشهر، همدان و دزفول سرنگون شد. (انقلاب اسلامی)

— نیروی هوایی ایران مواضع دشمن را در قلب عراق در هم کوبید. ستاد امنیت در سراسر کشور تشکیل شد. تنگه هرمز و خلیج فارس به کنترل کامل نیروهای دریایی ایران در آمد. (کیهان)

— جنگ ایران و آمریکا گسترش یافت. (جمهوری اسلامی)

— به گزارش تلویزیون رژیم صهیونیستی، عراق تعدادی از هواپیماهای جنگی و باری خود را برای حفاظت در مقابل حمله ایران، به اردن منتقل کرده است. (انقلاب اسلامی)

— بمناسبت اول مهرماه و بدعوت آیت‌الله منتظری، راهپیمایی‌های بزرگی در تهران و دیگر شهرهای کشور انجام گرفت. (مطبوعات)

— گروهی از استادان دانشگاه خواستار تشکیل کمیته‌ای برای نظارت بر محاکمه محمدرضا ساداتی، عضو سازمان مجاهدین خلق شدند. (انقلاب اسلامی)

— فرماندار گرگان، عصر دیروز در حالیکه به یک کلت مسلح بود با ۲ ماه مور شهربانی به محل رادیو گرگان رفت و آن را اشغال کرد. (انقلاب اسلامی)

— روستائیان میان‌دوآب اسلحه خود را شخصا تحویل دادند. (جمهوری اسلامی)

- سفیر شوروی در ایران، با رئیس جمهور ملاقات کرد. (مطبوعات)
- سفیر ایران در شوروی، خواستار قطع فروش اسلحه شوروی به عراق شد. (کیهان)
- خبرگزاری چین نو، قسمتی از سمانیه عراق درباره جنگ با ایران را، که در آن رژیم ایران "یک رژیم نژاد پرست" عنوان شده، بدون تقسیری بخش کرد. (کیهان)
- آیت الله اشراقی: اسلام با ملی گرایی موافق و برای وطن ارزش قائل است. (کیهان)

- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در نامه سرگندهای خطاب به مجلس، لزوم تجدید نظر مجلس در مورد مصوبات شورای انقلاب را یادآوری کرد. در این نامه بویژه بررسی در باره لایحه اصلاحات ارضی خواسته شده است. (کیهان)
- محاکمه سعادتی تا اطلاع ثانوی به تعویق افتاد. (مطبوعات)

- دادگاه منطقای ورشو، از چند ماده منشور پیشنهادی "اتحادیههای آزاد کارگران" ایراد گرفت. این منشور، توسط رهبران کارگران اعتصابی لهستان، برای ثبت به دادگاه ارائه شده بود. (کیهان)

پنجشنبه سوم مهر ماه

- ۸۰ تانک عراقی در ۱۲۰ کیلومتری اهواز نابود شد. ۱۷ جنگنده عراقی در حمله به تاسیسات اقتصادی ایران سرنگون شد. ایران ارتش عراق را در چند جبهه محاصره کرد. (کیهان)
- پایگاههای نظامی بصره، کوت و شعبیه عراق با خاک یکسان شد. (اطلاعات)
- مخازن نفتی آبادان با حمله عراق به آتش کشیده شد. (انقلاب اسلامی)

- جک کانن، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت که ایران ممکن است بتواند قطعات یدکی سازو برگ نظامی آمریکایی خود را از کشورهای دیگر خریداری کند. (انقلاب اسلامی)

- صدور نفت خام عراق قطع شد. (کیهان)
- عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، به قصد میانجیگری بین ایران و عراق، به بغداد

رفت. (مطبوعات)
- امام خمینی در پیامی خطاب به مردم و ارتش عراق، آنها را به قیام علیه صدام حسین و بیوستن به ارتش ایران دعوت کرد. (مطبوعات)
- فروش مواد سوختی به اتومبیلهای خصوصی، برای دو روز متوقف شد. (مطبوعات)
- در درگیریهای پراکنده در چند نقطه کردنشین ۴ پاسدار و سرباز و ۳ عضو حزب دموکرات کشته شدند. (کیهان)

- درگیری در مهاباد ادامه دارد. (اطلاعات)
- سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) از هواداران خود خواست برای دفاع از انقلاب و استقلال کشور با سپاه پاسداران و کمیتهها همکاری کنند. (اطلاعات)

- سازمان مجاهدین خلق از هواداران خود خواست که "برای دفاع از میهن آمادگیهای لازم را کسب کنند تا عنداللزوم در کنار بقیه مردم و ارتش تمام خلق وظیفه دفاع از میهن و مردم را ایفا نمایند". (اطلاعات)

- سازمان بسیج مستضعفین شرکت اقلیتهای مذهبی در ارتش رهایی بخش مستضعفین را بلامانع اعلام کرد. (مطبوعات)

- بیش از ۷۰۰ استاد با صدور اطلاعیهای خواستار بازگشایی دانشگاهها شدند. (کیهان)
- عزت الله سعیدی: گروهانگیری تاکنون اثر منفی داشته، اما نمیتوانست مثبت باشد. (بر اثر محاصره اقتصادی) ایران ناچار شده لوازم یدکی کاترپیلار را از یکی از ضد انقلابیون فراری بخرد و به او ۱۲/۵ تا ۳۰ درصد کمیسیون بپردازد. (انقلاب اسلامی)

شنبه پنجم مهر ماه

- ارتش ایران تمام مواضع مهم نظامی و تاسیسات نفتی عراق را شهدم کرد. ۲۱ میگ عراقی سرنگون شد. مردم خرمشهر با ورود به صحنه تبرد شکست سختی به عراقیها دادند. بمباران مسجد سلیمان ۲۳ کشته و ۶۰ زخمی بجا گذاشت. با بمباران محل اجتماع فرهنگیان آبادان ۲۳ فرهنگی کشته

دوشنبه هفتم مهر ماه

- شورای امنیت خواستار پایان جنگ ایران و عراق شد. ایران در جلسه شورای امنیت شرکت نداشت. (مطبوعات)
- صدام حسین برای مذاکره مستقیم یا غیر مستقیم با ایران اعلام آمادگی کرد. (مطبوعات)
- وزیر خارجه عراق: خسارات وارده به صنعت نفت عراق جبران ناپذیر است. (کیهان)
- معاون وزیر دفاع آمریکا به مصر رفت. (مطبوعات)
- خط لوله نفت عراق که از ترکیه به مدیترانه می‌رود متفجر شد. یک گروه ارمنی سوءولیت این انفجار را پذیرفت. (مطبوعات)
- سازمان عفو بین الملل: زندانیان سیاسی عراقی توسط مرگ موش مسموم میشوند (اطلاعات)

سه‌شنبه هشتم مهر ماه

- مردم گیلانغرب در جنگ تن به تن ستون زرهی عراق را اسیر کردند. مردم ۵۰ تانک عراقی را با کوکتل مولوتف و آر. پی. جی - هفت نابود کردند. ۷ تانک سالم، تعدادی موشک و ۲۵۰ کلاشینکف بدست روستائیان افتاد. (کیهان)
- فانتوم‌های ایرانی پالایشگاه خانقین را منهدم
- ~~مهران بسود~~ ~~خالد هلیکوپترهای هوانیروز، جنگ در~~ ~~فرمانده ژاندارمری~~ (کیهان)
- ~~که به‌میثاق خود با امام وامت وفادارند~~ (حزب توده)
- نماینده عراق در سازمان ملل گفت که کشورش تقاضای آتش بس شورای امنیت را می‌پذیرد. (کیهان)
- مگری / سفیر ایران در شوروی شرایط ایران برای آتش بس احتمالی با عراق را بدینگونه بر شمرد: استعفای صدام حسین، تسلیم شدن نیروهای عراقی به نیروهای ایرانی، تحویل بندر بصره به ایران بعنوان غرامت جنگی و برگزاری همه پرسی در این شهر برای تعیین ملیت شهر، همه‌پرسی از کردهای عراق برای خودمختاری آنان. (اطلاعات)
- ۱۱ ماه مور ژاندارمری در جاده‌های سیستان و بلوچستان بدست اشراز کشته شدند. (مطبوعات)

- عراقی های مهاجم به‌اهواز تا بصره عقب نشستند. سرپل ذهاب، قره بلاغ و ارتفاعات مشرف به قصر شیرین از جنگ عراق خارج شد. ۳۰ تانک عراقی به غنیمت گرفته شد. (کیهان)
- آمار روزنامه‌اطلاعات از ضایعات عراق از ۱۰ شهریور تا پامداد ۵۹/۷/۶: ۸۳ مگ، ۳ هلیکوپتر، ۲۲۲ تانک و نفربر زرهی، ۶ ناوچه موشک‌انداز، یک کشتی لایروبی و یک کشتی تجارتي.
- بنی صدر در مصاحبه با "نیوزویک": حمله عراق سبب تحکیم انقلاب ایران شد. (کیهان)
- سید احمد خمینی: "از عرفات خواستم در مورد ایران و عراق نظرش را بطور روشن بیان کند". (کیهان)

- ۲ مداح‌نمای قاچاقچی به حبس ابد محکوم شدند. (اطلاعات)
- محاکمه پنج عضو سازمان جریکهای فدایی خلق، پانهم اختفای مهمات جنگی غیرمجاز آغاز شد. (کیهان)
- ~~پهلوی، که در مراسم~~ ~~رواجانی، قاضی عسکر رژیم~~ ~~مبارزان، از جمله محمدعلی موحدی،~~ ~~اعدام بسیاری از~~ ~~مرتضی صمدیه‌لیافو خسرو گل‌سرخي شرکت داشته،~~ ~~به حبس ابد محکوم شد. (انقلاب اسلامی)~~

- حجت‌الاسلام شیخ عبدالله نوری از طرف امام خمینی به مدیریت اطلاعات و اخبار رادیو - تلویزیون منصوب شد. (مطبوعات)
- میناچی، سرپرست سازمان حج: "این سازمان آمادگی دارد در صورت وجود داوطلبانی که خطرات احتمالی سفر به مکه را بپذیرند، و در صورت آمادگی هواپیمائی ملی ایران، زائران را به مدینه اعزام کند". (کیهان)
- رجائی: "کسانی که داوطلب هستند به هر طریقی که ممکن است به حج بروند". (مطبوعات)
- بانک مرکزی در اطلاعیه‌ای خطاب به مردم، از آنان خواست که پولهای خود را در بانک نگهدارند. (مطبوعات)

- حجت الاسلام محتشمی، به فرمان امام به مدیریت رادیو منصوب شد. (مطبوعات)

- عده‌ای از شایعه پراکنان و توزیع کنندگان روزنامه‌های ممنوع در شیراز دستگیر شدند. (اطلاعات)

- در هفته‌ای که گذشت بیش از ۱۰۰ نفر از مردم ال سالوادور بدست نیروهای دولتی کشته شدند (کیهان)

- رئیس جمهوری فرانسه دیروز گفت که کشورش آماده است تا از نیروهای مسلح خود برای دخالت در بحرانیهای خارجی که امنیت فرانسه را بخطراندازد، استفاده کند (کیهان)

- کلیه کارکنان متروی پاریس، برای خواسته‌های رفاهی خود دست به اعتصاب زدند (انقلاب اسلامی)

چهارشنبه نهم مهر ماه

- جنگنده های ایران پایگاههای هوایی، نیروگاه اتمی و پالایشگاه نفتی دوحه عراق را بمباران کردند. استحکامات عراق در مهران و دهلران منهدم شد. یعنی ها در منطقه مهران غرب ۱۵ کیلومتر عقب نشستند. (کیهان)

- در دوروز گذشته ۲۰۷ تانک و نفربر زرهی عراق در قصرشیرین و ایلام منهدم شد (انقلاب اسلامی)

- وزارت خارجه اعلام کرد که شرایط پیشین مگری، سفیر ایران در شوروی خصوصی مگری بوده است احتمالی توسط

- ایران خبر بنگاه خبرگزاری عراق مبنی بر خرید اسلحه انگلیسی توسط ایران را تکذیب کرد. (خبرگزاری پارس)

- امام خمینی در پیامی خطاب به ملت: "این قضایا (جنگ ایران و عراق) چند مطلب را ثابت کرد: ... ارتش نیرومند است و یا سایر قوای مسلحه با هم هستند و وفادارند... اشخاصی که ادعا می‌کنند فدایی خلق هستیم، مجاهده برای مردم میکنیم همه این حرفها (یشان) خلاف واقع بوده است... و اگر یک روزی دولت ایران بخواهد شرانها را بکند با یک بورس همه آنها را از بین می‌برد..." (مطبوعات)

- بنی صدر در مصاحبه با "نیوزویک": شرط عذرخواهی آمریکا برای آزادی گروگانها الزامی است (کیهان)

- بنی صدر در مصاحبه با رادیو "اروپا - یک": "ایران قطعات یدکی ابزارهای جنگی خود را به حد کافی تامین کرده است". (اطلاعات)

- ۶ روستای میاندوآب از وجود ضد انقلاب پاکسازی شد (کیهان)

- دوزدوزانی، وزیر ارشاد ملی، این وزارتخانه را تا اطلاع ثانوی تعطیل کرد. این تعطیل برای تجدید سازمان وزارتخانه و تصفیه افراد آن خواهد بود. (اطلاعات)

- "النهار" چاپ بیروت نوشت که کشورهای صنعتی تا هم‌اکنون از جنگ ایران و عراق ۶ میلیارد دلار سود برده‌اند. این مبلغ، عبارت از خسارات نظامی است که دو کشور در جنگ متحمل شده‌اند. (کیهان)

- عرفات بیطرفی سازمان آزادیبخش را در درگیری ایران و عراق اعلام کرد (انقلاب اسلامی)

- یمن جنوبی دیروز از ایران و عراق خواست تا به جنگی که به هردو کشور شديداً خسارت وارد می‌آورد پایان دهند (انقلاب اسلامی)

پنجشنبه ۱۰ مهر ماه

- دشمن در جبهه جنوب عقب نشست. کلیه شهرهای جنوب در دست مردم و نیروهای انتظامی است. ۲ بندر نفتی عراق بر اثر بمباران دریایی ایران آسیب دید. قسمت اعظم شهر دهلران از دست نیروهای عراق خارج شد. (کیهان)

- ستاد مشترک ارتش، مردم خوزستان را به بسیج عمومی دعوت کرد. (انقلاب اسلامی)

- ۲ میگ، یک کشتی لایروبی و دهها تانک عراق منهدم شد. رد پای اوپسی در جنگ عراق با ایران بدست آمد. (اطلاعات)

- سه نماینده استان لرستان، در برنامه‌ای خطاب به رئیس مجلس علت تعطیل کلیه مدارس این استان را جویا شدند و خواستند که نخست وزیر برای ادای توضیح در مجلس حضور یابد (مطبوعات)

- مجلس با اکثریت قاطع تصمیم گرفت که "کمیسیون ویژه گروگانها در مجلس، حق هیچگونه مذاکره با مقامات امریکائی را ندارد" (اطلاعات)
- در عملیات جمع آوری اسلحه از خانه های مهاباد، ۷۰ قبضه اسلحه وسیله ماموران ژاندارمری ضبط شد (کیهان)

- مردم سقز چند تاجر محنکر این شهر را شناسایی و به مقامات انتظامی معرفی کردند (انقلاب اسلامی)

- مشایخی سرپرست اداره برنامه های تئاتر: در صورت موافقت سناد مشترک هنرمندان تئاتر در حیطه های جنگ نمایش های انقلابی و میهنی اجرا می کنند (کیهان)

- کارکنان وزارت ارشاد ملی، بمنوان اعتراض به تعطیل این وزارتخانه دست به تحصن زدند (مطبوعات)

- سفیر سوئد نامه ای از ماسکی وزیر خارجه امریکا را تسلیم نخست وزیر کرد. (خبرگزاری پارس)

- وزیر خارجه کوبا از بغداد وارد تهران شد تا پیامی از فیدل کاسترو را تسلیم سران ایران کند (انقلاب اسلامی)

- سادات: امریکا می تواند از مصر بعنوان پایگاه نظامی برای دفاع از کشورهای عربی و اسلامی استفاده کند (کیهان)

- معاون وزارت دفاع امریکا و نخست وزیر رژیم صهیونیستی درباره جنگ ایران و عراق گفتگو کردند. (مطبوعات)

- قطعنامه یکی از نمایندگان کنگره امریکا، که در آن خواسته میشد تا دولت این کشور اسناد دخالت های خود در ایران را تسلیم کنگره کند، توسط کمیسیون امور خارجی کنگره رد شد. کارتر نیز مخالف این قطعنامه بود. (مطبوعات)

مسکونی ۷ شهروان حمله کردند. (کیهان)
- شاپور بختیار با یک هواپیمای عراقی که از ابتدای جنگ ایران و عراق در پاریس متوقف بود راهی اردن شد (انقلاب اسلامی)

- یک لشکر عشایری متشکل از افراد ایل های کاکاوند، ایتیوند، نورآباد و دلفان کرمانشاه وارد جبهه جنگ با عراق شد (خبرگزاری پارس)

- رئیس جمهور در جواب نامه والد هایم دبیرکل سازمان ملل نوشت: "تا زمانیکه عراق حق حاکمیت ما را زیر پا گذاشته و ماموران عراقی در داخل خاک ما به اقدامات تجاوزکارانه مبادرت می ورزند هیچ فایده ای در مذاکره مستقیم یا غیرمستقیم در مورد منازعات دو کشور نمی بینیم" (انقلاب اسلامی)

- از نخستین اطلاعیه روابط عمومی نخست وزیری: "در چند روز گذشته بختیار ۰۰۰ درصد تشکیل دولت در خارج بوده که در درجه اول عراق تعهد کرده بود که این دولت را به رسمیت بشناسد". (اطلاعات)

- کمیسیون ویژه هفت نفری: بررسی وضعیت گروگانها در مجلس انتخاب شد (مطبوعات)

- کپاوش نماینده اهواز در مجلس: دیده شده است که عده ای از اعضای چریکهای فدایی خلق و مجاهدین خلق در ستاد های مقاومت رسوخ کرده اند، از مردم میخواهیم که این ها را به دادگاه انقلاب معرفی کنند. (جمهوری اسلامی)

- حجت الاسلام خامنه ای: یکی از دستاوردهای این جنگ این بوده که نشان داد گروههای مدعی طرفداری از خلق، در جنگ امپریالیسم آمریکا با ایران که در صورت جنگ ایران و عراق ظاهر شده، شرکت نکردند. (جمهوری اسلامی)

- ۱۵ نفر از نمایندگان مجلس درخواست کردند که دو نفر از نمایندگان بمنظور کسب اطلاعات و اخبار در مقر ستاد ارتش حضور یابند. (انقلاب اسلامی)

- جمعیت حقوقدانان ایران در بیانیه ای ادعاهای عراق درباره قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره را بی اساس خواند و گفت که "عراق در این قرارداد چیزی به ایران نداده که اکنون آن را پس بخواهد" (کیهان)

- روزنامه انقلاب اسلامی در مقاله ای تعطیل وزارت ارشاد ملی را غیر قانونی دانست.

شنبه ۱۲ مهر ماه

- مردم و قوای مسلح در خونین ترین نبرد جبهه جنوب دشمن را عقب راندند. ۱۷۰ تانک منهدم یا به غنیمت گرفته شد. هواپیماهای عراقی به مناطق

— دادگاه انقلاب اسلامی تهران ایرج فریدی، طراح برجسته ساواک را مفسد فی الارض تشخیص داد اما با در نظر گرفتن صداقت مجرم در مراحل تحقیق او را به ده سال زندان محکوم کرد (انقلاب اسلامی)

— به حکم شیخ صادق خلخالی، در سوسنگرد و دشت آزادگان ۲۱ فنودال به جرم همکاری با عراق نیروباران شدند. این عده ورود ارتش عراق به سوسنگرد را جشن گرفته بودند که قلم آن از تلویزیون عراق نیز پخش شد (کیهان) (اطلاعات و جمهوری اسلامی تعداد اعدام شدگان را ۱۵ نفر نوشتند)

— فرستاده ویژه ایران وارد یوگسلاوی شد. معاون نخست وزیر یوگسلاوی برای دیداری کوتاه مدت به بغداد رفت (انقلاب اسلامی)

— رئیس سناد مشترک ارتش آمریکا وارد اردن شد. (کیهان)

— حزب کمونیست چین مائو را به داشتن خصوصیات فنودالی متهم کرد و نوشت که او در زمان خود، ریاست طلبانه عمل کرده است. (کیهان)

پشتیبان ۱۳ مهر ماه

— ارتش عراق به نخلستانهای مرزی خرمشهر گریخت. جنگنده‌های ایران هدقهای خود را در قلب عراق بمباران کردند. دهها غیر نظامی در حمله هوایی عراق به مناطق مسکونی ایران کشته شدند. تانکهای عراق تا ۵۰ کیلومتری اهواز عقب نشستند. (کیهان)

— یک خلبان ایرانی توسط نیروهای بعثی کشته شد. (جمهوری اسلامی)

— در بمباران تبریز، اهواز، آبادان، خرمشهر، پیرانشهر، خرم‌آباد، صحنه و دزفول توسط جنگنده‌های عراقی ۶۰ نفر کشته و ۱۲۴ نفر زخمی شدند. عراق با توپهای دورزن مناطق مسکونی آبادان را با خمپاره مورد حمله قرار داد. در قصر شیرین ۹ تانک عراق منهدم و ۱۵ تن اسیر شدند. نیروهای عراق ۷ کیلومتر از قصر شیرین عقب نشستند. (جمهوری اسلامی)

— بنی صدر: در خرمشهر نیروهای متجاوز عقب نشستند. (خبرگزاری پارس)

— در سوسنگرد و سرپل ذهاب، ۱۰ جاسوس عراقی دیگر به حکم شیخ صادق خلخالی اعدام شدند. (کیهان)

— به گزارش سپاه پاسداران، حزب دموکرات یک خلبان عراقی را که در منطقه سنندج سقوط کرده بود به عراق تحویل داد. (خبرگزاری پارس)

— یک خانه تیمی در غرب تهران کشف شد. از این خانه مقدار زیادی نشريات کار، پیکار، رزمندگان و توفان و کتابهای کمونیستی بدست آمد. (کیهان)

— ۵۰ نفر از اهالی قریه "خلار" که در شیراز به اغتشاش پرداخته بودند توسط سپاه پاسداران شیراز دستگیر شدند. (کیهان)

— یک قاچاقچی مواد مخدر در لاهیجان نیروباران شد. (جمهوری اسلامی)

— کارتر: "دنيا می‌تواند از نفت ایران یا عراق صرف نظر کند ولی از نفت ممالک دیگر منطقه خلیج فارس نمی‌تواند چشم‌پوشد". (کیهان)

— عربستان تولید خود را از ۹/۵ میلیون بشکه به ۱۰/۲ میلیون بشکه در روز خواهد رساند. (کیهان)

— تندگویمان، وزیر نفت: "همانطور که خسارات وارد بر ارتش را نمی‌گوئیم، خسارات وارد بر صنعت نفت را نیز نمی‌گوئیم". (انقلاب اسلامی)

— نجره (عضو ایک) اعلام داشت که اگر لازم باشد تولید نفت خود را افزایش خواهد داد. (انقلاب اسلامی)

— وزیر خارجه عراق: "پیشنهاد آتش بس عراق به قوت خود باقیست". (اطلاعات)

— حسین، شاه اردن: "برای دفاع از عراق حاضر به جنگ با ایران هستم". (کیهان)

— آلبانی در جنگ ایران و عراق از ایران حمایت کرد. (کیهان)

— وزیر خارجه انگلیس: بهترین راه حل جنگ ایران و عراق بسیج کشورهای مسلمان بوسیله ضیاء الحق است. (کیهان)

— سازمان امل، عراق را مسءول جنگ ایران و عراق دانست. (کیهان)

— ترکیه بی‌طرفی خود را در جنگ ایران و عراق اعلام کرد. (خبرگزاری پارس)

— سفیر شوروی در ایران: "هر طرف که جنگ ایران و عراق را شروع کرده از طرف شوروی محکوم است". (خبرگزاری پارس)

— سفیر شوروی در ایران: "هر طرف که جنگ ایران و عراق را شروع کرده از طرف شوروی محکوم است". (خبرگزاری پارس)

— سفیر شوروی در ایران: "هر طرف که جنگ ایران و عراق را شروع کرده از طرف شوروی محکوم است". (خبرگزاری پارس)

- کارگران سراسر لهستان بعنوان اعتراض به تاءخیر دولت در برابر مفاد توافق خود با کارگران اعتصابی، یک ساعت دست از کار کشیدند. (کیهان)
- وزیر خزانه‌داری آمریکا: کسر بودجه آمریکا در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۶۰ میلیارد دلار رسید. (کیهان)

دوشنبه ۱۴ مهر ماه

- حملات گسترده هوایی عراق به تهران، بندر کتاهه، تبریز، خارک، امیدیه اهواز و پل دختر با انهدام ۹ میک مسجور دفع شد. نیروهای عراقی ۲۵ کیلومتر از مواضع اشغالی خود در اطراف رودخانه کرخه عقب رانده شدند. (انقلاب اسلامی)

- در پی نفوذ یک گروه چریکی به خاک عراق تعدادی از نانکهای عراق منهدم شدند. (انقلاب اسلامی)

- میک مهاجم عراقی به تبریز در دریاچه اورمیه سقوط کرد. مواضع عراق در غرب کشور با حملات زمینی و هوایی ایران منهدم شد. راههای ارتباطی کرکوک و بغداد توسط جنگنده‌های ایران بمباران شد. (کیهان)

- در قصر شیرین ۱۸ تانک و مقدار زیادی از مهمات عراق منهدم شد. (جمهوری اسلامی)
- یک میک عراقی ۴ نقطه کرمانشاه را بمباران کرد. (اطلاعات)

- پایلوتگاه تبریز که روز گذشته مورد حمله جنگنده‌های عراقی قرار گرفت و همچنان در آتش می‌سوزد. (انقلاب اسلامی)

- وزیر صنایع و معادن: "جنگ ایران و عراق دارای خیر و برکت برای اقتصاد ایران است". (جمهوری اسلامی)

- وزیر خارجه سعودی: "عربستان به نفع کشورهای عربی در جنگ با ایران مداخله می‌کند". (کیهان)

- سوریه شرکت نیروهای سوریه و لیبی را در جنگ علیه عراق تکذیب کرد. (انقلاب اسلامی)
- عراق رژیم اسرائیل را متهم به بمباران مرکز امنی بغداد کرد. خبرگزاری یارس گفته‌های رژیم عراق را تکذیب کرد. (انقلاب اسلامی)

- جمعیت اخوان المسلمین رژیم بعث عراق را کافر اعلام کرد. (کیهان)

- رئیس "سیا" ریگان نامزد ریاست جمهوری آمریکا را که در آخرین سنجش‌افکار عمومی دارای بیشترین میزان محبوبیت است، در جریان آخرین اخبار جنگ ایران و عراق فرار داد. (کیهان)
- طی یک نبرد ۶ ساعته بین چریکهای مسلمان مورو و نیروهای امنیتی فیلیپین یک فرمانده چریکها و ۶ مبارز دیگر کشته شدند. (کیهان)

سه‌شنبه ۱۵ مهر ماه

- نیروهای ایران تهاجم سنگین عراق را برای اشغال خرمشهر درهم شکستند. حملات هوایی به هدفهای نظامی در عراق بدون وقفه ادامه دارد. راههای نفوذ عراق در کلیه جبهه‌ها بسته شد. (کیهان)
- ایران ناسیونال، تاءسیسات فرودگاه مهرآباد

و هلیکوپترسازی در حمله دیروز جنگنده‌های عراق به تهران بمباران شد. پنج میک مهاجم عراق در تهران، بوشهر و دهلران سرنگون شد. (مطبوعات)

- بنی‌صدر: "با رسیدن نیروهای تازه‌نفس به جبهه حمله را آغاز می‌کنیم". (خبرگزاری پارس)
- چمران: "عراق ده لشکر زرهی خود را وارد جنگ کرده است". (خبرگزاری پارس)

- تیمسار فلاحی: "ما تنها با عراق نمی‌جنگیم بلکه با نیمی از ارتش جهان در حال جنگ هستیم". (کیهان)

- رفسنجانی: "ما سیاستمان در مورد قطعات یدکی از گذشته تا به‌حال فرق نکرده، آنهاستیکه جزو نیازمندیهایمان است تهیه می‌کنیم، منبع‌اش کجا باشد مهم نیست". (جمهوری اسلامی)

- نماینده ویژه ایران در سازمان ملل: "امریکا از طریق اردن و اسرائیل جنگ عراق علیه ایران را هدایت می‌کند". (انقلاب اسلامی)

- بنی‌صدر: "می‌گویند اولین بار در تاریخ است که کشوری مورد تجاوز قرار گرفته است و هیچ کشوری در دنیا به حمایت او نمی‌آید... این معنای انزوای کامل است... این باید به ما واقع‌بینی بدهد که به شعارها و حرفهای گرم‌کننده راضی نباشیم..."

چهارشنبه ۱۶ مهر ماه

- در جبهه‌های سوس، کرخه، سوسگرد و اهواز پیشروی نیروهای ایران آغاز شد. (انقلاب اسلامی)

- ۱۶ تانک دیگر عراق در ۲ جبهه جنوب نابود شد. ۱۵۰ سرباز عراقی در منطقه سرپل‌ذهاب کشته شدند. در خرمشهر، تگاوران موفق شدند ناحیه بندر را پاک کنند. (کیهان)

- لوله‌های نفت در جاده آبادان منهدم شده است. (کیهان)

- ۶۰۰ نظامی عراقی با تجهیزات جنگی و تانک در سرپل‌ذهاب به اسارت درآمدند. عراقی‌ها تا ده کیلومتری گیلانغرب عقب نشستند. (اطلاعات)

- گزارش نمایندگان مجلس از جبهه‌های جنگ: امکان پیشروی نیروهای عراقی به هیچ وجه وجود ندارد. (خبرگزاری پارس)

- پالایشگاه بصره توسط جنگنده‌های ایرانی بمباران شد. (انقلاب اسلامی)

- حجت‌الاسلام خلیلی: "هرکجا ستون پنجم را پیدا کردم بدون تشکیل دادگاه یا میز و صندلی، محاکمه و اعدام خواهم کرد". (انقلاب اسلامی)

- به تلافی حمله به پالایشگاه آبادان، تمام تلمبه‌خانه‌های صدور نفت عراق منهدم شد. (اطلاعات)

- برای جنگ علیه ایران، نیروی ۴۰ هزار نفری اردن در مرز عراق مستقر شد. (خبرگزاری پارس)

- دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم: "چند روحانی در جبهه‌ها ناپدید شدند". (اطلاعات)

- آتش‌سوزی پالایشگاه تبریز که بدنبال حمله عراقی‌ها صورت گرفته بود مهار شد. (اطلاعات)

- کارکنان وزارت ارشاد ملی: "ما نباید مورد اهانت قرار بگیریم، سوء‌ولین به ما اهمیت نمی‌دهند، هرکه با دارودسته خود می‌آید فکر میکند که ما کافریم و آنها مسلمانند". (انقلاب اسلامی)

- گلزاده غفوری: "این اعتقاد که اگر کسی با ما نیست پس برضد ماست، عامل تفرقه است". (میزان)

- ۴ متهم به اقدام علیه انقلاب اسلامی به ۳ تا ۴ سال زندان محکوم شدند. (کیهان)

اگر حالت آنرا پیش نیامده بود، بدون جنگ، صدام را از بین برده بودیم". (انقلاب اسلامی)

- خیر اشغال خرمشهر تکذیب شد. (مطبوعات)

- اردن تمام کامیونهای این کشور را برای کمک به عراق صادره کرد. (انقلاب اسلامی)

- میگهای عراقی روستاهای لرستان را بمباران کردند. (میزان)

- پادگانهای نظامی، منابع سوختی، کارخانه پتروشیمی و تاسیسات برق عراق بمباران شد. راه - آهن خانقین - بغداد منفجر شد. (اطلاعات)

- پس از یک درگیری ۸ ساعته ارتفاعات محور کامیاران - سنندج بدست سپاه پاسداران افتاد. در این درگیری عده زیادی از افراد مسلح کشته و مجروح شدند. در حمله افراد مسلح به ستون اعزامی ارتش که از میوان عازم سنندج بود ۷ سرباز کشته و دو نفر مجروح شدند. در درگیری بین افراد مسلح و نیروهای ارتش و سپاه پاسداران یک نظامی کشته و سه تن مجروح شدند، از افراد مسلح نیز ۶ تن کشته و ده تن مجروح شدند. (کیهان)

- یک زن و مرد کودنچی در اصفهان تیرباران شدند. (کیهان)

- سارق خانه‌های خط اول جبهه در خرمشهر تیرباران شد. (خبرگزاری پارس)

- وزارت کار و امور اجتماعی: "هیئت‌های پاکسازی کارخانجات همچنان به کار خود ادامه خواهند داد". (کیهان)

- ۶ عضو برجسته حزب کمونیست لهستان تصفیه شدند. (میزان)

- چریکهای یولیساریو دو قایق ماهیگیری با ۲۳ ماهیگیر اسپانیایی را توقیف کردند. (کیهان)

- چریکهای مبارز فیلیپین در پایگاه هوایی آمریکا در فیلیپین بمب منفجر کردند. (کیهان)

- در پی اعتصاب کارگران کارخانه اتومبیل - سازی فیات در ایتالیا، اخراج ۲۳ هزار کارگر آنکشور معلق گذاشته شد. (میزان)

یکی از پیروان "گروه چهارنفری" چین بمرگ محکوم شد. (انقلاب اسلامی)

- در پی پیروزی اشمیت در انتخابات آلمان ناس خبرگزاری رسمی شوروی: "انتخاب‌کنندگان آلمان، راهی واقعی در سیاست تشنج‌زدایی در پیش گرفته‌اند". (میزان)

– نلگراف امیر علایی به وزارت امور خارجه :
 " من خود را سفیر میدانم". (انقلاب اسلامی)
 – در درگیری با نیروهای مسلح در سنج
 ۲ بیشمرگ مسلمان کرد کشته شدند. (انقلاب اسلامی)
 – یک عضو جبهه ملی به جرم همکاری با بختیار
 به ۹ ماه زندان با احتساب ایام بازداشت محکوم
 شد. (جمهوری اسلامی)
 – دو قاچاقچی اسلحه به ۴ سال زندان محکوم
 شدند. (جمهوری اسلامی)
 – ژنرال‌های حاکم بر ترکیه حکم اعدام چهار
 راستگرا و چپ‌گرا را در این کشور صادر کردند. این
 اولین مورد اعدام در ترکیه از ۱۹۷۲ تا به حال است.
 (کیهان)

– چریک‌های کلمبیایی هفت تاجر و کشاورز را
 به جرم خیرچینی اعدام کردند. (کیهان)
 – لوموند : "شوروی از آغاز بحران میان ایران
 و عراق بطور عادی به تاهمین اسلحه و ساز و برگ
 نظامی عراق ادامه میدهد". (خبرگزاری یارس)
 – مهران بیگاری در هلند به بالاترین حد بعداز
 جنگ جهانی دوم – حدود ۲۶۵۶۰۰ نفر رسید.
 (انقلاب اسلامی)
 – رهبران اتحادیه‌های جدید کارگری لیسان :
 "رهبر جدید و دسیر کل حزب کمونیست در انتقاد خود
 از انصاف یکسانه براسری کارگران، به طیفه‌کارگر
 اس کشور بوهین کرده است". (اطلاعات)
 – هزاران نفر در بیروت علیه سادات راهپیمایی
 کردند. (جمهوری اسلامی)

پنجشنبه ۱۷ مهر ماه

– عراق با موشک مناطق مسکونی دزفول را زیر
 آتش گرفت. ۳ فرزند میک عراقی سرتگون شد. اطراف
 پایگاه هوایی دزفول بمباران شد. (انقلاب اسلامی)
 – در حمله شبانه به سریل دهب ۳۵ نظامی
 عراق کشته شدند. (خبرگزاری پارس)
 – در حمله به نیروهای عراق در ایلام ۱۵۳ تن
 از نیروهای عراقی به هلاکت رسیدند. (کیهان)
 – در کلوله‌باران شهر آبادان ۵ غیر نظامی
 کشته و ۲۵ تن مجروح شدند. (انقلاب اسلامی)

– جنگنده‌های ایران ۳ پایگاه هوایی و ایستگاه
 رادیو تلویزیون شرق عراق و تاسیسات نفتی کرکوک و
 سلیمانیه را بمباران کردند. (کیهان)
 – وزیر دفاع : "در حال حاضر جنگ ما با عراق
 از مرحله کلاسیک خود خارج شده و نبرد ما بصورت
 یک جنگ مردمی درآمده است". (کیهان)
 – آیت‌الله ربانی شیرازی : "در مورد شرکت
 اعضای گروهها در جبهه جنگ ، من میگویم باید مردم
 خالص و افراد شناخته شده در جبهه باشند نه عناصر
 ناخالصی که خلبان دشمن را بگیرند و تحویل دشمن
 بدهند". (کیهان)
 – امام خمینی : "حکومت عراق رفتنی است".
 (خبرگزاری یارس)

– بنی‌صدر : "آن گروههایی که میخواهند اموری
 را قبضه کنند ، افراد کاردان ، لایق ، آگاه ، عالم
 هم نداشتند ، افتاده بودند روی این خط که مکنی
 باشد ، بیسواد باشد ، مکنی باند دست چپش را
 نشناسد ، امیدوارم که این جنگ به ما حالی کرده
 باشد که اینگونه انتخاب برای موجودیت انقلاب
 خطرناکند". (انقلاب اسلامی)

– بنی‌صدر در خاطرات خود در روزنامه انقلاب
 اسلامی : "عرفات گفت که صدام حسین مدعی است
 کدشما میخواهستید آماده شوید و به آنها حمله کنید و
 آنها پیش‌دستی کردند . و قطب‌زاده در پاریس گفته
 که ما میخواهیم صدام حسین را بکسیم و چمران
 گروههای خرابکار و چریک به خاک عراق میفرسند و
 با شیعیان آنجا میخواهد ترتیب قیام برصد دولت
 عراق را بدهد ...".

– بنی‌صدر : "من ممنوع کرده‌ام به ارزشها که
 راجع به ضعف پاسدار ، اصلا" حق ندارید به زبان
 بیاورید ، و به پاسداران گفتن شما ضعف اینها را به رو
 بیاورید". (انقلاب اسلامی)
 – "مردم دهنه دهنه در ... بسیج میشوند .
 پایگاههای مردمی هر لحظه کوکتل مولوتف‌های آماده
 را بدست رزمندگان دلیر میدهند و آنان را به مصاف
 نانکها میفرسند". (کیهان)

– بیانیه حزب جمهوری اسلامی : "اگر انقلاب
 اسلامی ما متروقی بود ، هیچ دولتی بخود رحمت بورش
 بر ما را نمی‌داد". (جمهوری اسلامی)
 – دادگاه انقلاب ساری کلیه ساواکی‌های این
 شهر را احضار کرد. (خبرگزاری پارس)

- مسافرت به خارج محدود شد. (کیهان)
 - یمن شمالی از عراق پشتیبانی کرد و یمن جنوبی
 سهیلان بندری خود را در اختیار عراق گذاشت.
 (انقلاب اسلامی)
 - عربستان سعودی، کویت و امارات متحد
 عربی تولید نفت خود را افزایش دادند. (انقلاب
 اسلامی)
 - علیرغم پیشنهاد صریح شوروی به نخست -
 وزیر ایران، وزارت خارجه شوروی پیشنهاد فروش
 اسلحه به ایران را یکدیکب کرد. (خبرگزاری پارس)
 - وزیر خارجه انگلیس: "حک ایران و عراق
 به نفع یمن نفت جهان غرب لطمه وارد نمی کند."
 (کیهان)
 - در یک درگیری سخت چریکهای بولیاریو
 سه گروهان مراکسی را شکست داده، و صدها مراکسی
 را کشتند یا زخمی کردند. (کیهان)
 - جلسه شورای امنیت در مورد تجاوز عراق به
 ایران بی نتیجه ماند. (کیهان)

شنبه ۱۹ مهر ماه

- نیروی هوایی دیروز عماره، موصل، کرکوک و
 بعبیر حمل و نقل نظامی عراق را بمباران کرد و چند
 رادار و آنتن مخابراتی و تلویزیونی را از کار انداخت.
 حکنندهای پایگاه سربز جاههای گاز عراق را بمباران
 کردند. راههای ارتباطی ارتش عراق در محور کیلان -
 غرب، قصر شبرین قطع شد. عنایر ماهیدشت، بزرگ -
 ترین پایگاه دیده بانی عراق را تصرف کردند. (کیهان)
 - میکهای عراقی سردشت را بمباران کردند.
 ۴ فروید از ده میک عراقی که به تاسیسات نفتی
 خارک حمله کرده بودند توسط توپهای ضد هوایی
 ایران سرنوین شدند. (اطلاعات)
 - اطلاعیه ۱۶۴ ستاد مشترک: "صدانقلاب و
 عوامل سرسپرده داخلی دست به تابعه پراکنی زده و
 جس و انمود می کنند که هواپیماهای ایرانی سردشت
 را بمباران کرده اند." (مطبوعات)
 - تمام پالاسکاههای عراق توسط نیروهای
 ایران مهدم شده است. (خبرگزاری پارس)
 - یک هلیکوپتر، ۳ تانک و خودرو، و ۲۰۰

مردور عراقی نابود شدند. (اطلاعات)
 - کومله ۵ عضو جهاد سازندگی ماند را که از
 هفت ماه پیش در اسارت دانت آزاد کرد. (خبرگزاری
 پارس)
 - زنی از اهالی قصر شبرین به جرم شرارت و
 همکاری با حکومت نفت عراق و شان دادن محل
 ساه پاسداران به عوامل آنان در اسلام آباد سیرباران
 شد. (اطلاعات)
 - در حمله موشکهای و سن به زمین عراقی به
 دزفول ۱۰۵ تن کشته شدند. (انقلاب اسلامی)
 - حجت الاسلام خامنه ای: "در این جنگ مردم
 وسط کود هستند." (جمهوری اسلامی)
 - بنی صدر در رابطه با نیروهای مسلح: "وقت
 پاکسازی واقعی همین حالاست." (انقلاب اسلامی)
 - مهاجمان مسلح واورمیة را نکلود هستند.
 (کیهان)
 - در درگیری بین بیشمکان مسلمان کرد و
 نیروهای مسلح در آبادیهای اسلام آباد و سردشت
 ۲۵ نفر کشته و تنده زیادی مجروح یا منواری شدند.
 (جمهوری اسلامی)
 - موسوی خوئینی ها: "انزوای سیاسی ما بخاطر
 شعار نه شرقی، نه غربی است...
 ملت ما در هر حال این انزوا را درهم خواهد شکست"
 (خبرگزاری پارس)
 - بنی صدر: "آنها (خلبانها) سئوالهایی
 داشتند یکی این بود که چرا رادیو تلویزیون نفتی
 سنون پنجم دشمن را بازی میکند." (انقلاب اسلامی)
 - بنی صدر: "درباره مجلس گفتند که عده ای
 از مسؤلان قطعاتهای جمع کرده اند که "به هیچ وجه
 ما زیر بار سازش نمیرویم، هیچ نباید سازش بنود،
 هیچ نباید چنین بشود" چنانکه پنداری کسی دارد
 سازش می کنند... گویا ما در حال سازش بودیم آنها
 آمده و مانع شده اند." (انقلاب اسلامی)
 - عراق رابطه خود را با لیبی، سوریه و کره
 شمالی بعلت پشتیبانی این سه کشور از ایران، قطع
 کرد. (اطلاعات)
 - ایران خوانتار تشکیل شورای امنیت خواهد
 شد. (خبرگزاری پارس)
 - دولت فرانسه برای مدتی از فعالیت سیاسی
 بختبار جلوگیری بعمل آورد. (کیهان)
 - انگلیس یک ناوشکن موشک انداز به خلیج
 فارس فرستاد. (کیهان)

— صدام حسین از ترکیه، یونان، هند و کشور-
های عربی تقاضای میانجیگری کرد. (کیهان)
— فدایی از اعراب خواست در جنگ علیه آمریکا
با ایران متحد شوند. (جمهوری اسلامی)
— وزارت خارجه آمریکا: "آمریکا به کشورهایی
که از ایران احساس خطر کنند کمک میدهد".

(خبرگزاری پارس)

— آمریکا جهت از میان بردن اسرار فعالیت‌های
ویژه نظامی، یک مرکز فرماندهی عملیات ویژه نظامی
تشکیل داد. (خبرگزاری پارس)

— ۹ میلیون اینالیایی در اعتراض علیه اقدام
شرکت اتومبیل‌سازی فیات به اخراج هزاران کارگر-
دست به یک اعتصاب چهارساعته زدند. (خبرگزاری
پارس)

— در زدو خورد بین شبه‌نظامیان طرفدار ایران و
عراق در لبنان ۴ نفر کشته و ۱۱ نفر زخمی شدند.
(انقلاب اسلامی)

یکشنبه ۲۰ مهر ماه

— در حمله عراق به مناطق مسکونی آبادان،
دزفول، و اهواز دهها تن کشته و مجروح شدند.
(انقلاب اسلامی)

— نیروهای عراق شهرهای خرمشهر، آبادان،
اهواز، دزفول، شوشتر، و شوش را بمباران هوایی، آتش
توپخانه، خمپاره‌انداز و موشکهای زمین به زمین مورد
حمله قرار دادند. (خبرگزاری پارس)

— ستاد مشترک: "ارتش تا به امروز حتی یک گلوله
یا یک بمب به روی مردم بیگناه و بی‌دفاع و مسلمان
عراق فرو نریخته است". (جمهوری اسلامی)

— نیروهای ایران مواضع توپخانه و سنگرهای
بتونی عراق را در غرب منهدم کردند. موشکهای عراق
صنایع فولاد و دو منطقه مسکونی اهواز را بمباران
کردند. (کیهان)

— بنی‌صدر: "علیرغم جنگ، وضع اقتصادی ما
عالیست... دشنام دادن هیچ مشکلی را حل نمی‌کند،
بلکه باید مچ فتنه‌گر را باز کرد". (کیهان)

— رجایی: "اگر تمام سلاحهای ما نابود شوند، آنگاه
وقتی است که جنگ‌ها تازه شروع میشود" (خبرگزاری پارس)

— یک خلبان خطاب به بنی‌صدر: "اطلاعاتی که
به شما می‌دهند خوشبینانه است"، بنی‌صدر: "دل من
گواهی میدهد که خطر متوجه ما نخواهد شد و در همین
لحظه هم همان دل به من گواهی میدهد که خطر دور
میشود". (انقلاب اسلامی)

— در مورد رابطه جنگ با گروه‌گانه‌ها، رجایی در
مصاحبه با تلویزیون ژاپن: "آمریکا به هیچ وجه در فکر
گروه‌گانه‌ها نیست و اگر همه آنها کشته شوند برای آمریکا
مهم نیست زیرا آمریکا همیشه بدنبال منافع خود
می‌باشد". (انقلاب اسلامی)

— مهاجمین مسلح دیروز مقر سپاه پاسداران و
یادگان اورمیه را زیر رگبار گرفتند که با مقابله پاسداران
و اعضای کمیته اورمیه روبرو شد. در این درگیری ۴۰ تن
از مهاجمین دستگیر شدند. استاندار آذربایجان غربی
اعلام کرد که در این درگیری ۳۰ تن از پاسداران و
اعضای کمیته‌ها مجروح و ۵ یا ۶ تن کشته شدند.
درگیری همچنان ادامه دارد. (جمهوری اسلامی)

— مهندس بازرگان: "مجلس را مجمعی از
سیاستمداران بصیر، متعهد و قانونگذاران آشنای توانا
نمی‌بینم و بیشتر صحنه رجزخوانی و تحویل شعار و
تهییج احساسات شده است. رنج می‌برم و ناراحتم از
اینکه چرا احساس سوءولیت و بلوغ نمی‌نمایند و
نمیخواهند خود را از شیر امامت بگیرند... ما حلق
داشتیم برای ارتش ضرورت و ارزش قایل باشیم..."
(میزان)

— جبهه ملی: "نحی که به اتهام همکاری با
بختیار به ۹ ماه زندان محکوم شده، عضو این جبهه
نیست". (انقلاب اسلامی)

— لیبی از تصمیم عراق مبنی بر قطع رابطه با آن
کشور اظهار تأسف کرد. (جمهوری اسلامی)

— جلسه شورای امنیت برای بررسی اختلاف
ایران و عراق به تعویق افتاد. (انقلاب اسلامی)

— کارتر نسبت به پشتیبانی لیبی از ایران اظهار
نگرانی کرد. (جمهوری اسلامی)

— دمیرل و اجویت نخست‌وزیران سابق این کشور
از زندان آزاد شدند. (خبرگزاری پارس)
— زندانیان زن در نیکاراگوئه آزاد میشوند.

(خبرگزاری پارس)

— رهبر مسلمانان ترکیه زندانی شد. (اطلاعات)
— سفیر شوروی در ایران ارسال اسلحه به عراق را
تکذیب کرد. (خبرگزاری پارس)

—حزب کمونیست چین: "روابط تیره میان ارتش و دولت چین ثبات و وحدت این کشور را به خطر میاندازد." (اطلاعات)

—به علت انجام تظاهرات مخالف دولت، دو هزارتن از اعضای یک حزب در هند دستگیر شدند. (کیهان)

—زلزله شهر العصنام الجزایر را تقریباً با خاک یکسان کرد و بیم آن میرود که بیش از ۲۵ هزار نفر را کشته باشد. (خبرگزاری پاریس)

دوشنبه ۲۱ مهر ماه

—امام خمینی در فرمانی "کلیه امور مربوط به جنگ (را) تحت نظر شورای عالی دفاع به اضافه یک نفر از نمایندگان مجلس" قرار داد. در فرمان امام آمده است: "هیچ گروه یا شخصی تخلف از اوامر شورای مذکور نباید بکند و در غیاب آقای خامنه‌ای و چمران، دونفر از نمایندگان که یکی از آنها رئیس مجلس شورای اسلامی است باید در شورا شرکت نمایند... رسانه‌های گروهی و مطبوعات حق پخش مصاحبات یا نطق‌ها و نوشته‌ها را بدون مراجعه و دستور از شورای مذکور ندارند، سیاست خارجی مربوط به دفاع با شورای مذکور است... کلیه بیان‌ها و نوشته‌ها و تبلیغات و پخش اعلامیه‌ها بدون اجازه مستقیم از شورای مذکور جدا ممنوع است..." (خبرگزاری پاریس)

—بنی‌صدر: "ایشان با پیشنهاد من موافقت کردند و امروز این بیان را صادر کردند و من بسیار از این جهت سپاسگزار ایشان هستم، برای اینکه این کار فرماندهی نیروهای مسلح و رئیس جمهوری را بسیار ساده می‌کند." (انقلاب اسلامی)

—از اطلاعیه شماره ۱۷۹ ستاد مشترک: "از هموطنان عزیز که هر نوع وسائل و تجهیزات نظامی در اختیار دارند درخواست میشود که وسائل مذکور را... تحویل نمایند." (خبرگزاری پاریس)

—بنی‌صدر: "به‌ر حال این جنگ تحمیلی است که به ما شده است، البته قابل احتراز بود، طی ماههای گذشته ما می‌توانستیم سیاست صحیحی اتخاذ کنیم تا حبال این نوع جنگ‌ها به ذهن دشمنان ما هم خطور نکند، اما چنین نکردیم امیدواریم که این درس

عبرت‌ی باشد." (انقلاب اسلامی)

—خامنه‌ای: "شورای عالی دفاع درباره ادامه جنگ یا اعلام آتش‌بس تصمیم می‌گیرد." (کیهان)

—نماینده خرمشهر: "اوضاع مناطق خرمشهر و آبادان رضایت بخش است." (انقلاب اسلامی)

—در قصر شیرین گروهی از نظامیان عراق کشته و اسیر شدند و دهها تانک به غنیمت گرفته شد. (جمهوری اسلامی)

—بنی‌صدر آغاز مرحله نهایی قوای ایران را اعلام کرد. (کیهان)

—ستاد خبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اهواز: "زندان بصره توسط مجاهدین و مردم عراق تسخیر شد. ۵۰ زندانی ایرانی این زندان آزاد شدند." (انقلاب اسلامی)

—وزیر ارشاد توسط ۱۷ نماینده به مجلس احضار شد. تا به این سؤال پاسخ دهد: "در شرایط فعلی کشور در حال جنگ با عراق و درگیری با امپریالیسم، مسند قانونی (تعطیل وزارتخانه) چه بوده است؟ و در مدت تعطیل این وزارتخانه وظایف تبلیغی و ارشادی انقلاب و معرفی و توضیح جنایات مهاجمین بعثی عراق و عوامل صدام انقلاب در داخل و خارج کشور به عهده چه دستگاهی است؟" (خبرگزاری پاریس)

—بر اساس درخواست ۲۰ تن از نمایندگان مجلس دولت مکلف خواهد بود ظرف سه‌ماه مقررات اجرایی ملی شدن تجارت خارجی را تنظیم و تقدیم مجلس کند. (انقلاب اسلامی)

—رئیس کل بانک مرکزی: "ایران هنوز نفت صادر می‌کند ولی حاضر بفروش طلا نیست." (انقلاب اسلامی)

—بنی‌صدر: "گفته‌شد، یکی از مسئولین... با مسئولان رادیو تلویزیون جمع‌آمدند که ما باید طوری اخبار را تنظیم و تفسیر بکنیم که معلوم بشود که یک جناحی خواهان سازشکاری با عراق است و یک جناحی مخالف سازشکاری و خلاصه جوری وانمود کنیم که آن جناح خواهان سازشکاری، رئیس‌جمهور است، امیدوارم که این مطلب راست نباشد." (انقلاب اسلامی)

—در درگیریهای اخیر آذربایجان غربی ۱۰۵ تن از "مهاجمین مسلح کشته و عده‌ای دستگیر شدند." (کیهان)

—در جریان درگیری بین بیشمرگان مسلمان کرد و افراد مسلح کومله در اطراف سنندج ۷ عضو کومله کشته شدند. (انقلاب اسلامی)

— کتابهای "مضره" مبارزین که توسط ساواک بتاراج برده شده بود، با رعایت موازین شرعی در اختیار کتابخانه‌های عمومی گذاشته خواهد شد. (جمهوری اسلامی)

— سوریه خواستار رسیدگی جامعه عرب به جنایات جنون آمیز صدام شد. (جمهوری اسلامی)

— وزیر دفاع آمریکا: "مسابقه تسلیحاتی با شوروی بین ۳۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار برای آمریکا هزینه دارد." (کیهان)

— رئیس کل بانک تجارت خارجی لهستان: "لهستان به ۷ میلیارد دلار وام جدید در سال ۱۹۸۱ نیاز دارد که ۶ میلیارد دلار آن برای خرید کالا از کشورهای غربی خواهد بود و یک میلیارد دلار نیز برای تأمین مالی بازپرداخت وامها مورد نیاز است." (انقلاب اسلامی)

سه‌شنبه ۲۲ مهر ماه

۱ - مردان کماندویی عراق در جاده قصرشیرین تارومار شد. عراق باردیگر مناطق مسکونی اهواز، سوسنگرد و لرستان را بمباران کرد. بار دیگر جنگندم‌های عراق به جزیره خارک حمله کردند. در این حمله ۵ فروند میک عراقی سرتکون و منهدم شد. (کیهان)

— جهاد سازندگی فارس ۴۵۰۰ کونکول مولوتف و همراهی به رزمندگان ایرانی هدیه کرد. (صبح آزادگان)

— نیروهای عراق با بجا گذاشتن مقادیر زیادی تجهیزات نظامی از مرز شلمجه فرار کردند. فرماندهان شکست‌خورده ارتش عراق در مناطق سرپل‌دهساب و قصرشیرین بدستور صدام تیرباران شدند. (انقلاب اسلامی)

— رفسنجانی: "ما خواهان جنگ نبودیم و خواهان جنگ هم نیستیم." (جمهوری اسلامی)

— رجائی: "تا وقتی نحاوژ ادامه دارد جنگ هم ادامه دارد." (خبرگزاری پارس)

— مدت خدمت سربازی به دوسال افزایش یافت. (خبرگزاری پارس)

— هواداران مجاهدین خلق در اهواز: "بدون داشتن آرم و نشان گروهی در حد توانمان با ایحاد

سنگر، برگزاری کلاسهای آموزش نظامی، کمکهای اولیه، روحیه‌دادن به مردم و به انجام رساندن مسئولیتهای مردمی و انقلابی اقدام نمودیم. اما مناسفانه از بدو شروع کار با اشکال تراشی‌ها و مزاحمتهایی که بعضا از طرف عناصر مسوول و دست‌اندرکار صورت میگرفت مواجه بودیم. (کیهان)

— دکتر کریم سنجابی با امام خمینی ملاقات کرد و گزارش رویدادها و تحولات غرب کشور را به‌امام داد. (خبرگزاری پارس)

— دبیرکنفرانس اسلامی: "ایران و عراق بالاخره جنگ را با پذیرش میانجیگری کشورهای عرب و اسلامی پایان خواهند داد." (میزان)

— کوبا خواهان حل مسالمت‌آمیز جنگ ایران و عراق شد. (خبرگزاری پارس)

— محمود محسن شوفر به اتهام ارباب مردم و قتل به ۵ سال زندان، ۱۵۰ ضربه شلاق و پرداخت ۱۵۰ هزار تومان خسارت محکوم شد. (انقلاب اسلامی)

— دادگاه انقلاب اسلامی مرکز آموزش را به اتهام "تحریک مردم علیه انقلاب اسلامی و ارتباط با گروههای ضد انقلاب" به چهار سال حبس و ممنوعیت از شغل آموزشی محکوم کرد. (انقلاب اسلامی)

— رئیس اداره یکم اداره کل هفتم ساواک به سه سال حبس با احتساب ایام بازداشت محکوم شد، و زمین مشجر او در تنکابن، یک خانه ویلایی در خزر-شهر و یک میلیون ریال از وجوه نقدی موجود در حسابهای بانکی او مصادره شد. (انقلاب اسلامی)

— دادگاه انقلاب اسلامی آبادان رأی خود را در مورد چند تن از محکومین بشرح زیر صادر کرد: عباس کسی به جرم حمل اسلحه غیرمجاز یک سال زندان، حسام‌الله رئیسی به جرم تحریک علیه جمهوری اسلامی ده سال حبس، رحیم سعیدی‌نژاد به اتهام حمل اسلحه غیرمجاز و رفت و آمدهای مشکوک ۵ سال زندان، سعید محمدنقی پور، بهنام عیاری، علی خیاط زاده، بهرور حیدری‌نژاد و مسعود حرم - نژاد هریک ۵ سال حبس، جواد صادقی به جرم پخش اعلامیه‌های مضره به ده سال حبس، و عزیز عبادی به جرم مسافرتی و دلالتی غیرمجاز در ایام جنگ به یک سال زندان. (انقلاب اسلامی)

— ۱۱ هزار کارگر راه‌آهن یونان دست به اعتصاب زدند. (میزان)

— تمام امریکائیهایی که در کوبا زندانی هستند آزاد خواهند شد. (کیهان)

چهارشنبه ۲۳ مهر ماه

— نیروهای زرهی و توپخانه عراق در اطراف آبادان محاصره شدند ، نیروهای عراق تا ۷ کیلومتری آبادان عقب رانده شدند . ۲۰ تانک و ۱۲ میک عراقی در ایلام ، خارک و آبادان منهدم شد . نیروهای عراق آمبولانس هلال احمر را در جاده اسلام آباد — سرپل ذهاب به توپ بستند . (اطلاعات)

— محمد منتظری : " اکثر قریب به اتفاق نمایندگان مجلس . طرفدار جنگ میباشند . " (انقلاب اسلامی)

— چریکهای مزدور عراق در نفوذ به آبادان ناکام شدند . (خبرگزاری پارس)

— جنگندههای ایران پالامشگاه نفت بغداد را منهدم کردند . فرماندهان ارتش عراق بدنمال نکستهای بیابی در جبهه غرب تقبیر کردند . (مجاهد)

— در حمله هوایی و موشکی به روستاهای اندیمشک و سوسگرد ۳۱ نفر کشته شدند . (صبح آزادگان)

— کلانتری عضو شورای جهاد دانشگاهی : " دانشگاههای ما نابه حال محل هرج و مرج و بلبشوبوده است . " (صبح آزادگان)

— با کشف شبکه بزرگ زمین خواران ، عصمت بهلوی ، همسر رضاخان ، دستگیر شد . (کیهان)

— جاسوس و دلال ارتش اسرائیل به دو سال زندان محکوم شد . (اطلاعات)

— یک روحانی در تبریز به جرم "حکیم بخشیدن به رژیم متفور پهلوی و فساد اخلاق و کلاهبرداری به عناوین مختلف ... " به خلع لباس روحانیت و خلع — بد از دفتر ازدواج و طلاق و تعطیل روزنامه اش محکوم شد . (اطلاعات)

— سه نفر در همدان به اتهام بی توجهی به امر خاموشی و وضعیت فرمز در شب و روشن کردن چراغ در این هنگام به ۱۵ روز زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شدند . (انقلاب اسلامی)

— سرپرست بنیاد مستضعفین : "تنهاروستائیان و کشاورزان مستضعف هستند و ما شهرتشان مستضعف نداریم . " (انقلاب اسلامی)

— حمله مجدد مهاجمان مسلح به اورمیسه خنثی شد . (کیهان)

— بنیاد مسکن و دفتر معاملات مسکن منحل شد . (میزان)

— بنی صدر : " ما خود یک کارهایی انجام دادیم و یک جلوه و نمودی از انقلاب خودمان به دنیای خارج دادیم که نتیجش این انزواست ، و آن کارهاست که نباید بشود و آن تبلیغات است که باید قطع بشود ... آن سیاست خارجی است که باید رها گردد . " (انقلاب اسلامی)

— سفر کره شمالی در ایران : " پشتیبانی ملت و دولت کره شمالی از ایران قابل تغییر نیست . " (کیهان)

— حزب کمونیست کره شمالی پسر رئیس جمهور این کشور را بعنوان جانشین او تعیین کرد . (اطلاعات)

— در ششمین کنگره حزب کارگر کمونیست کره شمالی ، لزوم انعقاد یک موافقت نامه صلح بین این کشور و آمریکا مورد تاءبید قرار گرفت . (کیهان)

— بزرگترین قرار داد فروش اسلحه بین فرانسه و س . ر . تا . به ارزش ۱۴۰۰۰ میلیون فرانک منعقد شد . (کیهان)

— نیروهای امنیتی فیلیپین با خمپاره —

یک منطقه مسکونی مسلمان نشین حمله کرده عدهای را به قتل رساندند . (میزان)

پنجشنبه ۲۴ مهر ماه

— نبرد سنگر به سنگر نیروها و مردم آبادان دشمن را ۱۰ کیلومتر عقب راند . هزار تن از نیروهای عراقی در ایلام کشته شدند . ۲۰ تانک عراق توسط پاسداران در حمیدیه نابود شد . دو تپه استراتژیک جبهه غرب به تصرف ایران درآمد . ۱۷ سرباز اردنی در غرب کشور دستگیر شدند . میکهای عراقی روستاهای مریوان را بمباران کردند . (کیهان)

— خلیانان عراقی برای بدنام کردن ایران ، قصد بمباران نقاط مسکونی عراق را دارند . (خبرگزاری پارس)

— بنی صدر : " برای درهم کوبیدن قطعی

دشمن آماده میشویم" . (خبرگزاری پارس)

– فواد کریمی ، نماینده مجلس : "مردم شهرهای خوزستان در مقابل شدیدترین حملات دشمن مقاومت می‌کنند . شهرهای اهواز ، آبادان و خرمشهر از زمین و هوا زیر شدیدترین حملات بعثی ها قرار گرفته است ." (جمهوری اسلامی)

– ابوشریف : " ۳ گردان ویژه و تانک نیروهای بعث عراق در مناطق سرپل ذهاب و قصرشیرین تار و مار شدند ." (انقلاب اسلامی)

– تایمز لندن : " تلفات ارتش عراق روزانه به ۶۰۰ تا ۷۰۰ نفر میرسد ." (خبرگزاری پارس)

– پل شناور نیروهای عراقی بر روی کارون منهدم شد . (اطلاعات)

– در جریان بمباران دیروز پالایشگاه تبریز ۶ نفر کشته شدند . (اطلاعات)

– ۴۵ شایعه پراکن که ۱۵ نفرشان راننده تاکسی بودند ، دستگیر شدند . (کیهان)

– یک زناکار در بندر انزلی تیرباران شد . (خبرگزاری پارس)

– دبیر هیات ۷ نفری استان فارس : "انحلال" هیاتهای واگذاری زمین مصیبت بار است . (خبرگزاری پارس)

– روابط عمومی نخست وزیری : "خدمت وظیفه از فروردین ۱۳۶۰ ، دوسال میشود ."

– دکتر بهشتی در مورد قانونی بودن یا نبودن تعطیل وزارت ارشاد : "در این زمینه دقیقاً بررسی قانونی نگردانم ." (انقلاب اسلامی)

– صادق طباطبائی : " بجای پنج زیردریائی، ایران وسایل صنعتی ، تولیدی و تکنولوژی به آلمان غربی سفارش میدهد ." (اطلاعات)

– بنی صدر : "امروز جامعه میتواند احساس ایمنی کند که نیروهای مسلح او به وظیفه اساسی دفاع از میهن اسلامی اتکا می‌کند و زندگی قانونی جامعه را مختل نمی‌کند و درصدد استقرار استبداد جدید نیست ." (انقلاب اسلامی)

– کمپانی مرسدس بنز اولین فروش محصولات خود را در مسکو ، پس از افتتاح نمایندگی در شوروی آغاز کرد . (اطلاعات)

– مذاکرات امریکا و شوروی برای محدود کردن سلاحهای هسته‌ای در ژنو آغاز شد . (کیهان)

– فرستاده ویژه صدام در زامبیا : "عراق از

شنبه ۲۶ مهر ماه

– رجائی در راهس هیاتی برای شرکت در جلسه شورای امنیت سازمان ملل به آمریکا رفت . (مطبوعات)

– منصور فرهنگ نماینده پیشین ایران در سازمان ملل : بهتر بود که این سفر همراه با شکایت ایران به شورای امنیت در اولین روز تجاوز عراق به خاک ایران انجام میشد . (انقلاب اسلامی)

– رجایی در سازمان ملل : "برقدرتها میخواهند در خاورمیانه اسرائیل دیگری را بر مردم ما تحمیل کنند ... ما با آن شورای امنیتی که درش حق و توب وجود دارد در حال جنگیم ." (خبرگزاری پارس)

– وزیر خارجه عراق مجموعه‌ای از سخنان امام را بعنوان سند جرم تسلیم شورای امنیت نمود . (انقلاب اسلامی)

– در بمباران مناطق مسکونی و آموزشی کرمانشاه توسط نیروهای عراق ۱۳۵ تن از دانش‌آموزان و مردم بیدفاع کرمانشاه کشته شدند . بیمارستان آبادان

به خمپاره بسته شد و گروهی زیر آوار ماندند
(جمهوری اسلامی)

- در بمباران کرمانشاه ۶۱ نفر کشته و ۱۲۱ نفر
مجروح شدند. (میزان)

- نیروهای عراق از اطراف آبادان و اهواز
پراکنده شدند. (کیهان)

- در حمله یک میگ عراقی به بندر ماهشهر،
چند مخزن نفتی دچار حریق شد. (خبرگزاری
پارس)

- اطلاعیه مجاهدین خلق ایران: "نیروهای
وابسته به سازمان مجاهدین خلق ایران که مطابق
دستورالعمل سازمان موظف به دفاع از شهرها و مردم
مورد تجاوز می باشند و برای انجام وظیفه در این
شهرها باقی مانده اند علیرغم مراجعات مکرر
و مصراحتشان به مقامات مسئولین موقت به اخذ سلاح
و مهمات مورد نیاز خود نشده و در مسیر انجام
مسئولیت خود با انواع کارشکنی ها و ممانعت ها
روبرو می باشند." (میزان)

- سرپرست سازمان برنامه و بودجه: "برای
تامین کسری بودجه احتمالا اوراق قرضه منتشر خواهد
شد." (خبرگزاری پارس)

- نام "سازمان پیشاهنگی" به "سپج دانش -
آموزان" تغییر کرد. (جمهوری اسلامی)

- معلمین مسجد سلیمان خواستار تضمین
امنیت شغلی شدند. (کیهان)

- امام جمعه سابق اصفهان به ده سال زندان،
خلع لباس و استرداد تمام پولهایی که از اوقاف و دولت
رژیم گذشته گرفته است، محکوم شد. (کیهان)

- در مشهد ۶ قاچاقچی حرفهای به اعدام،
۲ تن به حبس ابد و ۱۰ تن دیگر از شش ماه تا ده

سال زندان محکوم شدند. (خبرگزاری پارس)

- دکتر باهنر عضو کمیسیون فرهنگ و آموزش
عالی مجلس: "همه اعمال هیاتهای پاکسازی مورد
قبول نیست." (میزان)

- گشتارگاه ۴۰۰۰ راسی شرکت مجتمع صنعتی
گوشت استان لرستان به استان خراسان انتقال یافت.
(جمهوری اسلامی)

- نماینده آمریکا در سازمان ملل از سخنان
رجایی در شورای امنیت اظهار نارضایتی کرد.

(کیهان)

- سفیر آمریکا در ال سالوادور: "هدف اصلی
آمریکا در ال سالوادور شکست چپ‌گرایانی است که

درصد سرتگون کردن دولت میانرو این کشور
می باشد." (خبرگزاری پارس)

- در دیدار رئیس جمهور فرانسه با هواکوفنگ
فرانسه آمادگی خود را برای افزایش کمکهای فنی
به چین اعلام کرد. (انقلاب اسلامی)

- در حال حاضر حجم صادرات آمریکا به چین
چهار برابر صادرات چین به آمریکا است.

(خبرگزاری پارس)

- رهبر حزب رستگاری ملی ترکیه به اتهام
تلاش برای تاسیس دولت اسلامی مجدداً بازداشت
شد. (کیهان)

- تعداد بیکاران فرانسه، برای اولین بار،
از مرز ۱/۵ میلیون نفر گذشت. (کیهان)

یکشنبه ۲۷ مهر ماه

- رجایی: "عذرخواهی رسمی آمریکا از ایران
به نشانه "توبه" و "تکامل معنوی یک دولت" تلقی
خواهد شد." (کیهان)

- مردم و نیروهای مسلح، عراقی ها را ۱۵
کیلومتر از اطراف آبادان عقب راندند. سه انبار

مهمات عراق در غرب و جنوب منهدم شد. (اطلاعات)

- در حمله مجدد میگهای عراقی به پالایشگاه
تبریز و مناطق مسکونی این شهر ۲۰ تن مجروح شدند.

در حمله میگهای عراقی به ابهر، تلمبه‌خانه گاز و
موکت سازی این شهر بکلی منهدم شد.
(انقلاب اسلامی)

- نبرد تن به تن در خرمشهر ادامه دارد. یک
ستون نظامی عراق در اطراف دزفول نابود شد.

مواضع تازه‌ای در جبهه غرب بدست نیروهای ایران
افتاد. در حمله سوخوهای عراقی به پانه، استادیوم

ورزشی و سه خانه مسکونی منهدم شد. (کیهان)

- عشایر منطقه گیلانغرب پیشروی عراق را
سد کردند. (میزان)

- یک اردوگاه نظامی ارتش بعث درهم کوبیده
شد. دو یگان خمسه خمسه و یک یگان توپخانه

عراق در نوار مرزی ایلام منهدم شد. ۱۹۰ تن از
افراد ستون پنجم دشمن در خوزستان دستگیر شدند.
(جمهوری اسلامی)

— در مصاحبه مطبوعاتی در مقر سازمان ملل ، رجایی پای خود را که آثار شکنجه های گذشته بر آن کاملاً آشکار بود به خبرنگاران نشان داد ، و گفت : " من دو سال تمام ضربات شلاقهای گارتر را برپای خود احساس کردم " . (خبرگزاری پارس)
— رفسنجانی رئیس مجلس : " شهرهای مورد هجوم نباید به هیچ قیمت خالی شوند " . (جمهوری اسلامی)

— آیت الله اشراقی : " بعضی از ارتشی های پاکسازی شده مثل حر آن توبه ای که باید بکنند کردند و الان هم در صف جنگ به نفع ایران و مملکت اسلام خدمت می کنند " . (میزان)
— رفسنجانی : " گارهایی در دست اقدام است تا بتوانیم سریعتر جنگ را به نفع ایران حل کنیم " . (جمهوری اسلامی)

— ستاد ارتش برای حاضر بکار داشتن خود روهای نظامی از تعمیرکاران اتوموبیل دعوت کرد . (کیهان)

— بنی صدر : " آنهایی که نمی جنگند آنهايي هستند که یا گندیده اند یا می کنند و به این ترتیب آنها را کنار می زنیم " . (انقلاب اسلامی)

— با حکم صادق خلخالی ، ۵۰۰ تن از محکومان دادگاههای ویژه مبارزه با مواد مخدر آزاد میشوند . (مطبوعات)
— با حکم صادق خلخالی ، دو قاچاقچی با سابقه در قم تیرباران شدند . (میزان)
— خانه تیمی مشترک کومله ، پیکار ، فدائیان خلق و مجاهدین خلق در کرمان کشف شد . (جمهوری اسلامی)

— متهم به جاسوسی برای اسرائیل به دو سال زندان محکوم شد . (کیهان)
— یک جاسوس عراقی به ۴ سال زندان و ۱۵۰ ضربه شلاق در ملاء عام در سه نوبت محکوم شد . (اطلاعات)

— در تهران ، شخصی به جرم "سربردگی و وابستگی شدید و همه جانبه به رژیم متفور و منحنط پهلوی و تبلیغات بمپشتیبانی از رژیم و همکاری با ساواک منحل" به سه سال حبس محکوم شد . (انقلاب اسلامی)

— ابو ایاد یکی از رهبران فلسطینی در مصاحبه ای با یک مجله لبنانی گفت که "فلسطینیها طرحی چهار ماده ای برای حل مناقشه ایران وعراق

تهیه کرده اند " . (سیمای جمهوری اسلامی)
— ارتش شوروی از وقوع یک کودتا در افغانستان جلوگیری کرد . (کیهان)

— ابولید یکی از اعضای کمیته مرکزی "الفتح" حمایت انقلاب فلسطین از عراق را تکذیب کرد . (خبرگزاری پارس)

— طی یک درگیری بین پلیس مالزی و "مسلمانان افراطی" ، ۸ مسلمان در اثر اصابت گلوله پلیس کشته شدند . (جمهوری اسلامی)

— چین بزرگترین مشتری محصولات کشاورزی آمریکا شد . آمریکا سالی ۹ میلیون تن حبوبات به چین میفروشد . (کیهان)

— قذافی از کارگران اعتصابی فیات ایتالیا حمایت کرد . (اطلاعات)

— سربازان عربستان سعودی تظاهرات سیاسی زوار را خنثی کردند . (انقلاب اسلامی)

سه شنبه ۲۹ مهر ماه

— به پیشنهاد یکی از رزمندگان جبهه خرمشهر و تأیید شورای عالی دفاع ، نام "خرمشهر" به "خونین شهر" تغییر یافت . (مطبوعات)

— نبرد تن به تن و خانه به خانه در "خونین شهر" همچنان ادامه دارد ، نیروهای عراقی در حوالی کشتارگاه ، راه آهن ، گمرک و بندر این شهر به سنگر بندی مشغولند . نیروهای عراق سنگرها و تانکهای خود را در حوالی آبادان مستقر ساخته اند ، این نیروها روز گذشته بیش از بیست گلوله توپ به مرکز شهر آبادان شلیک کردند . اهالی آبادان از نظر آب و برق همچنان در مضیقه هستند ، اما لحظه ای از مقاومت دست بر نمی دارند . (صبح آزادگان)

— از سوی فرماندار آبادان ، پاسداران و سربازان برای کمک به مردم این شهر فراخوانده شدند .
— با بسته شدن راههای ارتباطی آبادان نبرد در جبهه آبادان و "خونین شهر" اوج گرفت . (خبرگزاری پارس)

— ۲۳ تانک و توپ عراق منهدم شد و حدود ۲۲۵ تن از نیروهای عراقی به هلاکت رسیدند . یک ناو جنگی عراق غرق شد . در بمباران فرودگاه آبادان

چهار نفر کشته شدند . (جمهوری اسلامی)
- سه پل ارتباطی و استراتژیک نیروهای عراق
منهدم شد . خطوط تدارکاتی و یکانهای پشتیبانی
عراق برباد شد . (اطلاعات)
- پیشروی نیروهای ایران از چند طرف بسوی
قصر شیرین آغاز شد . (کیهان)

- انبارهای مهمات بعضی‌ها در زرباتیه منهدم
شد . ناو جنگی عراق در دهانه "فاو" غرق شد .
میگهای عراقی به بوشهر ، خارک ، آبادان و قزوین
حمله کردند . (صبح آزادگان)

- رجایی : "امیدوارم در جهت تجهیز مردم
برای مبارزه‌های طولانی ، گامهای موثری برداریم" .
(خبرگزاری پارس)

- امام خمینی : " ما آنچنان سلیبی به صدام و
حزب بعث عراق بزنیم که دیگر از جا بلند نشود . . .
صدام باید محاکمه بشود ، همانطور که کارتر باید
محاکمه بشود " . (مطبوعات)

- امام خمینی : " گمان می‌کنند عده‌ای که
ما منزوی شده‌ایم بواسطه آمریکا ، خیر ! آمریکا
منزوی شد " . (مطبوعات)

- سپاه پاسداران : " ستون پنجم امپریالیسم را
در تهران افشاء کنید " . (صبح آزادگان)

- بنی‌صدر : " اعمالی که تا به حال بنام هیات
وزیران انجام گرفته است ، غیرقانونی است " .
(انقلاب اسلامی)

- مهندس بازرگان ، دکتر یدالله سجایی و
صادق قطب‌زاده با امام ملاقات کردند . (مطبوعات)
- ابویاد ، از رهبران سازمان آزادیبخش
فلسطین ؛ " آمریکا واروپا امیدوارند که جنگ ادامه
یابد ، زیرا در آن صورت می‌توانند سود سرشاری از
باز سازی صنایع ویران شده دو کشور به جیب بزنند " .
(کیهان)

- جمهوری دموکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی) ؛
" از طرفین (ایران و عراق) میخواهیم تا برای حل
مسالمت‌آمیز این جریان بر سر میز مذاکره بنشینند " .
(جمهوری اسلامی)

- کوزت والد هایم ؛ " جنگ ایران و عراق
طولانی و فرسایشی است " . (کیهان)
- وزیر خارجه آمریکا ؛ " آمریکا به هیچوجه قصد
ندارد رادارهای پرنده خود را از عربستان سعودی
فراخواند ، حتی اگر چنین امری آزادی گروگانهای
آمریکائی را تسریع کند " . (انقلاب اسلامی)

- هیات نمایندگی ایران در سازمان ملل ؛ " عراق ۱۲
دبیلومات ایرانی را گروگان گرفته است " . (کیهان)
- وزیر خارجه آمریکا عراق را مسئول شروع جنگ
دانست . (انقلاب اسلامی)

- رجایی ؛ " ما به هیچوجه مساله آزادی گروگانها را با
مساله دیگری مربوط نمی‌کنیم . . . مساله گروگان ها
ربطی به انتخابات آمریکا یا سالگرد آنها ندارد . . .

چهارشنبه ۳۰ مهر ماه

- آبادان همچنان زیر آتش توپخانه‌های عراق است .
چند میگ عراقی به مناطق مسکونی کوی بازرگان و حوالی
ایستگاه هفت و دوازده در آبادان حمله کردند .
(خبرگزاری پارس)

- فرماندار آبادان ؛ " جهت نقل و انتقال مجروحین
احتیاج مبرمی به آمبولانس است " . (خبرگزاری پارس)

- ۹ مهاجم به یک ستون نظامی در جاده نغده - مهاباد
در سفز کشته شدند . (صبح آزادگان)

- آبادان و خونین شهر همچنان در زیر آتش خمسه خمسه
نیروهای عراق مقاومت می‌کنند . (جمهوری اسلامی)

- نیروهای عراق اهواز را هدف شلیک خمپاره و توپ
قرار داده‌اند . میگهای عراق باراکت نیروگاه رامین اهواز
را مورد حمله قرار دادند . (خبرگزاری پارس)

- نبرد برای پس گرفتن قصر شیرین وارد مراحل سرنوشت
ساز شد . ۱۲ هزار نفر از عشایر مسلح قلخانی وارد
جنگ با عراق شدند . فانتومهای ایران ، توپخانه
عراق را در شمال خونین شهر منهدم کردند . دو انبار
مهمات عراق در اطراف آبادان منهدم شد . (کیهان)

- ۸۵ تانک عراق نابود شد . (اطلاعات)
- هیات نمایندگی ایران در سازمان ملل ؛ " عراق ۱۲
دبیلومات ایرانی را گروگان گرفته است " . (کیهان)

- وزیر خارجه آمریکا عراق را مسئول شروع جنگ
دانست . (انقلاب اسلامی)

- رجایی ؛ " ما به هیچوجه مساله آزادی گروگانها را با
مساله دیگری مربوط نمی‌کنیم . . . مساله گروگان ها
ربطی به انتخابات آمریکا یا سالگرد آنها ندارد . . .

صورت داشتن یک برنامه صحیح مشکل مسکن حل شود .
(میزان)

- تحویل سوخت به اتوموبیل های با پلاک سفید در
سندج ممنوع اعلام شد . (انقلاب اسلامی)

- چهارگروه چریکی در گواتمالا برای سرنگونی رژیم
این کشور متحد شدند . (کیهان)

- آمریکا ۸ میلیون تن غله به شوروی فروخت . برژنف
از مشکلات اقتصادی شوروی انتقاد کرد . (کیهان)

- بدنیال گنجاندن یک ماده فوق العاده در طرح
پیشنهادی اتحادیه های مستقل کارگری لهستان ، که
طی آن رهبری حزب کمونیست پذیرفته شده ، دولت
لهستان اتحادیه های مستقل کارگری را برسمیت شناخت .
(اطلاعات)

- ترکیه از الحاق یونان به شاخه نظامی ناتواستقبال کرد .
(اطلاعات)

- هفته نامه النهار العربی : " جنگ عراق با ایران
اوپیک را از کار انداخته است . حتی پس از جنگ
۲ تا ۳ سال طول میکشد تا اوپیک نقش گذشته خود را
باز یابد . " (میزان)

ربطی به جنگ و وسائل و قطعات یدکی ندارد . . . ما
گروگانها را مسأله نمی دانیم و برای ما مسأله نیست ،
واکنون نیز در حال حلش هستیم و این برای آمریکا
مسأله است ، ما به نتیجه ای که از گروگان گیری انتظار
داشتیم رسیدیم ، فعلا " فکر ما روی جنگ است . "
(مطبوعات)

- وزیر خارجه آمریکا : جنگ ایران و عراق ممکن است
بحران گروگانها را حل کند . (کیهان)

- رجایی : " دولت آمریکا جدا " حاضر به آزادی
گروگانها نیست . " (خبرگزاری پارس)

- والدهایم : " دیپلماسی برای حل بحران گروگان ها
ادامه دارد . " (کیهان)

- در درگیری بین مهاجمین مسلح و نیروهای دولتی ۳۰
نفر در سقرکشته شدند . (صبح آزادگان)

- ۹ مهاجم به یک ستون نظامی در جاده نرده -
مهاباد کشته شدند . (خبرگزاری پارس)

- ۲۳۰ تن از محکومین دادگاه انقلاب اسلامی تبریز
بمناسبت عید قربان آزاد شدند . (کیهان)

- مدیر عامل بانک مسکن : ۱/۵ میلیون واحد مسکونی
در سطح کشور کم داریم - ۱۰ سال طول میکشد تا در

برای فعالیت های فرهنگی و
اجتماعی - و کالاهای مربوط
به آنها آگهی می پذیریم



آزادی زندانیان سیاسی ضعف و تسلیم رژیم در برابر جنش عظیم ملت را هرچه بیشتر نمایان ساخت و مردم را به ادامه مبارزه مصمم تر کرد.

۶ آبان ۵۷

هفته همبستگی در دانشگاه تهران

"هفته همبستگی" در دانشگاه آغاز شد. با گسترش مبارزات مردم در سال ۵۷ کوششهایی نیز شروع شده بود تا در صف متحد خلق شکاف افتد. برای مقابله با این کوششها، دانشگاهیان که همیشه در صف مقدم مبارزه بودند، هفته همبستگی را اعلام کردند. در گردهم آییهای این هفته هزاران نفر شرکت کرده خواستار، لغو حکومت نظامی و مجازات عاملان کشتار مردم شدند.

۸ آبان ۱۳۳۲

اعدام افسران توده‌ای

۶ افسر از اعضای سازمان نظامی حزب توده ایران، بدستور شاه خونخوار و به جرم مخالفت با رژیم پهلوی تیرباران شدند.

تقویم آبانماه

در ایران

۳ آبان ۵۷

آزادی زندانیان سیاسی

با اوجگیری مبارزات خلق، ۱۱۲۶ زندانی سیاسی آزاد شدند. رژیم پهلوی می‌پنداشت که آزادی این زندانیان، که یکی از شعارهای عمده مردم بود می‌تواند قیام ملت را مهار کند. اما آتشی که این فرزندان مبارز و مجاهد خلق از سالیان پیش در ضمیر توده‌ها افروخته بودند، با آزادی آنان شعله‌ورتر از پیش شد. همچنین، برخلاف محاسبات رژیم پهلوی،

۸ آبان ۵۷

هجوم چماقداران به مردم دوشهر غرب

در سپیل ذهاب چماقداران شاهنشاهی برای درهم شکستن تظاهرات مردم بمیدان آمدند و ۶ نفر از مردم را کشتند. در قصر شیرین نیز چماقداران در پناه ما، موران نظامی به کشتار مردم پرداختند.

۹ آبان ۵۷

آزادی طالبانی از زندان

آیت‌الله طالبانی مطهر مقاومت و رهبر محبوب توده‌ها از زندان رژیم شاه آزاد شد. ورود طالبانی به متن مبارزه مردم، سد تازه‌ای را در برابر محافظه-کارها و ساحت و پاخت‌هایی برافراشت که بعضی از مدعیان رهبری نهضت درپیش گرفته بودند.

طالبانی، که وجودش عامل مؤثری در جلوگیری از به انحراف کشانیده شدن جنبش بود، در ۱۹ شهریور ۵۸، در حساس‌ترین مقطع تاریخ‌کنونی کشور، درگذشت.

۱۳ آبان ۱۳۴۲

امام خمینی توسط رژیم شاه به ترکیه تبعید شد. پانزده سال بعد، در نتیجه نهضت عظیم ملت ایران که شاه را از ایران فراری داد، امام به کشور بازگشت.

۱۳ آبان ۵۷

روز نسل انقلاب

در برخورد خونین دانش‌آموزان و دانشجویان تهران با مزدوران رژیم شاه، چندین نفر از قهرمانان نسل انقلاب کشته شدند. این برخوردها یک بار دیگر ماهیت ژنرال‌های خونخوار شاه را برای همگان آشکار کرد. یک فیلم کوتاه تلویزیونی از این برخوردها، اثر قابل ملاحظه‌ای بر روی بسیاری کسانی که هنوز عمق وحشیگری عمال رژیم پهلوی را حس نمی‌کردند، گذاشت.

۱۳ آبان ۵۸

اشغال «جاسوسخانه آمریکا»

سفارت آمریکا و کنسولگریهای آن در اصفهان، شیراز و تبریز بدست گروههایی از دانشجویان مبارز اشغال شد. حمایت مردم از این اقدام، به شعار "بعد از شاه نوبت امریکاست" عینیت تازه‌ای بخشید.

۱۴ آبان ۵۷

تهران در آتش

در حالیکه خیابانهای تهران ناگهان و بطرز غریبی از ما، موران انتظامی و حکومت نظامی خالی شده بود، بسیاری از ساختمانهای دولتی، بانکها، سینماها و فروشگاهها به آتش کشیده شد. دامنه این آتش‌سوزیها

آنچنان بود که هیچ خیابانی از آن مصون نماند. این آتش‌سوزیها، که نقش مستقیم عمال رژیم در آنها عیان بود، توطئه‌ای سازمان یافته بود تا زمین‌رویی-کار آمدن یک دولت نظامی را فراهم کند.

۱۵ آبان ۵۷

دولت نظامی، آخرین مهره شاه

دولت نظامی با شرکت ژنرال‌های فاشیست‌شاه و به ریاست ارسید ازهری تشکیل شد. با روی کار آمدن این دولت، حکومت نظامی در تهران تشدید یافت و سیل سربازان سوی خیابانها و مراکز حماسی شهر روانه شد.

اعتصاب کارکنان رادیو تلویزیون

۸۰۰ نفر کارکنان رادیو تلویزیون بعنوان اعتراض به دولت نظامی دست از کار کشیدند و برنامه‌های رادیو تلویزیون بدست مزدوران نظامی شاه افتاد.

اعتصاب مطبوعات

روزنامه نگاران دومین اعتصاب خود را بعنوان اعتراض به دولت نظامی آغاز کردند.

۱۷ آبان ۱۳۳۳

اعدام سومین گروه افسران توده‌ای

گروه سوم افسران عضو سازمان نظامی حزب توده ایران بدست دژخیمان شاه تیرباران شدند.

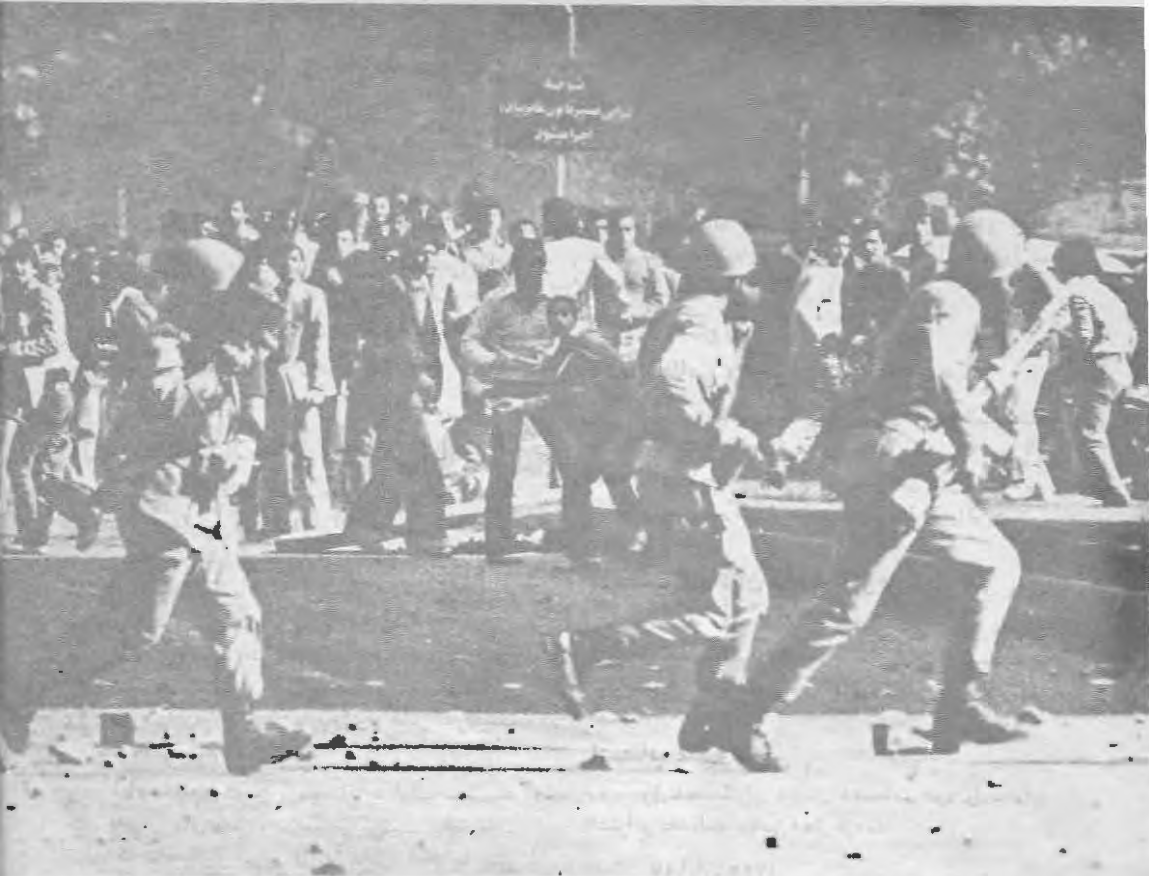
۱۷ آبان ۱۳۳۲

محاکمه دکتر مصدق، رهبر ملی ایران

محاکمه دکتر محمد مصدق به گناه مبارزه با استعمار، در بیدادگاه نظامی جیره‌خواران امریکا، آغاز شد.

اگر چه دست‌نشانندگان امپریالیسم اعدام مصدق را در نظر داشتند اما فشار افکار عمومی سبب شد که دکتر مصدق، نخست وزیر قانونی ایران تنها به سه سال زندان مجرد محکوم شود.

دکتر محمد مصدق در ۱۳۶۱ متولد شد. به سال ۱۲۹۳ از دانشگاه نوشاتل سوئیس دکترای حقوق گرفت در پائیز ۱۲۹۹ به حکومت فارس منصوب شد در آسفند همان سال از شناسائی کودتای سیدضیاء‌الدین طباطبائی - مهره استعمار - امتناع ورزید. به سال ۱۳۰۳ در دوره پنجم قانونگذاری به نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای ملی انتخاب شد. در این دوره با واگذاری سلطنت به رضاخان میرپنج - سردار سپه - مخالفت کرد، در دوره ششم نیز مجدداً به وکالت از طرف مردم انتخاب شد. در چهارم تیر ماه ۱۳۱۹ توقیف و تا آذر همانسال در بیرجند زندانی



۱۳ آبان ، روز کشتار دانشگاه تهران

دربار و عوامل استعمار و ارتجاع را باعث شد اما استعمار انگلیس را در تلاش برای ساقط کردن دولت مصدق به عنوان مانع اصلی منافع امپریالیستی‌اش مصمم‌تر ساخت. انگلیس همچنین در صف جبهه ملی شکاف انداخت و برده از چهره "ملیونی" که خود را در صف جنبش جا زده بودند برگرفت. اینان از همان فردای سی‌تیر به دفاع از دربار و شاه‌خائن برخاستند و به شکلهای گوناگون در صف متحد خلق شکاف انداختند.

یکماه پس از قیام سی‌تیر، اعتصابات حساب شده‌ای از طرف دسته‌های اوباش چاقوکش وابسته به دربار آغاز گردید. قتل‌های دسته‌ای حمله به سازمان‌ها و احزاب سیاسی و آس‌زدن بساط روزنامه فروش‌ها، جو منتسج و ناآرامی را ایجاد کرده و زمینه را برای یک کودتای نظامی آماده می‌ساختند.

اوایل اسفند همان سال رجاله‌های درباری با تسخیر دسته‌های چاقوکش، قدارمبند و چماق‌بندست به قصد کشتن مصدق به منزل وی حمله کردند و سرانجام روز ۲۸ مرداد ۳۲ امریکای جهان‌خوار یکمک پایگاههای داخلی‌اش حکومت ملی دکتر مصدق را برانداخت و در ۱۷ آبان همانسال او را به محاکمه کشید.

در پایان همین محاکمه بود که دکتر مصدق گفت:

شد. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ در دوره چهاردهم و شانزدهم بار دیگر از طرف مردم تهران بوکالت مجلس شورای ملی انتخاب شد. در این دوره برای استیفای حقوق ملت ایران از شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت انگلیس، جبهه ملی را تشکیل داد و بمبارزه پرداخت و در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن صنعت نفت را از تصویب مجلس گذراند.

در اردیبهشت ۱۳۳۰ برای اجرای این قانون و خلع‌ید از شرکت نفت سابق نخست‌وزیری ایران را قبول کرد. در ۲۲ تیر ماه برای اصلاح امور اقتصادی-اجتماعی، از مجلس شورای ملی اختیارات ششماهه خواست اما نمایندگان وابسته به دربار به مخالفت برخاستند و در نتیجه سه روز بعد دکتر مصدق از نخست‌وزیری استعفا کرد. روز بعد به اصرار شاه‌جلاد و بدون حضور نمایندگان طرفدار مصدق در مجلس، احمد قوام - مهره فدیمی استعمار - به نخست‌وزیری برگزیده شد. اما قیام فهروماندگی خلق در سی‌ام تیر توطئه مشترک امریکا و انگلیس را که بدست مردوران و مرتجعین دربار صورت گرفته بود حسی کرد و مصدق بار دیگر نخست‌وزیری را عهده‌دار شد.

قیام سی‌تیر اگر چه سکوت و تعب‌سینی موجب

من اگر محکوم شوم، بگناه مبارزه با دشمن ایران و دست‌عمل بیگانه‌هاست."

رهبر بزرگ مبارزات ضد استبدادی - ضد امپریالیستی ایران، تا واپسین دم حیات آزادی را پاس داشت و هرگز پیمان شکست و با دشمنان خلق، امپریالیست‌ها و وابستگانش سازش نکرد. او نه تنها محرم آزادی و سبیل مبارزات ضد استعماری مردم ما بود بلکه تمامی ملل مشرق نیز این نقش او را اذعان داشتند.

دکتر مصدق در ۱۴ اسفند ۱۳۴۶ زندگی را وداع گفت و با آنکه وصیت کرده بود تا در گورستان شهدای سی‌تیر بخاک سپرده شود، اما بدستور رژیم پهلوی که از مرده او نیز می‌ترسید ۷ در همان خانه خود در دهکده احمدآباد دفن شد.

۱۹ آبان ۱۳۳۳

اعدام دکتر حسین فاطمی

دکتر حسین فاطمی، وزیر امور خارجه دکتر محمد مصدق و یکی از فرزندان دلاور خلق ایران به وسیله دژخیمان شاه به جوخه اعدام سپرده شد. دکتر فاطمی در سال ۱۳۹۸ در نائین بدنیا آمد. با نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق، وی به معاونت نخست‌وزیری برگزیده شد.

با قیام سی‌تیر و نخست‌وزیری مجدد دکتر مصدق، او وزیر امور خارجه شد و بدستور مصدق رابطه ایران و انگلستان را قطع کرد. پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد در بیدادگاه رژیم به جرم کینه عمیق نسبت به امپریالیسم و استعمار و به گناه دشمنی پیگیر با آن، به اعدام محکوم شد و در سحرگاه ۱۹ آبان ۱۳۳۳ در حالیکه در تب می‌سوخت از بستر بیماری به میدان تیر برده و اعدام شد.

در جهان

۲۴ آبان (۲۴ اکتبر ۱۵۱۱ میلادی)

تولد «سروه» قرآنی

"میشل سروه" یزید و محقق مدیسی در شهر "ریلانوا" در آسیانیا بدنیا آمد. سروه آثار متعددی در زمینه‌های مذهبی نوشته و همچنین گفته میشود که به اصول گردش خون در بدن پی برده. بسبب این که در یکی از آثار خود الوهیت حضرت مسیح را انکار کرده بود، و نیز شاید بخاطر نظریاتش در باره گردش خون مورد خشم ارتجاع مسیحی حاکم بر قرون وسطی قرار گرفت و در ۲۹ نوامبر ۱۵۵۳ در آتش سوزانده شد.

۲۸ آبان (۳۰ اکتبر ۱۹۱۰ میلادی)

مرگ «هانری دونان» بنیان‌گذار صلیب

سرخ بین‌المللی

"هانری دونان" بنیان‌گذار صلیب سرخ بین‌المللی در ۷۲ سالگی با زندگی وداع کرد. "دونان" در سال ۱۸۲۸ میلادی در "ژنو" متولد شد. او که از جنگ نبرد داشت به حمایت از زخمی‌شدگان جنگها برخاست و برای نجات آنان از مرگ "صلیب سرخ" را بنیان نهاد. او به خاطر این عمل انساندوستانه‌اش در سال ۱۹۰۱ به دریافت جایزه صلح نوبل نایل آمد.

۱۰ آبان (اول نوامبر ۱۹۵۴ میلادی)

آغاز نبرد رهایی بخش الجزایر

نبرد رهایی بخش الجزایر با قیام سی‌گروه از انقلابیون این سرزمین آغاز شد. این قیام خونین، در یک‌روز قدس مسیحی بنام "قدیسین" اتفاق افتاد و "احمدبن بلا" رئیس کمیته انقلاب الجزایر در قاهره جنگ استقلال را اعلام کرد.

الجزایر در سال ۱۸۳۰ تحت سلطه فرانسه بود. در جنگ جهانی دوم بسیاری از الجزایریان باور داشتند که پس از پایان جنگ "امتیازویژه‌ای" به الجزایر داده خواهد شد اما در عوض فرانسویان در سالروز تسلیم نیروهای آلمان، بدترین ستمها را در تاریخ الجزایر در مناطق ستیف و کنستانتین بیار آوردند که منجر به کشته شدن ۴۰ هزار الجزایری شد.

بیداری و خروش ناشی از این کشتار موجب شد که گروهی از میهن‌پرستان جوان "سازمان مخفی" را بنیان نهند و سرانجام "جبهه آزادیبخش الجزایر" را بوجود آوردند. عملیات انقلابی این جبهه بطور همزمان و در سراسر کشور در اول نوامبر ۱۹۵۴ آغاز شد.

انقلاب روزبروز گسترده تر شد. در ۲۲ اکتبر ۱۹۵۵ قیامی دیگر در ناحیه اوران آغاز گشت، ناحیه‌ای که تا آنزمان درگزارش‌های فرانسویان ناحیه‌ای کاملاً آرام قلمداد شده بود.

کمی بعد کوه‌تشیان "ورسنی" نیز به نوبه خود قیام کردند. جبهه آزادیبخش ملی در سرتاسر الجزایر می‌جنگید اما بودند کسانی که خارج از گود خواب قدرت را می‌دیدند بطوریکه بن بلا در یک مصاحبه گفت "این ما بودیم که شاه‌بلوطهای استقلال را از آتش بیرون آورده بودیم، لیکن برادران ما در آنسوی مرزها از خوردن آن لذت می‌بردند."

همزمان با گسترش انقلاب، آمریکا نیز بیکار نشست. امریکایی‌ها شبکه‌ای اطلاعاتی تشکیل دادند و

از همکاری عناصر میانه‌رو و بشدت محافظه‌کار حزب فرحت عباس و علما برخوردار بودند. این شبکه توسط یک امریکایی مسلمان‌الاصل از کشور لیبی اداره میشد. "سیا" با اینکار میخواست ملیون الجزایر را علیه فرانسویان مسلح کند تا پس از استقلال، خود جای آنها را بگیرد و از طرف دیگر محافظه‌کاران الجزایری را در قبال آندسته از الجزایریانی که احتمال میرفت پس از استقلال به سوسیالیسم گرایش پیدا کنند تقویت کند.

در آن هنگام که قیام خلق الجزایر زبانه کشید، بودند کسانی که سیاست "صبروانتظار" را تبلیغ می‌کردند. کسانی که رهایی و استقلال را از روزولت گدایی می‌کردند و انقلاب الجزایر را ماجراجویی مثنی جوان هرج و مرج طلب می‌دانستند و می‌خواستند در نیمه راه با استعمارگران کنار بیایند اما انقلاب الجزایر همه زدوبندهای احتمالی را برهم زد و در بستری از خون راه خلق را هموار ساخت تا سرانجام در سوم ژوئیه ۱۹۶۲ خلق الجزایر استقلال خویش را بازیسی گرفت.

۱۱ آبان (۲ نوامبر ۱۹۱۷)

انتشار اعلامیه بالفور

اعلامیه امپریالیستی بالفور از طرف انگلیس صادر شد. و تلاشهای ۲۰ ساله صهیونیست‌ها برای تحت سلطه درآوردن فلسطینی‌ها رسمیت یافت. اولین کنگره صهیونیسم در شهر "بال" سوئیس به ریاست هرتزل در سال ۱۸۹۷ میلادی برگزار شد و هدف خویش را چنین بیان کرد:

"هدف صهیونیسم عبارت از ایجاد یک وطن قومی برای ملت یهود در سرزمین فلسطین است" جنگ جهانی اول عامل اتحادی شد که به سال ۱۹۱۷ میان امپریالیسم انگلیس و استعمار صهیونیسم برقرار گردید و براساس آن انگلیس در ۲ نوامبر ۱۹۱۷ خط مشی سیاسی خود را بطور رسمی تحت عنوان "اعلامیه بالفور" روشن ساخت. بموجب این اعلامیه انگلستان متعهد میشد که از استقرار یک "کانون ملی" یهود در فلسطین حمایت کند. و این در حالی بود که ۹۲ درصد جمعیت فلسطین عرب بودند. "کانون ملی یهود" طبق اعلامیه بالفور در حقیقت جز ابزاری مطمئن در جهت مستعمره کردن فلسطین نبود. از این به بعد امپریالیسم انگلیس دروازه‌های فلسطین را بر روی مهاجرت وسیع صهیونیست‌ها گشود و در طی سی سال قیومت انگلیس، جماعت مستعمره‌نشین صهیونیسم دوازده برابر جماعتی شد که در ۱۹۱۷ در فلسطین بود. خلق فلسطین بر ضد این توطئه صهیونیستی - استعماری بپا خاست و قیامهای بسیاری را در سالهای میان ۱۹۱۷ تا ۱۹۴۸ برپا کرد. در سال

۱۹۳۶ امواج سهمگین اعتصابات تمامی فلسطین را فرا گرفت و طولانی‌ترین اعتصاب بمدت ۶ ماه ادامه یافت. در برابر مقاومت و مبارزه خلق فلسطین، صهیونیست‌ها یارای تحمل نداشتند و ناگزیر امپریالیسم انگلستان ۱۰۰ هزار سرباز یعنی یک سوم ارتش خود را برای سرکوب و فراهم آوردن جو ترور و اختناق به فلسطین اعزام کرد.

جنگ دوم جهانی موجب بهم خوردن اتحاد انگلیس - صهیونیسم شد. از طرف دیگر با ورود امریکا بعنوان قدرت جهانی فعال به صحنه، و منافع اقتصادی و سوق الجیشی که امریکا در خاورمیانه داشت و نیز تمایل شدید سیاستمداران امریکایی نسبت به صهیونیسم، صهیونیست‌ها دورنمای تغییر و تحول را در سیمای پدرخوانده جدید خود دیدند.

دیوید بن گوریون در این باره گفت: "من هیچ شکی ندارم که مرکز ثقل فعالیت‌های سیاسی ما باید از انگلستان به امریکا انتقال یابد چرا که امریکا در حال حاضر قدرت رهبری کننده جهان را بخود اختصاص داده است. امریکا کشوری است که بیشترین و با نفوذترین تعداد یهودیان را میتوان در آنجا یافت." به این ترتیب با پشتیبانی امپریالیسم امریکا و نیز طرح تجزیه طلبانه سازمان ملل مبنی بر تجزیه خاک فلسطین و تشکیل دولت اسرائیل، صهیونیست‌ها شروع به غصب و تجزیه سرزمین‌های جدید کردند. در آوریل ۱۹۴۸ پنجمه‌های کریمه صهیونیسم از آستین سازمان تروریستی "آرگون" بدرآمد و تمام اهالی دهکده فلسطینی "دیرباسین" را وحشیانه قتل عام کرد. یکماه بعد در ۱۴ مه ۱۹۴۸ دیوید بن گورین تاه سیس دولت اسرائیل را اعلام کرد و ۱۰ دقیقه بعد، ترومن، رئیس جمهور امریکا آنرا برسمیت شناخت و بلافاصله ۱۰۰ میلیون دلار وام برای دولت جدید التاه سیس اسرائیل مورد تصویب قرار گرفت. اما خلق فلسطین که تصمیم دارد با تکیه بر نیروی خود و با قدرت ایمان و عشق به میهن سرانجام سرزمین اجدادی خود را بازپس گیرد و صهیونیسم و استعمار را به جایگاه اصلی خویش - زباله‌دان تاریخ - بازگرداند، از آن زمان تاکنون، بر مبارزه خود با صهیونیسم افزوده و دم به دم به قدم به پیروزی نزدیک‌تر شده است.

۱۶ آبان (۷ نوامبر ۱۹۱۷ به تقویم قدیم روسی)

سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

انقلاب کبیر اکتبر به فرمان لنین رهبر آزادیخواهان روسیه تزاری با شلیک گلوله‌ای از دهانه توب رزمنو "اورورا" اعلام شد و بدینگونه، یکی از تاریخی‌ترین انقلابهای جهان آغاز گشت.

با آغاز جنگ جهانی اول و درگیر شدن ارتش
تزاری در آن، تضادهای موجود در جامعه روسیه هرچه
گسترده‌تر شد و شورش‌ها بر اثر فحطی و آشفتنی اوضاع
افزون گشت.

بعد از انقلاب بورژوازی ماه فوریه، در ۱۷
آوریل ۱۹۱۷ لنین که در سوئیس اقامت داشت به
یتروگراد بازگشت و رهبری حزب و طبقه‌کارگر روسیه را
از نزدیک بدست گرفت. با ورود لنین و سخنان آتشینش
حزب بلشویک تحرکی بیشتر یافت. افزایش روزافزون
قدرت بلشویک‌ها "کرنسکی" رهبر دولت بورژوازی را به
وحشت انداخته و وادار به سرکوب آنان ساخت. ابتدا
تبلیغات دامنه‌داری ضد لنین شروع شد. او را عامل و
مزدور آلمان معرفی کردند که برای آشفته ساختن
روسیه فرستاده شده است. پس از این تبلیغات،
کرنسکی دستور توقیف لنین را صادر کرد. بسیاری از
بلشویک‌ها بازداشت شدند و روزنامه‌هایشان توقیف
شد.

سرانجام بلشویک‌ها برآن شدند تا با تکیا به

نیروی زحمتکشان روسیه، قدرت را بدست گیرند. در ۷
نوامبر ۱۹۱۷ گارد سرخ و افراد ارتش انقلابی
ایستگاه‌های راه‌آهن، پستخانه، تلگرافخانه
وزارت‌خانه و بانک دولتی را اشغال کردند.

رزم‌ناو "اورورا" با غرش توپ‌های خود که به
سوی کاخ زمستانی متوجه بود ۷ روزمیر، آغاز
انقلاب کبیر سوسیالیستی را مژده داد. پیام
بلشویک‌ها ب مردم روسیه منتشر شد که در آن گفته
میشد: "حکومت بورژوازی سرنگون شده و حاکمیت
دولتی بدست شوراها افتاده است."

و این نخستین بار بود که در تاریخ بشر،
نمایندگان فقیرترین طبقات و مخصوصا نمایندگان
کارگران صنعتی در رأس یک کشور قرار می‌گرفتند.
پس از سقوط حکومت بورژوازی کرنسکی و موفقیت
انقلاب در ۸ نوامبر، کنگره شوراهاى سراسر روسیه شعار
"صلح و زیستن" را اعلام داشت و از این تاریخ لنین
بعنوان "صدر شورای کمیسرهاى خلق" رهبری دولت
شوروی را بدست گرفت.



